



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

ایثار و شهادت

در

مکتب امام خمینی

[رحمه الله علیه]

تنظیم و نشر آثار امام خمینی
استخراج و تنظیم موسسه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ايتار و شهادت در مكتب امام خميني

نويسنده:

موسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني رحمه الله عليه

ناشر چاپي:

موسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني رحمه الله عليه

ناشر ديگيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی (رحمه الله علیه)
۸	مشخصات کتاب
۸	مقدمه
۱۵	فرهنگ شهادت
۱۵	مفهوم ایثار و شهادت
۲۴	مقام شهدا
۵۰	اهداف شهدا و ایثارگران
۸۹	آثار و برکات خون شهدا و مجاهدین
۱۰۹	روحیات شهدا و ایثارگران
۱۲۵	ادعیه و ابراز عواطف و همدلی امام نسبت به شهدا
۱۳۴	خانواده ی شهدا
۱۳۴	خاستگاه اجتماعی شهدا و ایثارگران
۱۴۳	موضع و مقام خانواده ی شهدا
۱۵۵	توصیه به خانواده شهدا
۱۶۲	وظایف ما نسبت به خانواده ی شهدا و ایثارگران
۱۶۲	وظیفه ی مردم نسبت به خانواده ی شهدا و ایثارگران
۱۸۶	وظیفه ی دولت در رسیدگی به خانواده ی شهدا (بنیاد شهید)
۱۹۸	سایر ایثارگران
۱۹۸	جانبازان
۲۰۵	آزادگان
۲۰۶	مهاجرین جنگ تحمیلی
۲۱۵	بستر تاریخی ایثار و شهادت
۲۱۵	قبل از اسلام

۲۱۹	زمان پیامبر و ائمه اطهار
۲۲۶	قیام عاشورا تبلور فرهنگ شهادت
۲۲۶	علل و عوامل قیام عاشورا
۲۳۳	اهداف قیام عاشورا
۲۳۹	انتخاب آگاهانه شهدای کربلا
۲۴۱	نتایج و آثار قیام ابا عبدالله
۲۴۸	قیام عاشورا اسوه آزادگان
۲۵۶	ایام الله خونبار در انقلاب اسلامی ایران
۲۵۶	پانزده خرداد یکهزار و سیصد و چهل و دو
۲۷۳	هفدهم شهریور یکهزار و سیصد و پنجاه و هفت
۲۷۷	هفتم تیر یکهزار و سیصد و شصت
۲۸۷	هشتم شهریور یکهزار و سیصد و شصت
۲۹۹	حج خونین یکهزار و سیصد و شصت و شش
۳۱۱	اسوه های شهادت در عصر حاضر
۳۱۱	شهید سید حسن مدرس
۳۲۱	شهید سید محمدرضا سعیدی
۳۲۱	شهید مرتضی مطهری
۳۲۸	شهید مهدی عراقی
۳۲۹	شهید سید محمدعلی قاضی طباطبایی
۳۳۱	شهید محمد مفتاح
۳۳۲	شهید سید محمدباقر صدر
۳۳۴	شهید محمدحسین فهمیده
۳۳۴	شهید مصطفی چمران
۳۳۵	شهید سید محمد حسینی بهشتی و شهید محمد منتظری
۳۳۶	شهید محمدعلی رجائی و شهید محمدجواد باهنر
۳۳۶	شهید علی قدوسی

- ۳۳۸ شهید سید اسدالله مدنی
- ۳۴۱ شهید سید عبدالکریم هاشمی نژاد
- ۳۴۳ شهدای سانحه هوایی
- ۳۴۵ شهید سید عبدالحسین دستغیب
- ۳۵۰ شهید محمد صدوقی
- ۳۵۳ شهید عطاءالله اشرفی اصفهانی
- ۳۵۶ شهداء خانواده آیت الله محسن حکیم
- ۳۵۷ شهید مهدی شاه آبادی
- ۳۵۷ شهید فضل الله محلاتی
- ۳۵۸ شهید سید عارف حسین حسینی
- ۳۶۱ احکام و استفتائات مربوط به شهدا
- ۳۶۱ شهدای معرکه جنگ
- ۳۶۳ شهدای خارج از معرکه
- ۳۶۶ مزار شهدا
- ۳۶۷ مسائل متفرقه
- ۳۶۸ پاورقی
- ۴۲۴ درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه : خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، 1368 - 1279

عنوان و نام پدیدآور : ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی (س) / استخراج و تنظیم موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)؛ باهمکاری بنیاد شهید انقلاب اسلامی

مشخصات نشر : تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)؛ بنیاد شهید انقلاب اسلامی، 1375.

مشخصات ظاهری : ص 387

فروست : ((کوثر))؛ تبیان: آثار موضوعی؛ دفتر یازدهم)

شابک : 5500ریال

وضعیت فهرست نویسی : فهرست نویسی قبلی

یادداشت : کتابنامه: ص. [351] - 387

موضوع : خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، 1368 - 1279 -- نظریه درباره ایثارگران

موضوع : خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، 1368 - 1279 -- نظریه درباره شهیدان

شناسه افزوده : موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

شناسه افزوده : بنیاد شهید انقلاب اسلامی

رده بندی کنگره : DSR1574/5 / الف9 الف9 1375

رده بندی دیویی : 955/0842

شماره کتابشناسی ملی : م 76-11404

مقدمه

شهادت از جمله مفاهیم والایی است که ویژه ی قیامها و انقلابهای مکتبی و الهی است. انقلاب ما نیز این این قاعده مستثنی نبوده، بلکه با بهره گیری از فرهنگ غنی و متعالی اسلام، شهادت را که می رفت به دست فراموشی سپرده شود، روح و حیاتی تازه بخشید. نباید از نظر دور داشت که در جامعه ی ما استمرار فرهنگ شهادت، ریشه در سوگواریهای منبعث از قیام عاشورا داشته و احیای آن به دست مصلحان

دين، با غباررويي از چهره ي تابناك قهرمانان صحنه ي كربلا، صورت گرفته است. اگر سنت روضه خواني و مراسم سوگواري نبود، شايد هرگز خاطره اي از حماسه حسيني باقي نمي ماند و لذا هرگز نمونه اي عيني و مجسم از شهيد و شهادت كه به مدد

آن بتوان پای در میدان جهاد نهاد و پایمردی و جانفشانی کرد در دست نبود.

شهادت در این قاموس فداکردن جان خویش در راه ارزشهای الهی و دستیابی به حیاتی ابدی است. به همین دلیل اگر کسی فاقد مایه های معنوی باشد، شهادت طلبی او معنایی نخواهد داشت. این خداپاوری و معاداندیشی است که به شهادت معنا می دهد و از آنجا که در این نوع جهان بینی، شهید به حیاتی والاتر و لایزال دست می یابد، جان نثاری اش معقول است و گرنه عاقلانه نیست که کسی برای دستیابی به رفاه و زندگی دنیایی خود یا دیگران، از جان خویش درگذرد. شهادت و شهادت طلبی، میوه ی شجره طیبه اعتقاد به «احدی الحسین» است که یکی از دو پیروزی را برای مجاهدان در راه خدا نوید می دهد.

[صفحه 10]

به فرموده حضرت امام خمینی (ره) «مقام شهادت، اوج بندگی و سیر و سلوک در عالم معناست و نهایت ایمان، همانا ایمان عاشقانه است. شهادت ارثی است که از اولیا به ما می رسد. شهید خورشیدی است که بر انقلاب پرتو می افکند و شهادت چراغ هدایت ملتهاست. این ملت با عشق به شهادت، پیش رفت و این نهضت را به پیروزی رساند. اینکه ملت شهادت را خواست و گرایش به زندگی دنیوی را کنار گذاشت، تحولی بود فرخنده که همواره باید آن را پاس داشت و نگذاشت با سرد و کمرنگ شدن شعله فروزان عشق و شهادت، علایق دنیوی و مادی، آنها را مسخ کرده، از این سستی و فتور، خونهای پاک شهدا هدر رود.»

اما سخن در این است که این پیامهای الهی و

سرودهاي رهايي را که به عنوان ميراث عاشوراي حسيني در کلام و پيام امام تجلي کرده بود به کساني شنيدند و به جان دريافتند؟ به عبارت ديگر طلایه داران جانبازي و شهادت در اين انقلاب و دفاع هشت ساله از کدامين قبیله بودند؟ بي هيچ اغراق و تعارفي، بار اصلي بر دوش طبقات محروم و مستضعف بود. پس چه جاي شگفتي است اگر پيشوای مستضعفان بفرمايد «يك تار موي اين کوخ نشينان و شهيد داده ها به کاخ نشينان جهان، شرف و برتري دارد» و از همين جاست که مي توان گفت: «چه مسؤوليتي بزرگتر و سنگين تر از رسيدگي به بازماندگان اين از جان گذشتگان و پيشتازان عشق و شهادت؟ خدمتي که ارزشش از هر خدمتي بيشتري و در حکم خدمت به نبي اکرم (ص) است. بديهي است که شهادت در راه خدا چيزي نيست که بتوان آن را با سنجش هاي بشري و انگيزه هاي مادي ارزيابي کرد، ليکن مراقبت دلسوزانه از حال خانواده هاي شهدا و خدمتگزاران و احترام به ايشان يك تکليف الهي است. و اين موضوع در حد امتياز لفظي و عرفي کافي نبوده، بلکه بايد در متن قانون و در عمل پياده شود تا آنجا که، بايد مصلحت پابرهنه ها و شهيد داده ها، بر مصلحت مرفهين بي درد، مقدم باشد.»

اما نزد امام، دفتر فيض شهادت، پرونده مختومه اي نيست که خدمت به خانواده شهدا آخرين برگ آن باشد بلکه براي آن عارف و اصل، فرهنگ شهادت چشمه پرفيضي است که فرزندان شهدا مظهر تراوش فيوضات آن محسوب مي شوند و از اين جهت مي فرمايند:

[صفحه 11]

«چه افتخاري بالاتر از اينکه ما در تداوم

انقلاب، ذخیره های عظیمی چون فرزندان محترم شهدا داریم که حضورشان یادآور رشادتها و فداکاریهای رادمردانی است که برکت خونهای پاک آنان، انقلاب اسلامی بارور گردیده است، آنان بار امانت پدرانشان را که میراث عزت و افتخار است، به خوبی بر دوش کشیده، با جدیت به تحصیل علم و کسب معرفت می پردازند. بنابراین بر دست اندرکاران و مسؤولین کشور است که بیش از پیش به امور فرهنگی این عزیزان اهتمام نمایند، باشد که این شجره طیبه به بالندگی خود ادامه دهد و بشریت از ثمره پربرکت آن بهره مند گردد.»

با این تلقی از شهادت است که باید ملتمسانه دعا کرد:

«خداوندا، دفتر و کتاب شهادت را همچنان به روی مشتاقان باز بگذار و ما را هم از وصول به آن محروم مکن.»

ویژگیهای این مجموعه

این مجموعه که در حوزه معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) استخراج و با همکاری کارشناسان مرکز پژوهشهای فرهنگی «بنیاد شهید انقلاب اسلامی» تنظیم شده و به مناسبت برگزاری دومین کنگره بین المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا منتشر می گردد، مشتمل بر «7 فصل است:

فصل اول که عنوان «فرهنگ شهادت» یافته است به مفهوم ایثار و شهادت، مقام، اهداف و آثار و برکات شهدا اشاره دارد و پرداختن به حالات شهدا و ادعیه و جملاتی که همدمی امام را نسبت به شهدا نشان می دهد از آخرین مباحث این فصل به شمار می رود.

فصل دوم به خانواده شهدا اختصاص یافته که در ضمن آن به خاستگاه اجتماعی شهدا و ایثارگران و مقام خانواده شهدا اشاره شده است، توصیه به خانواده شهدا و وظایف

ما نسبت به آنان آخرین مباحث آن را تشکیل می دهد.

فصل سوم، سایر ایثارگران یعنی جانبازان، آزادگان و مهاجرین جنگ تحمیلی را مطرح می کند.

فصل چهارم به بستر تاریخی ایثار و شهادت که سرچشمه ی کوثر شهادت در انقلاب اسلامی محسوب می گردد پرداخته شده است و در این فصل، قیام عاشورا به عنوان تبلور

[صفحه 12]

فرهنگ شهادت، جایگاه ویژه ای یافته است. هرچند مجموعه مربوط به قیام عاشورا در مجلد جداگانه ای از طرف این مؤسسه منتشر شده است ولی بخشی از آن مجموعه نیز در این فصل آورده شده است.

فصل پنجم به ایام الله خونبار در انقلاب اسلامی ایران اختصاص دارد و در فصل ششم، اسوه های شهادت در عصر حاضر از زبان امام معرفی شده اند، لازم است اشاره کنیم در این فصل، منحصرأ به ذکر مباحثی پرداخته ایم که حضرت امام بعد از شهادت آن عزیزان مطرح کرده اند و از آوردن مطالبی که مربوط به قبل از شهادت آنان بوده خودداری شده است.

فصل هفتم به فتاوا و استفتائات مربوط به احکام شهید و شهادت اختصاص دارد و از مجموعه استفتائات، صرفاً به آن دسته که حاوی حکم و نظر معینی بوده اکتفا شده است. لذا سؤالا و پاسخهایی که مضمون نسبتاً مشابهی داشته اند حذف گردیده است.

در تنظیم این مجموعه، حتی الامکان کوشیده ایم، عبارتها را با توجه به پیام صریح و اصلی آنها ذیل نزدیکترین عنوان خاص انتخابی بیاوریم و از تکرار آنها در سایر عناوین خودداری کنیم، به همین دلیل در بسیاری از موارد، ممکن است مطلبی که ذیل يك عنوان خاص آمده است؛ حاوی

پیامی مربوط به عنوان دیگر نیز باشد که به استثنای موارد معدود، در عنوان بعدی تکرار نشده است. لذا محققین محترم برای احصای نقطه نظرات حضرت امام در خصوص هر عنوان، نمی توانند به موارد ذکر شده ذیل همان عنوان اکتفا نمایند بلکه مراجعه به سایر عناوین این مجموعه اجتناب ناپذیر است.

علاوه بر انتخاب عناوین و سرفصلهای مطالب این کتاب، برای هر یک از قطعات منتخب نیز جمله یا عنوانی در نظر گرفته شده است که عبارت از لزوم عین عبارت حضرت امام نیست، هرچند کوشش شده است به تعابیر امام نزدیک باشد، لذا خوانندگان و محققان محترم باید توجه داشته باشند که عناوین هر یک از قطعات منتخب که با حروف سیاه نگاشته شده است از تنظیم کنندگان این مجموعه می باشد و نباید به حضرت امام منتسب گردد.

در تنظیم قطعات منتخب داخلی هر یک از فصول و عناوین فرعی، ترتیب و توالی تاریخی صدور آنها از طرف حضرت امام ملاک بوده است، نه توالی منطقی مطالب.

[صفحه 13]

از آنجا که حضرت امام در مباحث خود پیرامون حادثه خونبار هفتم تیر و هشتم شهریور 1360 به شخصیت شهدای برجسته این دو حادثه اشارات مکرری دارند آوردن مطالب مربوط به این حوادث و شهدای آن به طور مجزا مقدور نبود. لذا مطالب مورد نظر، ذیل حوادث مذکور آورده شد و در فصل مربوط به هر یک از اسوه های شهادت، مباحث مربوط به شهید بهشتی، شهید محمد منتظری و شهید رجایی و شهید باهنر، به آن مباحث ارجاع داده شد.

از خداوند متعال می خواهیم تا حضرت روح الله، امام

شهیدان انقلاب اسلامی را در جوار سیدالشهدا، حضرت حسین بن علی علیه السلام و دیگر صالحان و شهیدان، میزبان فرزندان ایثارگر خود قرار دهد و به ما نیز توفیق شرکت در این محفل انس را عنایت فرماید.

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

[صفحه 17]

فرهنگ شهادت

مفهوم ایثار و شهادت

کشته شدن در راه خدا سرافرازی است

بر همه اقشار ملت تکلیف الهی و وجدانی است که با اتحاد کلمه و بدون هراسی از قدرتها و ابرقدرتها، هدف اسلامی خود را تعقیب و گلوی این ستمگر تاریخ [1] را بفشارند و با قاطعیت و جدیت به سوی هدف پیش روند که وعده خداوند به مستضعفین نزدیک است و کشتن و کشته شدن در راه خدا سرافرازی است. [2].

تاریخ 57/8/16

شهادت، افتخار است

من شهادت در راه حق و اهداف الهی را افتخار جاودانی می دانم. [3].

تاریخ 57/9/1

اعتقاد به معنویت پشتوانه شهادت است

من نمی توانم باور کنم که کسی مبادی معنوی نداشته باشد و برای مردم کوشش کند. من اصلاً باورم نمی آید. اینهایی که مبادی معنوی دارند، اینهایی که خدا قایلند، اینهایی که جزا قایلند، اینهایی که عطا قایلند، اینها تعقل دارد که یک کسی جان خودش را بدهد یک جان بالاتر بگیرد، همه چیزش را بدهد و از خدا زیادت، آنقدری که هیچ چشمی نمی تواند

[صفحه 18]

ببیند و هیچ گوشی نمی توان بشنود بگیرد. این معقول است که ما یکی بدیم صد تا بگیریم. یک جانی که توی این کالبد

محبوس است بدهیم، آزاد بشویم به جانی که الهی است، آزاد است، محیط است، همه چیز است، اراده اش فعال است می گوید بشو، می شود، هرچه و هرکه بخواهد می شود، یک همچو چیزی بگیرد. این معقول است که انسان در اینجا فداکاری کند و جانش را بدهد اما آن کسی که این مبادی را ندارد یا بسیار احمق است یا دروغ است مطلب. من می گویم دروغ است مطلب، تعمیه است. اینکه «من برای مردم، برای توده دارم زحمت می کشم». [4].

تاریخ 57/11/1

شهادت عزت شماس

در این دل‌های شب با خدای تبارک و تعالی مناجات کنید، از خدا بخواهید که شما را توفیق بدهد، توفیق شهادت بدهد، توفیق عزت بدهد، شهادت عزت شماس، شما نرسید از هیچ چیز. [5].

تاریخ 57/12/14

شهادت، سعادت همیشگی

اگر نفس خودتان را تصفیه کردید، باک از هیچ چیز نداشته باشید، مردن چیز سهلی است، چیز مهمی نیست، این است که حضرت امیر سلام الله علیه مولای همه، می فرمود که من به موت آنقدر انس دارم که بیشتر از انسی که بچه به پستان مادرش دارد. [6] برای اینکه او فهمیده بود که دنیا چیست و ماوراء چیست، فهمیده بود که موت یعنی چه، موت حیات است، ما شهید دادیم لکن شهیدان ما زنده اند، پیش خدا زنده اند، آنجا رزق می خورند، ابدی هستند آنها و ما هم از خدا می خواهیم که موفق به شهادت بشویم، یک آن است و سعادت همیشگی، زحمت یک آن، سعادت همیشگی دنبالش، سعادت همیشگی. [7].

تاریخ 57/12/14

[صفحه 19]

شهادت سعادت است

شهادت برای مسلم، برای مؤمن سعادت است. جوانهای ما شهادت را سعادت می دانند این رمز پیروزی است. آنها که مادی هستند و مادیگر، آنها هرگز شهادت را نمی خواهند، ولی جوانان ما شهادت را سعادت خودشان می دانند، اول راحت خودشان می دانند. این رمز پیروزی بود. آنها که گمان کردند می توانند در این برهه از زمان بین جوانان من، بین جوانان ما، بین عزیزان ما اختلاف بیندازند، در اشتباهند. جوانان ما همه به اسلام متوجهند، همه با ایمان راسخ به پیش می روند. [8].

تاریخ 58/2/5

شهادت رهایی از زندان است

یکی از فرقه‌های مکتب اسلام، مکتب توحید یا مکتبهای انحرافی، مکتبهای الحادی این است که رجال این مکتب شهادت را برای خودشان فوز عظیم می دانند «یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزا عظیما» [9] از شهادت استقبال می کنند چون قایل هستند به اینکه ما بعد این عالم طبیعت، عالمهای بالاتر، نورانی تر از این عالم است. مؤمن در این عالم در زندان است و بعد از شهادت از زندان بیرون می رود. این یکی از فرقه‌هایی است که بین مکتب ما، مکتب توحید با سایر مکتبهاست. جوانهای ما شهادت را طالبند، علمای متعهد ما برای شهادت پیشقدم می شوند. آنهایی که به خدا اعتقاد ندارند و به روز جزا، آنها باید بترسند از موت، آنها از شهادت باید بترسند. ما و شاگردان مکتب توحید از شهادت نمی هراسیم، نمی ترسیم، بیایند امتحان کنند چنانچه امتحان کردند. [10].

تاریخ 58/2/14

ما شهادت را حیات می دانیم

ما

شهادت را براي خودمان حيات مي دانيم. دوستان ما شهادت را براي خودشان زندگي مي دانند. مکتب اسلام اينطور است. اين مکتب اسلام است که شهادت را زندگي

[صفحه 20]

مي داند. اين مکتب اسلام است که اين بچه را پيش من مي نشانند و از حلقوم او مي شنويم که ما براي شهادت حاضریم. [11].

تاريخ 58/2/15

شهادت عامل پيروي است

اسلام است که اين پيروي را حاصل کرده، شهادت است که اين پيروي را حاصل کرده، شهادت هم حفظ اسلام است، از اول اسلام با شهادت پيش برده، حالا هم که مي بينيد که جوانهاي ما شهادت را مي خواهند. همين امروز هم که من اين بيرون ايستاده بودم يك جوان برومندي فرياد مي کرد از آنجا که شما دعا كنيد که من شهيد بشوم. اين حس بود که ما را پيش برد، اين حس شهادت بود و اين حس جلو آمدن براي اسلام و شهادت بود که ما را به پيروي رساند. [12].

تاريخ 58/3/11

شهادت زندگي است

اسلام شهادت را براي خودش زندگي مي داند. کسي که شهادت را زندگي دانست براي خودش، زندگي ابدي دانست براي خودش، اين در مقابل غير مي ايستد و آخر نفس را مي کشد و شهادت طلب مي کند. [13].

تاريخ 58/3/23

شهادت ميراث اوليا

بدخواهان ما گمان نکنند که جوانهاي ما از مردن، از شهادت باکي دارند. شهادت ارثي است که از اوليا ما به ما مي رسد. آنها بايد از مردن بترسند که بعد از مرگ، موت

رافنا مي دانند. ما كه بعد از موت را حيات بالاتر از اين حيات مي دانيم چه باكي داريم. [14].

تاريخ 58/6/2

شهادت عزت ابدی است

برادران من! خواهران من! عزیزان من! مصمم باشید، از ترور نترسید، از شهادت

[صفحه 21]

نترسید و نمی ترسید. شهادت عزت ابدی است، حیات ابدی است. آنها از شهادت بترسند و از مردن بترسند که مردن را تمام می دانند و انسان را فانی، ما که انسان را باقی می دانیم و حیات جاودانه را بهتر از این حیات مادی می دانیم، برای چه بترسیم. [15].

تاريخ 58/6/22

فداکاری در راه اسلام آسایش فکری است

مشاهده ی معلولین، مشاهده ی مادرهای داغ دیده، پدرهای فرزند از دست داده، برادرهای برادر کشته شده و بالاخره شهدایی که در راه اسلام از دست رفته اند برای ما هر روز يك روز عاشورا است و من نمی دانم چطور از شما برادرها و خواهرها که عزیزان خودتان را که عزیزان ما هم بودند از دست دادید، چطور تسلیت بگویم و چطور عذرخواهی کنم. شما می دانید که اسلام آنقدر عزیز است، آنقدر بزرگ است که پیغمبر اسلام و اهل بیت آن بزرگوار، هستی خودشان را، همه چیز خودشان را در راه اسلام فدا کردند. ما هم که پیرو آیین مقدس هستیم و پیرو پیغمبر اسلام و ائمه اسلام هستیم، اگر يك مقداری فداکاری کنیم و در راه اسلام همانطور که آنها فداکاری کردند، ما هم فداکاری کنیم، برای ما هر چند سخت باشد لكن يك آسایش فکری است. [16].

تاريخ 19

شهادت چراغ هدایت ملت‌هاست

شهادت در راه خداوند، زندگی افتخارآمیز ابدی و چراغ هدایت برای ملت‌هاست. [17].

تاریخ 58/8/11

شهادت هدیه ی الهی است

شهادت يك هدیه اي است که از جانب خدای تبارک و تعالی برای آن کسانی که لایق هستند. [18].

تاریخ 58/8/11

[صفحه 22]

شهادت فخر ملت ماست

ملت سي و پنج ميليوني ما با مكتبي بزرگ شده اند که شهادت را سعادت و فخر مي دانند و سر و جان را فدای مکتب خود مي کنند. [19].

تاریخ 59/2/5

شهادت فوز عظیم است

ما شهادت را يك فوز عظیم مي دانيم و ملت ما هم شهادت را به جان و دل قبول مي کند و از جنگ نخواهيم هراسيد و مرد جنگ هستيم، لکن مايل نيستيم به اينکه جنگ واقع بشود. [20].

تاریخ 59/7/17

شهادت «در راه خدا رفتن» است

انسان که باید این راه را برود و مردنی است، چه بهتر که این سعادت را تحصیل کند و امانت را به صاحب امانت بسپرد، موت اختیاری، شهادت، رسیدن به خدا در لباس شهید و با ایده ی شهدا. در بستر مردن، مردن است و چیزی نیست، لکن در راه خدا رفتن شهادت است و سرفرازی و تحصیل شرافت برای انسان و برای انسانها. [21].

تاریخ 60/1/13

شهادت بازگشتی انتخاب شده است

ما از خدا هستیم همه، همه عالم از

خداست، جلوه خداست و همه عالم به سوي او برخواهد گشت، پس چه بهتر که برگشتن اختياري باشد و انتخابي و انسان انتخاب کند. شهادت را در راه خدا و انسان اختيار کند موت را براي خدا و شهادت را براي اسلام. [22].

تاریخ 60 / 1 / 13

شهادت ميراث اولياست

مگر شهادت ارثي نيست که از مواليان ما که حيات را عقیده و جهاد مي دانستند و در

[صفحه 23]

راه مکتب پرافتخار اسلام با خون خود و جوانان عزيز خود از آن پاسداري مي کردند به ملت شهيدپرور ما رسیده است؟ مگر عزت و شرف و ارزشهاي انساني، گوهرهاي گرانبهائي نيستند که اسلاف صالح اين مکتب، عمر خود و ياران خود را در راه حراست و نگهباني از آن وقف نموده اند؟ [23].

تاریخ 60 / 4 / 9

شهادت آزادي روح است

ما براي چه نگراني داشته باشيم، مايي که به تکليف خودمان داريم عمل مي کنيم. نگراني آن بايد داشته باشد که برخلاف مسير حق است. آن بايد نگراني داشته باشد که اگر چنانچه کشته بشود، به عقیده خودش اين است که نابود شده است و به عقیده ما اين است که به جهنم رفته است. ما چرا نگراني داشته باشيم؟ ما که اگر شهيد بشويم قيد و بند دنيا را از روح برداشتيم و به ملکوت اعلي و به جوار حق تعالي رسيديم، چرا نگران باشيم؟ مگر مردن هم نگراني دارد؟ مگر شهادت هم نگراني دارد؟ ما دوستانمان که شهيد شدند در جوار رحمت حق هستند، چرا براي اينها دلتنگ

باشیم؟ دلتنگ باشیم که از دیار قید و بندی خارج شدند و به يك فضاي وسيع و در تحت رحمت حق تعالي واقع شدند؟ [24].

تاریخ 60 / 4 / 10

هدف معنوي، رمز معماي شهادت است

گمان ندارم کسی بتواند ادعا کند که ملتي جز ملت عظیم الشان ایران از كوچك و بزرگ و زن و مرد سراسر کشور اینگونه پشتیبان قوای مسلح خود باشند و ایثارگر و داوطلب به جبهه های جنگ برای فداکاری و شهادت سبقت گیرند و گمان ندارم هیچ معیاری جز عقیدت به مکتب و ایثار در راه خدا و هدف معنوي قادر به حل این معما باشد. [25].

تاریخ 61 / 1 / 29

[صفحه 24]

خون شهید محفوظ است

از اول که این نهضت اسلامي و انقلاب اسلامي به پیروزي رسید همه ی قشرهای امت چه قوای نظامي و انتظامي و چه پاسداري عزیز و چه جهاد سازندگی و چه کمیته ها، همه قشرهای ملت با هم دست برادري دادند و به پیش رفتند. چقدر شهید دادند و چقدر مجروح و چه خانواده هایی جوانهای خودشان را در راه اسلام از دست دادند، لکن نباید ما بگوییم که از دست دادند. آنکه محفوظ است، آنکه برای همه محفوظ است، آن خدمتي است که در راه اسلام و آن خوني است که در راه اسلام ریخته شود. اسلام از اول برای همین امر قیام کرده است که به این مستمندان عالم در مقابل ستمگران خدمت کند و این ستمگران را به جای خود بنشانند و شما اشخاصي هستید که پیرو يك همچو

اسلام عزیز هستید و به این پیروی باید ادامه بدهید. [26].

تاریخ 62/3/1

شهادت از غسل شیرین تر است

بکوشید تا حجاب خودیت را بردارید و جمال جمیل او، جل و علا را ببینید، آنگاه است که هر مشکلی آسان و هر رنج و زحمتی گواراست و فدا شدن در راه او احلی از غسل بلکه بالاتر از هر چیز به گمان آید. [27].

تاریخ 62/11/22

شهادت اوج بندگی است

اذناب آمریکا باید بدانند که شهادت در راه خدا مسئله ای نیست که بشود با پیروزی یا شکست در صحنه های نبرد مقایسه شود، مقام شهادت خود اوج بندگی و سیر و سلوک در عالم معنویت است، نباید شهادت را تا این اندازه به سقوط بکشانیم که بگوییم در عوض شهادت فرزندان اسلام، تنهاخرمشهر و یا شهرهای دیگر آزاد شد، تمامی اینها خیالات باطل ملیگراهاست و ما هدفمان بالاتر از آن است. [28].

تاریخ 67/4/29

[صفحه 25]

مقام شهدا

شهدا در صف شهدای کربلا هستند

شما که برای اسلام پیا خاسته اید و جان و مال نثار می کنید، در صف شهدای کربلا هستید، چرا که پیرو مکتب آنانید. [57].

تاریخ 57/8/4

شهادت همیشه از خسارت محفوظ است

ممکن است که انسان تخیل بکند که ما رفتیم به جنگ با کفار مثلا و کشته شدیم، خیال بکنند که این ضرر است، لکن این ضرر نیست، کشته ها پیش خدا زنده اند، اجرهایی که آنجا هست ربطی به این عالم ندارد.

اینکه برای خداست، همیشه نفع دارد، همیشه از خسارت محفوظ است. مردهای تاریخ بسیارشان تنها ایستادند در مقابل قدرتها. [58].

تاریخ 57/8/28

من به شهیدان حسرت می برم

من به جوانان عزیز و غیوری که جان خود را نثار راه دوست کرده اند، حسرت می برم. [59].

تاریخ 57/9/1

[صفحه 26]

شهادت از خدا هستند

من نمی دانم با چه بیانی از این جوانهایی که در طول این مدت فداکاری کردند تشکر کنم. آنقدری که می توانم عرض کنم این است که این مطلب برای خداست و ما هم از خدا هستیم «انا لله» و به سویی او هم می رویم، دیر و زود خواهیم رفت و چه بهتر که در این راهی که داریم قهرا به آن طرف می رویم با یک توشه باشد و آن توشه، توشه توحید است، توشه خدمت به اسلام است. من نمی توانم برای جوانی که برای خدمتگزاری به اسلام شب تا صبح، شب زنده داری می کند، در حال خطر واقع می شود، مجاهده می کند، ارزش برای این، ما نمی توانیم حساب بکنیم که ارزش این چقدر است. اجرت این چقدر است. مگر غیر از خدا می تواند کسی به این اعمال پاداش بدهد؟ مگر طبیعت و زینتهای طبیعت پاداش یک موجودی است که برای خدا قیام کرده است و برای خدا خودش را به خطر انداخته است؟ آن چیزی که دل ما را خوش می کند این است که برای شما پیش خدای تبارک و تعالی یک حسابی باز است والا ما نمی توانیم از شماها تشکر کنیم یا خدای نخواستہ

به شما اجر بدهیم. ما همچو قدرتی نداریم، آنچه هست این است که شما از خدا هستید، برای خدا هم خواهید بود و خدا هم اجر شما را می دهد اجری که خدا می دهد، آن ارزش دارد، ارزش عمل شما آن است که خدا به شما می دهد «ان لله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة» [60] جنت، آن جنتی که لقای خداست، جنتی که لقای دوستان خداست، آن برای شما کافی است. [61].

تاریخ 58 / 6 / 26

شهدا نور انقلابند

شهدا نور انقلابمان و خواهران و برادران معلول سرمایه ی انقلاب اسلامی ما هستند. [62].

تاریخ 58 / 11 / 22

[صفحه 27]

شهدا برای اسلام هستند

من باید يك تسلیت به سرتاسر ایران و تبریک عرض کنم و خصوصا به خوزستان و اخص، بالاخص به دزفول عرض کنم برای اینکه آنطور روح مقاومت دارند و آنطور مردانه قیام کردند و مشغول به مقابله با دشمن هستند و تسلیت به کسانی که جوانهایشان را از دست دادند و ما همه هستیم، همه شریک هستیم، جوانها مال همان تنها پدر و مادرها نبود، جوانها مال اسلام بود. پیغمبر اسلام تسلیت به شما می گوید، مصیبت بر اسلام وارد شده از آنها تشکر کنم به اینکه برای اسلام خوب قیام کردید و اجر شما با اسلام است، با خدای اسلام است و تشکر کنم از همه قوای مسلحه ای که در این جنگ بین اسلام و کفر، قیام به وظیفه کردند و خوب هم قیام کردند، شهید دادند و خرابی برای مملکتمان وارد شد،

اینها هم شهید دادند و کوشش کردند و مردانه قیام کردند، از آنها هم همه و از همه رده های بالایی که (بالا و پایین ما نداریم ان شاء الله) برادرهایی که در این مسائل وکیل بودند رفتند آنجا، نخست وزیر است - نمی دانم - رئیس جمهور است، امام جمعه است، همه اینها که مشغولند به این خدمت و صادقانه هم مشغولند، از آنها تشکر کنم و ملت ما باید قدردانی بکنند از آنها. اینها برادرهای شما و ما هستند که در جبهه ها رفتند و شهید می دهند و جدیت می کنند و ان شاء الله پیروز می شوند، کسانی که بر ضد اسلام هستند، به جای خودشان می نشانند. [63].

تاریخ 59/8/6

شهیدان با شهدای صدر اسلام محشورند

جوانهای مایی که برای خدا دارند جنگ می کنند اجرشان با خداست. امکان دارد که يك کسی برای خدا کار بکند و خدای تبارک و تعالی به او عنایت نداشته باشد؟ شهیدشان با همان شهدای صدر اسلام ان شاء الله محشورند و قدرتمند هستند. [64].

تاریخ 59/8/6

شهادت بالاترین فضل است

خدمت به شهید ارزشش بیشتر از همه خدمتهاست. معلولی که جان خودش را در

[صفحه 28]

دست گرفت و تقدیم کرده است لکن موفق نشده است به شهادت آن هم فداکاری خودش را کرده است. شما که خدمت به شهید می کنید و بنیاد شما که بنیاد شهید است قدر این بنیاد را بدانید و قدر این خدمت را بدانید. برای کم کسی این طور مطلبی که برای شهید گفته شده است

برای کم کسی هست، آنها را قرین انبیا قرار داده اند. خدمت شما به آنها خدمت به نبی اکرم است، خدمت به انبیاست. بدانید که شما در راه شهید دارید خدمت می کنید و بنیاد شهید بنیاد شهید است و شهید افضل است، و شهادت از همه ی چیزها. و باز در روایتی [65] است که هر خوبی بالاتر از او هم خوبی هست تا برسد به قتل در راه خدا، شهادت در راه خدا، بالاتر از او دیگر خوبی در کار نیست و معلوم نکته اش برای اینکه کسی که همه چیزش را برای خدا تقدیم کرده است و حیات که بالاترین سرمایه است برای او در این عالم تقدیم کرده است. دیگر از این بر و از این خوبی بالاتر نمی شود باشد. شما خدمت می کنید به انسانهایی و به کسانی که وابسته هستند به این شهدا و شهدا به آنها علاقه دارند و الآن هم شهید نسبت به آنها و خدمت شما ارزشمندترین خدمت است که تصور می شود به حسب اینطور روایات. [66].

تاریخ 59 / 10 / 20

شهید نظر می کند به وجه الله

در روایتی از رسول اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) نقل شده است که برای شهید هفت خصلت است که: اولی آن عبارت است از اینکه اول قطره ای که از خون او به زمین بریزد تمام گناهی که کرده است آمرزیده می شود و مهم آن آخرین خصلتی است که می فرماید، می فرمایند که (به حسب به روایت) که شهید نظر می کند به وجه الله و این نظر به وجه الله راحت است برای هر نبی و هر شهید،

شاید نکته این باشد که حجابهایی که بین ما و حق تعالی هست و وجه الله است و تجلیات حق تعالی هست، تمام این حجابها منتهی می شود به حجاب خود انسان. انسان خودش حجاب بزرگی است که همه ی حجابهایی که هست، چه آن حجابهایی که از ظلمت باشند و آن حجابهایی که از نور باشند

[صفحه 29]

منتهی می شوند به اینکه حجابی که خود انسان است. ما خودمان حجاب هستیم بین خودمان و وجه الله و اگر چنانچه کسی فی سبیل الله و در راه خدا این حجاب را داد، این حجاب را شکست و آنچه که داشت که عبارت از حیات خودش بود تقدیم کرد. این مبدأ همه ی حجابها را شکسته است، خود را شکسته است، خودبینی و شخصیت خودش را شکسته است و تقدیم کرده است و چون برای خدا جهاد کرده است و برای خدا دفاع کرده است از کشور خدا و از آیین الهی و هر چه داشته است در طبق اخلاص گذاشته و تقدیم کرده است، خود را داده است، این حجاب شکسته می شود. شهدا، شهدایی که برای خدا تبارک و تعالی و در سبیل خدای تبارک و تعالی و راه خدای تبارک و تعالی جان خودشان را تقدیم می کنند و آنچه که در دستشان است و بالاترین چیزی است که آنها دارند تقدیم خدا می کنند، در عوض خدای تبارک و تعالی، این حجاب که برداشته شد جلوه می کند برای آنها، تجلی می کند برای آنها چنانچه برای انبیا هم چون همه چیز را در راه خدا می خواهند و آنها خودی را نمی بینند و خود را از

خدا مي بينند و براي خودشان شخصيتي قايل نيستند، حيثيتي قايل نيستند در مقابل حق تعالي آنها همه حجاب را برمي دارند «فلما تجلي ربه للجبل جعله دكا» [67] تجلي مي كند خدای تبارك و تعالي در كوه طور يا در جبل انيت خود موسي و موسي «صعق». آنها در حال حيات، انبيا و اوليا نظير انبيا و تالي تلو انبيا در زمان حياتشان آن چيزهايي كه حجاب بوده است بين آنها و بين حق تعالي مي شكند و صعق براي آنها حاصل مي شود و موت اختياري براي آنها حاصل مي شود، خدای تبارك و تعالي بر آنها تجلي مي كند و نگاه مي كند به حسب آن نگاه عقلي، باطني و روحي و عرفاني و ادراك مي كنند و مشاهده مي كنند جلوه ي حق تعالي را و شهيد هم به حسب اين روايتي كه وارد شده است، نظير انبيا وقتي كه شهيد شد چون همه چيز را در راه خدا داده است خدای تبارك و تعالي جلوه مي كند به او و آن هم ينظر الي جلوه ي خدا، الي وجه الله اين آخر چيزي است كه براي انسان، آخر كمالي است كه براي انسان هست. در اين روايتي كه در «كافي» نقل شده است. در اين روايت انبيا را مقارن شهدا قرار داده است كه در جلوه اي كه حق تعالي مي كند بر انبيا همان جلوه را هم بر شهدا مي كند.

[صفحه 30]

شهيد هم ينظر الي وجه الله و حجاب را شكسته است، همانطوري كه انبيا حجابها را شكسته بودند و آخر منزلي است كه براي انسان ممكن است باشد. مژده داده اند كه براي شهدا اين آخر منزلي است

که برای انبیا هم هست شهدا هم به حسب حدود وجودی خودشان - این آخر منزل - به این آخر منزل می‌رسند. [68].

تاریخ 59 / 10 / 20

شهدا باقی هستند

من به شما اهالی خوزستان و سایر مرزنشینانی که مورد تهاجم واقع شدید تبریک عرض می‌کنم و تذکر می‌دهم به شما دو جمله از کتاب خدا را «لا تأسوا علی ما فاتکم و لا تفرحوا بما آتیکم» [69] این تعلیم خدای تبارک و تعالی است به انسانها از اول تا آخر که در پیشامدها اگر چنانچه پیشامدی بود که برای شما ضرر داشت، به حسب ظاهر و چشمهای ظاهری، شما محزون نباشید که اینها ضرر نیست، نه تأسف بخورید و نه محزون باشید و آن چیزی که از دستتان رفته است، برای اینکه به ظاهر از دست رفته است و در واقع آنها باقی هستند و برای شما شرافت تحصیل کرده اند و نه فرحناک باشید برای چیزهایی که به دست می‌آید از دنیا، برای آنکه آنچه از دنیاست فانی است و آنچه برای خدا تقدیم می‌شود، باقی و ابدی است و این شهدا زنده هستند و در پیش خدای تبارک و تعالی «عند ربهم یرزقون» [70] آنها الآن در درگاه خدای تبارک و تعالی روزیهای معنوی و روزیهای همیشگی را به آن نایل شدند و آنچه که از خدا بود تقدیم کردند و آنچه که داشتند و آن جان خودشان بود تسلیم کردند و خدای تبارک و تعالی آنها را پذیرفته است و می‌پذیرد و ماها عقب ماندیم ما باید تأسف بخوریم که نتوانستیم این راه را برویم.

اینها

پیشقدم بودند و رفتند و به سعادت خود رسیدند و ما عقب ماندیم و نتوانستیم در این قافه سیر کنیم و در این راه راهرو باشیم...

خداوند تمام شهدای در راه اسلام را و تمام کسانی را که در راه اسلام معلول شدند، در

[صفحه 31]

راه اسلام خانمان خودشان را از دست دادند، در راه اسلام به آوارگی رسیده اند، خداوند تمام آنها را به سعادهای ابدی برساند. این مصیبتها بر همه ما وارد است و آن شرافتی که این جوانها تحصیل کردند، برای انسانیت است، شرافت انسانی است، ارزش انسانی را آنها به ثبوت رساندند، خدایشان رحمت کند و خدایشان بپذیرد. و من به تمام کسانی که بازمانده اند، بازمانده اند در این، بازماندگان این شهدا، به همه آنها، هم تسلیت عرض می کنم و هم تبریک. مبارك باد بر اهالی خوستان و بر اهالی جنوب و غرب، این خدمتگزاران و این جان نثاری و این پایداری. [71].

تاریخ 60 / 1 / 13

شهدا به جوار معشوق می رسند

بگذار این ددمنشان که جز به «من» و «ما» های خود نمی اندیشند و «یاکلون کما تأکل الانعام». [72] عاشقان راه حق را از بند طبیعت رهانده و به فضای آزاد جوار معشوق برسانند. [73].

تاریخ 60 / 4 / 9

وصیت نامه شهدا سند ایمان است

امروز ما مفتخر هستیم به توده های عظیم متعهد به اسلام عزیز و جوانان غیرتمند و رزمنده که از اول انقلاب شجاعانه قیام کرده اند و ندای حق را اجابت کردند و گروه کثیری از آنان به لقاء الله که آمالشان بود،

رسیده و گروه عزیز دیگر که سلامت خود یا اعضای گرانقدر خود را در راه اسلام و هدف از دست داده اند و با چهره های بشاش و نورانی با آنان مواجه هستیم و نیز مفتخریم که مادران دلیری که عزیز از دست داده اند و پدران عزیزی که جوانانشان شهید شده اند آنچنان با ما برخورد می کنند که گویی عروسی عزیزان و جوانانشان را جشن می گیرند. و اینجانب هر وقت با این عزیزان معظم برخورد می کنم یا وصیت نامه ی انسانساز شهیدی را می بینم احساس حقارت و زبونی می کنم. اینان

[صفحه 32]

سند ایمان و تعهدشان را به اسلام در دست دارند و قبور شهدا و اجساد و ابدان معلولان، زبان گویایی است که به عظمت روح جاوید آنان شهادت می دهد و شکایتی اگر دارند از آن است که به فیض شهادت نرسیده اند و یا در حالی که به ثواب شهادت رسیده اند، می نالند که چرا نمی توانند برای دفاع به جبهه ها برگردند، و فریاد «جنگ جنگ تا پیروزی» را سر می دهند. [74].

تاریخ 60 / 11 / 21

شهدا عاشق خدا هستند

اینجانب هر وقت با یکی از چهره ها روبرو می شوم و عشق او را به شهادت در بیان و چهره نورانش مشاهده می کنیم احساس شرمساری و حقارت می کنم و هر وقت در تلویزیون، مجالس و محافل این عزیزان که خود را برای حمله به دشمن خدا مهیا می کنند و مناجات و راز و نیازهای این عاشقان خدا و فانیان راه حق را در آستانه هجوم به دشمن می نگریم که با مرگ دست به گریبان هستند و از شوق و عشق در

پوست نمی گنجند، خود را ملامت می کنم و بر حال خویش تأسف می خورم. [75].

تاریخ 61 / 1 / 10

ارزش شهادت به مرتبه اخلاص وابسته است

شما جان خودتان را فدا می کنید و بسیار اشخاص هم هستند که در راههای انحرافی باز هم این کار را می کنند. صورت عمل، يك صورت است لکن معنی دو تا و محتوا دوتا است. میزان محتوای عمل است، نه صورت عمل. شمشیر علی بن ابیطالب سلام الله علیه و فرود آوردن شمشیر و به دشمن آن شمشیر را ضربه زدن و او را کشتن، این امری است که در همه جا واقع می شود و بسیاری از اشخاص این اعمال را کرده اند و می کنند. ارزش به اینها نیست، ارزش به آن است که در قلب علی بن ابیطالب چه می گذشته است و مرتبه اخلاص او چه اندازه بوده است. [76].

تاریخ 61 / 1 / 28

[صفحه 33]

شهادت در محضر خدا هستند

تمام افرادی که در جبهه ها به جنگ مشغولند و تمام کسانی که جان خودشان را فدای اسلام می کنند، همه اینها در محضر خدای تبارک و تعالی هستند و اجر هیچ يك از افراد ضایع نخواهد شد. چیزی که برای خداست باقی است. «ما عندکم ینفدوما عندالله باق» [77] هر چیزی که از ما هست، اینها از بین می رود و آن چیزی که برای خداست و تقدیم به محضر خداست او باقی می ماند. [78].

تاریخ 61 / 5 / 17

شهادت مشمول عنایات بی پایان خداوند

زبانها و قلمها در توصیف جوانان و نوجوانان،

پیران و سالخوردهگان عزیزی که خون پاک خود و سلامت خویشتن را فدا کرده اند تا اسلام زنده و کشور پاینده بماند و از شر دشمنان خونخوار آزاد شود، عاجزند و نیز عاجزند که به پدران و مادران دلیری که چنین فرزندان را تربیت کردند و به اسلام تقدیم نمودند دلداري دهند و از خواهران و برادرانی که در جوار آنان بودند دلجویی نمایند. اینان مشمول عنایات و رحمت‌های بی پایان خداوند، در جوار اولیای عظیم الشان، با سعادت در دنیا و آخرت قرینند، خدایشان رحمت و برکت دهد. درود بی پایان به روح پاک شهیدان راه حق و سلام فراوان بر آسیب دیدگان و آوارگان در جبهه های دفاع از اسلام و ایران اسلامی و درود و سلام بر بازماندگان شهدا و خانواده های آسیب دیدگان و سلام خداوند و انبیا اولیای او بر بقیة الله ارواحنا لمقدمه الفدا. [79].

تاریخ 61/6/31

قلم قاصر ما در وصف شهیدان چه تواند گفت

از شهیدان ارجمندی که خداوند تعالی در شأن آنان کلمه بزرگ «احیاء عند ربهم یرزقون» [80] را فرموده است، بشری قاصر مثل من چه تواند گفت. آیا بار یافتن نزد خداوند و

[صفحه 34]

ضیافت مقام ربوبی از آنان را می توان با قلم و بیان و گفت و شنود توضیح داد؟ آیا این همان مقام «فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی» [81] نیست که حدیث شریف بر سید شهیدان و سرور مظلومان منطبق نموده است؟ آیا این جنت همان است که مؤمنان در آن راه دارند، یا لطیفه الهی آن است؟ آیا این بار یافتن و ارتزاق

نزد رب الارباب همان معني بشري آن است، يا رمزي الهي و بالاتر و فوق برداشت بشر خاكي؟

بار الها! اين چه سعادت عظيمي است كه نصيب بندگان خاص خود فرموده اي كه ما از آن محروميم. اکنون من به مادران و پدران مربي اين بندگان خاص خدا و به همسران و بازماندگان اين عزيزان به جاي تسليت تبريك عرض مي كنم.

«يا ليتني كنت معهم فافوز فوزا عظيما». [82] . [55] .

تاريخ 61 / 9 / 20

ارزيابي همه جانبه مقام شهدا ميسور نيست

با فرارسيدن يوم الله، روز بيست و دوم بهمن سالروز شكت باطل و جنود ابليسي به دست حق طلب جندالله، ماها و نويسندگان و گويندگان و سخنوران اگر بخواهيم ارزش عمل اين شهيدان و جانبازان راه خدا را و فداكاري آنان و حجم پيامد اين شهادتها و جان نثارها را بشماريم، ناچار باشيم به عجز خود اعتراف كنيم، تا چه رسد به مراتب معنوي و مسائل انساني و الهي آن، كه بي شك عاجز و وامانده مي باشيم، آنان كه از اينگونه عشق به لقاء الله و شهادت و بارقه هاي باطني و جلوه هاي روحي كه از ثمراتشان اينگونه عشق است غافل هستند و تا آخر عمر چون من قلم شكسته اسير گره هاي طبيعت و دامهاي شيطاني مي باشند، دستشان از قله ي بلند اين تحولات معجزه آساي الهي کوتاه است، پس اولي آن است كه به بعضي پيامدهاي ظاهري مشهود پردازيم. - چه - كه ارزيابي همه جانبه آن ميسور نيست. [56] .

تاريخ 61 / 11 / 21

[صفحه 35]

افلاكيان نیز از

شهادت در راه خداوند چیزی نیست که بتوان آن را با سنجش‌های بشری و انگیزه‌های مادی ارزیابی کرد. شهید در راه حق و هدف الهی را نتوان با دیدگاه امکانی به مقام والای آن پی برد. که ارزش عظیم آن معیاری الهی و مقام والای این دیدی ربوبی لازم دارد و نه تنها دست ما خاک نشینان از آن و این کوتاه است که افلاکیان نیز از راه یافتن به کنه آن عاجزند، چه که آنها از مختصات انسان کامل است و ملکوتیان با آن مقام اسرارآمیز فاصله‌ها دارند. قلم اینجا رسید و سر بشکست، و ما بازماندگان و عقب افتادگان در آرزوی آن و این باید روز شماری کنیم و حسرت شهادت و شهید و شهید پروران اینچنانی را که با ایثار ثمره‌ی حیات خود عاشقانه به این شهیدان شاهد افتخار می‌کنند به گور بریم و از شجاعت‌های بی نظیر شهیدان و دوستان اسیر و مفقودشان و آسیب دیدگان و اشتیاق زایدالوصف اینان برای بازگشت به میدان شهادت احساس خجالت و حقارت کنیم. زنان و مردان و کودکان نمونه‌ای که در زیر بمبارانها و از بستر بیمارستانها سرود شهادت سر می‌دهند و با دست و پای قطع شده بازگشت به جبهه‌های انسانساز را آرزو می‌کنند، فوق آنچه ما تصور می‌کنیم و فلاسفه و عرفا به رشته تحریر درمی‌آورند و هنرمندان و نقاشان عرضه می‌کنند، می‌باشند، آنچه آنان با قدم‌های علمی و استدلالی و عرفانی یافته‌اند اینان با قدم عینی به آن رسیده‌اند و آنچه آنان در لابلای کتابها و صحیفه‌ها جستجو کرده‌اند اینان در میدان خون و شهادت در راه

حق یافته اند.

بار الها! ما را به خدمتگزاری در راه آنان و برای هدف بزرگشان توفیق ده و شهدای عزیزمان را در خوان ضیافت معنوی خود از جلوه های خاص خویش ارزانی بخش. [57].

تاریخ 62/6/31

شرف بزرگ شهدا ضیافت الله است

«و لاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم یرزقون [58]».

[صفحه 36]

اگر نبود برای شهدا در راه خداوند مگر این آیه ی کریمه، در معرفی مقام بلند پایه ی شهدا، کافی بود، که عزیزانی که در راه حفظ اسلام و کشور اسلامی بزرگترین سرمایه ی خود را از دست داده اند، شهدایی که در حفظ شرف اسلام و دفاع از جمهوری اسلامی همه چیز خود را در طبق اخلاص تقدیم خداوند متعال کردند. در این آیه ی کریمه بحث در زندگی پس از حیات دنیا نیست که در آن عالم همه مخلوقات دارای نفس انسانی به اختلاف مراتب از زندگی حیوانی و مادون حیوانی تا زندگی انسانی و مافوق آن زنده هستند، بلکه شرف بزرگ شهدای در راه حق، حیات عندالرب و ورود در ضیافت الله است. این حیات و این ضیافت را با قلمهای شکسته ای مثل قلم من نمی توان توصیف و تحلیل کرد، این، حیات و این روزی غیر از زندگی در بهشت و روزی در آن است، این لقاء الله و ضیافت الله می باشد. آیا این همان نیست که برای صاحبان نفس مطمئنه وارد است «فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی [59]» «که فرد بارز آن سید شهیدان سلام الله علیه است. اگر آن است چه مؤده ای برای

شهیدان در راه مرام حسین علیه السلام الله که همان سبیل الله است، از این بالاتر که در جنتی که آن بزرگوار شهید فی سبیل الله وارد می شود و در ضیافتی که آن حضرت حاضرند، به این شهیدان اجازه ی دخول دهند که آن غیر از ضیافتهای بهشتی است و آنچه در وهم من و تو و شما نیاید، آن بود. [60].

تاریخ 62 / 11 / 20

قلمها از قدردانی مقام شهدا عاجزند

قلم و بیان اینجانب عاجز است از قدردانی و شکرگزاری از مجاهدین فداکار اسلام که با مجاهدت و جانبازی در راه هدف و حفظ آرمانهای اسلامی و پیروزیهای عظیم در تمام جبهه ها موجب افتخار و سرافرازی جمهوری اسلام و اولیای خدا علیهم الصلوٰة والسلام شدند. با چه بیان و قلم از جوانانی که به عشق خداوند و شوق لقاء الله در سبقت در دفاع از حق و اسلام عزیز سر از پای نمی شناسند و تنها سرمایه ی بزرگ خود را که جان است فدای هدف مقدسی می کنند که انبیا و اولیای بزرگ خدا همچون سید مظلومان و سرور فداکان نمودند و ندای «هیئات منا الذله» [61] آن بزرگمرد تاریخ را با قول و عمل خود در

[صفحه 37]

سراسر کشور بلکه جهان سر می دهند، می توان تجلیل نمود و با کدام قلم و بیان می توان از عزیزانی که سنگرهای جنگ را به محراب مسجد و معراج الی الله تبدیل کردند، ثنا کرد. گیرم که قلمفرسایان هنرمند بتوانند میدانهای شجاعت و دلاوری آنان و قدرت و جسارت فوق العاده آنها را در زیر آتش مسلسلها و توپها و

تانکها ترسیم نمایند و نقاشان و هنرپیشگان بتوانند پیروزیهای هنرمندانه آنان را در آن شبهای تار در مقابل موشکها و بمب افکنهای دشمن غدار و عبور از پیچ و خمهای سیمهای خاردار و کوههای سربه فلک کشیده و بیرون کشیدن دشمنان خدا از سنگرهای بتونی و مجهز به جهازهای پیشرفته را مجسم نمایند، لکن آن بعد الهی عرفانی و آن جلوه معنوی ربانی که جانها را به سوی خود پرواز می دهد و آن قلبهای ذوب شده در تجلیات الهی را با چه قلم و چه هنر و چه بیانی می توان ترسیم کرد. راستی این غریبان و شرقیان و غریزدگان و شرفزدگان و ملی گرایان، این فداکاریها را با این بعد معنوی و روح عرفانی و عشق الهی با چه چیزی توجیه و تحلیل می کنند؟ اینجا عمل و جسارت مطرح نیست، انگیزه و روح و جهت «لدي الربی» [62] آن مطرح است. عشق به محبوب حقیقی که همه چیز را محو می کند و هر انگیزه ای غیر از عشق به او را می سوزاند مطرح است. در کدام جنگ و نهضت و انقلاب و شورش در طول زمان و سراسر خلقت، سربازانی چنین و فداکارانی مانند ایران را سراغ دارید، جز در طبقه اولای الهی و تربیت شدگان در مکتب آنان که فرزندان این دیار به نور آنان استضاء کرده و از خود رسته اند؟ و در کجا در لابلای تاریخ چون مادران و پدران و همسران و خواهران و برادران و سایر بستگان اینان را سراغ دارید که پس از چند قربانی باز برای قربانی دیگر فرزندان خود پیشقدم می شوند؟ این مکتب قرآن و اسلام راستین است و اینان فرزندان

این قرآن و اسلام. این مکتب ماست و اینان صاحبان مکتب مان، که سلام و تحیات خدا و رسولانش بر این مادران و پدران و این فرزندان عالیمقام و درود بر این جانبازان و از هر چیز در راه هدف گذشتگان باد. [63].

تاریخ 62 / 11 / 22

[صفحه 38]

شهدا مهمان خدا هستند

خداوند همه را توفیق بدهد که قدر نعمتهای خدا را بدانند و بدانند که همه چیز از اوست. اگر همه چیز را از او دانستند دیگر در هیچ چیز ناراحت نمی شوند. ناراحتیها برای این است که انسان از خودش می بیند. ما در فقدان عزیزانمان که ناراحت می شویم برای اینکه اینها را از خودمان می دانیم. اگر ما همه را از خدا بدانیم و ببینیم که اینها نعمتی هست که خدا داده، نعمتی هست که خدا می برد پیش خودش، شهدا مهمان خدا هستند، اگر اینها را ما واقعا در قلبمان ادراک نکنیم، عید می شود برای کسانی که شهید دارند، عید می شود برای کسانی که مجروح شدند، عید می شود برای کسانی که در راه خدا عزیزان خودشان را از دست دادند، برای اینکه این عزیزان، خدا هستند، اینها هم از او هستند. و من امیدوارم که این حس و این ایمان در ما پیدا بشود و تقویت بشود. [64].

تاریخ 62 / 12 / 30

زبان و بیان از ترسیم مقام شهید عاجز است

ما را چه رسد که با این قلمهای شکسته و بیانههای نارسا در وصف شهیدان و جانبازان و مفقودان و اسیرانی که در جهاد فی سبیل الله جان

خود را فدا کرده و یا سلامت خویش را از دست داده اند یا به دست دشمنان اسلام اسیر شده اند، مطلبی نوشته یا سخنی بگوئیم. زبان و بیان ما عاجز از ترسیم مقام بلند پایه عزیزانی است که برای اعلاي کلمه حق و دفاع از اسلام و کشور اسلامي جانبازي نموده اند. الفاظ و عبارات توان توصیف آنانی را که از بیت مظلّم طبیعت به سوي حق تعالي و رسول اعظمش هجرت نموده و به درگاه مقدسش بار یافته اند، ندارد. از مجاهدینی که سنگرهای نبرد را تبدیل به مساجد و میدانهای جهاد را با بانگ تکبیر مهبط ملائکة الله نموده اند، چگونه سخن توان گفت؟ در اقدام شریف مادران بزرگواری که در دامنهای مطهر خود چنین فرزندان را تربیت کرده اند، چه می توان نثار کرد؟ و برای اسیرانی که در زندانهای مخوف دشمن شجاعانه بر سر دشمنان بشریت فریاد می کشند، چگونه توان تعظیم نمود؟ پس با اعتراف به عجز، برای شهیدان آرزوی رحمت خاص الهی و برای جانبازان، این شهیدان زنده، سلامت و برای اسرا و مفقودین عزیز و دلیر، آرزوی بازگشت به میهن و برای مادران و پدران و همسران و

[صفحه 39]

فرزندانشان، این نمونه های صبر و مقاومت، صبر و سعادت دارین و برای رزمندگان در جبهه های حق علیه باطل پیروزی درخواست می نمایم.

سلام و درود خداوند بر همگان و دعای خیر بقیة الله الاعظم ارواحنا فدا شامل تمامی آنان باد. [65].

تاریخ 63/6/5

شهید پیروزند

عزیزانی که در جبهه ها در دفاع از اسلام و کشور اسلامي سر از پا نمی شناسند و جهات

معنوي و عرفاني آنان را و عمق ارزش آن را جز خدای تعالی کسی نمی داند و راهی برای امثال نویسنده بر آن نیست، باید هرچه بیشتر به نصرت حق تعالی اعتماد کنند، که قدرتهای امکانی در مقابل نصر الهی ناچیز است.

عزیزان من! شما پیروز و منصورید چه در راه حق تعالی به نصرت ظاهری برسید و چه شهید و معلول و اسیر شوید. حق تعالی با شماست و دست توانای بقیة الله که یدالله است دستگیر شما. آن کس که برای خدا و عزت اسلام و نجات محرومان قیام کند چه باک از حوادث دهر دارد. [66].

تاریخ 63 / 11 / 22

شهدا مهاجران الی الله هستند

درود و رحمت خداوند متعال بر شهدای ارجمند و جانبازان عزیز، این مهاجران الی الله و رسوله که بالاترین سرمایه ای که خداوند به آنها امانت داده در راه پردازش والاترین ایده در طبق اخلاص گذاشته و تقدیم محضر مقدسش کردند و ارزشمندترین نظام را تا سرحد جان و توان پاسداری کردند و دشمنان خدا را از میهن اسلامی بیرون راندند. کدام هجرت به سوی خدا و رسول بالاتر و والاتر از این هجرت و کدام فداکاری ارزشمندتر از این فداکاری و جانبازی است. و چه کسی و چه شخصیت می تواند ارزش این سرمایه آمیخته با معنویت و اخلاص را ارزیابی کند و عوض و اجر دهد، جز صاحب اصلی آن و

[صفحه 40]

مشتری والای آن که فرموده: «فقد وقع اجره علی الله» [67]. [68].

تاریخ 63 / 11 / 18

شهادت

ملت عزيز ما با تعهدي كه به اسلام دارند، جنگ را تا سرحد شهادت و لقاءالله كه از بزرگترين آمال اولياي خدا و ارباب معرفت است ادامه مي دهند، گرچه آن را بي خيران نابودي انگارند و ماديگرايان لقاءالله را نابودي لقب مي دهند. [69].

تاريخ 65 / 5 / 16

ما از درك ارزش شهدا عاجزيم

جوانان عزيز متعدي كه هر يك از آنها ارزشهاي الهي اي دارند كه ما از درك آن عاجزيم، شهيد شده اند و معلول گرديده اند و به اسارت درآمده اند. [70].

تاريخ 65 / 5 / 16

معماي شهادت جز به مدد عشق حل نگرود

گرامي باد بر ملت بزرگ ايران و بر پيروان شاهد بزرگ، حضرت محمد مصطفي صلي الله عليه و آله و سلم وجود رادمرداني كه راه شهادت را برگزيده اند و در هجرت از زندگي عالم ادني و جهان سفلي به وادي ايمن و ملكوت اعلا رسيده اند و در جستجوي حيات، سرچشمه را يافته اند و سيراب و سرمست از جرعه ي «ارجعي الي ربك» [71] به رؤيت جمال و كشف رضاييت حق نايل آمده اند («و كفي بهم فخرا» [72] و چه غافلند دنياپرستان و بي خيران كه ارزش شهادت را در صحيفه هاي طبيعت جستجو مي كنند و وصف آن را در سروده ها و حماسه و شعرها مي جويند و در كشف آن از هنر تخيل و كتاب تعقل مدد مي خواهند و حاشا كه حل اين معما جز به عشق ميسر نگرود كه بر ملت ما آسان شده است. و اينك ما

[صفحه 41]

شاهد آنيم كه سبكبالات عاشق

شهادت بر توسن شرف و عزت به معراج خون تاخته اند و در پیشگاه عظمت حق و مقام جمع الجمع به شهود و حضور رسیده اند و بر بسیط ارض، ثمرات رشادتها و ایثارهای خود را نظاره می کنند. [73].

تاریخ 65 / 11 / 16

خون شهدا سرمایه ی زوال ناپذیر هنر متعهد

خون پاک صدها هنرمند فرزانه در جبهه های عشق و شهادت و شرف و عزت، سرمایه زوال ناپذیر آن گونه هنری است که باید به تناسب عظمت و زیبایی انقلاب اسلامی، همیشه مشام جان زیبا پسند طالبان جمال حق را معطر کند. [74].

تاریخ 67 / 6 / 30

شهدا شمع محفل دوستانند

از شهدا که نمی شود چیزی گفت شهدا شمع محفل دوستانند؛ شهدا در قهقهه ی مستانه شان و در شادی وصولشان «عند ربهم یرزقون» [75] اند و از نفوس مطمئنه ای هستند که مورد خطاب «فادخی فی عبادی و ادخلی جنتی» [76] پروردگارند. این جا صحبت عشق است و عشق و قلم در ترسیمش بر خود می شکافد. [77].

تاریخ 67 / 7 / 1

شهدا حاملان امانت و حی

درود بر حاملان امانت و حی و رسالت پاسداران شهیدی که ارکان عظمت و افتخار انقلاب اسلامی را بر دوش تعهد سرخ و خونین خویش حمل نموده اند. [78].

تاریخ 67 / 12 / 3

[صفحه 42]

اخلاص و ایثار شما جمهوری اسلامی را بیمه کرد

شما رزمندگان متوقع نباشد که از مثل من یا هر کس که از سنخ بشر است، از شما تقدیر کند، نمی تواند تقدیر کند، خداوند تعالی مشتری شماست. شما آنچه

که داشتید، بزرگترین مؤونه ای که داشتید و آن جا بود و روح، در راه خدا داده اید، چه آنهایی که شهید شدند و به لقاء الله ان شاء الله رسیدند و چه شما که حاضر برای شهادتید، عمده این حضور است.

شما دو مطلب را متحقق کردید که با این دو مطلب کسی از سنخ بشر جز آن که از اولیای خدای باشد و الهام از خدا گرفته باشد نمی تواند تقدیر شما را بکند. یکی بزرگتر سرمایه خودتان که آن حیات است، در طبق اخلاص گذاشتید و دیگری اینکه این هدیه را با اخلاص در طبق اخلاصتان گذاشتید. عمده این اخلاصی است که در شما جوانان ظاهر است. شما از این اخلاص و ایثار، جمهوری اسلامی را بیمه کردید. فتحهایی که نصیب شما شده است، خصوصا در فتح مبین، گرچه با هیچ معیاری نمی توان آن را سنجید و با هیچ زبانی نمی توان از آن توصیف کرد، لکن آنچه که بالاتر از همه آنهاست این صداقت شما و این اخلاص شما در بارگاه حق تعالی است. آنچه که در نزد خدا ارزشش از همه بالاتر است، این ایثار از روی اخلاص است همان که خدای تبارک و تعالی در سوره «هل اتي» اهل بیت عصمت را به آن توصیف می کند که: «و یطمعون الطعام علی حبه» [79] ... طعام چیزی نیست، آن هم يك قرص نان جو، آنچه اهمیت دارد «علی حبه» هست.

آنچه در پیشگاه حق تعالی ارزش دارد و هیچ بشری نمی تواند آن را توصیف کند، این اخلاص و محبتی است که شما دارید. شما جان خودتان را فدا می کنید و بسیار اشخاص هم

هستند که در راههای انحرافی باز هم این کار را می کنند. صورت عمل، يك صورت است لکن معني دو تا و محتوا دوتا است. میزان محتوای عمل است، نه صورت عمل. شمشیر علي بن ابيطالب سلام الله عليه و فرود آوردن شمشیر و به دشمن آن شمشیر را ضربه زدن و او را کشتن، این امری است که در همه جا واقع می شود و بسیاری از اشخاص این اعمال را کرده اند و می کنند. ارزش به اینها نیست، ارزش به آن است که در قلب علي

[صفحه 43]

بن ابيطالب چه می گذشته است و مرتبه ي اخلاص او چه اندازه بوده است.

آن مرتبه اخلاص است که يك ضربت را با عبادت ثقلین، عبادت جن و انس مقابل کرده است. شما این اخلاصتان و این شهادت طلبی و این ایثارتان برای خداست که ارزش به شما داده است و این ارزش را هیچ معیاری نمی تواند اندازه گیری کند. عزیزان من! حفظ کنید این نعمت را. خداوند به شما يك همچون نعمتی داده است که شما را با عنایت ذاتی خودش، با دست غیبی خودش متحول کرده است به يك انسانهای خالص برای خود و انسانهایی که جان و هرچه دارند، در راه خدا ایثار می کنند. «ان الله اشترى من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة» [80] این جنتی که مشتری به شما عطا می کند، با جنتی که دیگران برای آنها تحقق پیدا می کند، فرق دارد. امیدوارم که این جنت، جنت لقاء باشد. امیدوارم که مشتری شما، شما را در حضور خود پذیرایی کند. اولیای خدا در آن عالم هم که هستند، به

غیر خدا سرگرم نیستند. نعمتهای بهشت را از آن می گذرند و متوجه به لقای حق تعالی هستند و شما که جان نثاری دارید می کنید و از مکتب دفاع می کنید و کشورهایی را که طمع به این کشور دوخته اند مأیوس می کنید همه اینها ارزشمند و بسیار ارزشمند است، لکن آن اخلاص و محبت شما و آن ایثار در راه خدا بالاترین ارزش است برای شما. آن ایثار و اخلاص است که حتی در ترازوی عالم غیب هم نمی شود که سنجش بشود. آن ایثار و اخلاص است که حتی در ترازوی عالم غیب هم نمی شود که سنجش بشود. آن پیش خدای تبارک و تعالی سنجش می شود و ما مفتخریم که در يك همچو برهه از زمان واقع شدیم که مثل شما عزیزان در آنجا و در آن زمان و در آن مکان واقع شدید و ما از هوایی تنفس می کنیم که شما از آن هوا تنفس می کنید. شما ایثارگرید و شما اخلاصمندید، شما بر نفس خود پیروز شدید و ما عقب ماندیم. شما احتمال این معنی را ندهید که تفنگ و مسلسل شما پیروز شده است. مقابل شما بالاتر از این را هم داشتند، شما اندک داشتید و آنها بسیار، لکن آنچه که شما را پیروز کرد و پیروز می کند، آن ایمان شماست و آن اخلاص شماست که در شما هست و در آنها نیست. شما برای خدا در میدانها وارد می شوید و آنها برای شیطان. آنها حزب شیطانند و شما حزب خدا. آنچه

شمارا در دو جبهه پیروز کرد و پیروز کرده و می کند ان شاء الله (جبهه باطنی و نفسانی و جبهه جنگ با گروه شیطنانی) آن اخلاص و ایمان شماست که شما را پیروز می کند. شما شیعه ی همان هستید که می فرمود اگر همه عالم در مقابل من بایستند، تنها در مقابل می ایستم. آن ایمان است که او را آنطور در مقابل همه چیز می ایستاند. آن اخلاص اوست، آن روحانیت و معنویت اوست و شما هم شیعه او هستید. امیدوارم که از روحانیت او و از علومی که خدای تبارک و تعالی به او عنایت کرده است و نفحات الهی که در روح مبارک او دمیده شده است، به شما و هما ما نصیبی داده بشود.

برادران! شما پیروزید و شهدای شما پیروزند، ملت شما پیروز است. شما يك ملتي که در تمام دنیا مثل آن ملت پیدا نمی شود و ملت يك شمایی دارد که در تمام دنیا مثل شما پیدا نمی شود. [81].

تاریخ 68 / 1 / 28

شهیدان زندگانی ابدی دارند

اسلام و قرآن از همه کس بیشتر برای فداکاری در راه استقلال کشور و نگرهبانی از توده دعوت کرده. اسلام است که از کشتگان در راه خدا و در میدانهای جنگ قدردانیها کرده و گفته گمان نکنید که آنها مرده اند، آنان زندگانی ابدی دارند و در ناز و نعمت در پیشگاه خدا جاویدانند. اسلام فداکاران خود را هیچگاه فراموش نکند و تا دنیا دنیاست نام شهیدان در راه آزادی و حریت را به بزرگی و سرفرازی می برد. اسلام است که برای يك قطره اشك در راه فداکاران خود

پاداشها دهد تا نام فضیلت و شهامت آنها برای همیشه باقی باشد. اسلام خون شهیدان در راه خود را نمی گذارد از جوش بیفتد و حس فداکاری را در سربازان به این وسیله بیدار می کند. [82].

[صفحه 45]

اهداف شهدا و ایثارگران

هدف حفظ اسلام و احکام قرآن کریم است

بزرگان اسلام ما در راه حفظ اسلام و احکام قرآن کریم کشته شدند، زندان رفتند، فداکاریها کردند تا توانستند اسلام را تا به امروز حفظ کنند و به دست ما برسانند. امروز وظیفه ی ماست که در برابر خطراتی که متوجه اسلام و مسلمین می باشد، برای تحمل هرگونه ناملایمات آماده باشیم تا بتوانیم دست خائنین به اسلام را قطع نماییم و جلو اغراض و مطامع آنها را بگیریم... [165].

تاریخ فروردین 42

آمال ما، فدای اسلام

ما خودمان را باید فدا کنیم برای اسلام، آمال و آرزوهایمان را باید فدا کنیم برای اسلام. [166].

تاریخ 43 / 2 / 25

مقصد ما مقصد انبیاست

اگر ما برای مقصد اسلامی، برای مقصدی که انبیا خودشان را به آب و آتش زدند، اولیای عظام خودشان را به کشتن دادند، علمای بزرگ اسلام را آتش زدند، سر بریدند، حبس کردند، تبعید کردند، حبسهای طولانی کردند، چنانچه ما برای مقاصد اسلام

[صفحه 46]

بترسیم دین نداریم. دیندار هم برای اینکه خرقة را از این عالم خالی کند می ترسد؟ اگر ما ماورای این عالم را اعتقاد داشته باشیم، باید شکر کنیم که در راه خدا کشته بشویم و برویم در صف شهدا بترسیم؟ از چه بترسیم؟

آن باید بترسد که غیر از این عالم جایی ندارد. بحمدالله تعالی، خدای تبارک و تعالی وعده کرده به ما که يك جاي خوب دارید اگر چنانچه به دین من رفتار کنید. و ما امیدواریم که رفتار کنیم، امید دارم که رفتار کنیم. ما از چه بترسیم؟ چه ترسی ما داریم از شماها؟ شما آن آخر امر این است که ما را اعدام کنید، اول زندگی راحت ماست، از این کثافت کاریها بیرون می رویم. از این رنج و محن خلاص می شویم. آقای ما فرموده: «والله لابن ابيطالب آس بالموت من الطفل بشدي امه» [167] خوب ایشان فرموده است، ما البته نمی توانیم همچنين دعویهایی بکنیم لکن ما شیعه ي او هستیم، ما اگر از مرگ بترسیم معنایش این است که ماوراء الطبیعه قبول نیست. [168].

تاریخ 43/2/25

هدف شهدا اهداف شریفه ي اسلام است

مبارک باد بر شما افراد روشنفکر و متدین که در راه اهداف شریفه ي اسلام که ضامن رفاه عموم و تأمین معنویات و مادیات بشر است فداکاری می کنید. مبارک باد بر مسلمانانی که در راه دفاع از احکام اسلام و ممالک مسلمین و رهایی از یوغ استعمار و عمال خبیث آن، به حبس و تبعید و شکنجه و قتل تن می دهند و برای قطع ایادی ظلم با هر محرومیتی می سازند. [169].

تاریخ آبان 55

هدف برپا داشتن پرچم پرافتخار اسلام است

ما سوگمندانه و مفتخرانه عزیزانی را در راه هدف که واژگونی رژیم طاغوتی و برپا داشتن پرچم پرافتخار اسلام است فدا کردیم و این درست راه اسلام و برنامه ي مسلمین راستین

در صدر اسلام بوده و در طول تاریخ خواهد بود «و لکم فی رسول اللہ اسوة

[صفحه 47]

حسنه» [170] پیغمبر بزرگ اسلام همه چیزش را فدای اسلام کرد تا پرچم توحید را به اهتزاز درآورد. [171].

تاریخ 57/3/20

هدف شهدا، تداوم راه و رسم پیامبر اسلام است

ما از این غیورانی که در راه هدف مقدس اسلام فداکاری می کنند و از جان و مال دریغ ندارند و تن به ظلم نمی دهند و سکوت مرگبار را شجاعانه با اهداء جان خود می شکنند و راه و رسم پیامبر اسلام (ص) و امامان تشیع را یافته و بدانان اقتدا نموده اند تشکر نموده و به آنان تبریک می گوئیم. [172].

تاریخ 57/5/5

مخالفت با سلطان جائر شیوه اولیاء الله است

عزیزان من! از فدایی دادن و نثار جان و مال در راه خدا و اسلام و ملت مسلمانان نهراسید که این شیوه ی پیغمبر عظیم الشان و اوصیا و اولیای آنان بوده و خون ما رنگینتر از خون شهدای کربلا نیست که با مخالفت با سلطان جائر که متمسک به اسلام بود و خود را خلیفه اسلام معرفی می کرد، ریخته شد. [173].

تاریخ 57/7/4

راه شهدا راه اولیاء الله است

خواهران و برادران عزیز! صبور باشید و سستی و ضعف از خود نشان ندهید، راه شما راه خدا و اولیای خداست. خون شما در راهی می ریزد که خون پیامبران و امامان و اصحاب صلاحیتدار آنان ریخته شده، شما به آنان می پیوندید و

این نه تنها غم ندارد که شادی آور است. [174].

تاریخ 57/7/20

[صفحه 48]

در راه خدا فداکاری می کنیم

وقتی یکی امری برای خدا شد و مقابل ظالم شد، ما چه غمی داریم، دیگر این غمی ندارد که ما برای خدا داریم کار می کنیم و جوانهای ما برای خدا دارند فداکاری می کنند. هیچ ابداء از این هراسی به دلتان راه ندهید. وسوسه های شیاطین که خوب «ما چه کنیم، چه می شود که» یا از این حرفهایی که شیاطین القا می کنند و بعضی شیاطین می گویند به ماها و به شماها، هیچ ابداء، خودتان محکم بایستید و هیچ هراسی به دلتان راه ندهید که شما پیروزید ان شاء الله. چه کشته بشویم و چه بکشیم حق با ماست. ما اگر کشته هم بشویم در راه حق کشته شدیم و پیروزی است و اگر بکشیم هم در راه حق است و پیروزی است. [175].

تاریخ 57/8/3

آیاری درخت آزادی با خون شهدا

نباید ما نگران باشیم از اینکه فدایی می دهیم، این سیره ی انبیا بوده، این کارها را می کرده اند انبیا، اولیا در مقابل ظلمه، در مقابل اشخاص که ظلم به به مردم می کردند، قیام می کردند و کشته می شدند و کشتار می کردند و جوانهایشان را می دادند و اصحابشان را می دادند و مسأله ای نیست که ما حالا یک نگرانی داشته باشیم که مبادا خون راه بیفتد. باید خون راه بیافتد، باید یک ملتی که می خواهد خودش را نجات بدهد از زیر بار این همه جنایات و این همه خسارات که بر او وارد

شده است، همین طور مجانی نمی شود که انسان به دست بیاورد. یکی از این مادرها ظاهراً در بهشت زهرا ایستاده و صحبت کرده که درخت آزادی محتاج به آبیاری است و خون پسر من یکی از چیزهایی است که آبیاری می کند. ما یک چنین شیرزانی داریم.

احتیاج دارد اسلام به اینکه فدا بدهیم برای این اسلام. از صدر اسلام تا حالا چه نفوس طیبه ای فدایی شدند. [176].

تاریخ 57/8/3

[صفحه 49]

نهضت ما برای رسیدن به حکومت اسلامی است

ملت ایران برای رهایی از چنگال دیو استبداد و استعمار و رسیدن به حکومت اسلامی، نهضت مقدس اسلامی خود را آغاز کرد و به یاری خدای تعالی تا رسیدن به پیروزی ادامه خواهد داد. بدیهی است که چون دشمنان قسم خورده مردم یعنی شاه و حامیانش به آسانی حاضر به کنار رفتن نیستند، لهذا لجاجت دشمنان ملت و مقاومت دلیرانه مردم مسلمانان در مقابل آنان ضایعاتی برای آنان به بار خواهد آورد ولیکن ملسمان می داند اگر کشته شود، در صف شهدای کربلاست و چیزی را از دست نمی دهد و بدین مناسبت تا پیروزی نهایی به قیام خود ادامه می دهد. [177].

تاریخ 57/8/16

دانشجویان در راه اسلام فدایی داده اند

من از دانشجویان که در راه اسلام و کشور فدایی داده اند و در مقابل شاه با مشتی گره کرده ایستاده و او را محکوم کرده اند تشکر می کنم. [178].

تاریخ 57/8/16

قیام ملت برای آزادی و استقلال و حکومت عدل است

مردمی که قیام کرده اند و بچه هایشان را و جوانهایشان را دارند فدا می کنند برای آزادی، برای استقلال، برای اسلام، برای حکومت عدل، اینها اراذل و پست هستند در منطق شما؟ [97]. [98].

تاریخ 57/9/3

برای احقاق حق، شهادت ضروری است

سؤال: چنانچه روشهای مسالمت آمیز و روشهای سیاسی کنونی به نتیجه نرسید، آیا شما دستور خواهید داد که طرفداران شما بجهنگند و واقعا اسلحه بردارند؟

[صفحه 50]

جواب: ما حتی الامکان میل داریم که با مسالمت تمام شود و با همین ترتیب که الآن ملت ایران مشغول هستند که مهمترین آن، اعتصابات و تظاهرات است که در ماه محرم هم زیادتر خواهد شد و اگر چنانچه به نتیجه نرسید، ممکن است که تجدیدنظر کنیم.

سؤال: حتی اگر چنانچه این به معنی این باشد که طرفداران خودتان را بفرستید در جلوی گلوله های شاه؟

جواب: البته طرفداران ما نمی خواهند جلوی گلوله ها بروند، آنها می خواهند حق خودشان را استیفا کنند و مسالمت هم می کنند، لکن آن شاه است که امر می کند به کشتن آنها و برای احقاق حق، این امری است ضروری. [99].

تاریخ 57/9/10

هدف، اقامه عدل و حق است

امروز روزی نیست که شما بنشینید توی خانه تان و بگویید تکلیف من این است که بروم مثلا فرض کن دکان، برگردم بروم مسجد و برگردم بروم محراب و برگردم. امروز، آن روز نیست. اگر آن روز بود، خوب، من هم قم بودم و مشغول درس بودم، مشغول بحثم بودم و مشغول استفاده از آقایان.

امروز آنطوري نيست آقا، امروز مطلب مهم است. از مهماتي است كه جان بايد پايش داد. همان مهمي است كه سيدالشهدا جانش را داد برايش، همان مهمي است كه پيغمبر اسلام بيست و سه سال زحمت برايش كشيد، همان مهمي است كه حضرت امير سلام الله عليه هيجده ماه با معاويه جنگ كرد، در صورتي كه معاويه دعوي اسلام مي كرد و چه و چه. جنگش چه بود؟ براي اينكه يك سلطان جائر بود، براي اينكه يك دستگاه جائر بود، بايد به زمينش بزند. آنقدر از اصحاب بزرگوارش را به كشتن داد، آنقدر از اينها را هم كشت، براي چه؟ براي اينكه اقامه ي حق بكند، اقامه ي عدل بكند. [100].

تاريخ 57 / 11 / 13

[صفحه 51]

با شهادتها، اسلام بيمه شد

خون داديد جوان داديد لکن خون و جوان شما به نفع اسلام و براي اسلام بوده. اسلام عزيزتر از آن است كه ما خوف داشته باشيم كه خونمان يا جوانانمان در راه او شهيد شود، اسلام شهيدان زياد داشته است اميرالمؤمنين سلام الله عليه شهيد اسلام است و براي اسلام شهادت پيدا كرد. حسين بن علي (ع) در راه اسلام شهيد شد. ما باكي از شهادت نداريم، ما باكي از كشته دادن نداريم. شما ملت ايران كه با خون خود، با جوانهاي خود، اسلام را بيمه كرديد. دست اجانب را قطع كرديد. [101].

تاريخ 57 / 12 / 10

منطق شهيد، منطق اسلام است

منطق، منطق صدر اسلام است كه اگر بكشيم، بهشت مي رويم و اگر كشته بشويم، بهشت مي رويم. اين منطق

شکست ندارد. منطق دنیا نیست که چنانچه بمیرند، یا به جهنم می روند یا به جایی بدتر از جهنم اگر باشد، منطق، منطق دین است. منطق، منطق اسلام است، منطق قرآن است. [102].

تاریخ 57/12/14

هدف بزرگ شهدا حکومت عدل اسلامی است

درود بر شهدای راه آزادی، سلام بر شهدای سرتاسر ایران، درود بر شهدای شهرستان قم، درود بر شما جوانان رشید، سلام بر بانوان و جوانان رشید قم، درود بر بانوان و جوانان سرتاسر ایران. من از شما مفارقت کردم، در صورتی که اکثر جوانان فعلی نارس بودند و به خدمت شما آمدم، در صورتی که بسیاری از جوانان ما از دست رفته است، بسیاری از آنهایی که ما ندیدیم آنها را و حالا شمایل آنها را می بینیم، شهید شدند؛ افتخار شهادت در راه اسلام، افتخار شهادت در راه قرآن کریم، افتخار شهادت در راه آزادی و استقلال، افتخار شهادت در راه هدف بزرگ اسلام و آن حکومت عدل اسلامی، جمهوری اسلامی. شما جوانان برومند ایران و شما جوانان برومند قم به اسلام عزیز حق پیدا کردید. اسلام بر همه منت دارد، ما هیچ منتی بر اسلام نداریم. من منت از شما

[صفحه 52]

می کشم، من زیر منت شما ملت ایران و شما اهالی محترم قم، زیر منت شماها هستم. شماها بودید که نهضت اسلامی را به ثمر رساندید. شما ملت بزرگ ایران و اهالی معظم قم بودید که با مشت بر تانکها و توپها و مسلسلها غلبه کردید...

ما باکی از این نداریم که خونهای طیب جوانهای ما در راه

اسلام ریخته شده است، باکی از این نداریم که شهادت نصیب عزیزان ما شده است. این يك شیوه مرضیه ای است که در شیعه امیرالمؤمنین از اول پیدایش اسلام تاکنون بوده است. [103].

تاریخ 57 / 12 / 18

شهادتی که دادیم برای اسلام بود

و من در این آخر سال تأسف خودم را از این شهادتی که ما داشتیم، باید اظهار بکنم. ما بسیار متأسفیم از این شهادتی که دادیم، مثل اینکه صد و شصت هزار نفر مجروح و شهید نوشته بود داشتیم. در هر صورت هرچه داشتیم، يك نفرشان هم زیاد بود، يك نفرشان هم نباید واقع بشود، لکن حالا شد اما چون که برای اسلام بود و صبغه ی دینی و اسلامی داشت نه برای دنیا، و لهذا می آمدند بعضی اشخاص به من می گفتند که شما دعا کنید که ما شهید بشویم. این صبغه، صبغه ی دین است، اسلام است. آنی که ما پیش بردیم همین بود، اینطور روحيات بود که برای شهادت داوطلب بودند، یعنی از مرگ نمی ترسیدند. همانطوری که صدر اسلام هم پیشرفت مسلمین همین بود، ما بسیار اشخاص ارزنده را از دست دادیم لکن چون برای اسلام بود ان شاء الله روح همه ی آنها شاد است و همه ی آنها در سعادت و تحت لوای خدای تبارک و تعالی هستند و برای بازماندگان آنها هم ما دعای صبر می کنیم، خداوند به همه ی آنها صبر و اجر و مزد عنایت بفرماید. [104].

تاریخ 57 / 12 / 29

چون اسلام در کار بود، مردم شهادت را طالب بودند

تمام قدرتهای بزرگ نتوانستند جلوی این ملت را

بگیرد و این ملت با مشیت خالی غلبه کرد بر آنها و نبود جز اینکه اسلام در کار بود و مردم شهادت را طالب بودند و نبود الا اینکه همه با هم بودند و از آن بچه کوچک تا آن پیر مرد هشتاد ساله همه يك حرف

[صفحه 53]

می زدند. [105].

تاریخ 58 / 1 / 29

قدرت ایمان، شهادت را فوز می داند

ملت چیزی دستش نبود، مشیت و خون داشتند، غیر از این چیزی نداشتند. مع ذلك قدرت ایمان بود که شهادت را برای خودشان فوز می دانستند. این قدرت که شهادت را برای خودش فوز بداند، این غلبه دادن ایران را بر قدرتهای بزرگ دنیا، همه پشت سرش ایستاده بودند، همه ی قدرتها، من داخل کار بودم، پیغامها به من بود که از امریکا مکرر و همه پشت سرش ایستاده بودند مع ذلك قدرت ایمان این مردم غلبه کرد. [106].

تاریخ 58 / 2 / 3

مقصد احقاق حق مستضعفین است

خداوند را سپاس می کنم که اراده فرمود منت بر مستضعفین بگذارد علیه مستکبرین و زمین را از لوٹ مستکبرین پاک کند، مستضعفین را به حکومت برساند. اسلام برای همین مقصد آمده است و تعلیمات اسلام برای همین معناست که مستکبری در زمین نباشد و نتوانند مستکبرین، مستضعفین را استعمار و استثمار کنند. ما به تبع تعالیم عالییه ی قرآن و آنچه از اسلام بر سیره ی رسول اکرم و ائمه مسلمین به دست آوردیم و از سیره ی انبیا چنانچه در قرآن نقل می فرماید به دست آورده ایم آن است که مستضعفین با هم مجتمع شوند

و بر مستکبرین ثور، (انقلاب) کنند و نگذارند حقوق آنها را ببرند. ما با این تعالیم پیشرفت کردیم و ملت ما شهادت را استقبال کرد برای این مقصد، و چون شهادت مورد هدف او بود با مشت و خون بر تمام قوای جهنمی، بر دبابات (تانکها) بر مسلسل‌ات، برابر قدرتها که در پشت شاه سابق صف کشیده بودند غلبه کرد. [107].

تاریخ 58/2/4

نترسیدن از شهادت ناشی از نور ایمان است

این معجزه است که خانمها را در مقابل تانک و توپ، در مقابل مسلسلها، در مقابل

[صفحه 54]

توپها و تانکها برقرار کرد و از هیچ چیز نه‌راسیدید. این نور قرآن و اسلام است که در دل‌های شما و در قلوب همه ملت ایران جلوه کرده است، این نور ایمان است که شما خانمها هم از شهادت نمی‌هراسید. [108].

تاریخ 58/2/16

خون ما فدای اسلام

ما مصمم هستیم که تا آخرین قطره ی خون خودمان و ملتمان را فدای اسلام کنیم. [109].

تاریخ 58/2/17

ما مفتخریم که در راه اسلام شهید بدهیم

اسلام از روز اول که ظهور پیدا کرد با شهادت، این دین حنیف را ترویج کرد. اسلام شهدای بزرگ داشته است و مفتخر است به اینکه در راه خدا و در راه هدف، شهدای بزرگ داده است ما هم مفتخریم به اینکه در راه اسلام و در راه هدفمان، شهید بدهیم و این [110]، آخر شهید ما نیست، ما باز شهدایی ممکن است بدهیم

و برای ما زندگی این دنیا مطرح نیست، مطرح هدف است و در راه هدف کوشش می کنیم و هرچه پیش بیاید چون برای هدف است از او استقبال می کنیم. [111].

تاریخ 58/2/17

وقتی هدف خدا باشد از شهادت خوف نیست

اگر نهضت برای خدا باشد از شهادت خوف نیست. شکست در نهضتی که برای خدا باشد نیست. مسلمین صدر اسلام می گفتند اگر بکشیم بهشت است و اگر کشته شویم بهشت است شما هم همینطور هستید. [112].

تاریخ 58/2/21

[صفحه 55]

خون دادن برای تحقق اسلام است

استقلال که در آن امام زمان نیست، آزادی که در آن قرآن نیست، آزادی که در آن پیغمبر اسلام نیست، ملت ما این را نمی خواهد. خوش را داد برای این، برای آزادی داد، برای خدا داد. ملت ما تبع حضرت سیدالشهدا شد، او خوش را برای چی داد؟ حکومت می خواست؟! استقلال می خواست؟! آزادی می خواست؟! خدا را می خواست، او اسلام را می خواست، او می خواست که اسلام در خارج تحقق پیدا بکند. [113].

تاریخ 58/3/3

عزیزان خودتان را برای اسلام دادید

شما عزیزان خودتان را برای اسلام دادید، حالا که عزیزها را دادید، به ضد اسلام بنخواهید وارد بشوید، هدر می دهید خون عزیزان خودتان را، توجه بکنید، اینها می خواهند هدر بدهند خون شما را. [114].

تاریخ 58/3/4

خونها برای زنده کردن اسلام است

شما زحمت کشیدید، زن و مرد زحمت کشید، به خیابانها ریخت، جورها

کشید، خونها داد که اسلام را زنده کند، برای اسلام خون داد، برای شهادت داوطلب شد، آن که می خواست ملت ما، آن که به او رأی داد ملت ما، جمهوری اسلامی بود، اسلام مورد نظر بود. [115].

تاریخ 58/3/4

برای اسلام و قرآن کریم ارزش دارد که همه از بین برویم

از اینکه جوانها از دست شما رفته و مصیبت واقع شده است من متأثرم، لکن برای اسلام و برای قرآن کریم ارزش دارد که همه از بین برویم. [116].

تاریخ 58/3/8

[صفحه 56]

شهادت را برای اسلام می خواهند

ملت ما این همه زحمت کشیدند و این همه خون دادند و این همه گرفتاری پیدا کردند و این همه فریاد زدند، اینها برای اسلام این کارها را کردند، اسلام را مردم می خواهند. اگر چنانچه ما اسلام نداشتیم، الآن همه همان معانی سابق بود. مردم برای جهات دیگری غیر از اسلام نمی روند خون خودشان را بریزند. مردم شهادت را می خواهند. الآن هم باز اشخاصی می آیند از من استدعا می کنند که دعا کنید که ما شهید بشویم. شهادت را برای چه می خواهند؟ شهادت را برای این می خواهند که مثلاً غیر اسلام چیز دیگری تحقق پیدا کند؟! یک دمکراسی غربی باشد؟! یک آزادی مثل شوروی باشد؟! یک آزادی مثل امریکا باشد؟! یا اسلام را می خواهند؟ [117].

تاریخ 58/3/8

ملت اسلام را می خواهد

چرا این ملت به خیابانها ریخت و الله اکبر گفت؟ چرا جوانهایش را داد و شب پشت بامها

رفت و فریاد زد و مرگ بر که و زنده باد بر که گفتند؟ این برای چه بود؟ برای اسلام بود. اینها اسلام می خواستند. فقط مسأله این نبود که ما آزادی می خواهیم، آزادی منهای اسلام نمی خواهند ملت ایران. ملت ایران اسلام را می خواهد. آزادی باشد لکن مثل شوروی باشد؟! آزادی باشد لکن مثل مملکت دیگری باشد، اجنبی باشد؟! کی همچون چیزی را ملت ما می خواست. [118].

تاریخ 58/3/8

کسی برای رفاه مادی خون نمی دهد

خونشان را جوانهای ما برای اینکه یک زندگی مرفهی در دنیا داشته باشند می دادند؟! این می شود که یک کسی خودش را بکشد که زندگیش خوب باشد؟! [119].

تاریخ 58/3/16

[صفحه 57]

جوانان ما برای تجدید حیات اسلام فدا شدند

من نمی دانم چطور اظهار تأثر کنم در اینطور مصیبتها که به ما وارد شده است. نمی دانم با شما برادران خودم و فرزندان خودم چطور مواجه باشم و چطور بینم من سالم نشسته ام و شما مجروح و رنجیده هستید.

آنچه که مایه دلخوشی است این است که این امور برای اسلام واقع شده است و برای خدا بوده است، آنچه که برای خداست پیش خدا محفوظ است. شما سلامتی خودتان را از دست دادید برای اسلام، چنانچه اولیای خدا جان خودشان را برای اسلام دادند. اسلام عزیزتر از آن است که ما تصور می کنیم...

شما زحمت کشیدید شما رنج بردید. جوانهای ما فدا شدند و اسلام را در این وقت که می رفت رو به تباهی برود زنده کردید. خداوند شما را

اجر عنایت کند که اسلام در این زمان به خاطر کوشش شما تجدید شد. اگر نبود این کوششهای جوانهای ما و اقشار ملت، می رفت که اسلام را دست جنایتکاران از بین ببرد. شما قیام کردید. فداکاری کردید و اسلام را زنده کردید و خداوند به شما زندگی ابدی خواهد داد. [120].

تاریخ 58 / 3 / 24

همه چیز برای خداست

شما برای خدا نهضت کردید. دلیلش این است که جان را گذاشتید کف دست و راه افتادید در خیابانها و فریاد کردید اسلام، این دلیل بر این است که شما برای خدا کار کردید، اگر این کار برای خدا نبود، کسی جانش را نمی داد. میدانی که گلوله تفنگ دارد، مسلسل می بندند، توپ می آید، تانک می آید، سرباز مسلح است، این دلیل بر این است که برای خدا کار انجام دادید. همین وصیتی که خدا، موعظه ای که خدا کرده است عمل شد «اعظکم بواحد» [121] این یکی «انما اعظکم بواحد» به ایشان بگو که من فقط یک موعظه دارم و آن اینست که نهضت شما، قیام شما برای خدا باشد. توی این همه چیز هست، در این یک کار و یک موعظه همه چیز هست. شما این موعظه خدا را پذیرفتید تا

[صفحه 58]

حالا، نگذارید از دست برود. [122].

تاریخ 58 / 3 / 28

ما شهادت را می خواهیم

الآن هم باز جوانهایی می آیند پیش من و می گویند دعا کنید که ما شهید بشویم، ما شهادت را می خواهیم. این یک تحویلی بود که برای این ملت پیدا شد و گرایش زندگی این

دنیا خیلی مطرح نبود، شهادت را می خواستند. اگر دنیا و این امور مادی و این زندگی مطرح بود نمی رفتند در مقابل توپها و در مقابل تانکها و مسلسلها. آنان در مقابل توپ و تانک رفتند، از بچه کوچک گرفته تا بزرگها، از دانشگاهی تا علمای مذهب، از بازاری تا کارگر و ارتشی. [123].

تاریخ 58/3/28

ملت برای اسلام، جوان می دهد

ملت ما که به خیابانها ریختند، به پشت بامها رفتند و شب و روز زحمت کشیدند، جوانهایشان را دادند، خونشان را دادند، برای اسلام بود، اگر اسلام نبود همچو کاری نمی کردند. [124].

تاریخ 58/3/28

مقصد اسلام بود

آنکه مقصد بود اسلام بود، آنکه مردم خونشان را در راه آن دادند اسلام بود، آنکه مردم جوانهایشان را دادند و زنها جوانهایشان را دادند و بعد هم اظهار تشکر می کردند، آن اسلام بود و اعتقاد به اینکه باید اسلام تحقق پیدا بکند. [125].

تاریخ 58/3/31

این خونها برای ایجاد حکومت عدل اسلامی ریخته شد

اینقدر خون جوانهایمان از بین رفت برای اینکه یک مملکتی داشته باشیم مال

[صفحه 59]

خودمان، اینقدر مردم جان فشانی کردند، و زنها جوانهایشان را دادند برای اینکه یک مملکت عدل اسلامی پیدا بشود. [126].

تاریخ 58/4/6

برای اسلام هر چه بدهیم کم دادیم

ما در عید فطر سابق که عید خون بود و در این عید هم که باز عید خون است هراسی از خون

نداریم. اسلام دین خون است برای فجار و دین هدایت است برای مردم دیگر. اولیای ما بی هراس خون دادند و بی هراس در جنگهای خونین وارد بودند. امیرالمؤمنین سلام الله علیه آن موجود یگانه در عین حالی که نهج البلاغه برای هدایت داشت، شمشیر برای آنهایی که توطئه گر بودند. ما خونها دادیم و شهدا دادیم. اسلام خون داد و شهدا داد. ما فرقه‌های شکافته دادیم مثل علی ابن ابیطالب، علی بن الحسین و سرهای بر نیزه رفته دادیم مثل سیدالشهدا و اصحاب و اعوان او. اسلام در تمام اعصار با خون و با شمشیر و با اسلحه اسلام را پیش برد و نمایش پیدا کرد. ما از شهید دادن باکی نداریم. در عید فطر، ما سال قبل و در آن ایام شهدا دادیم و در این فطر، در این ماه صیام هم شهدا دادیم. از شهادت باکی نیست. اولیای ما هم شهید شدند یا مسموم شدند یا مقتول. اولیای ما هم بعضی از آنها در حبس و بعضی از آنها در تبعید به سر بردند. برای اسلام هرچه بدهیم کم دادیم و جانهای ما لایق نیست. بدخواهان ما گمان نکنند که جوانهای ما از مردن، از شهادت باکی دارند. شهادت ارثی است که از اولیای ما به ما می رسد. آنها باید از مردن بترسند که بعد از مرگ، موت را فنا می دانند. ما که بعد از موت را حیات بالاتر از این حیات می دانیم چه باکی داریم. [127].

تاریخ 58/6/2

شهادت را فنا نمی دانستند

این آخر دیگر که اینها حمله کردند و کودتا خواستند بکنند و نقشه کشیدند که در يك

شب تمام سرها را، سرهای قوم را از بین ببرند خدا رحمت کند قرنی [128] را، گفت سه ساعت

[صفحه 60]

و نیم طول کشید. گفت جنگ ما بین مردم و قوای شاه، شاه مخلوع سه ساعت و نیم شد. با سه ساعت و نیم غلبه کرد، مشتها غلبه کرد بر تانکها، بر توپها. این ایمان بود، این برای این بود که جوانیها ما از مردن نمی ترسیدند برای اینکه شهادت را فنا نمی دانستند، شهادت را یک زندگی جاویدان می دانستند. کرارا پیش من آمدند. کرارا، حالا هم می آیند گاهی که شما دعا کنید ما شهید بشویم من دعا می کردم که ثواب شهید پیدا کنید ان شاء الله. یک همچو روحیه ای پیدا شد نظیر همان روحیه ای که در زمان رسول الله در جوانیهای آن وقت بود. این اسباب این شد که غلبه کرد مشت بر تانک. [129].

تاریخ 58/6/3

این فداییها برای اسلام است

ما هر روز مواجه می شویم با این جنایاتی که از طرف بازمانده های رژیم سابق می شود. ما هر روز باید متأثر باشیم از این مصیبتهایی که بر ما و بر خواهران و برادران ما وارد می شود، لکن آنکه ما و شما را تسلیت می دهد این است که این کارها برای خدا بوده است و چیزی که برای خداست محفوظ می ماند. اسلام از این شهدا زیاد داشته است. صدر اسلام پیغمبر اکرم شاهد شهدای بسیار بزرگ بوده است و حضرت امیر سلام الله علیه، هم شهید شد و هم شاهد شهدای بزرگ بود. بعد از او هم حضرت سیدالشهدا سلام الله علیه،

هم شهيد شد و هم شاهد شهداي بزرگ بود. اسلام هميشه از اين فداييها داشته است و قرآن كريم كه به همه ي ما و به همه ي بشر حق دارد سزاوار است كه ما در راه او فداكاري كنيم. من از خدای تبارك و تعالی رحمت برای آن [130] شهيد طلب مي كنم و صبر و اجر برای مادر و عيال و ساير بازماندگان او. خداوند به شما صبر عنایت کند و این شهيد را در نتیجه اعمال شما جزء شهيداني كه فداكار در راه اسلام بوده اند ثبت کند. من به شما تسليت عرض مي كنم و شريك شما هستم در این غمها و در این گرفتاريها و این باري است كه روي دوش ما سنگيني مي كند. مهم این است كه برای اسلام است اميدوارم كه برای اسلام برای همه محفوظ بماند و فداييان ما، فداييان اسلام، در ردیف شهداي درجه ي

[صفحه 61]

اول در صدر اسلام باشند. [131].

تاریخ 58 / 6 / 15

برای حیات جاوید، تقاضای شهادت می کنند

الآن هم می آیند به من می گویند مکرر، دستجمعی، تنهایی كه شما دعا كنید ما شهيد بشویم. معقول است كه بگوئید من شهيد بشوم برای اینکه شكمم سیر بشود؟! برای شكمش می خواهد شهيد بشود؟! کسی معقول است كه تقاضای شهادت بکند برای شكمش؟! همچو معقول نیست این معنا تقاضای شهادت، برای اینکه ادراك کرده است كه در شهادت موت نیست يك حیات جاوید است، برای حیات جاوید است، كه این تقاضای شهادت می كند. زیربنا توحيد است، زیربنا عقاید حقه ي الهی است، نه زیر بنا شكم باشد اینهایی كه اقتصاد

را زیر بنا می دانند، اینها منحط کردند انسان را از حد انسانیت به حد یک حیوانی مثل سایر حیوانات. [132].

تاریخ 58/6/18

نهضت و شهادت برای اسلام است

نهضت برای اسلام است و شهادت هم برای اسلام و آنچه که برای اسلام شرف است و عزت است. [133].

تاریخ 58/6/21

مردم برای خدا خون می دهند

این همه خون دادند مردم برای این بود که مثلاً- در ایران فقط چه چیز ارزان بشود؟! چه چیز گران بشود؟! برای خدا مردم این خون را می دهند. مگر عقلشان را شیطان برده است که بی خودی خون خودشان را بدهند. [134].

تاریخ 58/6/28

[صفحه 62]

عزیزان ما در راه خدا فدا شدند

من به همه شهدایی که در راه اسلام جان خودشان را فدا کردند، سلام می فرستم و از خدای تبارک و تعالی برای همه رحمت و آمرزش از خدا طلب می کنم و به همه بازماندگان آنها تسلیت عرض می کنم و من شریکم در غم همه و من خدمتگذار به همه هستم و دعاگو.

البته مصیبت برای بازماندگان زیاد است، لکن چون در راه خداست و شما خودتان را با صاحب شرع، با ولی اعظم، با رسول اکرم در بین آنها خودتان را وارد کردید، آنها هم عزیزان خودشان را در راه اسلام داده اند و شما هم عزیزانتان را داده اید و خواهرها هم همین طور. و آن چیزی که آسان می کند مصیبتها را، این است که همه انسانها رفتنی هستند و همه

ماها رفتني هستيم و چه بهتر که در راه خدا فدا بشويم و فدا شدند آنهايي که رفتند به جوار رحمت خدا. [135].

تاریخ 58/7/29

مقصد شهدا استقلال، آزادي، جمهوري اسلامي است

ما این همه جوان دادیم، در دانشگاهها جوان دادیم، در مدرسه هاي قدیمی جوان دادیم، در مدارس علمي و اسلامي و فرهنگ جوان دادیم، در خیابانها و بازارها و کوچه ها شهید دادیم که به مقصد برسیم، برای مقصد بود و آن مقصد همان بود که ملت ما فریاد کشیدند و آن را خواستند: استقلال، آزادي جمهوري اسلامي. [136].

تاریخ 58/8/13

جوانهایتان را برای زنده کردن اسلام دادید

شما اشخاصي هستید که بچه هایتان را، جوانهایتان را دادید برای اینکه اسلام را زنده بکنید، شما تابع امیرالمؤمنین اید، شما جوانهایتان را دادید برای اینکه اسلام را زنده بکنید، نه تابع مکتبهاي انحرافي که اصل این مسائل را کار ندارد و کاري با آن ندارند. [137].

تاریخ 58/8/18

[صفحه 63]

اولیا شهادت را برای عالم دیگر می خواهند

از ما دایما این مطلب را حتی حالا می خواهند که شما دعا کنید ما شهید بشویم. آخر کسی دلش می خواهد شهید بشود برای شکم؟! کسی جوانش شهید بشود برای اینکه يك خانه ي خوبی داشته باشد؟! یا مسأله این نیست، مسأله يك عالم دیگری است شهادت برای يك عالم دیگری، آن شهادتي که همه اولیای خدا، همه انبیا دنبالش بودند و بسیاری از اولیای ما به شهادت رسیدند، آن معنا را می خواستند، مردم دنبال

آن معنا هستند. [138].

تاریخ 58/9/21

ملت ما روبروی کفر ایستاده است

تقریباً هر روز مواجه هستیم با این مادرهایی که بچه هایشان را از دست دادند و این پدرهایی که عزیزانشان را از دست دادند و این معلولین و این مجروحین و این گرفتاریهایی که در رژیم سابق برای ملت مهیا شده بود. ما هر روز تأثرات زیادی در این مسائل داریم، لکن خودمان را تسلیت می دهیم به اینکه ملت ما به صورت مجاهدین صدر اسلام درآمدند، همین طور که در صدر اسلام در رکاب رسول الله و امیرالمؤمنین سلام الله علیه عده ی کثیری از فرزندان اسلام از دست رفتند، لکن اسلام را حفظ کردند. امروز هم که ما در یک موقعیتی واقع هستیم که اسلام روبروی کفر ایستاده است و احتیاج به فداکاری دارد، ملت ما بحمدالله مردانه ایستاده و فداکاری می کند، نه مردها، زنها و نه زنها و مردها، بچه ها همه ایستاده اند. [139].

تاریخ 58/10/11

شما جوانها با سلامت روح برای اسلام فعالیت می کنید

من وقتی شما جوانها را می بینم که با صداقت، با سلامت روح فعالیت برای اسلام می کنید و خودتان را در معرض خطر مرگ قرار می دهید مباحث می کنم. افتخار می کنم که در بین مسلمانها یک همچو جوانهای رشید متعهد هست. از این جهت ما نباید از قدرتمندهایی که اتکال به خدا ندارد، اتکال به مسلسل دارند، ما نباید بترسیم. ترس مال آن است که برای شهادت حاضر نباشد.

در روایتی است که حضرت علی بن الحسین (ع) در کربلا که بودند به پدرشان

که (قریب به این معنا که به آنها گفته بودند که شما کشته می شوید) عرض کرد به سیدالشهدا که مگر ما به حق نیستیم؟ فرمود چرا. گفت دیگر مبالا از مردن نداریم. کسی که به حق است و کسی که قایل است به اینکه این عالم تمام یک مدبر دارد و او خداست و عالم طبیعت پایین ترین عوالم است (در قرآن از او به دنیا تعبیر شده، دنیا یعنی پایین) وقتی بنا باشد که شهید منزلش در ملاً اعلا باشد، این چه خوفی دارد؟ خوف را باید امثال کارترها داشته باشند که اعتقاد به این مسائل ندارند، اینهایی که همه مقصدشان این است که در اینجا چند روزی به یک قدرتمندی برسند یا به یک جنایتکاری برسند آنها باید بترسند، اما جوانهایی ما که اعتقاد به ماوراء طبیعت دارند و شهادت را برای خودشان یک فوزی می دانند اینها ترس ندارند. ما فرض می کنیم که همچو قدرتی برای آن قدرتمندان باشد که بریزند و بکشند و همه چیز را از بین ببرند، مع ذلك ما چون به حق هستیم نباید بترسیم. [140].

تاریخ 59 / 2 / 12

جوانهایی ما برای اسلام کشته شدند

خون بچه هایمان را داده ایم یک قبرستان در اینجا پر است از جوانهایی ما، قبرستانهایی شهرستانها پر از جوانهایی ما هست که در راه این مملکت و در راه این اسلام اینها کشته شده اند. [141].

تاریخ 59 / 5 / 15

آرمان شهدا وصول به حق است

شما ای ملت عزیز و ارتش عراق! بدانید که قوای

مسلح ما، ارتشیان دلاور و پاسداران قدرتمند و شهربانی و ژاندارم‌ری شجاع و پیشمرگان فداکار همراه با قشربانی رزمنده ملت و سسپاه بسیج سلحشور، قدرت عظیمی است، منسجم و چون سد آهنین در مقابل همه قدرتمندان ایستاده است و چون خدای متعال و اسلام و قرآن کریم انگیزه نبردشان و شهادت وصول به حق آرمانشان است، پیروزی با آنان است. [142].

تاریخ 59/7/12

[صفحه 65]

مردم ما جوانهایشان را برای اسلام می دهند

مملکت اسلام از اول 15 خرداد تا حالا بیشتر از صد هزار جمعیت از آن کشته شده است و بیشتر از صد هزار معلول ما الآن داریم، اینها برای چه معلول شده اند؟ برای چه کشته شده اند؟ برای نفت بوده است؟ آدم برای نفت خودش را می کشد؟ برای خانه بوده است؟ برای ارزانی بوده است؟ خوب، ما از تظاهرات مردم باید اینها را بفهمیم. همه می گفتند ما اسلام را می خواهیم. اگر اسلام نبود، نه نفت می توانست هیچ کاری بکند و نه سایر چیزها، مگر مردم می شود جوانهایشان را بدهند برای نفت؟ می شود جوانشان را بدهند برای خانه؟ الآن که شما در جبهه های جنگ هستید و ارتشیهای ما که خداوند نصرتشان بدهد در مراکز فعال هستند، الآن کی هست که دارد از آنها پشتیبانی می کند؟ آن زنهایی که برای شما نان می پزند و آن مردمی که برای شما پول می دهند و آن مردمی که برای شما ذخیره می دهند و آنقدر چیزها را می فرستند همین مردم مسلمانند، شما ببینید در تلویزیونتان که یک زنی که ده تا تخم مرغ آورده، دارد می آورد می دهد همین

راه، يك بچه اي كه ده تومان دارد اين را مي دهد، اينها براي چه اينها را مي دهند؟ اينها براي اسلام است، براي کشور اسلامي است. [143].

تاریخ 59/8/25

شما براي اسلام جانفشاني مي كنيد

من نمي دانم از كجا شروع كنم و نمي دانم با مواجهه با اشخاصي كه در راه اسلام، در راه خدای تبارك و تعالی معلول شده اند و در اینجا حاضرند و چهره هايي كه عازم به سفر براي دفاع از اسلام هستند، چطور ستايش كنم. من از شما جوانها از شما كه در راه اسلام و در راه ايمان خوتان رنج ديديد و معلول شده ايد و شما جوانها كه عازم به جبهه هستيد، چطور تشكر كنيم. من وقتي اين صحنه هاي اسف بار و افتخارآمیز را مي بينم عاجزم از اينكه در مقابل آنها مطلبي بگويم شما خودتان زبان گوياي افتخار هستيد، زبان گوياي اسلام هستيد. شماها افتخار براي اين ملت آفريديد و شماها بوديد كه دست قدرتهاي بزرگ را، چپاولگر را، معاند با اسلام را، طاغوت را از اين مملكت کوتاه كرديد و شما هستيد كه براي اسلام باز كوشش مي كنيد و جانفشاني مي كنيد و هيچ چيز در مقابل اين

[صفحه 66]

خدمتها جز خدای تبارك و تعالی، هيچ كس جز خدای تبارك و تعالی نمي تواند به شما اجري بدهد زحمتهاي شما را خدای تبارك و تعالی اجر خواهد داد. شما اگر چنانچه معلول هستيد كه خداوند شفا بدهد همه شما را و براي خدمت به اسلام معلول شده ايد و شمائي كه عازم جبهه ها هستيد، براي خدمت به اسلام هستيد، اسلام براي شما بسيار ارج

قابل است و تشکر از شما می کند و همه ی ملت از شما متشکر هستند. [144].

تاریخ 59/9/26

این جوانان در خدمت اسلام و مسلمین جان نثار می کنند

انصاف نیست که جوانان عزیز اسلام از ارتش و سپاه و ژاندارمری و بسیج و شهربانی گرفته تا گروههای جانباز عشایر و عزیزان شهرها و روستاها در سراسر کشور در خدمت اسلام و مسلمین خون خود را نثار و جان خود را فدا کنند ما در کناری بنشینیم و با قلمها و زبانهای خود قلب نورانی آنان را آزار دهیم. انصاف دهید که ما برای اسلام و کشور اسلامی خود چه کرده ایم و این جوانان عزیز از خود گذشته، از دانشگاهی تا روحانی و از روستایی تا شهرستانی و از کارگر تا بازاری چه کرده اند. از اول انقلاب تاکنون تمام رنجها و زحمتهای و جانبازیهایی بر دوش این طبقات بوده است و آنان ولی نعمت ما بوده اند. [145].

تاریخ 59/11/22

کوردلان گمان کرده اند برای شکم جوان داده اید

این کوردلان گمان کرده اند که شما، جوانان و عزیزان خود را در راه نفت و بنزین داده اید و به اسلام و میهن عزیز خود برای پر کردن شکم خود خدمت می کنید. اینان را که دشمن عزت و شرافت شما هستند از خود برانید و مجال ندهید که توطئه های آنان به ثمر برسد. [146].

تاریخ 59/11/22

ملت عزیز برای رضای خدا همه چیزشان را در طبق اخلاص گذاشتند

شما ملت عزیز بزرگوار، همه چیز خودتان را برای رضای

اخلاص نهادید و این مائده بزرگ آسمانی را به دست آوردید. [147].

تاریخ 59 / 11 / 23

ملت برای خدا قیام کرده است

با رفتن شهدایی با اینکه بسیار ارزشمند بودند و هستند، با رفتن شهدا در عین حال که ما متأثر هستیم، لکن چون ما توجمان به خداست و برای خداست و ملت ما برای خدا قیام کرده است، با رفتن اشخاص هیچ سستی به خودشان راه نمی دهند. [148].

تاریخ 60 / 6 / 9

منطق ما، منطق قرآن است

منطق ما، منطق ملت ما، منطق مؤمنین، منطق قرآن است، «انا لله و انا الیه راجعون» [149] با این منطق هیچ قدرتی نمی تواند مقابله کند. جمعیتی که، ملتی که خود را از خدا می دانند و همه چیز خود را از خدا می دانند و رفتن از اینجا را به سوی محبوب خود، مطلوب خود می دانند، با این ملت نمی توانند مقابله کنند. آن که شهادت را در آغوش، همچون عزیزی می پذیرد، آن کوردلان نمی توانند مقابله کنند. اینها يك اشتباه دارند و آن اینکه شناخت از اسلام و شناخت از ایمان و شناخت از ملت اسلامی ما ندارند. آنها گمان می کنند که با ترور شخصیتها، ترور اشخاص می توانند با این ملت مقابله کنند و ندیدند و کور بودند که ببینند که در هر موقعی که ما شهید دادیم ملت ما منسجمتر شد.

ملتی که قیام کرده است در مقابل همه ی قدرتهای عالم، ملتی که برای اسلام قیام کرده است، برای خدا قیام کرده است، برای پیشرفت

احکام قرآن قیام کرده است این ملت را با ترور نمی شود عقب راند. آنها گمان می کنند که افکار مؤمنین و ملت بپاخاسته ما همچون افکار غریزه ها و غرب است که جز به دنیا فکر نمی کنند و جز متاع دنیا جا نمی بینند، اینها هم آن طورند.

ملتی که از اول، از صدر اسلام پیشوایان آن جان خودشان را فدا کردند برای هدف

[صفحه 68]

خودشان که آن خدا و اسلام است، به این مسائل و به این امور از بین نخواهند رفت و سستی نخواهند داشت. ملت ما، ملت عزیز ما در تاریخ خوانده است که علی بن ابیطالب سلام الله علیه با دست یکی از همین منافقین، با دست یکی از همین اشخاصی که به صورت، اسلام و از اسلام جدا بودند فرق مبارکش شکافت. ملت ما چون علی بن ابیطالب را فدا کرده است از برای اسلام، فداکردن امثال این شهدا [150] برای ملت ما يك مسأله مهم نیست، گرچه خود واقعه و خود این افرادی که شهید شده اند در نظر همه ما عزیز و ارجمندند. [151].

تاریخ 60/6/9

بذل جان و مال و فرزند برای تحقق عدل الهی

از ملت تشکر کنیم که در همه مراحل از قبل از انقلاب تا زمان انقلاب و تا پیروزی انقلاب یکدل و یکجهت برای اقامه عدل اسلامی و برای دفع اشرار و رژیمهای فاسد و اقامه ی رژیم جمهوری اسلامی کوشش کردند و از زمانی که بپا خاستند تاکنون در صحنه بوده اند و با تمام توان خود و بذل مال و جان و

فرزند و خاندان برای پیدا شدن عدل الهی و مستقر شدن احکام آسمانی کوشا بوده اند. [152].

تاریخ 60 / 7 / 17

هم و غم ملت ما تحقق اسلام است

خدای تبارک و تعالی که می فرماید کسانی که نصرت مرا بکنند آنها را نصرت می کنم، می داند که ما و ملت ما نصرت دین را می خواهیم و پیاده شدن احکام اسلام را می خواهیم و از اول همه هم و غم ملت ما بر این بوده است که جمهوری اسلامی با محتوای اسلامی تحقق پیدا بکند. شهدا همه در راه این مقصد از صحنه ظاهری خارج شدند و دوستان عزیز ارتشی و سپاه پاسداران و سایر قشربانی مسلح و غیر مسلح، آنها همه دنبال همین مقصد هستند. وقتی که همه ما و همه شما و همه ملت دنبال نصرت

[صفحه 69]

احکام اسلام و نصرت خدای تبارک و تعالی هستیم خدای تبارک و تعالی نصرت می کند ما را. [153].

تاریخ 60 / 10 / 7

جوانان ما برای جانفشانی در راه اسلام مهیا هستند

جوانان ما مهیا هستند از برای جانفشانی در راه اسلام و همانطوری که اسلام می خواهد که در مقابل کفر و زندقه و در مقابل ستم و ستمکاران ایستادگی بکنند، مردانه ایستادند و ایثار کردند و جانفشانی کردند و این مطلب را به ثبت رساندند. [154].

تاریخ 60 / 12 / 10

شما برای قوت دادن به اسلام قیام کردید

فرق است مابین ایده ی شماها و دشمنهای شما. آنها برای قدرتمندی، برای نمایش قدرت، برای شیطان، با

اسلام به جنگ برخاستند و شما براي خدا و براي رضاي او و براي قوت دادن به اسلام و پياده کردن احكام اسلام به دفاع برخاستيد. شما مدافع از انسانهاي مظلوم در طول تاريخ هستيد. مدافعات شما از اسلام و پيروزي شما انحصار به پيروزي در ميدان ندارد. شما در تمام ابعاد پيروز هستيد و شما در تمام جهات معنوي و مادي پيروز هستيد و شما در طول تاريخ پيروز هستيد و پيروزي شما پشتوانه پيروزي مستضعفين جهان است در طول تاريخ. شمائي که با آغوش باز و با روي گشاده به طرف الله و به طرف لقاء الله و به طرف شهادت مي رويد پيروز هستيد، چه در ميدان جنگ پيروز بشويد و مي شويد و چه خدائي نخواسته شکست بخوريد و نخواهيد خورد. شما آن چيزي را که همراه داريد دشمنان شما ضد او را همراه دارند. شما رضاي خدا را همراه داريد و آنها سخط خدا را. شما ايمان را همراه داريد و آنها طرفداري از کفر را. شما آرامش قلبي داريد و در اين جنگ با آرامش، با خاطر آسوده، با اين ايده که اگر شهيد بشوم پيروز و اگر پيروز بشوم هم پيروزم، شما اين را داريد و آنها از مرگ فرار مي کنند. بين اين دو طايفه بسيار فرق است، آن که مرگ را در آغوش مي گيرد براي اينکه شهادت است. براي اينکه اسلام است، براي اينکه دفاع از حق است و آن که از مرگ فرار مي کند براي

[صفحه 70]

اينکه براي طعمه جنگ مي کند. فرق است ما بين ملتي که داوطلب براي شهادت هست و

برای پیروزی هست و من امیدوارم که داوطلبها بیشتر برود و اسم بنویسند و خواهند رفت با آنهایی که، بین اینها و آنهایی که با سرنیزه به جنگ می آیند، اگر اقدام نکنند از پشت کشته خواهند شد، آنهایی که با اسم داوطلب، با فشار و زور و با هزار جوز اذیت وادار به جنگ می شوند، آنهایی که ملت‌هایشان به آنها پشت کرده است. بین شما که ملت پشتیبان شماست و نگهبان از شماست و به همین جهت خدای تبارک و تعالی نگهبان شماست و پشتیبان شماست با آن که برای شیطان می خواهد جنگ بکند، برای شیطان نفس می خواهد جنگ بکند فرق است مابین اینها. فرق است ما بین انقلاب اسلامی ایران با انقلابهای دنیا. انقلابهای دنیا بی استثنا برای ایمان نیست، برای خدا نیست، انقلاب ایران برای خداست و از اول هم فریاد خدا بوده است، الله اکبر بوده است و تا آخر هم همین است. [155].

تاریخ 60 / 12 / 18

تفاوت اهداف شهدا با منحرفین

فرق هست مابین داوطلبی و ایثار شما با داوطلبی و ایثار منحرفین. آنها برای رسیدن به دنیا و رسیدن به آمال و شهوات نفسانی وارد می شوند در میدانها و شما برای شهادت و برای رسیدن به لقاء الله وارد می شوید. [156].

تاریخ 61 / 1 / 28

عشق به شهادت ابزار نبرد رزمندگان

تنها ایمان به خداوند و عشق به شهادت در راه اسلام و روح ایثار و فداکاری، ابزار نبرد نابرابر اینان بود. [157].

تاریخ 61 / 1 / 29

وصول به لقاء الله غایت آمال

تکلیف بزرگ است و همه باید این تکلیف بزرگ را بپذیریم. آخر مطلب شهادت

[صفحه 71]

است و وصول به لقاء الله و حضور در محضر حضرت سیدالشهدا و امثال او، و این غایت آمال اشخاصی است که عشق به خدا دارند و ما می بینیم در جبهه ها، برای ما نقل می کنند از جبهه ها که این جوانهای عزیز در جبهه ها شب چه حالی دارند، چه ذکر و فکر و دعایی دارند و نمازی، و روز با چه نشاطی به جبهه ها می روند. این چیزی است که خدای تبارک و تعالی، نعمتی است که خدای تبارک و تعالی به این ملت عطا فرموده است، این نعمت را حفظ کنید. [158].

تاریخ 61 / 7 / 25

همه چیزشان را برای اسلام می دهند

انصافاً با رهین منت این توده های بزرگوار هستیم که همه چیزشان را می دهند و چیزی هم نمی خواهند، از آن پیرزنها که آن چیزی که در طول عمرشان تهیه کردند، حالا می آیند برای اسلام می دهند تا آن اشخاصی که قلکشان را می شکنند و پولش را می آورند برای اسلام می دهند. [159].

تاریخ 61 / 7 / 25

جوانشان را برای اسلام می دهند

کسی که جوانش را برای اسلام می دهد دیگر دنبال این نیست که مثلاً فلان چیز را ندارد، چطور باشد، یا فلان چیز را دارد چه بشود، ما باید این اسلام عزیز را نگهداری کنیم. [160].

تاریخ 61 / 11 / 4

جوانان ما به عشق خدا از جانشان می گذرند

خدای تبارک و تعالی با قدرت غیبی خودش

به این ملت عنایت فرمود و این جوانها را متحول کرد به يك انسانهاي عارف مسلک که برای خدای تبارک و تعالی و به عشق خدای تبارک و تعالی از جانشان می گذرند و مادران و پدران آنها از فرزندان رشیدشان می گذرند و این فداکاری موجب این شد که ما در عین حالی که بسیار از بزرگانمان را از دست دادیم

[صفحه 72]

و بسیار از جوانان ارزشمندمان را از دست دادیم و خسارات بسیار بر ما وارد شد از دست دشمنها، مع ذلك آنچه که به دست آوردیم اسلام عزیز بود و اسلام ارزش دارد که همه چیز در راه او داده بشود، چنانچه اولیای خدا چنین کردند. [161].

تاریخ 61 / 11 / 21

شهادت در راه خدا غایت آمال جوانان ماست

غایت امر این است که ما در راه خدا شهید می شویم و این غایت آمال جوانهای ماست. [162].

تاریخ 62 / 1 / 21

طلب حق، انگیزه شهدای گمنام ما

اسلام بزرگ و ملت شریف و فاتحان عزیز ما افتخار می کنند و به هزاران سرباز گمنام بزرگواری که در پی نام و نشان نیستند و برای کشور اسلامی خویش و اسلام عزیز و ملت انسان پرور افتخاراتی می آفرینند معجزه آسا و پیروزیهای ژرف. فرق است بین سربازان گمنامی که قدرتهای مادی دنیا به آن فخر می فروشند و بین سربازان گمنامی که پرورده ی اسلام و مکتب توحید هستند، که انگیزه ی آنان تحصیل قدرت و اکثرا ستمکاری است و انگیزه ی اینان خدا و طلب حق است. [163].

تاریخ 2 / 14

فداکاریها برای اسلام است

امروز هم تمام فداکاریها، فداکاریهای روی اسلام است نه اینکه حساب دیگری دارد. مسأله ملیت هست اما نه آنطوری که آقایان خیال می کنند که ما ملیت را بگیریم و کاری به اسلام نداشته باشیم، اول ملی باشیم و بعد اسلامی باشیم، نه خیر مسأله اسلامی بودن است که مردم را وادار کرد به اینکه جوانهایشان را بدهند و فریاد بزنند باز جنگ، این غیر از این چیزی نیست. [164].

تاریخ 62/6/7

[صفحه 73]

سرافرازی در دنیا شهادت لازم دارد

شمایی که می خواهید آدم بشویم زحمت دارد آدم شدن. می خواهید سرافراز در دنیا باشید این زحمت دارد، بیخود نمی شود. اگر نوکری آنها را بکنید دیگر ارزش ندارید، یک پول هم ارزش ندارید. اگر بخواهید از تحت سلطه ی همه بیرون بروید و خودتان باشید این ارزش دارد، یک ارزش انسانی است، یک شرافت انسانی است. این زحمت دارد، این گرانی دارد، این کمبود دارد، این جهاد دارد، این دفاع دارد، این شهادت دارد، این برای ارزش انسانی است همین است که انبیا برای او کار کردند. همین است که امام حسین برای او کشته شد. اگر آن هم فکر می کرد که زحمت دارد، اصحاب او هم با آن کمی فکر می کردند زحمت دارد، که نمی توانستند یک همچو انقلابی را بجا بیاورند که تا حالا هم اثرش باقی مانده است ولی وقتی برای خدا باشد، زحمت کم می شود. [165].

تاریخ 62/11/11

در راه خدا از شهادت باکی نیست

در راه

خدا نه شهادت و نه نقص عضو نه گرفتاري هيچ يك از اينها اشكال ندارد. اين چيزي بوده است كه اولياي خدا از اولي كه خلقت تحقق پيدا کرده است، انبياي عظام در طول تاريخ مبتلا به آن بودند و نترسيدند و جلورفتند. [166].

تاريخ 63 / 2 / 30

مبارزه براي حفظ اساس اسلام است

مردم انقلاب کردند، بايد پاي زحماتش هم بنشينند. مردم ما پيغمبران و پيغمبر اسلام (ص) را و ابراهيم (ع) را در نظر بگيرند، ببينند كه با آنها چه مخالفتها شد، ولي دست از هدفشان نكشيدند. اگر ما مسلمانيم، بايد دنباله روي آنها باشيم. دنباله روي از آنان كه فقط روزه و نماز و مسجد نيست. دنباله روي از آنان مبارزه براي حفظ اساس اسلام است، بايد براي حفظ اساس اسلام تا آخر ايستاد و پيشروي كرد. [167].

تاريخ 63 / 6 / 18

[صفحه 74]

شهيد دنبال غنيمي است كه زوال ندارد

اما ملتي كه براي شهادت مي رود، ملتي كه زن و مردش عاشق شهادت هستند و فرياد شهيد شدن مي زنند، يك همچو ملتي ديگر از اين كه فلان چيز كم است، فلان چيز زياد است، اين نمي نالد، اقتصادش چطور است، اين مال آنهايي است كه وابسته به اقتصاد هستند، دل به اقتصاد دادند. آنهايي كه دل به خدا دادند، آنها اين طور نيستند كه دنبال اين باشند كه فلان چيز فراوان باشد، فلان چيز كم باشد، زياد باشد، نرخش كم باشد، نرخش زياد باشد. اينها كه در نظر اين كه شهيد مي خواهد بشود، اين چيزها نيست...

آن که دارد برای شهادت می رود به او بگویی که مثلاً- مالت را دزد برده است، او اصلاً اعتنا به این حرف ندارد. به او بگویی که قیمت [فلان] چیز گران است، او که نرفته برای این که غنیمتی بیاورد. غنیمتی که او می خواهد بیاورد آن غنیمتی است که هیچ زوال ندارد، آن چیزی است که هیچ شکست ندارد. آن کاری است که از دست هیچ کس بر نمی آید جز از دست خدای تبارک و تعالی و ملت ما دارد این کار را می کند و من امیدوارم که همه این طور بشویم. [168].

تاریخ 62 / 12 / 29

ملت دنبال عظمت اسلام است

نماز جمعه را که می زنید خیال می کنید ملت ما عقب می نشیند! می بینید که در نماز جمعه [169] چه کردند. این یک مطلبی است گفتنی، تاریخی، تا کسی نبیند آن جا را، آن منظره را نبیند، باورش نمی آید که زن بچه اش تو بغلش است، مرد بچه اش پهلویش است هیچ حرکت نکنند، این همه فشار، هیچ حرکت نکنند، از آن ور انفجار آن نامردها، از آن طرف هم آن طور رگباری که ملاحظه کردید همه. مع ذلک همه هم با طمأنینه نشسته اند سر جای خودشان و هیچ ابداع حرکتی نمی کنند. و ملت، یک همچو ملتی است. ملت این طوری دیگر دنبال این نیست که گوشتش ارزان است یا گران است، دنبال این نیست که کم است یا زیاد است. این دنبال این است که اسلام را بزرگ کند. [170].

تاریخ 63 / 12 / 29

[صفحه 75]

کسی که علم به معاد دارد

شما به دنیا ثابت کردید که ایران زیر بار هیچ ظلمی نمی رود و ایران با هیچ تهدیدی از میدان بیرون نمی رود و ایران متکی به یک قدرت عظیم است و آن قدرت خدا. کسی که متکی به قدرت خداست، کسی که ایمان در قلب او هست، کسی که علم به معاد دارد و خدا را می شناسد و قضای الهی را می داند، این از این معانی از میدان در نمی رود. فکر دیگری بکنند؛ آنهایی که نشسته بودند و برای خودشان خیالبافی می کردند که دو ماه دیگر، سه ماه دیگر، یک سال دیگر، دو سال دیگر، یک فکر دیگری بکنند! این فکر درست از کار درنیامد! ابرقدرتها هم یک فکر دیگری بکنند و بهتر این است که دست از این کارها بردارند، بهتر این است که این عامل خبیث خودشان را که این طور رسوایی به بار آورد برای ابرقدرتها، دست از پشتیبانی این بردارند. این بدبخت را بازي دادند و بعد معلوم شد که مسأله این جور نبود. الآن هم این دست و پاها هیچ اثری ندارد. اینها خیال می کردند که حالا دیگر چند تا بمب بیندازند به شهرهای ایران، ایران از میدان در می رود. اینها هزاران بمب انداختند، بمباران کردند، همه ی مناطق طرفهای مرز را بمباران کردند و شهرهای بزرگ ما را هم بمباران کردند. و روز قدس آن طور جمعیت و فریاد بود که به گفته ی بعضی از مخبرین؛ «صدای توپها را مردم دیگر نمی شنیدند، صدای بمبها را دیگر مردم نمی شنیدند»، فریاد مردم غلبه کرده بود. این فریاد از قلب مؤمن است و این فریادی که از قلب

مؤمن است بر همه چیز غلبه می کند؛ بر کاخ سفید هم غلبه می کند و غلبه کرده است و موج این ایمان در سرتاسر دنیا رفته است و دنیا از زیر بار این ظلمهایی که در طول تاریخ بر آن شده است، از زیر این بار دارد در می آید. همه جا نغمه ی این است که ظلم نه! دست توانایی ملتها، ابرقدرتها را به جای خودشان نشانده و می نشانند. ملت‌های مستضعف در هر جای جهان رو به بیداری هستند، نمی پذیرند امروز دیگر آن حرف‌هایی که سابق گفته می شد. آن ارباب‌هایی که می کردند و کشتی‌هایی که می آوردند در اطراف خلیج فارس و امثال اینها، یا کارهای دیگری که می کردند، تمام اینها کهنه شده است، دیگر پیش مردم ارزش ندارد. ملتی که بیرون آمده روز جمعه و می گوید که «ما برای شهادت آمدیم»، آنها را از مردن نترسانید! این شهادت است. شما هر چه می توانید بترسانید، این است که؛ «ما

[صفحه 76]

خانه های شما را خراب می کنیم، خود شما را هم می کشیم»، آنها جلو آمدند، می گویند ما برای این آمدیم! چطور اینها را می ترسانید؟ این کار احمقانه است. [171].

تاریخ 64 / 3 / 30

سلحشوران ایران شرف اسلام را ترجیح داده اند

سلحشوران ایران، شهادت را بر ذلت، و شرف اسلام و انسانی را بر رفاه و عیش چند روزه ی توأم با خواری و شرمساری ترجیح داده [اند]. [172].

تاریخ 64 / 5 / 25

ملتی که برای ارزش‌های معنوی پیا خاسته از شهادت باک ندارد

ملتی که برای رضای حق تعالی انقلاب کرد و برای ارزش‌های معنوی و

انسانی پیا خاسته است، چه باک دارد از شهادت عزیزان و آسیب دیدن نور چشمانش و تحمل سختیها و مکاره [173]، که جنت لقاء الله که فوق تصور عارفان است، محفوف [174] به مکاره است. چه می گویم! این جنت اولیا، مکاره را در کام ملت ما شیرین تر از عسل کرده. [175].

تاریخ 64 / 12 / 3

اخلاص برای اسلام

ما مواجه هستیم با یک ملتی که همه چیز خودش را در طبق اخلاص گذاشته است و برای اسلام دارد صرف می کند؛ جوانها را می دهد، جوانها جان خودشان را می دهند، زنها جوانهای عزیز خودشان را می دهند و با آن شور و شغف آنها به میدان می روند و مردم با آن شور و شغف در جبهه و خارج جبهه دارند فداکاری می کنند. [176].

تاریخ 65 / 3 / 19

[صفحه 77]

هدف شهدا، عزت دین است

خداوندا! تو می دانی که فرزندان این سرزمین در کنار پدران و مادران خود برای عزت دین توبه شهادت می رسند و با لبی خندان و دلی پر از شوق و امید به جوار رحمت بی انتهای توبال و پر می کشند. [177].

تاریخ 65 / 5 / 6

ملت برای ایده ی توحید قیام کرد

آنچه که شما ملت شریف و مجاهد برای آن پیا خاستید و دنبال می کنید و برای آن جان و مال نثار کرده و می کنید والاترین و بالاترین و ارزشمندترین مقصدی است و مقصودی است که از صدر عالم در ازل و از پس این جهان تا ابد عرضه شده است

و خواهد شد و آن مکتب الوهیت به معنی وسیع آن و ایده ی توحید با ابعاد رفیع آن است که اساس خلقت و غایت آن در پهناور وجود و در درجات و مراتب غیب و شهود است؛ و آن در مکتب محمدی صلی الله علیه و آله سلم به تمام معنی و درجات و ابعاد متجلی شده و کوشش تمام انبیای عظام علیهم سلام الله و اولیای معظم سلام الله علیهم برای تحقق آن بوده و راهیابی به کمال مطلق و جلال و جمال بینهایت جز با آن میسر نگردد، آن است که خاکیان را بر ملکوتیان و برتر از آنان شرافت داده و آنچه برای خاکیان از سیر در آن حاصل می شود برای هیچ موجودی در سراسر خلقت در سر و علن حاصل نشود.

شما ای ملت مجاهد در زیر پرچمی می روید که در سراسر جهان مادی و معنوی در اهتزاز است. بیایید آن را یا نیابید، شما راهی را می روید که تنها راه تمام انبیا علیهم السلام و یکتا راه سعادت مطلق است. در این انگیزه است که همه ی اولیا شهادت را در راه آن به آغوش می کشند و مرگ سرخ را احلی من العسل می دانند و جوانان شما در جبهه ها جرعه ای از آن را نوشیده و به وجد آمده اند. [178].

تاریخ 68/3/15

[صفحه 78]

آثار و برکات خون شهدا و مجاهدین

خون شهدا آتشی علیه ظالمین برافروخت

ما کشته دادیم و رنج بردیم لکن هر قطره خون آنها خونهایی را که رگ جوانان غیرتمند ما به جوش آورد و آتشی در دل آنها روشن کرد که به خواست خداوند

تعالی خاموش نشود مگر پس از سوزاندن درخت جهنمی استعمار و به آتش کشیدن عمال روسیاه آن. [179].

تاریخ 57/1/4

نام ملت ما در صف اول مجاهدان اسلام ثبت گردید

ملت عزیز ما با قیام دلاورانه خود و نثار خون فرزندان عزیز خود، نام ارجمند خود را در تاریخ و در صف اول مجاهدان اسلام ثبت نمود. [180].

تاریخ 57/8/4

آزادی، حاصل جانبازی مجاهدان است

زندانیان سیاسی ما می دانند که آزادیهای خود را در اثر جانبازیهای شجاعانه ملت مسلمان ایران به دست آورده اند و سپاس و تقدیر آنان در برابر این فداکاریها آن است که مبارزات بی امان خود را تا واژگونی رژیم و آزادی دیگر برادران و خواهران خود ادامه

[صفحه 79]

دهند. [181].

تاریخ 57/8/4

خون شهدا عامل پیروزی است

همه می دانند این پیروزی از قدرت اسلام است و مسلمین با دادن خون شریف خود آن را به دست آورده اند. [182].

تاریخ 57/12/9

آرزوی شهادت، عامل پیروزی است

این شعار باید محفوظ باشد که این قیام، قیام ملی نیست، این قیام، قیام قرآنی است، این قیام، قیام اسلامی است. يك ملت ضعیفی که هیچ نداشت، در مقابل ابرقدرتها و در مقابل این قدرت شیطانی که همه چیز داشتند و تا دندان مسلح بودند، به قوه ملیت نمی تواند غلبه کند. ملتی که غلبه کرد برای اینکه شهادت آرزوی او بود. بعضی جوانهای من، از من شهادت را طلب

می کردند و مراقب می دادند که دعا کن که شهید بشویم، زنهایی که جوانهای خودشان را دادند، افتخار بر این کردند که شهید داده ایم، آن که یک پسر از او باقی مانده بود باز می گفت این را هم اهدا می کنم. این قدرت ملیت نیست، این قدرت ایمان است، این قدرت اسلام است، خبط نکنند، اشتباه نکنند. این اسلام است که غلبه کرد بر ابرقدرتها، این اسلام است که فرزندان او به شهادت راغب هستند. این قوه ایمان است که مردم را، سرتاسر ایران بسیج کرد. این دست غیبی الهی بود که مردم ایران را سرتاسر از بچه دبستانی تا پیر مرد بیمارستانی با هم همصدا و با هم، هم مطلب کرد. این هیچ جبهه ای نمی تواند این کار را بکند، هیچ بشری قادر نیست که همچو بسیجی بکند، هیچ ملتی نمی تواند اینطور بسیج بشود. قدرت ایمان، قوه اسلام، قدرت معنوی ملت این پیروزی را به ما ارزانی داشت. [183].

تاریخ 57/12/18

[صفحه 80]

چون شهادت را سعادت می دانستند، مشتها بر تانکها غلبه کرد

قوت ایمان در ملت ما طوری بود که شهادت را سعادت می دانستند و دنبال شهادت بودند و خوف از مرگ نداشتند. و لهذا مشتهای اینها بر تانکها غلبه کرد. [184].

تاریخ 58/1/13

این نهضت با عشق به شهادت پیش رفت

مردم برای اسلام خون می دهند، نه برای سیاست، برای سیاست اسلامی. ملت ما به واسطه اتکا به اسلام این نهضت را پیش برد. ملت ما عاشق شهادت بود با عشق به شهادت پیش رفت این

نهضت، اگر چنانچه این عشق و علاقه نبود، هرگز ما در مقابل آن همه قدرت پیروز نمی شدیم. [185].

تاریخ 58 / 1 / 16

تحول روحی ملت رمز پیروزی است

ما به قدرت طبیعی بر این مشاغل و بر این مصیبتهایی که وارد شده است فایق نیامده ایم برای اینکه قدرت ما به حسب طبیعت يك قدرت بسیار ناچیزی بود در مقابل قدرتهای بسیار بزرگ، مثل قدرت امریکا و قدرت شاه سابق، با آن ابزاری که اینها در دست داشتند. ما به اینها که غلبه کردیم، ملت ما که در این نهضت پیروز شد این فقط برای اتکال به خدا بود. در ملت ما يك تحولي حاصل شد که آن تحول سابقه نداشت آن تحول اینطور بود که شهادت را برای خودشان فوز عظیم می دانستند. جوانهای ما الآن هم پیش من می آیند بعضی از آنها و می گویند که شما دعا کنید که ما شهید بشویم، این رمز پیروزی بود که همانطوری که در صدر اسلام مسلمین با این رمز پیش بردند، ملت ما هم با این رمز پیش برد و با این رمز است که ملتها می توانند پیش ببرند. [186].

تاریخ 58 / 1 / 17

رمز پیروزی این بود که آرزوی شهادت می کردند

رمز پیروزی امروز ما این است که اتکا به خدای تبارک و تعالی داشتیم. رمز پیروزی ما

[صفحه 81]

این است که جنبه فقط سیاسی نبود. فقط برای نفت و امثال اینها نبود، جنبه، جنبه معنوی بود، اسلامی بود. جوانان ما آرزوی شهادت می کردند، جوانان ما شهادت را استقبال

مي کردند همانطور که در صدر اسلام سربازهاي اسلام شهادت را استقبال مي کردند. سربازان ما از شهادت باک ندارند براي اينکه مردن را يك چيز فنا شدن نمي دانند. سربازان ما شهادت را سعادت مي دانند و براي اين سعادت کوشش مي کنند. رمز پيروزي، اتکا به قرآن و اين شيوه شيعه مقدس که شهادت را استقبال مي کردند، بوده، خوف در دل آنها نبود. [187].

تاريخ 58 / 1 / 26

خون شهيد موج در دنيا ايجاد مي کند

اين معجزه است که با شهيد دادن يك عزيز، موج در تمام دنيا بلند مي شود. [188].

تاريخ 58 / 2 / 16

ملت با سبقت در راه شهادت به هدف رسيد

ملت شريف ايران همچون برادران اسلامي صدر اسلام و عصر وحي با فقدان ساز و برگ جنگي و با دست تهی، لکن با قدرت ايمان و ايتار خون و فداکاري در راه اسلام و سبقت به شهادت در راه هدف به پيروزي رسيد و دشمنان مستبد و مستعمر و مستثمر را از صحنه خارج و در زباله داني تاريخ دفن کرد. [189].

تاريخ 58 / 2 / 17

شهادت طلبي رمز پيروزي است

اين وحدت کلمه را حفظش کنيد و اين ايمان را، اين ايمان را که جوانهاي عزيز ما، بسيار عزيز ما مي آيند استدعا مي کنند که دعا کنيد ما شهيد بشويم، اين جوان 30 ساله، 20 ساله، 25 ساله، کمتر، 18 ساله مي آيد که دعا کنيد من شهيد بشوم اين رمز پيروزي است. اين احساس، اين تحولي که در جامعه ما پيدا شد، اينها رمز پيروزي ما بود، اين

[صفحه 83]

نگهش دارید. [190].

تاریخ 58 / 4 / 16

ترورها، حقانیت مکتب را واضحتر می کند

ملتی که جوانان نورسشان از شهادت در راه هدف که همان اسلام است استقبال می کنند، از سوء قصدها و ترورها نمی هراسند. سوء قصد به اشخاصی که در طول عمر به خدمت خالق و خلق اشتغال داشته اند، اراده ی آنان را مصمتر و حقانیت مکتب را واضحتر می نماید. [191].

تاریخ 58 / 4 / 24

ملت ما با خون، حیات خود را بازیافت

اسلام در کشور ما می رفت تا به تباهی کشیده شود که با خون شهیدان ملت ما حیات خود را بازیافت. [192].

تاریخ 58 / 9 / 7

امریکا از شهادت طلبی ملت ما وحشت دارد

امریکا از این وحدت کلمه ملت و از اینکه ملت ما به اینجا رسیده است که جوانهای غیور کفن پوش شدند، شهادت می خواهند، ای این وحشت دارد. [193].

تاریخ 58 / 9 / 21

شهدا درخت اسلام را آبیاری نمودند

رحمت سرشار خداوند متعال بر شهدای فضیلت، شهدایی که با نثار خون خود درخت با برکت اسلام را آبیاری نمودند. درود فراوان بر معلولین و مصدومین راه انقلاب اسلامی که ایران را در جهان سربلند نمودند. [194].

تاریخ 58 / 11 / 20

[صفحه 83]

پاك شدن میهن اسلامی از لوٹ وجود جنایتکاران

گرچه شهداي گرانمايه و جوانان برومندي را از دست داديم و برادران و خواهران معلول و ناقص العضو به جاي گذاشتيم،

شهادتي که نور انقلابمان و خواهران و برادران معلولي که سرمايه ي انقلاب اسلامي ما هستند و از احترام خاصي در ميان ملت قدرشناس ما برخوردارند ولي در عوض ملتي بزرگ را نجات داديم و چنگال گرگان آدمخوار، وحشيان به صورت آدمي را از شريان حيات امتي عظيم الشان قطع کرديم و با خواست خداوند و اراده مصمم ملت عزيز تا ابد صحنه ميهن اسلامي خود را از لوث وجود جنائتکاران بي فرهنگ و خيانتکاران غارتگر پاك و در تحت لواي پر برکت الله اکبر براي هم ميهنان خود آزادي و استقلال را تأمين نموديم. [195].

تاريخ 58 / 11 / 22

فداکاريها معرف تحقق حکومت پابرهنگان

به تمامي شما و خواهران و برادراني که در محيط جنگ به زندگاني دلاورانه خود ادامه مي دهيد و از کشته شدن به دست دشمنان خدا در راه خدا ترسي نداريد و با جنگ و دندان از ميهن عزيزتان براي رضاي خدا دفاع مي کنيد و موجب دلگرمي رزمندگان اسلام مي شويد و همه چيز خود را در طبق اخلاص قرار داده ايد و با فداييهاي مکرر، صحنه هاي شجاعت و شهامت را در تاريخ سراسر مبارزات بي امانتان ثبت نموده و مي نماييد و با درس فداکاري و رشادت به مستضعفين جهان مي آموزيد که وعده خدا بر حکومت پابرهنگان جهان حق است، به شما که با مبارزات خویش، روي ابرقدرتها و قدرتها را سياه کرديد درود مي فرستم و در مقابل صبر و استقامتتان خاضع و خاشع. [196].

تاريخ 59 / 11 / 1

آنچه بدست آورده ايم حاصل خونهاست

عزيزان من! شما مي دانيد آنچه که به دست آورديد از نفي طاغوت

و جایگزین کردن جمهوری اسلامی به جای آن، ارزان نبوده است بلکه با خون هزاران جوان مؤمن و هزاران معلول و مجروح که ما باید تا آخر عمر خود را رهین آنان بدانیم، به دست آمده

[صفحه 84]

است. [197].

تاریخ 59 / 11 / 22

با خون خود شرافت ملت را بیمه کردند

این جانبازان حماسه آفرین که پرچم پرافتخار لاله الا الله را بر فراز کشور عزیز به اهتزاز درآورده اند و با خون و توان خود شرافت انسانی ملت بزرگ را بیمه نمودند و با پشتیبانی توده های میلیونی پیا خاسته، ائمه کفر و الحاد را شکست مفتضحانه داده و کشور را از لوٹ ملت عزیز نثار روح آنان و دیگر فداکاران در راه گسترش عدالت اسلامی - انسانی باد. [198].

تاریخ 59 / 11 / 22

با شهادت عزیزان صفوف فداکاران فشرده تر می شود

شما کوردلان با آنکه دیده اید با شهادت رساندن شخصیت‌های بزرگ صفوف فداکاران در راه اسلام فشرده تر و عزم آنان مصمتمتر می شود، می خواهید با به شهادت رساندن عزیزان ما این ملت فداکار را از صحنه بیرون کنید. [199].

تاریخ 60 / 4 / 9

شهادت موجب تقویت روحیه ملت است

ملت ما عازم و جازم و مستقیم و مدافع ایستاده است و از منافع اسلام دفاع می کند و اگر چنانچه هر کس و هر شخصیتی هم شهید بشود در این ملت اثری جز اینکه منسجمتر بشود و بیشتر تقویت روحی بشود ندارد. همانطوری که در صدر اسلام اگر چنانچه آن اشخاص متعهد کشته می شدند،

مردم و لشکر اسلام قویتر می شدند و به پیش می رفتند و ملت ما از باب اینکه به غیر اسلام نظر ندارد و خودش را متوجه به خدا کرده است و در راه خدا به پیش می رود، از این امور مادی که اسباب سستی در افراد می شود، آنها از این

[صفحه 85]

امور بری هستند. [200].

تاریخ 60 / 6 / 10

با نثار خون جوانان حکومت را از ستمگران گرفتند

این ملت فداکار است که در اول انقلاب با نثار خون جوانان خود و زحمات طاقت فرسا پیروزی را به دست آورد و همه را از زندانها و تبعیدها و انزواها و اختناقها نجات داد و حکومت را از ستمگران بازستاند و به آنان تحویل داد. [201].

تاریخ 60 / 7 / 17

شهادت عامل پیروزی است

شما پیروزید برای اینکه شهادت را در آغوش می گیرید و آنهایی که از شهادت و از مردن می ترسند، آنها شکست خورده اند اگر چنانچه هم لشکر عظیم داشته باشند. [202].

تاریخ 60 / 12 / 10

استقلال و آزادی محصول خون شهدا

اگر ما تسلیم امریکا و ابرقدرتها می شدیم، ممکن بود امنیت و رفاه ظاهری درست می شد و قبرستانهای ما پر از شهدای عزیز ما نمی گردید، ولی مسلماً استقلال و آزادی و شرافتمان از بین می رفت. آیا ما می توانیم نوکر و اسیر امریکا و دولتهای کافر شویم تا بعضی چیزها ارزان شود و شهید و مجروح ندهیم؟! هرگز ملت زیر بار این ننگ نخواهد رفت و تن به این ذرت نخواهد داد. [203]

تاریخ 67/7/21

گرچه خسارت زیاد دیده ایم ولی آن همه مفسد را دفع کردیم

شما باید به مردم گوشزد کنید که لازمه انقلابی بودن، تحمل سختیهاست و اگرچه ما خسارات زیاد دیده ایم لکن این خسارتها آیا به آن همه عضمتهای انقلاب نمی‌ارزد؟ در حالی که شهادت حضرت سیدالشهدا از همه خسارتها بالاتر بود ولی چون او می‌دانست

[صفحه 86]

که چه می‌کند و کجا می‌رود و هدفش چیست، فداکاری کرد و شهید شد و ما هم باید روی آن فداکاریها حساب کنیم که سیدالشهدا چه کرد و چه بساط ظلمی را به هم زد و ما هم چه کرده ایم. ما محمدرضا را از این مملکت بیرون کردیم و الآن یک دکان مشروب فروشی در سراسر ایران نیست، آن همه مفسد و غیره وجود ندارد و این یک نعمت بزرگی است. [204].

تاریخ 61/7/22

ملتی که این همه خون داده است، به دشمن نمی‌گوید بسم الله

ملت ما از اول قیام کرد برای اینکه جمهوری اسلامی بدون اینکه بوی شرق یا غرب را بدهد مطلوب اوست. حالا که اینهمه جوان داده است و اینهمه خون داده است و اینهمه عزیزان را از دست داده است، حالا دیگر نمی‌آید بگوید که خیر، حالا همه را کشتید دست شما درد نکند، بسم الله. ما تا آخرین وقت و تا آخرین نفس ایستاده ایم و ملت ایستاده است. [205].

تاریخ 61/7/25

اگر عشق به شهادتها نبود، ما باید هنوز در زندانهای شاهنشاهی باشیم

اسلام عنایتش را، لطفش را به این ملت مظلوم، در طول تاریخ عنایتش را، پرتو عنایتش را افکند بر اینها و اینها متحول شدند، انسان عشرتکده ای متحول شد به انسان مجاهد اسلامی، انسان شهوتران متحول شد به انسان عاشق موت و این عشق به موت است که تمام مسائل اسلام را دارد حل می کند. اگر نبود این جوانها و این رزمنده هایی که همه عشق به موت دارند، از همه قشورهایی که هستند، از ارتش و سپاه و بسیج و سایرین و عشایر و سایر مردم که همه با هم هستند، اگر این تحول نبود، ما باز در زندانهای شاهنشاهی باید باشیم. [206]

تاریخ 61 / 10 / 12

[صفحه 87]

نتیجه شهادتها آن است که دنیا سر تعظیم فرود آورده است

این پیروزی معنوی و مادی مرهون اسلامی بودن انقلاب و مردمی بودن و توجه مردم به اسلام و تحول روحی عظیمی است که خداوند در این ملت، معجزه آسا ایجاد فرمود از آن جمله این جوانان بسیار عزیز در سطح کشورند که ناگهان با یک جهش برق آسای معنوی و روحی با دست رحمت حق تعالی از منجلابی که برای آنان با دست پلید استکبار جهانی که از آستین امثال رضاخان و محمد رضاخان و دیگر سرسپردگان غرب یا شرق تهیه دیده بودند، نجات یافته و یکشنبه ره صد ساله را پیمودند و آنچه عارفان و شاعران عارف پیشه در سالیان دراز آرزوی آن را می کردند اینان ناگهان به دست آوردند و عشق به لقاء الله را از حد شعار به عمل رسانده و آرزوی شهادت را با

کردار در جبهه های دفاع از اسلام عزیز به ثبت رساندند و این تحول عظیم معنوی با این سرعت بی سابقه را جز به عنایت پروردگار مهربان و عاشق پرور نتوان توجیه کرد. اینجانب هنگامی که این جوانان عزیز در عنفوان شباب را، که با گریه از من عقب مانده تقاضای دعا برای شهادت می کنند، مشاهده می کنم از خود مأیوس و از آنان شرمند می شوم. و هنگامی که عکسهای متعدد این شهیدان نورس نورانی را می نگرم و ارزشهای انسانی و مقامات الهی آنان، که خود از آنها به مرحله هایی دور هستم غبطه می خورم و چون به مادران و پدران این جوانان و نوجوانان شهید برخورد می کنم و آن شجاعتها و شهامت‌های فوق تصور را از آنان مشاهده می کنم احساس حقارت نموده، به پیشگاه پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله حضرت بقیة الله روحی لمقدمه الفدا به خاطر چنین امتی و پیروانی متعهد و مجاهد تبریک عرض می کنم و از خداوند تعالی ولینعمت و حافظ امت سپاسگزارم. امروز اسلام بزرگ نتیجه آن ایثارها و شهادت‌ها را می بیند که دنیا در مقابل آن با همه تبلیغات همراه کننده و کارشکنی‌های بی حد و حصرش، ناچار است سر تعظیم فرود آود و این نسیمی است که از معنویات اسلام در این کشور مظلوم در طول ستمشاهی وزیدن گرفته است و امید از الطاف خداوند منان است که این نسیم الهی را افزایش دهد و آن را به همه کشورهای ستم‌دیده و در بند مرحمت فرماید. [207].

تاریخ 61 / 11 / 21

[صفحه 88]

این فداکاریها موجب شد اسلام عزیز را

به دست آوریم

خدای تبارک و تعالی با قدرت غیبی خودش به این ملت عنایت فرمود و این جوانها را متحول کرد به يك انسانهاي عارف مسلک که برای خدای تبارک و تعالی به عشق خدای تبارک و تعالی از جانشان می گذرند و مادران و پدران آنها از فرزندان رشیدشان می گذرند و این فداکاری موجب این شد که ما در عین حالی که بسیار از بزرگانمان را از دست دادیم و بسیار از جوانان ارزشمندان را از دست دادیم و خسارات بسیار بر ما وارد شد از دست دشمنها، مع ذلك آنچه که به دست آوردیم اسلام عزیز بود و اسلام ارزش دارد که همه چیز در راه او داده بشود، چنانچه اولیای خدا چنین کردند. [208].

تاریخ 61 / 11 / 21

قطع دست قدرتها از برکات خون شهداست

ما جوانهایمان تاکنون آنقدر شهید داده اند، تاکنون مادرها آنقدر شهید داده اند، پدرها آنقدر شهید داده اند، جوانها آنقدر خون خودشان را داده اند برای اینکه شر این قدرتهای بزرگ از سر ایران کم بشود، حالا که بحمدالله رسیدیم به این جایی که دستها کوتاه شده، حالا ما کوتاه بیاییم تا آنها دستشان بلند بشود. [209].

تاریخ 62 / 3 / 14

ملت ما با ایثار جان ستمگران را بیرون راندند

آیا در منطقه قدرتی به پایه ی قدرت رژیم ظالمانه شاهنشاهی و ستمشاهی بود و ملتی همچون این ملت مظلوم در بند بود؟ و دیدید که با دست خالی و ایثار جان و توان در مدت کوتاهی از بندها رها و ستمگران و دزدان را یا در بند کشیدند

و یا بیرون راندند. [210].

تاریخ 62 / 3 / 28

پیروزیها تحفه ای است که شهیدان آورده اند

بحمدالله شهیدان ما که پیرو شهید عظیم الشان اسلام علیه السلام هستند جمهوری اسلامی را بیمه کردند و پیروزی بر دشمنان اسلام و ایران و ملت بزرگوار ایران و سایر

[صفحه 89]

ملتهای مسلمان بلکه مستضعفان جهان را تحفه آوردند. بی جهت نیست که مستکبران جهان با تمام توطئه ها و شیطنتها بر ضد يك ملت كوچك چهل میلیونی که به حسب معنویت و ارزشهای انسانی بر قله ی بلند و والای سعادت ارتقا یافته است، قیام نموده اند. خود این توطئه ها و بوق و کرناها ابرقدرتهای عالم و پیوستگان و وابستگان به آنان از بزرگترین ارزشها و والاترین مقامها برای يك ملت است که تاکنون برای هیچ ملتی رخ نداده است و این ارزش را شهدای والا مقام و جانبازان، این شهدای زنده و به دنبال آنان ملت عظیم الشان ایران در پشت جبهه ها آفریده اند. [211].

تاریخ 62 / 11 / 20

به برکت خون شهدا تمام توطئه ها خنثی شد

سپاس بی پایان از خداوند تبارک و تعالی که با عنایات خاصه ی خود منت بر ما نهاده و ما را به ملتی که با قیام خونین و انقلاب الهی خویش و روح ایمان و عرفان برابر قدرتها تاخته است، سرافراز فرموده است؛ ملتی که با فداکاری ارزشمند، دست ستمگران را از کشور عزیز اسلامی قطع نموده و شرف و استقلال آن را برگردانده است، ملتی که مجد و عظمت میهن اسلامی را تجدید و خود را بر مقدرات و سرنوشت خود آزادانه

مسلط و حکومت عدل اسلامي را تجديد و خود را بر مقدرات و سرنوشت خود آزادانه مسلط و حکومت عدل اسلامي را به جاي حکومت طاغوت ستمشاهي جايگزين کرده است و اسلام عزيز را بر ملتهاي تحت ستم در شرق و غرب عرضه نموده است. رحمت خداوند و سلام و درود صالحان و مخلصان بر روان شهدي بزرگ و نثار جانبازان و مفقودين و اسراي عزيز که با نثار جان و خون و سلامت و دوري از ميهن خود، در راه شرف، عزت کشور و اسلام، راه را براي نيل به سعادت دنيا و آخرت باز، خود و ملت خود را در پيشگاه مقدس حق تعالي سرافراز و روسفيد نمودند.

اکنون پس از گذشت چندين سال از انقلاب اسلامي شکوهمند و فشارهاي جانکاه قدرتمندان و توطئه هاي بي امان همه جانبه ي ستمگران بزرگ و کوچک براي اطفاي نور خدا، بحمدالله تعالي با قدرت عظيم روي و به برکت خون پاک شهدا و جانبازان در راه اسلام، تمام توطئه ها خنثي، و کيد ستمگران به خودشان برگشت و بارقه ي باعظمت اسلام در جهان رو به گسترش است و وعده ي خداوند متعال بر امامت و وراثت مستضعفان، گويي

[صفحه 90]

نزدیک است. [212].

تاریخ 64 / 11 / 17

نجات کشور مرهون مجاهدات شماست

اي شهدي بزرگ و اي شهدي زنده ي عزيز! اگر نبود مجاهدات شما و برداران و خواهران بزرگوار شما در جبهه ها و پشت جبهه ها که با اخلاص خاص خود عنایات خاص خداوند قادر را جلب نمودند، کدام قدرت و کدام ابزار جنگي مي توانست جمهوري اسلامي و کشور

عزیز شما را از این دریای موج متلاطم که شرق و غرب و وابستگان به آنان دست به دست هم و بازو به بازو یکدیگر داده و در پی غرق آن کوشیدند و می کوشند، نجات دهد. این کوردلان از خدا بی خبر و عاری از معنویات نمی دانستند که این کشتی نوح است که خدایش کشتیان و پشтіیان است. اینان با ابزار و ساز و برگ مادی به جنگ ایمان و معنویت و کشور صاحب الزمان ارواحنا لمقدمه الفداء آمده اند و اکنون نیز پس از سالها تجربه به خود نیامده اند و به حرکات مذبحخانه ادامه می دهند. ولی چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان. خداوندا! ما هیچیم، هیچ و هرچه هست از تو به سویی توست، ما به قدرت مطلق تو امیدواریم و از تو استمداد می کنیم، اگر تو با مایی شکست و پیروزی را به پیشیزی نمی شناسیم. تو خود یار این ملت و این جوانان مخلص باش و رحمت خود را بر این شهیدان جاوید نثار فرما. و جانبازان، این شهیدان زنده را شفا و اخلاص و اجر عنایت نما و به بازماندگان آنان و خاندان و پرستاران اینان صبر و جزای خیر مرحمت فرما و اسرا و مفقودین ما را صحت و استقامت و نجات بده و رزمندگان عظیم الشان، این پشتمانه های جمهوری اسلامی را پیروزی و قدرت و شجاعت بیشتر لطف فرما. [213].

تاریخ 64 / 11 / 18

شهادت عامل نشاط ملت

این ملت بزرگ ایران است که با قامتی استوار بر بام بلند شهادت و ایثار ایستاده است و

[صفحه 91]

هر روز نشاط و تحرک و فریاد او برای ادامه ی راه بیشتر می شود. [214].

تاریخ 65 / 5 / 6

انقلاب ما از برکات عاشورا است

قلم و بیان من عاجز است که مقاومت عظیم و گسترده ی میلیونها مسلمان شیفته ی خدمت و ایثار و شهادت را در این کشور صاحب الزمان ارواحنا فداه ترسیم نماید و از حماسه ها و رشادتها و خیرات و برکات فرزندان معنوی کوثر، حضرت فاطمه سلام الله علیها سخن بگوید که همه ی اینها از هنر اسلام و اهل بیت و از برکات پیروی امام عاشورا سرچشمه گرفته است. و ملت ما کمریندها را محکم بسته اند و از زن و مرد و پیر و جوان همه و همه، به جز تعداد انگشت شماری منافق خود فروخته ی جاسوس و سایر وابستگان به استکبار جهانی، در صحنه ی نبرد حق در برابر باطل ایستاده اند و بر یکدیگر سبقت می جویند و کدام سبقتی در مسیر الی الله بالاتر از این که سیلزدگان محصور در فکر کمک به جبهه اند و رزمندگان در صحنه ی نبرد هم بضاعت مالی خود را به سیلزدگان تقدیم می کنند. و کدام تحولی بالاتر از این که پدران و مادران و همسران شهیدان ما از فراق عزیزان خود شکوه نمی کنند ولی غبطه و حسرت دوری از قافله ی شهدا را بر زبان دارند. [215].

تاریخ 65 / 11 / 16

خون شهدا کاخ ظالمین را لرزانده است

از همت بلندشان [216] جمهوری اسلامی ایران پایدار و انقلاب ما در اوج قله ی عزت و شرافت مشعلدار هدایت نسلهای تشنه است و قطرات خونشان سیلابی عظیم و توفانی سهمناک را برپا

کرده است و ارکان کاخهای ظلم و ستم شرق و غرب را به لرزه انداخته است و آنان را در عزا و ماتم از دست دادن یاران و نوکرانی چون محمد رضاخان و «سادات»ها و «نمیری»ها و نیز اقتدارها و افتخارات شیطنی خود سیاهپوش کرده است و هنوز اول ماجراست و کابوسهای دیگری دارند و باید خود را برای نابودی و مرگ

[صفحه 92]

چیره خوارانی چون صدام و دست نشاندگانی چون اسرائیل غاصب آماده کنند، که اینها همه از برکات سحر شهیدان است و ما در انتظار رؤیت خورشیدیم و به شهیدان باید گفت «اتیکم مالم یؤت احدا من العالمین». [217]. [218].

تاریخ 65 / 11 / 16

خون شهیدان انقلاب و اسلام را بیمه کرد

در آینده ممکن است افرادی آگاهانه یا از روی ناآگاهی در میان مردم این مسئله را مطرح نمایند که ثمره ی خونها و شهادتها و ایثارها چه شد! اینها یقیناً از عوالم غیب و از فلسفه ی شهادت بی خبرند و نمی دانند کسی که فقط برای رضای خدا به جهاد رفته است و سر در طبق اخلاص و بندگی نهاده است، حوادث زمان به جاودانگی و بقا و جایگاه رفیع آن لطمه ای وارد نمی سازد. و ما برای درک کامل ارزش و راه شهیدانمان فاصله طولانی را باید بپیماییم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان را جستجو نماییم. مسلم خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده است؛ خون شهیدان برای ابد درست مقاومت به جهانیان داده است و خدا می داند که راه و رسم شهادت کور شدنی نیست

و این ملتها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتدا خواهند نمود. و همین تربت پاک شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارلشفای آزادگان خواهد بود. خوشا به حال آنان که با شهادت رفتند. خوشا به حال آنان که در این قافله ی نور، جان و سر باختند. خوشا به حال آنهایی که این گوهرها را در دامن خود پروراندند. [219].

تاریخ 67/4/29

همه ی برکات جنگ و انقلاب از خون شهدا است

هر روز ما در جنگ برکتی داشته ایم که در همه ی صحنه ها از آن بهره جسته ایم. ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده ایم، ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده ایم، ما در جنگ پرده از چهره ی تزویر جهانخواران کنار زدیم. ما در جنگ

[صفحه 93]

دوستان و دشمنانمان را شناخته ایم. ما در جنگ به این نتیجه رسیده ایم که باید روی پای خودمان بایستیم. ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم. ما در جنگ ریشه های انقلاب پر بار اسلامیمان را محکم کردیم. ما در جنگ حس برادری و وطن دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم. ما در جنگ به مردم جهان و خصوصا مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرتها و ابرقدرتها سالیان سال می توان مبارزه کرد. جنگ ما کمک به فتح افغانستان را به دنبال داشت. جنگ ما فتح فلسطین را به دنبال خواهد داشت. جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظامهای فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند. جنگ ما بیداری

پاکستان و هندوستان را به دنبال داشت. تنها در جنگ بود که صنایع نظامی ما از رشد آن چنانی برخوردار شد و از همه ی اینها مهمتر استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت.

همه ی اینها از برکت خونهای پاک شهدای عزیز هشت سال نبرد بود. همه ی اینها از تلاش مادران و پدران و مردم عزیز ایران در ده سال مبارزه با امریکا و غرب و شوروی نشأت گرفت. جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست. جنگ ما جنگ فقر و غنا بود. جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد. چه کوتاه نظرند آنهایی که خیال می کنند چون ما در جبهه به آرمان نهایی نرسیده ایم، پس شهادت و رشادت و ایثار و از خودگذشتگی و صلابت بی فایده است. [220].

تاریخ 67/12/3

[صفحه 94]

روحیات شهدا و ایثارگران

با مشت به جنگ سرنیزه می روند

مردم ایران الآن روحیه شان همچو قوی است که تانک از آن طرف می آید، سرباز با سرنیزه از آن طرف می آید، اینها با مشت جلو می روند و با سنگ و با چوب با آنها مقابله می کنند، این زمین می خورد، مرده است، آن یکی می آید جایش، هیچ کس در نمی رود و این روحیه است که اینها را عقب خواهد زد و الآن پیاده شان کرده است. [221].

تاریخ 57/7/20

در کدام تاریخ چنین مردانگی و فداکاری از زنان ثبت شده است؟

امروز نونهالان هفت هشت ساله دبستانهای ما فدایی می دهند و در راه

اسلام عزیز و کشور، خون نثار می کنند. شما در چه تاریخی چنین دیده اید؟ امروز زندهای شیردل طفل خود را در آغوش کشیده و به میدان مسلسل و تانک دژخیمان رژیم می روند، در کدام تاریخ چنین مردانگی و فداکاری از زنان ثبت شده است. امروز غریو مرگ بر شاه از دل طفل دبستانی تا پیران بیمارستانی مجال را بر رژیم منحط پهلوی چنان تنگ نموده و اعصاب شاه را آن سان خرد کرده که دست از پا نشناخته و تسکین خاطر خود را با خون کودکان و جوانان ما بیمه می کند. [222].

تاریخ 57/7/20

[صفحه 95]

مادرانی که سه فرزندشان شهید شده مایلند فرزند دیگرشان را هم بدهند

این جمعیت ما جور می شده بود و متحول شده بودند، که این تحول باز تحول اسلامی بود، جوری شده بودند که شهادت را برای خودشان یک فوز عظیم دانستند. من در نجف بودم، یک جوان خیلی زیبا و در سن بین بیست تا سی آمد پیش من و مرا قسم داد که شما دعا کنید که من شهید بشوم. این روحیه مادرهایی که دو، سه تا از بچه هایشان را داده بودند، وقتی که به ما می رسیدند می گفتند که این فدای اسلام و من باز یکی دارم که آن هم باز می خواهم شهید بشود. یک همچو روحیه ی فداکاری یعنی همان روحیه ای که در زمان رسول الله (ص) برای مردم پیدا شده بود و در ظرف نیم قرن مسلمین را بر تقریباً دنیای آن روز غلبه داد، این روحیه در ملت ما پیدا شده بود که خودشان را با

شوق و اشتیاق می خواستند فدا بکنند. آنچه ما را غلبه داد این روحیه بود، فلسفه نبود، جهان بینی نبود، اسلامشناسی نبود، هیچ این حرفها نبود، این روحیه که در ملت پیدا شد و این تحرکی که پیدا شد یک مطلب غیبی بود که در ظرف مدت کوتاهی یک همچون تحول روحی در جمعیت پیدا شد و ما تا اینجا که آمدیم، با این تحول روحی همراه هستیم. [223].

تاریخ 58 / 1 / 17

جوانهای ما از شهادت استقبال می کردند

شما ملاحظه کردید که جوانهای ما که شهید شدند، همه ی اینها شهادت را استقبال می کردند، این برای قدرت اسلام بود و از حالا به بعد هم باید این قدرت را حفظ کرد، این ایمان را حفظ کرد، تا این وحدت کلمه حفظ بشود تا پیروز بشویم ان شاءالله و من امیدوارم که با وحدت کلمه و قدرت ایمان ما این راه را تا آخر برسانیم آنطوری که می خواهیم. [224].

تاریخ 58 / 1 / 19

ملت ما مثل اصحاب رسول الله آرزوی شهادت می کردند

و ما با این قدرت ایمان که همه اقشار ملت ما با هم فریاد اسلام را زدند پیروز شدیم نه با عده و عده، ما هیچ نداشتیم و آنها همه سلاحها را، لکن ما مسلح به سلاح ایمان بودیم و

[صفحه 96]

ملت ما آرزوی شهادت می کردند مثل اصحاب رسول الله در صدر اسلام. همانها که با عده کم امپراطوریهای بزرگ را شکست دادند ما هم با یک عده کم و با نداشتن ساز و برگ جنگی یک امپراطوری

دو هزار و پانصد ساله جبار را با پشتیبانی ابرقدرتها از او، شکستیم و شکست دادیم و این سد بزرگ را از پیش پای ملت خود برداشتیم. [225].

تاریخ 58/2/5

روحیه ی شهادت طلبی بالاتر از اصل مبارزه است

قیام برای خدا و استقامت دنبال آن قیام، در وصیت خدا به وسیله پیغمبر برای امت این است که قیام کنید برای خدا، یکی یکی قیام کنید، جمع جمع قیام کنید. لکن قیام برای خدا. در این آیه [226] است که استقامت کنید. شما ملت قیام کردید و بحمدالله قیام شما برای خدا بود، همه فریاد می زدید که ما جمهوری اسلامی می خواهیم. برای احکام اسلام قیام کردید. امر اول را که فرموده اند قیام کنید برای خدا، اطاعت کردید، باقی مانده است امر دوم «فاستقم كما مرت و من تاب معك» [227] استقامت کنید، این قیام را حفظ کنید، این تحول روحی که برای شما ملت حاصل شده است، حفظ کنید، استقامت کنید، نگه دارید این تحول انسانی که بالاتر از تحولاتی فعال خارجی است، این تحولی که شما را برای رسیدن به آمل مشتاق کرد که خون بدهید، این تحول انسانی که شما برای برادرانتان حاضرید جان بدهید و حاضرید مال بدهید و حاضرید وقت صرف کنید، این تحول مهم بود، این تحول بالاتر از اصل مبارزه بود.

تحول نفسانی، تحول روحی، تحول انسانی، این تحول را حفظ کنید، مستقیم باشید، استقامت کنید، دشمن در توطئه است. دشمن در حال توطئه و نقشه است. اگر استقامت نکنید. اگر این تحول را حفظ نکنید، شاید خدای نخواستہ دشمن پیروز شود.

این تحول روحی، این تحول انسانی، این تحولی که اساس پیروزی شما بود، این تحول را حفظ کنید تا پیروز شوید. خداوند ان شاءالله به شما سلامت و سعادت عنایت کند و استقامت که

[صفحه 97]

بالاترین نعمت است. قیام برای خدا و استقامت در آن قیام. تا اینجا قیام کردید و پیروز شدید، اگر استقامت کنید پیروز خواهید شد، اگر استقامت کنید این عده ای که در صدد توطئه هستند ریشه کن خواهند شد. [228].

تاریخ 58/3/4

امور مادی و گردش زندگی این دنیا مطرح نبود

جوانهایی می آیند پیش من و می گویند دعا کنید که ما شهید بشویم، ما شهادت را می خواهیم این يك تحولی بود که برای این ملت پیدا شد و گرایش زندگی این دنیا خیلی مطرح نبود، شهادت را می خواستند. چنانچه دنیا و این امور مادی و این زندگی مطرح بود نمی رفتند در مقابل توپها و در مقابل تانکها و مسلسلها. آنان در مقابل توپ و تانک رفتند، از بچه کوچک گرفته تا بزرگها، از دانشگاهی تا علمای مذهب، از بازاری تا کارگر و ارتشی. [229].

تاریخ 58/3/28

به عشق اینکه شاید شهید شوند به خیابانها می ریختند

همین دیروز بود که اینجا می رفتم يك کسی در گوش گفتم که دعا کنید من شهید بشوم. این تحول که مردم شهادت را برای خودشان فوز عظیم می دانستند و می آمدند توی خیابانها به عشق اینکه شاید هم شهید بشوند. این تحول اسباب این شد که این پیروزی حاصل شد و الآن این تحول را باید

حفظش کنیم. [230].

تاریخ 58/4/13

این روحیه انقلابی یک معجزه الهی است

ما الآن مشاهده مان هست که جوانهای ما، چه جوانهای نیروهای انتظامی و چه جوانهای معمولی و پاسدارها و حتی بازاریها مکرر می آیند پیش من حتی امروز و آرزو می کنند، به من می گویند شما دعا کنید که ما شهید بشویم. این روحیه، انقلابی که در نفوس پیدا شده است، این یک معجزه الهی است بشر نمی تواند یک ملت را چنین

[صفحه 98]

متحول کند، این دست غیبی در کار است. [231].

تاریخ 58/6/11

جوانهای ما شهادت را آرزو دارند

شهادت برای ما فیض عظیمی است و جوانهای ما شهادت را آرزو دارند و ملتی که شهادت را آرزو دارد پیروز است و شماسست ملت پیروزید ان شاء الله. [232].

تاریخ 58/6/21

روحیه ی شهادت طلبی ملت ما بر تانکهای عالم مقدم است

من مطمئنم به اینکه شما پیروز می شویم ان شاء الله برای اینکه یک همچو روحیه ای امروز من در بین ملتمان می بینم، یک دفعه و دو دفعه نبوده است، از نجف تا اینجا مواجه شدم من با جوانهای زیبا، جوانهایی که اول جوانیشان است و اینها یکیشان آمد در نجف. آمد جلو من نشست بنا کرد قسم دادن من را که شما... قسم داد که من شهید بشوم، بعدا که ما در اینجا آمدیم، زن این تقاضا را کرده، جوانها این تقاضا کرده اند، زنی که بچه هایش را از دست داده است باز می گوید که من

يکي دو تا دارم اين [را] هم مي دهيم. اين روحيه، روحيه اي است که اطمينان براي ما مي آورد. اين بر همه تانکهاي عالم مقدم است؛ يعني پيروز مي شويد. اين روحيه، روحيه اي است که خدای تبارک و تعالی انعام کرده است، مرحمت کرده است. اين مرحمت الهي را حفظ کنيد. اين امانت است. اين را کوشش کنيد محفوظ بماند. مادامي که اين روحيه ي الهي، اين هديه ي الهي در بين شماها هست از هيچ نترسيد، نگراني هيچ وقت نداشته باشيد، به فکر اين نباشيد که چرا به ما «احسنت» نگفتند. چرا به ما اجر ندادند، چرا به ما مثلا همراهي نکردند. خدا همراه شماست، امام زمان سلام الله عليه دعاگوي شماست، از چه ما مي ترسيم؟ ما چرا بترسيم؟ ما يي که راهمان راه خداست، ما يي که در مقابل اين قدرت شيطاني که همه چيز ما را، اسلام ما را، جوانان ما را، همه چيز ما را از بين برد، قيام کرديم، از چه بترسيم؟ از اين بترسيم که کشته مي شويم؟ خوب، بشويم، جوانهاي ما همه کشته شدند. از اين مي ترسيم که غلبه بکنند؟ غلبه هم بکنند ما ترس نداريم، براي اينکه ما حقيم. وقتي حق هستيم غالب هم بشويم. ما

[صفحه 99]

حق هستيم. مغلوب هم بشويم ما حق هستيم. و ان شاء الله غالب مي شويم. مطمئن باشيد، دلتان را به اين مبداء خير متصل کنيد، با خدا مناجات کنيد. [233].

تاريخ 58/6/26

شهادت را شرف خودشان مي دانند

ما اشخاصي هستيم که در اين راه، شهادت را سعادت براي خودمان مي دانيم. ملت ما الآن هم از

من مي خواهند که دعا کنم که شهيد بشوند. ملتي که شهادت را مي خواهند، او را از چه مي ترسانند؟ او را از مردن مي ترسانند؟ اينها شهادت را شرف خودشان مي دانند. آنها ما را از مردن مي ترسانند؟ مردن براي آنها ترس دارد که قايل نيستند به ماوراء طبيعت. [234].

تاريخ 58/9/3

براي شهادت پيشقدم هستند

ملتي که اينطور تحول پيدا کرده است که در سرماي اين راهها، بارنج، جوانهايش پياده مي آيند و غسل شهادت مي کنند و پيشقدم براي شهادت هستند، پيرزوند. شما جوانان پيرزويد ان شاء الله و آنها که گمان مي کنند که با يك تروري، با يك راه انداختن ناراحتيايي مي توانند اين ملت را از راه خودش منحرف کنند اشتباه مي کنند. [235].

تاريخ 58/9/29

با روحيه شهادت طلبي مردم هم مشکلات را حل مي کنيم

امروز همه انقلابي و آماده شهادت هستند. من جدا اعلام مي کنم که ما مي توانيم به آساني در برابر تجاوز امريکا بايستيم. امريکا ممکن است ما را شکست دهد، ولي نه انقلاب ما را و به همين دليل است که من به پيروزي خودمان اطمينان دارم. دولت امريکا مفهوم شهادت را نمي فهمد. ما با چنين روحيه اي است که همه مشکلات ايران را حل مي کنيم. به شعارهاي مردم نگاه کنيد که مي گویند، «کارتر نمي داند منطق شهادت

[صفحه 100]

چيست». [236].

تاريخ 58/10/15

مکرر مي آمدند اصرار مي کردند که دعا کنيد شهيد شويم

ما بايد با يك همچو قدرت و روحيه اي که شما مي گوید که آنها

مي گفتند ما مي خواهيم شهيد بشويم به پيش برويم. من از آن وقتي كه اين نهضت شروع شد مكرر هرچند روز يك مرتبه، زنان و مردان مي آمدند پيش من و اصرار مي كردند كه شما دعا كنيد ما شهيد بشويم، من دعا مي كنم كه شما موفق بشويد و ثواب شهادت داشته باشيد. براي اسلام خدمت كنيد، اين روحيه موجب پيشرفت است، جدت كنيد كه اين روحيه محفوظ باشد. [237].

تاريخ 59/2/25

ملت ما شهادت را ترجيح مي دهد

ملت ما شهادت را ترجيح مي دهد و مي گويد كه ما مي خواهيم شهيد بشويم. از اول نهضت تقريبا (من در نجف بودم آن وقت) تا حالا زن، مرد، جوانها مي آيند و از من استدعا مي كنند كه شما دعا كنيد ما شهيد بشويم، من دعا مي كنم ثواب شهيد پيدا كنند. يك مجلس عقدي كه ما چند وقت پيش از اين در همين تهران داشتيم آن زن و مردی كه با هم ازدواج كردند بعد آن زن يك كاغذي به من داد خواندم ديدم مي گويد كه شما دعا كنيد من شهيد بشوم. زني كه تازه عروسي کرده، شوهر کرده مي گويد شما دعا كنيد من شهيد بشوم. يك ملتي كه شهادت را مي طلبند و دعا مي خواهند براي شهادت، اينها از دخالت نظامي مي ترسند؟ اينها از حصر اقتصادي مي ترسند؟ [238].

تاريخ 59/3/14

ملت ما به فداكاري خو گرفته است

ملت ما اكنون به شهادت و فداكاري خو گرفته است و از هيچ دشمني و هيچ قدرتي و

[صفحه 101]

هيچ توطئه اي هراس ندارد. هراس

آن دارد که شهادت، مکتب او نیست. [239].

تاریخ 59/6/17

با آغوش باز شهادت را استقبال می کنند

این جوانهایی که در آن میدان دارند جنگ می روند و برادرهایشان می بینند کشته شد و افتاد، هیچ فترت و فتوری در آنها دست نمی دهد، به همانطوری که از اینجا با شوق رفتند، با همانطور در جنگ هم با اشتیاق و با دلآوری و با جرأت، با آغوش باز شهادت را استقبال می کنند. این یک مسئله ای است، ایران یک وضعی پیدا کرده است که ما نمی توانیم این وضع را تعبیری از آن بکنیم جز اینکه بگوییم یک مملکت الهی است، یک مملکتی است که فهمیدند افرازش و اشخاصش که برای اسلام باید جانفشانی کرد. [240].

تاریخ 59/8/6

پیرمردهای هشتاد ساله برای رفتن به جبهه گریه می کنند

ما وقتی یک ملت داریم که سی و چند میلیون است و بیست میلیون جوان داریم که آرزوی شهادت بسیاریشان می کنند، دیروز یک پیرمرد نزدیک به هشتاد، تقریباً بین هفتاد و هشتاد بود، طوری که چیز بود، آمد با من مصافحه کرد و رفت آن کنار و دوباره من دیدم ایستاد و دوباره دارد می آید، دفعه دوم که آمد اینجا گریه می کرد اشکهایش را من دیدم که آنجا جاری بود می گفت من می خواهم بروم جنگ بکنم. من گفتم به او که من و تو باید دعا بکنیم. جوانها باید جنگ بکنند. [241].

تاریخ 59/8/12

پیرمردهای ضعیف هم آرزوی جبهه دارند

شاید هر روز یا اکثر روزها جوانهایی اینجا بیایند

و با گریه بخواهند که عازم به جبهه ها بشوند برای شهادت، حتی پیرمردهای ضعیف هم این آرزو را دارند و بچه های نارس هم این آرزو را دارند و این برای این است که در این کشور، اسلام حکومت می کند و حکومت این کشور حکومت بر ابدان نیست، حکومت بر قلوب است. قلوب مردم با

[صفحه 102]

کسانی که در این کشور حکومت می کنند همراه است و ملت است که حکومت می کند. [242].

تاریخ 59 / 12 / 13

جانبازان می گویند دعا کنید ما شهید شویم

دیروز یک کسی که پیش از اینجا قطع شده بود، عصا زیر بغلش گذاشته بود، آمده اینجا، من باهاش مصافحه کردم گفت دعا کنید من شهید بشوم. [243].

تاریخ 60 / 3 / 24

شناخت شهادت طلبان مشکل است

شما [244] ملتی را که معلولان نشان در تختهای بیمارستانها آرزوی شهادت می کنند و یاران را به شهادت دعوت می کنند، شناخته اید. [245].

تاریخ 60 / 4 / 9

والدین شهدا گریه می کنند که اجازه رفتن به جبهه بیابند

هر روز من می بینم. پیرزن و پیرمردهایی هستند که می آیند که پسرهایشان شهید شده اند، ولی با این وصف می آیند و گریه می کنند که اجازه دهید برویم جنگ. من به آنها می گویم که شما هم مثل من پیرمرد هستید و نمی توانید بجنگید. می گویند می رویم و یک کاری می کنیم. این است روحیه ی مردم ما. [246].

تاریخ 60 / 11 / 14

عشق به شهادت در دل زن و مرد و پیر و جوان موج می زند

ملتي که عشق به شهادت در دل زن و مرد و كوچك و بزرگش جوش مي زند و براي شهادت، هر يك بر ديگري سبقت مي گيرد و از شهوات حيواني و دنيايي گريزان بوده و

[صفحه 103]

عالم غيب و رفيق اعلي را باور کرده است با اين خسارات [247]، هرچند بزرگ باشد از صحنه خارج نمي شود. [248].

تاريخ 60 / 11 / 22

در صدر اسلام نيز مثل جوانان ما نبوده است

امروز که داوطلبيني براي رفتن به جبهه ها اينگونه با آغوش باز شهادت را پذيرا هستند، حتي زمان رسول الله و اميرالمؤمنين سلام الله عليه به اين شکل نبوده است. [249].

تاريخ 60 / 12 / 19

اشك مي ريزند براي اينکه بروند جبهه و شهيد شوند

شما مثل اين پاسدارهايي که اشك مي ريزند براي اينکه بروند به جبهه و شهيد بشوند کجا سراغ داريد. [250].

تاريخ 61 / 1 / 1

همه با روي گشاده به طرف جبهه مي روند

اينها [251] نمي دانند در يك كشوري که وضعش اينطوري است، همه مردمش فریاد مي زنند و به جنگ مي روند و عشق به فداکاري دارند، در يك همچو كشوري نمي شود از اين کارها کرد. نمي شود با اين کشور مبارزه کرد. نمي شود در اين کشور کودتا کرد. کشوري که همه قواي نظاميش دنبال شهادت دارند مي روند و همه ي قواي نظامي و انتظامي، پاسدار مسلحش و همه عشائري که آنها هم در جنگها وارد مي شوند، همه دارند با روي گشاده طرف شهادت مي روند، با يك همچو کشوري نمي شود با يك گروه

چند صد نفری یا بیشتر یا کمتر معارضه بکنند. [252].

تاریخ 61 / 1 / 21

[صفحه 104]

در همان حال که دستشان قطع شده به میدان می روند

یکی از آقایان به من گفت که در جبهه نوجوان دوازده سیزده ساله ای دیده است که دستش قطع شده و بلافاصله دست قطع شده خود را گرفته و رفته است به سوی میدان جنگ. [253].

تاریخ 61 / 3 / 4

جهاد در راه خداوند را با جان و مال می خرند

گاهی امریکا ایران را تهدید می کند و هنوز نفهمیده است که ایران که برای کوتاه شدن دست آنان با انگیزه شهادت قیام نموده است و جهاد در راه خداوند را به جان و دل می خرد از تهدید امثال او باک ندارد. [254].

تاریخ 61 / 3 / 15

ملتی که طعم شیرین شهادت را چشیده است از ابرقدرتها نمی هراسد

گمان کرده اند دولت متکی به خدا و ملت عظیم ایران بیدی است که از این بادهای بلرزد. ملتی که اکنون طعم شیرین شهادت را چشیده است و پیرو مولای خود امیرالمؤمنین و اولاد عظیم القدر او که شهادت را فوز عظیم می دانسته و در محراب شهادت و میدان نبرد ندای «فزت و رب الكعبه» [255] را سر می دادند از سازمانهای نوکر ابرقدرتها نمی هراسد. ملتی که ابرقدرت امریکا را از کشور بقیة الله ارواحنا لمقدمه الفداء، با ذلت و خواری راند و نفت و خزاین خود را از حلقوم آن بیرون کشید، از طلبهای توخالی سازمانهای ساخته آن نمی ترسد و این ملت و

دولت پیرو آن، همانگونه که کرارا اعلام نموده اند، خواسته‌های مشروع خود را از صدام و حزب علقی می‌گیرند و برای احقاق حق مشروع خود به هر اقدامی دست می‌زنند «بلغ ما بلغ». [256].

تاریخ 61/4/25

[صفحه 105]

روحیات مجاهدان ما در صدر اسلام کمتر دیده شده است

شما می‌بینید این ارتش‌ها و پاسدارها و بسیج و سایر نیروها در جبهه چه می‌کنند. آنها وقتی می‌خواهند به خط مقدم بروند، انگار که به حجله عروسی می‌روند و حتی صدر اسلام هم اینچنین وضعی را کمتر به خود دیده است و بعضی از افراد نمی‌توانند این همه از خودگذشتگی را بفهمند و کارهای انجام شده را نادیده می‌گیرند. [257].

تاریخ 61/7/21

تأسف می‌خورند که چرا فرزندی ندارند در راه خدا بدهند

اسلام چیزی نیست که کسی بتواند از آن رویگردان باشد. ما هر روز شاهدیم که مادران شهدا، کسانی که حتی چند شهید داده اند، فریاد می‌زنند که اگر باز هم داشتیم در راه خدا می‌دادیم و تأسف می‌خورند که دیگر فرزندی ندارند که در راه خدا بدهند. اجانب تبلیغ می‌کنند که در ایران بچه‌های کوچک را با زور به جبهه می‌فرستند، در حالی که چنین نیست. مردم می‌خواهند جلوی این جوانهای چهارده پانزده ساله را بگیرند که به جبهه نروند، ولی آنها از دست پدر و مادرها فرار می‌کنند و به جبهه می‌روند. مسلماً فردی را که بالغ نیست نه کسی می‌گوید به جبهه برو و نه کسی چنین حقی دارد که بگوید. مردم ما بحمدالله خودشان

از رفتن به جبهه ها استقبال مي کنند و جبهه ها را پر مي کنند. [258].

تاریخ 61/9/3

ملتي که براي شهادت ايستاده است مشکلات در او اثر ندارد

ملتي که براي شهادت ايستاده است مشکلات در او اثري ندارد. پدران و مادراني که عزيزان خودشان را فدای اسلام مي کنند، مشکلاتي براي آنها پيش نمي آيد، آنها بر مشکلات غلبه کرده اند. کشور ما بر مشکلات خودش غلبه کرده است، تمام فشارها را از همه ي اطراف بر او آورده اند و تحمل کرده است و «ان الله مع الصابرين» [259]. [260].

تاریخ 62/2/4

[صفحه 106]

ملت با نورانيت و طمأنينه آماده شهادت هستند

بحمدالله ايران به اين صفت، بسياري از قشرها به اين صفت متصفند و من فراموش نمي کنم قصه ي روز جمعه [261] را که آن طور باشکوه، با نورانيت، با استقامت گذشت. آن طور مردم با طمأنينه، با آن صداهايي که مي آمد، با آن رگبارهايي که مي آمد، من ملاحظه مي کردم، نگاه مي کردم، مخصوصا نگاه مي کردم ببينم در بين مردم چه وضعي هست. ندیدم حتي يك نفر را که يك تزلزلي درش پيدا باشد. و آن وقت امام جمعه آن طور با آن طنين قوي صحبت کرد، مردم آن طور گوش کردند، آن طور فریاد زدند که ما براي شهادت آمديم. يکي از اينهايي که شهيد شده است (يا اين که چند نفر، يکي دو نفر ازشان) به من گفتند که اين وصيت هم کرده است، همين که من مي روم براي شهادت، وصيت کرده و از همانهايي است که در همين

جا شهيد شده، با يك همچو ملتي كسي نمي تواند مقابله كند. ملتي كه اين طور است؛ آن روزي كه اعلام مي كنند كه مي خواهيم بمباران كنيم نماز جمعه را، بيايند و بيشتر بيايند، حتي آنهايي كه نمي آمدند براي نماز، از قراري كه براي من نقل کرده اند، آنهايي كه براي نماز جمعه هم نمي آمدند هفته هاي ديگر، اين هفته آمدند، اين يك همچو ملتي است. يك همچو ملتي را نمي تواند كسي به واسطه ي بمباران كردن يك جايي به واسطه ي شرارتهايي كه دارد مي شود، اين را منحسب اش [262] كند از اين كه دارد. [263].

تاريخ 63 / 12 / 29

بعد از موشك خوردن مي ايستد و مي گويد جنگ، جنگ تا پيروزي

يك كشوري كه همه بيدار و همه مستعد براي شهادت هستند، اينها را از چه مي ترسانند؟ كسي كه مي گويد «من شهادت را مي خواهم، دعا كنيد كه من شهيد بشوم»، شما او را از قتل مي ترسانيد؟ شما او را از موشك مي ترسانيد؟ يك كسي كه بعد از موشك خوردن مي ايستد و مي گويد «جنگ، جنگ تا پيروزي» شما او را از جنگ

[صفحه 107]

مي ترسانيد؟ اين وضع، وضعي است كه خدا پيش آورده است، چيزي را كه خدا پيش آورده، با او معارضه نمي شود كرد. [264].

تاريخ 64 / 1 / 15

با عشق و عطش به پيشباز شهادت مي روند

مگر ما و شما هر روز شاهد اين كاروانهاي كربلا نيستيم كه با شور و شوق و عشق و عطش به پيشباز شهادت مي روند. مگر شما هر روز شاهد ميدانهاي با عظمت قتال با متجاوزين نيستيد كه

به مرگ لبخند مي زنند و معجزه مي آفرينند. راستي اين چه تحولي است که بر سراسر اين کشور صاحب الزمان روجي فداه نورافشاني مي کند و چه آشفشاني است که منحرفان و کج اندیشان و بدخواهان را در خود فروبرده و ذوب مي کند اين، جز اراده ي خدا و جلوه اوست که خفاشان از آن مي گريزند و اوليائي خدا و عارفان به آن دل بسته اند. [265].

تاريخ 64 / 12 / 3

ملت ما از بذل فرزندان خود لذت مي برند

الحمدلله اين کشور رسول خدا (ص) امروز ميليونها جوان داوطلب جنگ و شهادت در خود پرورانده است و دل و دیدگاه ملت ما را جز رضاي حق چيزي پر نخواهد کرد و به همين جهت از بذل مال و جان و فرزندان خویش در راه خدا لذت مي برند. [266].

تاريخ 65 / 5 / 6

جانبازان از خدا گله مي کنند که مگر ما لايق شهادت نبوديم

ملتي که دنبال شهادت است، ملتي که افراش اين است که دست و پايشان وقتي قطع مي شود، گله مي کنند که خدايا! چطور؟ مگر ما لايق نبوديم که جان ما را بگيري. يك همچو ملتي را نترسانيد از اين که ما چه مي کنيم. [267].

تاريخ 66 / 3 / 8

[صفحه 108]

ادعیه و ابراز عواطف و همدلي امام نسبت به شهدا

من در اولين فرصت خود را نزد شما مي بينم

من در اولين فرصت خودم را نزد شما مي بينم تا در غم با شما سهيم باشم و با هم در صف واحد به اعمال عمال اجانب خاتمه دهيم. من اميدوارم به احدي الحسينين نایل شوم، يا پيشرفت

مقصود و اقامه عدل و حق، یا شهادت در راه آنکه است. از خداوند تعالی غلبه حق بر باطل را خواهان و پیروزی ملت شریف ایران را خواستارم. [268].

تاریخ 57/11/9

خاک بر سر من که بخوام از خون شهدا استفاده ببرم!

از 15 خرداد تا حالا که آمدیم، خون دادیم یعنی شما خون دادید، من که نشسته ام اینجا، من هم هیچ حقی ندارم، شماها خون دادید، شماها به میدان رفتید، شماها مبارزه کردید، ماها هیچ حقی نداریم. ما باید برای شما خدمت کنیم. خودمان نباید استفاده کنیم. نه استفاده ی عنوانی، خاک بر سر من که بخوام استفاده ی عنوانی از شما بکنم، خاک بر سر من که بخوام خون شما ریخته بشود و من استفاده اش را ببرم. [269].

تاریخ 58/3/15

امیدوارم نامتان در ردیف شهدای بدر و کربلا ثبت شود

امیدوارم که این شهدا، در نامه ای که اسم شهدای بدر و کربلا نوشته می شود اسم اینها

[صفحه 109]

نوشته شده باشد و برای شماها هم همینطور که بازماندگان کربلا و احد و امثال اینها بودند و اجر داشتند شما هم در شمار آنها نامتان به ثبت برسد. [270].

تاریخ 58/7/9

به مادران و پدران به خاطر تربیت چنین فرزندان تبریك عرض می کنم

بعد از طلب مغفرت برای شهدای انقلاب اسلامی و قدردانی از فداکاریهای آنان، به بازماندگان آنان، مادران و پدران آنان تبریك عرض نمایم که چنین شیرزنان و شیرمردانی تربیت نمودند و نیز به معلولین

و آسیب دیدگان انقلاب که در پیشبرد نهضت ملت و تحقق جمهوری اسلامی پیشقدم بودند، تبریک عرض کنم. الحق انقلاب اسلامی ما مرهون فداکاریهای این دو قشر عزیز است. [271].

امیدوارم مقامات شهدای جنگ احد را داشته باشند

من امیدوارم این شهیدانی که برای خدا به شهادت رسیده اند، نزد خدای تبارک و تعالی مقاماتی داشته باشند که لشکر امام در جنگ احد و در سایر جنگها داشتند. خداوند ان شاء الله خانواده های آنها را سلامت بدارد و من هم به آنها تسلیت می گویم. اینها از خود ما هستند، مثل اینکه فرزندان خود من باشند. متأثر هستم و مفتخر به اینکه همچو روحیه ای در تمام سربازهای پیدا شده. [272].

تاریخ 59 / 2 / 25

خود را مرهون شهدا می دانم

اینجانب به عنوان یک خدمتگزار و دعاگویی حقیر، خود و ملت را مرهون این عزیزان می دانم و از خداوند بزرگ طلب مغفرت می نمایم. تاریخ، فداکاری این جوانان غیور و متعهد را فراموش نمی کند و نام نامی ملت عظیم ایران در صفحات تاریخ ضبط و در چهره دهر ضبط است. [273].

تاریخ 59 / 5 / 22

[صفحه 110]

خداوندا ما را به شما ملحق کند

من از خداوند تعالی رحمت برای شهدای عزیز در این جنگ تحمیلی خواستارم. اینان برای اسلام فدا شدند و در نزد خدای تعالی و در جوار رحمت واسعه او به سعادت ابدی و افتخار دایمی رسیدند و به بازماندگان آنان تبریک و تسلیت عرض می کنم. شما مسلمانان متعهد دین خود را به اسلام بزرگ و خداوند

متعالم ادا كرديد و راه وفاداري و فداكاري را به ما آموختيد. خداوند تعالي ما را به شما ملحق كند و از اين فيض عظيم محروم نفرمايد. [274].

تاريخ 59/7/27

ما هنوز در خم يك كوچه هم نيسديم

من شرمم مي آيد كه خود را در مقابل اين عزيزان سرشار از ايمان و عشق و فداكاري به حساب آورم، آنان با عشق به خداي بزرگ به معشوق خويش پيوستند و ما هنوز در خم يك كوچه هم نيسديم. خداوندا! اين عزيزان از خود گذشته را در جوار رحمت خود بپذير، و ما را از قيدها و بندهاي خودبيني و خودخواهي نجات مرحمت فرما. [275].

تاريخ 60/2/1

اي كاش خميني در ميان شما بود

اي كاش خميني در ميان شما بود و در كنار شما در جبهه دفاع براي خداي تعالي كشته مي شد. [276].

تاريخ 60/6/17

خداوندا اين ملت را در احقاق حق و ابطال باطل پايدار فرمايد

خداوند تعالي اين ملت را كه از 15 خرداد 42 تا 22 بهمن 57 و از آن وقت تا كنون براي اقامه عدل الهي از هرچه داشته است گذشته است و عزيزان برومند خود را كه قامت رشيد و بلند آنان چون ابديت استوار و گرمي خونشان چون عشق به جمال جميل حق روح افزا بود، به پاي دوست به قربانگاه فرستادند، با نور هدايت خود ارشاد و با جلوه

[صفحه 111]

قدرت ازلي خود برومند و با بارقه ي روانبخش خود در

احقاق حق و ابطال باطل استوار و پایدار فرماید و این وحدت و صلابت را از آنان سلب ننماید. [277].

تاریخ 61/3/15

شهدای ما را به رحمت خاصان درگاهش مفتخر فرماید

از خداوند تعالی می خواهم... شهدای ما را به رحمتی که برای خاصان درگاهش اختصاص داده است مفتخر فرماید و مجروحان و آسیب دیدگان عزیز ما را شفای عاجل عنایت فرماید و اسرا و گمشدگان عزیز ما را هرچه زودتر از شر صدامیان نجات داده و به میهن اسلامی خودشان برگرداند و به بازماندگان شهدا مخصوصا پدران و مادران و همسران و همه نزدیکان آنان اجر و صبر مرحمت فرماید و رزمندگان سلحشور ما را پیروز فرماید. [278].

تاریخ 61/11/21

شهدای انقلاب اسلامی را به رحمت جاوید غریق فرماید

بارالها!... از تو می خواهم شهدای مظلوم اسلام را بویژه شهدای نهضت و انقلاب اسلامی ایران از پانزدهم خرداد 42 تاکنون، به رحمت جاوید خود غریق فرمایی و پدران و مادران و همسران و بستگان آنان را صبر و اجر وافر عنایت نمایی و آسیب دیدگان در جبهه و پشت جبهه را شفا و سلامت مرحمت فرمایی. [279].

تاریخ 62/3/15

به شهدای جنگ تحمیلی تقرب به درگاه خود مرحمت فرما

خداوندا!... به شهدای اسلام بویژه شهدای جنگ تحمیلی رحمت و تقرب به درگاه خود مرحمت و به آسیب دیدگان عزیز صحت و عافیت و اجر شهدا عنایت کن و به اسرا و مفقودین صبر و رهایی نصیب فرما و به بازماندگان شهدا و

نزدیکان آسیب دیدگان و مفقودین بردباری و اجر مرحمت فرما. [280].

تاریخ 63 / 11 / 22

[صفحه 112]

امیدوارم میهمانان را از محضر خود کامیاب فرماید

من با این قلم شکسته و این چشم بسته در حق این ملت و این عزمش و این سلحشوران و این رزمش چه می توانم بگویم؟! پس بهتر آن است؛ قلم بشکنم و دم فروبندم و اجر و مزد رزمندگان و وابستگان به آنان و آسیب دیدگان و دل بستگان آنان را از خدای بزرگ بخواهم. امید آن است که ولی نعم، این میهمانان را که به سوی او می روند از محضر خود کامیاب فرماید و به این رزمندگان غرورآفرین قدرت بیشتر و قدرت والایتر عنایت نماید و به همت ملت عزیز بویژه آنان که در این جهاد فی سبیل الله فعالیت و دخالت داشته اند، عزت و عظمت مرحمت کند و به این عزیزانی [281] که در این جنایت هوایی به سوی او پرواز کرده اند، اجازه ی ورد به محفل خاص خود دهد. [282]

تاریخ 64 / 12 / 3

خداوندا! شهدای ما را در جوار اولیا مخلص فرما

خداوندا! شهدای عزیز این ملت را که برای تو و برای اعتلای دین تو جان باخته اند، در جوار اولیای مخلص فرما و به بازماندگان آنان خصوصاً پدران و مادران و فرزندان و همسرانشان که برای رضای تو، فراق و دوری آنان را تحمل می کنند و پرچم مبارزه ی آنان را بر دوش گرفته و به پیش می روند، صبر و اجر کرامت کن و فرزندان آنان را برای رأفت و مهربانی بیشتر

به مادران داغ‌دیده‌ی خود مهیا فرما و جانبازان عزیز و پیروز و سرافراز ما را شفا عنایت کن و مفقودین و اسرا، این شیرمردان در بند را با سلامت و پیروزی به اوطان خود بازگردان و ما را خدمتگزار این ملت و ملت را قدرشناس زحمات شهیدانمان گردان و شیرینی و حلاوت محبت و رضایت خود را به ما عنایت کن و دعای خیر حضرت بقیة‌الله ارواحنا فداه را شامل حالمان گردان و این انقلاب را از خطر آفتها و لغزشها و از کید کافران و منافقان و ملحدان حفظ فرما. [283].

تاریخ 65 / 11 / 16

[صفحه 113]

در انتظار فوز شهادتم

من خون و جان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق و فریضه‌ی دفاع از مسلمانان آماده نموده‌ام و در انتظار فوز عظیم شهادتم. [284].

تاریخ 66 / 5 / 6

بدا به حال آنان که در قافله ایثار حضور نداشتند

خداوندا! این دفتر و کتاب شهادت را همچنان به روی مشتاقان باز و ما را هم از وصول به آن محروم مکن. خداوندا! کشور ما و ملت ما هنوز در آغاز راه مبارزه اند و نیازمند به مشعل شهادت، تو خود این چراغ پر فروغ را حافظ و نگهبان باش. خوشا به حال شما ملت! خوشا به حال زنان و مردان! خوشا به حال جانبازان و اسرا و مفقودین و خانواده‌های معظم شهدا و بدا به حال من که هنوز مانده‌ام و جام زهرآلود قبول قطعنامه را سرکشیده‌ام و در برابر عظمت و فداکاری این ملت بزرگ احساس شرمساری

مي كنم. و بدا به حال آناني كه در اين قافله نبودند، بدا به حال آنهائي كه از کنار اين معرکه ي بزرگ جنگ و شهادت و امتحان عظيم الهي تا به حال ساكت و بي تفاوت و يا انتقاد كننده و پرخاشگر گذشتند. [285].

تاريخ 67/4/29

براي درك شهادت، روزشماري مي كنيم

امروز خميني آغوش و سينه ي خويش را براي تيرههاي بلا- و حوادث سخت و برابر همه ي توپها و موشكها دشمنان باز کرده است، و همچون همه ي عاشقان شهادت، براي درك شهادت روزشماري مي كند. [286].

تاريخ 67/4/29

من هديه اي جز دعاي خير ندارم

من هديه اي جز دعاي خير براي فرزندان شاهدان هميشه ي تاريخ، خصوصا آنهائي كه در تحصيل جزء شاگردان ممتاز شناخته شده اند ندارم.

[صفحه 114]

اميدوارم خداوندا عطش علم آموزي را در آنان زياد و سينه هاشان را دريائي معارف خود گرداند و تعهد عمل را به آنان كرامت نمايد. [287].

تاريخ 67/6/28

خداوندا شهدي گمنام بسيج را به نعمت همجواني اهل بيت مغتتم فرمايد

خداوندا شهدي عزيز و گمنام بسيج را به نعمت همجواني اهل بيت - عليهم السلام - مغتتم و جانبازان عزيز را شفا و اسرا و مفقودين عزيز را سالما به اوطانشان بازگرداند. [288].

تاريخ 67/9/2

خداوندا شهدا را از رزق حضور خويش بهره مند فرما

خداوندا! شهدي روحانيت و حوزه ها را از نعم بيكران و رزق حضور خويش بهره مند فرما. خداوندا! به جانبازانشان شفا مرحمت كن و به خانواده هاي

شهادایشان صبر و اجر مرحمت فرما. مفقودین و اسرایشان را هرچه زودتر به اوطانشان برگردان. خداوندا! ارزش خدمت و خدمتگزاری به دین خود و به مردم را در دل و دیدگان ما افزون و جاودانه نما «انك ولي النعم» [289].

تاریخ 67 / 12 / 3

از خانواده شهدا رسماً معذرت می‌خواهم

من در این جا از مادران و پدران و خواهران و برادران و همسران و فرزندان شهدا و جانبازان به خاطر تحلیلهای غلط این روزها [290] رسماً معذرت می‌خواهم و از خداوند می‌خواهم مرا در کنار شهدای جنگ تحمیلی بپذیرد. [291].

تاریخ 67 / 12 / 3

[صفحه 115]

پروردگارا شهدای ما را با شهدای بزرگوار اسلام محشور فرما

از پیشگاه مقدس پروردگار می‌خواهم که هر روز بر قدرت و شوکت و صلابت این مدافعان راستین میهن اسلامی بیفزاید و شهدای گرانقدر آنان را که همه ی ما در زیر سایه ی برکات آنان به نعمت امنیت و آزادی و استقلال رسیده ایم، با شهدای بزرگوار اسلام محشور فرماید. [292].

تاریخ 68 / 1 / 28

تذکر: علاوه بر مواردی که طی صفحات گذشته آمد، حضرت امام در خلال بسیاری از سخنرانیها و پیامهای خود عبارات و ادعیه ای در تجلیل و تکریم و طلب مغفرت برای شهدا و خانواده ی آنان دارند که به ذکر آدرس آنها اکتفا می‌شود.

1 - صحیفه نور ج 10 ص 110 تاریخ 58 / 8 / 11

2 - صحیفه نور ج 11 ص 262 تاریخ 58 / 11 / 20

3 - صحیفه

نورج 13 ص 66 تاریخ 59 / 6 / 17

4 - صحیفه نورج 13 ص 275 تاریخ 59 / 10 / 22

5- صحیفه نورج 15 ص 24 تاریخ 60 / 3 / 28

6 - صحیفه نورج 16 ص 44 تاریخ 60 / 11 / 21

7 - صحیفه نورج 16 ص 96 تاریخ 61 / 1 / 2

8 - صحیفه نورج 17 ص 75 تاریخ 61 / 8 / 25

9 - صحیفه نورج 17 ص 272 تاریخ 62 / 3 / 14

10 - صحیفه نورج 17 ص 278 تاریخ 26 / 3 / 14

11 - صحیفه نورج 19 ص 127 تاریخ 63 / 12 / 29

12 - صحیفه نورج 19 ص 165 تاریخ 64 / 3 / 1

13 - صحیفه نورج 19 ص 265 تاریخ 64 / 11 / 17

14 - صحیفه نورج 20 ص 148 تاریخ 66 / 6 / 18

[صفحه 119]

خانواده ي شهدا

خاستگاه اجتماعي شهدا و اينارگران

زاغه نشینها بودند که خون دادند

این زاغه نشینها بودند که در خیابانها فریاد کردند و خون دادند و جوان دادند و مادرهایی که چهار تا بچه داشتند سه تا بچه هایشان رفته بود، باز می گفتند که این هم اگر برود برای خداست. [293].

تاریخ 57 / 12 / 5

ما مرهون طبقه مستمندان هستیم

تمام مسائل که واقع شد ما مرهون منت - بعد از خدای تبارک و تعالی

- این ملت ایران و خصوصاً طبقه مستمندان، نه طبقه اشراف و اعیان و بالادستها، ما مرهون آنها هستیم. آنهایی که زن و مرد، صغیر و کبیر در هر وقت که اقتضا می کرد در خیابانها می ریختند و هیچ در مقابل مسلسلها ابا نداشتند، سینه ها را باز می کردند و می گفتند «بزن». باید بگویم که گوشت و خون غلبه کرد بر تانک و مسلسل، و این قدرت خدای تبارک و تعالی بود. [294].

تاریخ 57/12/5

توده ی ملت خون دادند نه اعیان و اشراف

آن که خون داده همین جوان، همین توده بوده است، آن که جوان داده است همین

[صفحه 120]

توده بوده است. یک دسته ای بیرون بوده اند، اشراف و اعیان هم بالاها نشسته بودند و شما خون دادید، شما جوان دادید. [295].

تاریخ 57/12/10

شهادت از طبقات بالا نبودند

شما آمار اینهایی که کشته شدند، یک وقتی اگر می توانید، هرکس می تواند در هر جا هست به دست بیاورد، اگر یک صاحب دولت توی آن هست، اگر یک تاجر درجه اول توی آن هست، اگر یک خان توی آن هست. اگر یک سرباز توی آن هست، اگر یک وزیر توی آن هست، اگر یک کمونیست توی آن هست، شما پیدا کنید به ما اطلاع دهید. همه ی آنها مسلمانهایی بودند که توی خیابانها ریختند که «مرگ بر او، و ما جمهوری اسلامی می خواهیم» همه کشته های ما از اینها، شما افشا کنید، پیدا کنید که چند نفر تاجر و معتبر بودند، چند نفر خان بوده توی اینها، چند

نفر رئیس و مثلاً کذا بوده است، چند نفر وزیر بوده است، چند تا مدیر کل بوده است، یکی از اینها را نمی توانید پیدا کنید. هرچه بوده این ملت، این توده جمعیت و ملت بوده است، این ملت مسلم، غنایم مال اینهاست و باید به اینها بدهید، مستمندان، اینهایی که صدمه دیدند، اینهایی که کشته داده اند، اینهایی که جوان داده اند، پیرزهایی که جوانهایشان از بین رفت. این غارتگری اینها را، باید برای آنها زندگی تأمین کرد. [296].

تاریخ 57 / 12 / 15

مستضعفین بودند که خون دادند

اینهایی که امروز برای استفاده ی نامشروع می خواهند سر این سفره بنشینند کجا بودند آن روز که مستضعفین خود خود را می دادند. [297].

تاریخ 58 / 2 / 26

شهدای 15 خرداد از اقشار مسلمان و مستضعف بودند

پانزده خرداد برای اسلام بود و به اسم اسلام بود و به مبدأیت اسلام و راهنمایی روحانیت و همین جمعیتها که الآن اینجا هستند، اینها بودند که 15 خرداد را به وجود

[صفحه 121]

آوردند. همین صنف جمعیت بودند که 15 خرداد را به وجود آوردند و همین صنف جمعیت بودند که کشته شدند. همین طبقه از افراد اسلامی که برای اسلام قیام کردند و هیچ نظری جز اسلام نداشتند، 15 خرداد را به وجود آوردند. همین جمعیتی که مقصدی غیر از اسلام ندارند، در تعقیب 15 خرداد تا حالا دنبال کردند. از همین جمعیت که مقصدی غیر از اسلام ندارند امید آن است که تعقیب کنند و نعصت ما را به ثمر برسانند.

باید دید

این جمعیت کی هستند، اینها که 15 خرداد را به وجود آوردند و آنها که در 15 خرداد به طوری که مشهور است 15 هزار فدایی دادند و آنهايي که پس از پانزده خرداد و پانزده هاي خرداد و پس از قتل عام 15 خرداد و قتل عامهاي ديگر در ميدانها آمدند، چه قشري از جمعيت بودند؟ آنهايي که پانزده خرداد را به وجود آوردند، آنهايي که دنباله ي 15 خرداد را تاکنون رساندند. آنهايي که براي شکستن سد رژیم فعاليت کردند، آنهايي که به خيابانها ريختند و فریاد الله اکبر کردند، همین قشر از جمعيت بودند. حق مال همین قشر از جمعيت است، ديگران هيچ حقي ندارند...

اي كساني که گمان مي كنيد غير اسلام رژيم را ساقط کرده است، اي كساني که احتمال مي دهيد که غير مسلمين و غير اسلام كس ديگر دخالت داشته است، شما مطالعه كنيد، بررسي كنيد، اشخاصي که در پانزده خرداد جان دادند، سنگهاي قبرهاي آنها را ببينيد كي بودند اينها، اگر يك سنگ قبر از اين قشرهاي ديگر غير اسلامي پيدا كرديد، آنها هم شركت داشته اند. اگر در قشرهاي اسلامي، يك سنگ قبر از آن درجه هاي بالا پيدا كرديد، آنها هم شركت داشته اند ولي پيدا نمي كنيد، هرچه هست اين قشر پايين است، اين قشر کشاورز است، اين قشر كارگر است، اين تاجر مسلم است، اين كاسب مسلم است، اين روحاني متعهد است هرچه هست از اين قشر است. پس 15 خرداد را به تبع اسلام اينها به وجود آوردند و به تبع اسلام اينها حفظ کردند و به تبع اسلام اينها نگهداري مي كنند. [298].

تاریخ 3 / 15

من مأیوسم که طبقات بالا خدمتی به انقلاب بکنند

از 15 خرداد تا حالا که آمدیم، خون دادیم یعنی شما خون دادید، من که نشسته ام اینجا، من هم هیچ حقی ندارم، شماها خون دادید، شماها به میدان رفتید، شماها مبارزه

[صفحه 122]

کردید، ماها هیچ حقی نداریم. ما باید برای شما خدمت کنیم. خودمان نباید استفاده کنیم. نه استفاده ی عنوانی، خاک بر سر من که بخوایم استفاده عنوانی از شما بکنم، خاک بر سر من که بخوایم خون شما ریخته بشود و من استفاده اش را ببرم. طبقه های بالا، آنهایی که فعالیت هیچ نداشتند و مخالفت هم ندارند، حقی ندارند و نباید حقی داشته باشند لکن اگر از حالا خدمت بکنند، صاحب حق می شوند و من مأیوسم که خدمت بکنند. [299].

تاریخ 58 / 3 / 15

این طبقه محروم جامعه بود که شهید داد

گروههایی که در سرتاسر کشور این انقلاب را به ثمر رساندند، همان زن و مرد محروم و همانهایی که مستضعف هستند و کاخ نشینها آنها را استضعاف می کند و اینها ثابت کردند که کاخ نشینها هستند که ضعیفند و پوسیده اند و برای این ملت هیچ کاری نکرده اند و نخواهند کرد. این دانشگاه بود، جوانهای دانشگاه که آنها هم از محرومین و مستضعفین اند و این طبقه ی محروم جامعه بود که از همه رفاهها محروم بود لکن قلبش مملو از عشق به اسلام و ایمان بود و با آن ایمان این حرکت را دنبال کرد و شهید داد و در مقابلش چیزی مطالبه نکرد. [300].

تاریخ 1 / 16

سنگینی انقلاب بر دوش توده های میلیونی و محرومان جامعه است

ما اگر با يك نظر سطحی از نخستین روزهای نهضت تا پیروزی و از پیروزی تاکنون به کردار طبقات مختلف و گروهها نگریده و ارزیابی کنیم، می توانیم تا حدودی مدعیان پرتوقع و فداکاران بی توقع را به طور اجمال از هم جدا کنیم. قشرهایی که انقلاب را با فداکاری بی دریغ و جان نثاری سخاوتمندانه، بی هیچ چشمداشتی به پیروزی رسانده و از پیروزی تاکنون برای دفاع از انقلاب و رفع مشکلات از پای نشسته اند و تاکنون با آنکه سنگینی انقلاب بر دوش آنان بوده است توقع نام و نشان و مقامی نداشته ندارند، اینان توده های میلیونی و محرومان جامعه هستند که خدایشان قدرت و سعادت دهد. [301].

تاریخ 60 / 11 / 21

[صفحه 123]

جنوب شهریهایی محروم در طول تاریخ بیشتر بپا خاسته اند

انفجار جنایت بار عظیمی [302] که شب گذشته صدای مهیب آن را شنیدیم و حجم عظیم آن را در وسایل ارتباط جمعی خواهید دید و شنید، در جنوب شهر تهران در بین جماعت مظلومی که از طبقه مستضعف و مستمند تشکیل می شود اتفاق افتاد و صدها بیگناه و مظلوم را شهید و مجروح کرد. کودکان نارس را در آغوش مادران به هلاکت رساند و شرافت و انسانیت را به سوگ نشاند و چهره ی قبیح امریکاییان منافق و منحرفان را بیشتر ظاهر کرد. اینان انتقام شکست مفتضحانه خود را از مظلومان متعهد به اسلام جنوب شهری می گیرند و شکست خود را از چشم آنان می بینند. جنوب شهریهایی محروم و طبقه مظلوم در طول

تاریخ با تعهد به ارزشهای انسانی و اسلامی، بیشتر و مصمتر در مقابل قدرتها و وابستگان و دلباختگان به آنها پیا خاسته و می خیزند و اینان هستند که با مشت گره کرده خود و حضور دایم در صحنه اسلام، قدرتها را در هم می کوبند و طمع کاران را که به دنبال قدرتها بودند، مأیوس نمودند. سربازان و سپاهیان و بسیجیان و سایر قوای مسلح امروز ما نیز در همین طایفه و طبقه هستند. [303].

تاریخ 61/7/10

زاغه نشینان، شهید داده اند

همین زاغه نشینانی که من یادم نمی روم که وقتی در تلویزیون دیدم از یک خانه ای از این زاغه ها یک عده ای پیرمرد و پیرزن و بچه و اینها بیرون آمدند و یکی از آنها پرسید که کجا می روید، گفتند می رویم تظاهر، تظاهرات. همینها بودند که ناهار روزشان و شام شبشان را نداشتند، لکن با همت والای خودشان، با آن قدمت معنوی الهی خودشان در آن رژیم بیرون آمدند و شهید دادند و فاتح شدند و در جمهوری اسلامی هم همینها هستند که پشتیبانی می کنند و در جبهه ها و پشت جبهه ها محکم ایستاده اند. [304].

تاریخ 62/2/8

[صفحه 124]

فداکارن جنگ، تربیت شده مکتب اولیای الهی

در کدام جنگ و نهضت و انقلاب و شورش در طول زمان و سراسر خلقت، سربازانی چنی و فداکارنی مانند ایران را سراغ دارید، جز در طبقه اولیای الهی و تربیت شدگان در مکتب آنان که فرزندان این دیار به نور آنان استضاء کرده و از خود رسته اند. [305].

تاریخ / 22

قشر فعال در جبهه ها، طبقات محروم هستند

امروز هم قشر فعال در جبهه ها و پشت جبهه ها همان طبقات محروم ساده زیست هستند و در بین آنان از آن وابستگان و دلبستگان به
علائق دنیا اثری نمی بینید. [306].

تاریخ 63 / 3 / 7

پابره‌نه‌های محروم، ستون محکم انقلاب

[باید] مصلحت پابره‌نه‌ها و گودنشینها و مستضعفین بر مصلحت قاعدین در منازل و مناسک و متمکنین و مرفهین گریزان از جبهه و جهاد
و تقوا و نظام اسلامی مقدم باشد و نسل به نسل و سینه به سینه شرافت و اعتبار پیشتازان نهضت مقدس و جنگ فقر و غنا محفوظ بماند و
باید سعی شود تا از راه رسیده‌ها و دین به دنیا فروشان، چهره‌ی کفرزدایی و فقر ستیزی روشن انقلاب ما را خدشه دار نکنند و لکه‌ی ننگ
دفاع از مرفهین بی‌خبر از خدا را بر دامن مسئولین نچسبانند و آنهایی که در خانه‌های مجلل، راحت و بی‌درد آرمیده‌اند و فارغ از همه‌ی
رنجها و مصیبت‌های جانفرسای محکم انقلاب و پابره‌نه‌های محروم، تنها ناظر حوادث بوده‌اند و حتی از دور هم دستی بر آتش نگرفته‌اند،
نباید به مسئولیت‌های کلیدی تکیه کنند، که اگر به آن‌جا راه پیدا کنند چه بسا انقلاب را یک‌شبه بفروشند، و حاصل همه‌ی زحمات ملت را
بر باد دهند، چرا که اینها هرگز عمق راه طی شده را ندیده‌اند و فرق و سینه‌ی شکافته‌ی نظام و ملت را به دست از خدا بی‌خبران مشاهده
نکرده‌اند و از همه‌ی زجرها و غربت‌های مبارزان و التهاب و بی‌قراری مجاهدان که برای مرگ و نابودی ظلم بیگانگان

دل به دریای بلا زده اند، غافل و بی خبرند. [307].

تاریخ 66/5/6

[صفحه 125]

طبقات کم درآمد جامعه ی ما، سر و جان می دهند

وقتی که پابره نه ها و گودنشینان و طبقات کم درآمد جامعه ی ما امتحان و تقید خود را به احکام اسلامی تا سرحد قربانی نمودن چندین عزیز و جوان و بذل همه ی هستی خود داده اند و در همه ی صحنه ها بوده اند - و ان شاء الله خواهند بود - و سر و جان را در راه خدا می دهند، چرا ما از خدمت به این بندگان خالص حق و این رادمردان شجاع تاریخ بشریت افتخار نکنیم! ما مجددا می گوئیم که یک موی سر این کوخ نشینان و شهید دادگان به همه ی کاخ و کاخ نشینان جهان شرف و برتری دارد. [308].

تاریخ 66/5/6

متدینین بی بضاعت برپا دارندگان واقعی انقلابها

ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزشهای اسلامی هستند، بخوبی دریافته اند که مبارزه با رفاه طلبی سازگار نیست و آنها که تصور می کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه داری و رفاه طلبی منافات ندارد، با الفبای مبارزه بیگانه اند. و آنها بی هم که تصور می کنند سرمایه داران و مرفهان بی درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمک می کنند، آب در هاون می کوبند. بحث مبارزه و رفاه، بحث قیام و راحت طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت جوئی دو مقوله ای است که هرگز با هم جمع نمی شوند، و تنها آنها بی تا آخر خط با ما هستند که درد

فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و متدینین بی بضاعت، گردانندگان و برپا دارندگان واقعی انقلابها هستند. [309].

تاریخ 67/4/29

مرفهین کمتر دل برای انقلاب سوزانده اند

همه نیز می دانیم که اکثریت این قشر [310] و رزمندگان عزیز اسلام از طبقات محروم و کم درآمد بودند و مرفهین کمتر دل برای انقلاب سوختند. [311].

تاریخ 67/7/11

[صفحه 126]

موضع و مقام خانواده ی شهدا

افتخار مادران و خواهران به شهادت جوانان برومند

ملتی که خواهران و مادران دلیرش افتخار به مرگ جوانان برومندش می کند که در صف شهدا هستند، پیروز است. [312].

تاریخ 56/11/2

در غم خانواده ی شهدا شریکم

من در غم خانواده های افتخارآفرین سراسر ایران خود را شریک می دانم و یاد کودکان دبستانی ایران که اخیراً به دست شاه جبار کشته شده اند قلبم را می فشارد. [313].

تاریخ 57/7/20

من از مصیبت وارده بر خانواده شهدا زجر می برم

ما زجرمان زجر این ملت است. من وقتی صورت این مردهایی که بچه هایشان و پسرهایشان را کشته اند بر ذهنم می آید، زجر می برم. من وقتی این مادری که یقه اش را پاره می کند در مقابل این چیزها که بیایید من را بکشید، شما که جوانم را کشتید بیایید من را هم بکشید، این زجر می دهد ما را، نه اینکه به من یک چیزی بد گذشته است، زجر دیده ام، نه خیلی هم خوش گذشته است آنی که ما را زجر می دهد آن مصیبتی است که بر

[صفحه

ملت ما وارد شده است. [314].

تاریخ 57/8/13

مادران شجاع، زنده کننده ی خاطره جانبازی زنان قهرمان

سؤال: مشارکت فعال زنان در انقلاب چه معنایی دارد؟

جواب: زندانهای شاه از زنان شیردل و شجاع مملو است. در تظاهرات خیابانی، زنان ما بچه های خردسال خود را به سینه فشرده، بدون ترس از تانک و توپ و مسلسل به میدان مبارزه آمده اند. جلسات سیاسی که زنان در شهرهای مختلف ایران پیاپی می کنند کم نیست، آنان نقش بسیار ارزنده ای را در مبارزات ما ایفا کرده اند. مادران شجاع فرزندان اسلام خاطره جانبازی و رشادت زنان قهرمان را در طول تاریخ، زنده کرده اند. در چه تاریخی این چنین زنانی را سراغ دارید، در چه کشوری؟ [315].

تاریخ 57/8/20

مادر چند شهید می گوید حاضریم همه چیزم از بین برود

الآن همه، جوانهایشان را توی دست گرفتند و دارند می دهند، پیرزن چند تا جوانش از بین رفته و ایستاده گفته است که من حاضریم همه چیزم از بین برود. [316].

تاریخ 57/8/27

مادر چهار شهید از مردم می خواهد گریه نکنند

آن زنی که چهار تا بچه اش را کشتند، در بهشت زهرا آنطور فریاد می زند و داد می زند و مردم را دعوت می کند به اینکه دست بزنید، بچه های مرا زدند گریه نکنید، دست بزنید که آن شخص می گفت که مردم گریه کردند و دست زدند. این چیز تازه ای است که مردم برای خاطر آن که کشته شده است گریه می کردند و آن زن می گفت که

نه گريه نكنيد دست بزويد، مردم، هم دست مي زدند براي خاطر اين و هم گريه مي كردند براي مصيبيتي كه

[صفحه 128]

وارد شد؛ يك همچنين مملكتي را نمي شود با سرنيزه عقبش زد. [317].

تاريخ 57/8/29

در مواجهه با خانواده شهدا بار سنگيني بر دوش خود احساس مي كنم

ما در اين مدت مصيبتها ديده ايم، مصيبتهاي بسيار بزرگ و بعضي پيرويها حاصل شد كه البته آن هم بزرگ بوده، مصيبتهاي زنهاي جوان مرده، مردهاي اولاد از دست داده، طفلهاي پدر از دست داده.

من وقتي چشمم به بعضي اي اينها كه اولاد خودشان را از دست داده اند مي افتد، سنگيني در دوشم پيدا مي شود كه نمي توانم تاب بياورم. من نمي توانم از عهده ي اين خسارات كه بر ملت ما وارد شده است برآيم، من نمي توانم تشكر از اين ملت بكنم كه همه چيز خودش را در راه خدا داد، خدای تبارك و تعالی باید به آنها اجر عنایت فرماید.

من به مادرهاي فرزند از دست داده تسليت عرض مي كنم. من به جوانهايي كه پدرانشان را در اين مدت از دست داده اند تسليت عرض مي كنم. [318].

تاريخ 57/11/12

شهادت فخر خانواده شهداست

زنها و مادرهايي كه بچه هايشان شهيد شده است، مي گویند ما مفتخر هستيم و يكي دو تاي ديگر كه داريم اينها را هم مي خواهيم شهيد بشوند و دعا كنيد كه شهيد بشوند. اين يك تحولي بود كه، همان تحولي كه در صدر اسلام بين مسلمين حاصل شده بود كه شهادت را براي خودشان فوز مي دانستند و

نمی‌ترسیدند از اینکه کشته شوند، کشته شدن را شهادت می‌دانستند، دنیا را راه عبور می‌دانستند، عالم آخرت را مستقر و مقرر انسانی می‌دانستند. از این جهت این پیروزی ما مرهون همچو تحول روحی است که در مردم پیدا شد. [319].

تاریخ 58/7/10

ما افتخار می‌کنیم که شهید دادیم

این معنا که شما می‌گویید که تشر زده آقای کارتر و ما را خواسته بترساند، این نظیر همان تشری است که آن حیوان می‌زند و ما هم بنا نداریم بترسیم. یک قومی می‌ترسند که برایشان مردن یک مسئله باشد. شما یک مقداری باشید توی این مردم، همینهایی که اینجا الان فریاد دارند می‌زنند، یک مقداری توی اینها باشید ببینید که اینها منطقتشان چیست؟ اینها می‌گویند که ما می‌خواهیم که شهید بشویم. همین امروز که در روزنامه من دیدم این عیال مرحوم آقای مفتاح می‌گوید [320] که ما افتخار می‌کنیم که یک شهید دادیم. یک مردمی که بانوانش اینطور باشند که به شهادت سرپرستشان آن هم یک چنین سرپرستی افتخار بکند و بسیاری از این زنها که جوانشان را از دست دادند می‌آیند پیش من می‌گویند که ما باز هم داریم، باز هم داریم که تقدیم کنیم، یک چنین ملتی را آقار کارتر از نظامی می‌ترساند؟ [321].

تاریخ 58/9/28

ملت قدردان شما خانواده‌های عزیز شهدا است

ملت شریف ایران از شما خانواده‌های عزیز شهدای پاسدار قدردانی می‌کند و بالاتر از این تقدیری است که از بارگاه مقدس خداوند متعال نصیب شما و همه شهدای اسلام و وابستگان آنان خواهد شد. شهدای انقلاب

بزرگ چون شهداي صدر اسلام در پيشگاه مقدس ربوبي ارزشمند و مورد عنايت حق تعالي و اوليائي اسلام ارزشمند خواهد بود. [322]

تاريخ 59/5/22

خانواده شهدا ترسيم کننده ي حماسه تاريخ

دروود خداوند بر خانواده هاي شهدياي که با صبر و شکيبايي و مقاومت و با تقديم

[صفحه 130]

عزیزان خود به خدا و اسلام حماسه هاي تاريخ معاصر را ترسيم کرده و مي کنند. درود بر پاسداران اسلام که با خون خود و مشتهاي گره کرده خویش انقلاب اسلامي را به ثمر رساندند. درود بر تمام نيروهاي مسلح و متعهد اسلامي که با گرايش به انقلاب مقدس ايران و پشتوانه ملت عزيز کاخ ستمگري را واژگون کردند. [323].

تاريخ 59/5/22

روحيه خانواده شهدا بسيار بلند است

ما هر روز مواجهيم با صحنه هايي که در عين حال که دلخراش است. غرور آفرين است. ديروز جمع کثيري از معلولين آمدند و امروز هم معلولين از اصفهان آمده اند با عکسهاي زيادي که از شهدا آورده اند. من اين تحول عظيمي که در ايران پيدا شده است که در عين حالي که پدرها با عکس جوان خودشان آمده اند و مادرها چند نفر از فرزندانشان را از دست داده اند، لکن روحيه آنها روحيه بسيار بلندي است و اين تحول مبارك است بر ملت ايران. من در اين مجمعي که اين جوانان را و اين عکس جوانان را مي بينم بايد تاثيرات خودم را به بازماندگان اينها و تسليت خودم را به پدرها و مادرهاي اينها تقديم کنم و براي آنها هم طلب مغفرت. خداوند به

شماها اجر عنایت کند و صبر عنایت کند و آن جوانهای غرورآفرین ما را به رحمت و اسعه ی خود غریق کند. این مسائل در طول تاریخ بوده است. در صدر اسلام اینطور مصایب برای اولیای خدا و برای مسلمین صدر اسلام بسیار بوده است و شاید از آن وقت تاکنون اینطور وضعیتی که در ایران هست و این تحولی که برای ملت ما از زن و مرد، بزرگ و کوچک حاصل شده است، سابقه نداشته باشد. خداوند تبارک و تعالی به ما هرچه داریم داده است و ما هرچه داریم از اوست و باید تقدیم او کنیم. سعادت را آنها بردند که آن چیزی را که خدا به آنها داده بود تقدیم کردند و ما عقب مانده ی آنها هستیم. من به شما همه برادران و عزیزان که فرزندان خودتان را از دست داده اید تسلیت و تبریک عرض می کنم. تبریک برای اینکه شما خانواده هایی بودید که در دامن شما این جوانهای برومند تربیت شده اند که فداکاری کردند برای اسلام. اسلام به ما حق بزرگ دارد، حق حیات دارد و ما هرچه در راه اسلام

[صفحه 131]

بدهیم آن حقی که اسلام به ما دارد ادا نکردیم. من از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت همه ی شما را و رحمت برای این جوانهایی که فداکاری کرده اند، طلب می کنم. [324].

تاریخ 59/9/27

بازماندگان شهدا برای فداکاری حاضرند

من از شما بانوان محترم، بازماندگان شهدای نیروی هوایی و اقربای معلولین نیروی هوایی تشکر می کنم که با روی گشاده و با روحیه ی قوی با من مواجه هستید

و به مخالفین نهضت با شجاعت، استقامت، نمایش می دهید که شما شیرزنان مثل متعلقین شما، شیرمردان، در راه اسلام و در راه کشور اسلامی برای فداکاری و برای مجاهدت حاضرید. [325].

تاریخ 8 / 10 / 59

ملت شریک مصیبت خانواده ی شهدا است

اینجانب برای شهدای عزیز ارتش و سایر قوای مسلح، طلب رحمت از پیشگاه خداوند می نمایم و طلب عافیت برای معلولین و مدافعین اسلام، و تبریک و تسلیت به بازماندگان آنان می دهم. باید این عزیزان بدانند که مصیبتی که به آنان وارد شده است، ملت شریف با آنان شریک می باشند.

من فرزندان عزیزی که افتخار آفرین بودند از دست دادم و شما عزیزان دلبندی که موجب سرافرازیتان بودند به جوار رحمت حق فرستادید. [326].

تاریخ 27 / 1 / 60

خانواده شهدا در مقابل دشمن ایستاده اند

من نمی دانم که تسلیت بگویم به این خانواده های شهدا، تسلیت بگویم به پیغمبر اسلام و ائمه هدی، تسلیت بگویم به امام عصر ارواحنا له الفداء یا تبریک. تبریک برای

[صفحه 132]

اینکه یک همچو ملتی و یک همچو انسانهای ارزنده ای اسلام تربیت کرده است. یک همچو جوانانی که الآن عکس بسیارشان در منظره هست و سیمای نورانشان در پیش چشم است اسلام تربیت کرده است، یک همچو مادران و پدران و اقربای شهدایی که در اینجا عده ای شان حاضر هستند اسلام تربیت کرده است. من گمان ندارم که در غیر محیط اسلامی یک همچو مسائلی تحقق داشته باشد که پیرزن جوان مرده اظهار بکند که من جوانان دیگری دارم که آن را هم تقدیم

اسلام مي كنم و پير مرد جوان از دست داده اظهار كند كه من حاضرم خودم هم به جبهه بروم و شهيد بشوم و جوانهاي زيادي كه مي آيند تقاضا كنند كه دعا كنيم كه در راه اسلام شهيد بشوند، جوان بخواهد كه دعا كنيم به شهادت برسد. شما در كجا مي توانيد در غير سايه اسلام و تربيت اسلامي چنين جوانهايي و چنين بازماندگان از جوانهايي شهيد پيدا بكنيد؟ اينها در عين حالي كه جوانان خودشان را از دست داده اند و در جبهه ها خاندان خودشان را از دست داده اند و آواره شدند مع ذلك ايستاده اند و شجاعانه در مقابل دشمنها ايستاده اند و براي فداكاري حاضرند. [327].

تاريخ 60/7/26

فداكاري خانواده شهدا بي نظير است

مقاومت و فداكاري اين زنان بزرگ در جنگ تحميلي آنقدر اعجاب آميز است كه قلم و بيان از ذكر آن عاجز شرمسار است. اينجانب در طول اين جنگ، صحنه هايي از مادران و خواهران و همسران عزيز از دست داده ديده ام كه گمان ندارم در غير اين انقلاب نظيري داشته باشد. [328].

تاريخ 61/1/25

مقاومت خانواده شهدا زنده كننده خاطره ياران سيدالشهدا

رحمت خداوند بر همه ي شهيدان و رضوان و مغفرت حق بر ارواح مطهرشان كه جوار قرب او را برگزيدند و سرافراز و مشتاق جايگاه مخصوص شان در پيشگاه رب

[صفحه 133]

خويش شتافتند. و سلام و درود بر شما پدران و مادران، همسران، فرزندان و بازماندگان شهدا كه از بهترين عزيزان خود در راه بهترين هدف كه اسلام عزيز است، بزرگوارانه گذشته ايد و در امر

دفاع از دین خدا، آنچنان صبر و مقاومت نشان داده اید که رشادت و استقامت یاران سید شهیدان حضرت امام حسین (ع) را در خاطره جهانیان تجدید کردید. [329].

تاریخ 61 / 8 / 25

انگیزه خانواده شهدا ایمان و اطمینان به غیب است

بازماندگان شهدا و آسیب دیدگان جنگ و متعلقان آنان با چهره های حماسه آفرین و گفتار و کرداری مشتاقانه و اطمینان بخش با ما و شما روبرو می شوند و اینها همه از عشق و علاقه و ایمان سرشار آنان است به خداوند متعال و اسلام و حیات جاویدان. در صورتی که نه در محضر مبارک رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - هستند و نه در محضر امام معصوم - صلوات علیه - و انگیزه ی آنان ایمان و اطمینان به غیب است. و این رمز موفقیت و پیروزی در ابعاد مختلف است و اسلام باید افتخار کند که چنین فرزندان تربیت نموده و ما همحه مفتخریم که در چنین عصری و در پیشگاه چنین ملتی می باشیم. [330].

تاریخ 61 / 11 / 26

خانواده شهدا در مقابل مدعیان صلح طلبی می ایستند

ایران که برای خدا قیام کرده است می بینیم که چگونه پایدار است و اگر بر فرض باطل کسی خیال می کرد که باید صلح کرد، با این جنایات، دیگر هیچ عاقلی چنین فکری نمی کند، برای اینکه خانواده های شهدا و اشخاص مصیبت دیده در مقابل آنان می ایستند. الآن هم که مشاهده می کنید همین مصیبت دیدگان هستند که فریاد «جنگ، جنگ» سر می دهند. جنایتکار در اثر زیادی جنایت نمی تواند از جرم فرار کند. ما به

او و امثال او و همقطاران او هشدار مي دهيم که هر جنايتي که مي کنند به نامه اعمالشان اضافه مي شود و در مقام بازخواست بايد جبران کنند. اين نحو جنايات اسباب سستي خانواده هاي شهدا

[صفحه 134]

نمي شود. [331].

تاريخ 62 / 5 / 20

فرياد خانواده ي شهدا جنگ، جنگ تا پيروزي است

بايد متذکر شد که اين کوردلان که جز امور مادي و شهوات حيواني از همه چيز غافلند. ملت شريف ما را نشناخته و گمان مي کنند با شهادت فرزندان عزيز ما مي توانند آنان را از راهي که انتخاب نموده اند که آن جز اسلام عزيز نيست، منصرف يا سست نمايند.

ملت بزرگ ايران در اين چند سال که از جنايات شرق و غرب رنج مي برد و عزيزان خود را از دست داده و مي دهد، در هر انفجاري منفجرتر و در هر حمله ي ددمنشانه اي شجاعانه تر راه خود را در پيش داشته و جلو مي رود. اينان ندیده اند که مادران و پدران شجاع ايران، فرزندان و نور چشمان خود را از زير خروارها خاک بيرون مي کشند و فرياد «جنگ، جنگ تا پيروزي» سر مي دهند و از دست اندرکاران، مقابله به مثل و از سلحشوران جبهه ها ادامه ي جنگ را طلب مي کنند. درود خدا بر اين ملت شجاع و مؤمن که جان مي دهد و تن به سازش و تسليم نمي دهد. [332].

تاريخ 63 / 12 / 18

من به خاطر قوت قلبتان به شما تبريك مي گويم

من از همه ي خانواده هاي شهدا، خانواده هاي معلولين، مفقودين، اسراء، آنهائي که رنجديدند در اين کشور، و در اين جنگ رنج

شما که مصیبت اسلام و مسلمین است شریک می باشم. [334].

تاریخ 65 / 11 / 16

عدم شکوه از فراق عزیزان بالاترین تحول است

کدام تحوّل بالاتر از این که پدران و مادران و همسران شهیدان ما از فراق عزیزان خود شکوه نمی کنند ولی غبطه و حسرت دوری از قافله ی شهدا را بر زبان دارند. [335].

تاریخ 65 / 11 / 16

خانواده شهدا بر کاخ نشینان برتری دارند

یک موی سر این کوخ نشینان و شهید دادگان به همه ی کاخ و کاخ نشینان جهان شرف و برتری دارد. [336].

تاریخ 66 / 5 / 6

[صفحه 136]

جوان داده ها می گویند باز هم جوان داریم

شما [337] مردم ایران از موشک نترسانید. مردم ایرانی که شهادت را برای خودشان افتخار می دانند و بسیاری از اوقاتی که این جا می آیند انسان تعجب می کند از وضع اینها که جوانش فوت شده است، جوانش شهید شده است، می گوید باز هم می خواهم، می خواهم جوان دارم باز می دهم؛ بچه ی کوچک، می گوید ان شاء الله بزرگ می شود و شهید بشود. یا زنها می بینید که چه وضعی دارند. اینها مردم را، این مردمی که طالب شهادتند از شهادت می ترسانند! [338].

تاریخ 66 / 12 / 11

خانواده شهدا مشعلداران طرق الی الله

خانواده های شهدا تا همیشه ی تاریخ، این مشعلداران راه اولیا، افتخار روشنایی طرق الی الله را به عهده گرفته اند. مجروحین و معلولین، خود چراغ هدایتی شده اند که در گوشه گوشه ی این مرز و بوم به دین باوران، راه رسیدن به سعادت آخرت را نشان

مي دهند، راه رسيدن به خدای كعبه را اسرا در چنگال دژخيمان خود سرود آزادي اند و احرار جهان آنان را زمزمه مي كنند. مفقودين عزيز، محور دريای بيكران خداوندي اند و فقراي ذاتي دنياي دون در حسرت مقام والايشان در حيرتند. [339].

تاريخ 67/7/1

[صفحه 137]

توصيه به خانواده شهدا

تحول روحي شما خانواده شهدا مایه اميدواري است

ان شاءالله خداوند اين تحولي كه براي شما [340] حاصل شده است كه مایه اميدواري ماست حفظ كند و شما اين بچه ها را تربيت كنيد و يك همچو خوي انساني، يك همچو تحول روي به روي انسانيت كه در صدد اين هستيد كه اين بچه هايي كه باقي ماندند از اين شهدا و موجب تأثر ما، تأسف ماست و بايد بگويم يك بار سنگيني است به دوش من وقتي كه بينم يك بچه پدرش را از دست داده و مي آيد پيش من يا يك پدر پير بچه اش را از دست داده، لكن آن چيزي كه ما را دلخوش مي كند اين است كه براي خدا بوده است، چيزي كه براي خداست آسان مي شود، همانطوري كه در اين چيز خوانديد، از كربلا شروع كرديد، خوب، كربلا هم همين مسائل بود اما براي خدا بود، چون براي خدا بود آسان بود. [341].

تاريخ 58/6/26

نصيحت پدرانه به همسران شهدا

يك نصيحت مخلصانه و پدرانه به بانواني كه جوانند و همسرانشان به لقاءالله پيوسته اند مي نمايم كه از ازدواج، اين سنت ارزنده الهي سرباز نزنند و با ازدواج خود

[صفحه 138]

يادگارهايي چون خود، مقاوم

و ارزنده به جاي گذارند و به وسوسه بعضي اشخاص بي توجه به صلاحها و فسادها گوش فراندهند. و نيز به پاسداران و سربازان و جوانان عزيز تذکر مي دهم که ازدواج با اين بانوان را غنيمت شمرده و با انتخاب همسراني چنين ارزنده به زندگي شرافتمندانه خویش ادامه دهند. [342].

تاریخ 61 / 1 / 25

خانواده شهدا مواظب مکر شیطان باشند

اينك كلمه اي نصيحت آموز با جوانان عزيزي که در جبهه ها و پشت جبهه ها براي اقامه ي عدل الهي فداکاري مي کنند و عزيزاني که به نحوي براي هدف الهي آسيب ديده اند و بازماندگان شهداي معظم که در راه قرآن کریم به شهادت يعني بزرگترين فيض الهي رسیده اند و به پدران و مادران و همسران و نزديکان شهداي زنده و به کساني که در پشت جبهه ها به نحوي کمک به برادران مدافع خود مي کنند، توجه کنید که غرور پيرويها و شهرتها و جوانمردیها در قلب شما رخنه نکند، که اين مرض نفساني از دامهاي شيطان است که بندگان خدا را از توجه به او باز مي دارد و از مکايد نفس اماره بالسوء است که انسانها را به شرك و عبوديت بتها و خصوص مادر بتها که بت نفس است، مي کشاند. [343].

تاریخ 62 / 6 / 31

اگر باور کنیم شهدا مهمان خدا هستند ناراحت نمي شويم

من اميدوارم که اين سال بهتر از همه ي سالها باشد و خداوند همه را توفيق بدهد که قدر نعمتهاي خدا را بدانند و بدانند که همه چيز از اوست. اگر همه چيز را از او دانستند ديگر در هيچ چيز ناراحت نمي شوند. ناراحتیها براي

این است که انسان از خودش می بیند. ما در فقدان عزیزانمان که ناراحت می شویم برای اینکه اینها را از خودمان می دانیم. اگر ما همه را از خدا بدانیم و ببینیم که اینها نعمتی هست که خدا داده، نعمتی هست که خدا می برد پیش خودش، شهدا مهمان خدا هستند، اگر اینها را ما واقعا در قلبمان ادراک نکنیم، عید می شود برای کسانی که شهید دارند، عید می شود برای کسانی که مجروح شدند، عید می شود برای کسانی که در راه خدا عزیزان خودشان را از دست دادند، برای

[صفحه 139]

اینکه این عزیزان، عزیزان خدا هستند، اینها همه از او هستند. و من امیدوارم که این حس و این ایمان در ما پیدا بشود و تقویت بشود. [344].

تاریخ 62 / 12 / 30

شما فرزندان شهدا، فرزندان پیامبر (ص) هستید

فرزند بسیار عزیزم

نامه محبت آمیز شما که از جانب خود و دیگر فرزندان عزیز شهدا، مفقودین، اسرا و جانبازان بود، موجب خرسندی شد. امید است شما عزیزان خردسال که یادگار فداکاران در راه خداوند تعالی و اسلام عزیز هستید، چون پدران بزرگوار خویش خود را برای دفاع از اسلام بزرگ و میهن عزیز مهیا سازید و با فراگرفتن علم و ادب و کوشش در راه به دست آوردن کمال انسانی و اخلاق اسلامی برای اسلام عزیز و کشور خودتان فرزندان شایسته ای باشید.

شماها با از دست دادن عزیزان خود، فرزندان اسلام و پیامبر عظیم الشان هستید. ان شاءالله تعالی در پناه خداوند عالم موفق شوید. با کسان خود خصوصا مادران داغدیده به خوبی رفتار نمایید. از

خداوند منان سلامت برای شما و رحمت برای شهیدان، سلامت و رهایی برای اسرا و مفقودین شما خواستارم. [345].

تاریخ تیر ماه 64

فرزندان محترم شهدا ذخیره های عظیم انقلاب

نور چشمان عزیزم! فرزندان محترم شهدا، جانبازان، اسرا و مفقودین اعزهم الله تعالی

پیام شما را شنیدم. من به شما سلام و درود می فرستم و به وجود شما مباحثات و افتخار می کنم، و چه افتخاری بالاتر از این که ما در تداوم انقلابمان، ذخیره های عظیمی همچون شما عزیزان را داریم که حضورمان در جامعه و در تمامی صحنه های اسلامی و انقلابی و مردمی یادآور رشادتها و فداکاریها و اخلاص رادمردانی است که به برکت خونهای پاک آنان، انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بارور گردید و با شهادت و ایثار و جانبازی و اسارت آنان را از پانزدهم خرداد تاکنون، بر تارک نهضتمان نام مجد و آزادی و

[صفحه 140]

شرف پایدار ماند.

شما، گواهان صادق و یادگاران عزمها و اراده های استوار و آهنین، نمونه ترین بندگان مخلص حقید که مراتب انقیاد و تعبد خویش را به پیشگاه اقدس حق تعالی با نثار خون و جان به اثبات رسانیدند و در میدان جهاد اکبر با نفس و جهاد اصغر با خصم، واقعیت پیروزی خون بر شمشیر و غلبه ی اراده ی انسان را بر شیطان مجسم کردند و سرمایه ی جان خویشان را به بهای اندک نفروختند و ملعبه ی زخارف زودگذر دنیا و متعلقات آن نشدند و با همتی بلند به سودا و معامله ای برخاستند که خدا مشتری جان آنان شد و اجر و مزدشان را بی دریغ و در نزد

خود قرار داد و حیاتشان را جاودانه ساخت که این، منتها آرزوی عاشقان و مشتاقان و غایت عمل و آمال عارفان است که «یا لیتنا کنا معهم». و گوارا باد بر این شهیدان! لذت انس و همجواری شان با انبیای عظام و اولیای کرام و شهدای صدر اسلام و گوارا تر بر آنان باد! نعمت رضایت حق که «رضوان من الله اکبر». و اینک ما و شما مانده ایم که وارث آن رسالتیم و حامل آن امانت.

عزیزانم! من شما را دوست داشته و چون فرزندان خود می دانم و همیشه شما را دعا می کنم و با نصیحتی مشفقانه و پدرانۀ از شما فرزندان خوب و با وفای خودم می خواهم که بار امانت پدرانتان را که میراث عزت و راه و رسم زندگی آنان بوده است، به خوبی بر دوش کشید و تقوا و پاکی و پاکدامنی را پیشه کنید و نظم در زندگی و تمامی مراحل آن حکمفرما سازید و با جدیت به تحصیل علوم و کسب معارف و بهره وری از استعدادهای الهی خود پردازید و هیچگاه سلاح مبارزه با ظلم و استکبار و استضعاف بر زمین نگذارید و دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا را شعار خود سازید و خود از مردم پابرنه و مستضعف و بی پناهی که تمامی عزت ما رهین منت و خدمت آنان است - و شهیدان و جانبازان و اسرا و مفقودین نیز از همین قشرند - دور نسازید. و مؤکدا از شما فرزندان شهدا می خواهم که با مادران داغدیده ی خود به عطوفت و مهربانی رفتار کنید که «الجنة تحت اقدام الامهات». [346].

و آخرین سخنم در

این جا با شما این که؛ به جمهوری اسلامی که ثمره ی خون پدرانان است، تا پای جای وفادار بمانید و با آمادگی خود و صدور انقلاب و ابلاغ پیام خون

[صفحه 141]

شهیدان، زمینه را برای قیام منجی عالم و خاتم الاوصیاء و مفخر الاولیاء، حضرت بقیة الله روحی فداه فراهم سازید. [347].

تاریخ 65 / 2 / 8

خانواده ی شهدا توجه کنند که با قبول صلح، چیزی از دستاورد شهدا کم نشده است

پدران و مادران و همسران و خویشاوندان شهدا، اسرا، مفقودین و معلولین ما توجه داشته باشند که هیچ چیزی از آنچه فرزندان آنان به دست آورده اند کم نشده است. فرزندان شما در کنار پیامبر اکرم و ائمه اطهارند، پیروزی و شکست برای آنها فرقی ندارد. امروز روز هدایت نسلهای آینده است، کمربندهاتان را ببندید که هیچ چیز تغییر نکرده است. امروز روزی است که خدا این گونه خواسته است و دیروز خدا آن گونه خواسته بود و فردا ان شاءالله روز پیروزی جنود حق خواهد بود، ولی خواست خدا هر چه هست ما در مقابل آن خاضعیم و ما تابع امر خداییم و به همین دلیل طالب شهادتیم و تنها به همین دلیل است که زیر بار ذلت و بندگی غیر خدا نمی رویم. البته برای ادای تکالیف همه ی ما موظفیم که کارها و مسائل مربوط به خودمان را به بهترین وجه و با درایت و دقت انجام دهیم. [348].

تاریخ 67 / 4 / 29

از قول من به فرزندان شهدا سلام برسان

فرزند عزیزم خانم حاجیه شمسی نورانی

نامه ي پر احساس شما را خواندم. از شما و افراڊي مانند شما نمي دانم چگونه بايد قدرداني کرد. من که در مقابل اين همه محبت و صفا غير از تشکر و دعا کاري نمي توانم انجام بدهم.

دستبندت را براي مي فرستم تا از جانب من هديه اي باشد براي تو و معادل آن را با نذر حقوق ششماهه ات را من خود به جبهه مي فرستم.

از قول من به فرزندان عزيزت، اين عزيزان ملت شريف ايران سلام گرم را برسان. خدا يار و نگهدار است. [349].

تاريخ 67/5/23

[صفحه 142]

علاقه مندم فرد فرد شما متخصص متعهد براي اسلام ناب باشيد

جناب حجت الاسلام آقاي حاج شيخ مهدي کروي دامت افاضاته

گزارش مشروح مسائل فرهنگي و تحصيلي فرزندان عزيز شاهد واصل گرديد. از تلاش مسؤولين و صاحب نظراني که به اين امر مهم اهتمام نموده و در راه بارور شدن و شکوفائي استعدادهاي سرشار نونهالان و جوانان برنامه ريزي کرده اند، تشکر مي نمايم.

از اين که نوشته ايد فرزندان عزيز شهدا و مفقودين و جانبازان و اسرا با جديت و عشق و علاقه درس مي خوانند، موجب غرور و شادماني است. سلام گرم و محبت خالصانه ام را به اين سرمايه هاي گرانبهائي انقلاب، اين يادگاران معلمين جاويد دانشگاه عشق و شهادت ابلاغ نماييد و از قول من به آنان بگوييد که من با تمام وجود به شما عشق مي ورزم و شما را از دل و جان دوست دارم و علاقه مندم که فرد فرد شما عالم و متخصصي متعهد براي اسلام ناب محمدي - صلي الله عليه و اله

و سلم - و مبارزي سرسخت عليه اسلام امريكايي و مرفهين و پرچمدار وفاداري براي ايتارگران و شهيدان خود باشيد و بتوانيد با چراغ علم و عمل و تقوا، ظلمت نفاق و كج فكريها و تحجرها و مقدس مآبي ها را از دامن اسلام بزداييد.

كارنامه ي نوراني شهادت و جانبازي عزيزان شما، گواه صادقي بر كسب بالاترين امتيازات و مدارج تحصيلي معنوي آنان است كه با مهر رضاي خدا امضا شده است و كارنامه ي شما در گرو تلاش و مجاهدات شما است. زندگي در دنياي امروز، زندگي در مدرسه ي اراده است و سعادت و شقاوت هر انساني به اراده ي همان انسان رقم مي خورد. اگر بخواهيد عزيز و سربلند باشيد. بايد از سرمايه هاي عمر و استعدادهاي جواني استفاده كنيد. با اراده و عزم راسخ خود به علم و عمل و كسب دانش و بينش حركت نماييد كه زندگي زير چتر علم و آگاهي آن قدر شيرين و انس با كتاب و قلم و اندوخته ها آن قدر خاطره آفرين و پايدار است كه همه ي تلخيها و ناکاميهاي ديگر را از ياد مي برد.

بشريت با همه ي پيشرفتهايش در علوم و فنون هنوز در گهواره ي طفوليت دانش است و تا رسيدن به بلوغ كامل راه طولاني در پيش است.

اميدوارم ملتهاي اسلامي و ملت بزرگ ايران با يك تحرك فرهنگي گسترده بتوانند مسلمانان را از فقر و تنگناي علمي درآورند. [350].

تاريخ 67/6/28

[صفحه 143]

وظايف ما نسبت به خانواده ي شهدا و ايتارگران

وظيفه ي مردم نسبت به خانواده ي شهدا و ايتارگران

با كمال احترام از مبارزين پشتيباني كنيد

اشخاصي كه به حسب وظيفه شرعيه ي الهيه و براي حفظ اسلام و احكام مقدسه

آن و صیانت کشورهای اسلامی از سلطه ه اجانب خذلهم الله تعالی، قیام به امر به معروف و نهی از منکر با شرایط مقرر آن نموده اند و برای آنها در این انجام وظیفه گرفتاری از قبیل حبس یا قتل پیش آمده است و خانواده آنها محتاج به کمک و سرپرستی هستند، مؤمنین از هر طبقه موظفند که با کمال حفظ احترام آنها به کمک و پشتیبانی آنها قیام کنند و حاضر نشوند به خانواده برادران غیرتمند خود سخت بگذرد و مجازند تا ثلث از سهم مبارك امام علیه السلام را در این مورد صرف کنند. [351].

تاریخ 50/8/26

فرزندان شهدا را چون اطفال خود بدانیم

فاجعه ی لبنان و مصیبت وارده بر برادران ایمانی ما به حدی نیست که بتوان تحریر کرد. اکنون جنگی که دستهای مرموز دشمن انسانیت به نفع استعمار و اسرائیل برپا نموده لبنان را به صورت مخروبه ای وحشتناک درآورده قدری آرامش صوری پیدا کرده لکن هزارها خانواده ی محترم که دیروز با عزت و نعمت و رفاه به سر می بردند، با از دست دادن

[صفحه 144]

عزیزان خود و خراب شدن خانمان و فقدان اموال، بی سرپرست و بی پناه، در این فصل سرما با آلام و دردهای ناگفتنی دست به گریبان هستند. کمکهایی که از اهل خیر خصوصا ایران شده است موجب تقدیر و تشکر است لکن جبران گرفتاریهای نامحدود برادران عزیز ما را نمی کند. عزیزانی که سلف آنها مردانه برای عظمت و عزت و شعایر خود با جناحهای مختلف وحشیهای قرون وسطایی و آدمکهای استعمارزده جنگیدند و خون خود را در راه

شرافت و عزت خود ریخته، جان بازي شجاعانه کردند «شکر الله سعیهم و جزاهم الله خیرا» اکنون بازماندگان آنها، طفلهاي عزیز بي پدر و سرپرست، پدر و مادرهاي فرزند از دست داده و هزاران مجروح و ناقص الاعضا به جا ماندند با مصیبتهاي گوناگون و آه و ناله هاي روزافزون. بر انسانهاي شرافتمند است، بر مسلمین پاکروان است، بر پیروان رسول کرم (صلي الله عليه و آله و سلم) و امیر مؤمنان (عليه الصلوٰة والسلام) است که براي نجات فرزندان اسلام بپا خیزند. بر ثروتمندان غیرتمند است که با پاس نعمتهاي الهي از فرزندان قرآن محافظت نمایند و به خدمت آنها بشتابند، خدمتهاي انساني و محترمانه، بازماندگان فرزندان اسلام را چون اطفال خود بلکه بالاتر بدانند.

سرپرستان محترم آنها شرافتمندانه از دین و عظمت خود دفاع کرده و مردانه جان دادند و نام خود را براي همیشه پایدار گذاشتند. و اسلام و مسلمین را سرفراز نمودند «جزیههم الله عن الاسلام خیرا» ما باید جبران خدمت آنها به بازماندگان و عزیزان آنها خدمت کنیم. خدمتي محترمانه و شرافتمندانه. ملت اسلام خصوصا ملت شریف ایران ایده‌م الله تعالی و هر انساني مي تواند جبران خساراتي که قابل جبران است بکند و با همت عالي به زندگي بازماندگان برادران ایماني خود سر و ساماني بدهد و روي خود را در پیشگاه خدای تعالی و انسانیت سفید کند.

اینجانب با حال ضعف و نقاهت از دوستان اسلامي خود با کمال تواضع امید دارم که به اسرع وقت بیدرنگ قبل از اینکه فرصت از دست برود در این امر اسلامي الهي بکوشند و به هم سبقت گیرند و به مصایب بزرگ برادران

خود تخفیف بخشند و امید آن دارم که خداوند کریم در مقابل این خدمت، آنها را سربلند و عزیز فرماید و اگر بخواهند از وجودی که محتاج به اذن فقیه است بدهند، در ربیع، اینجانب اجازه می‌دهم. [352].

تاریخ 55 / 11 / 2

[صفحه 145]

از خانواده شهدا دلجویی نمایید

تقاضای اینجانب از ملت شریف و متعهد آن است که با کمال اهمیت و دلسوزی اقدام به بررسی کشته شدگان و خانواده های آنان کنند و به هر تریبیتی که می‌توانند سرشماری از کشته ها با نام و نشان نمایند و ما را مطلع کنند و به بازماندگان آنان سرکشی برادرانه نمایند و از آنان دلجویی کرده و سلام خمینی را که در سوگ آنان است به همه برسانند و تأثرات اینجانب را در مرگ عزیزانشان به آنها ابلاغ نمایند و اگر کسی به واسطه ی مجروح شدن و یا از دست دادن عزیزش احتیاج مادی دارد لازم است به بهترین وجه برآورده شود یا هرچه زودتر به من مراجعه شود تا با تمام طاقت به آنان رسیدگی نمایم. [353].

تاریخ 57 / 5 / 5

خانواده شهدا و ایثارگران را یاری دهید

در خاتمه از ملت شریف ایران که بارها در اینگونه مسائل امتحان خود را داده اند، خواهش می‌کنم که به خواهران و برادران خود که در اثر اعتصابات و تظاهرات لطمه مالی و جانی دیده اند، با احترام تمام آنان را یاری دهند و این وظیفه الهی را به بهترین وجه عمل نمایند که خمینی همیشه به یاد آنان است و دست آنان را

مي فشارد. [354].

تاریخ 57/8/16

باید پاسخگوي والدین شهدا باشیم

ما فرض کنیم که این آقا [355] توبه کرده است و بعد از این هم کوشش می کند در اینکه دمکراسی را اجرا کند و کوشش می کند در اینکه استقلال برای مملکت ما - عرض می کنم - تهیه کند و همه خوبیها هم به فرض محال این در خودش می خواهد جمع بکند، خوب تا حالا چه؟ تا حالا این کارهایی که کرده است، این جرمهایی که کرده است، هیچ؟ يك نفر آدمی که چندین هزار خانواده را بی سرپرست کرده است، چندین هزار مادر را بی فرزند کرده است، چندین هزار پدر را بی اولاد و بی جوان کرده است حالا می آید در پیشگاه

[صفحه 146]

ملت «آقا ببخشید، معذرت می خواهم» می پذیرند؟ آن کسی که بپذیرد، جواب این مادر و پدرها را چه می دهد؟ آن که قبول کند که ایشان سلطنت بکنند نه حکومت، اگر هم ما فرض کنیم که این نیرنگ نیست که هست، بلا اشکال هست، اگر این هم فرض کنیم، خوب جواب این مردم را ما چه بگوییم؟ آن پیرزنی که بچه هایش همه شان کشته شده اند و منزلش خالی شده است از اولاد، جواب این را ما چه بگوییم؟ [356].

تاریخ 57/8/17

از کسانی که در راه انقلاب صدمه دیده اند حمایت کنید

پس از اهدای سلام و تحیات وافره، به عرض محترمان [357] می رساند، در این موقع که دست جنایتکاران و دژخیمان شاه بیش از پیش به خون جوانان و اطفال ما آغشته شده است و کشتگان و

مجروحان بسیاری برجا گذاشته و عده کثیری را در سراسر کشور بی خانمان و بی سرپرست نموده است و حضرات آقایان و اینجانب را به عزا نشانده است، در این موقع که اعتصابات و تعطیلات عمومی برای اعتراض به دستگاه جبار [358] و احقاق حق مردم بی پناه صورت گرفته است، بدیهی است این حوادث ضایعاتی در دنبال دارد و قشرهایی از کسبه و کارمندان و کارگران محترم و محروم دچار مضیقه شده و می شوند و این امر موجب نگرانی شدید اینجانب است، لهذا از حضرات آقایان تقاضای محترمانه دارم که در تمام شهرستانها و توابع آنها هیئتهایی را که مورد وثوق هستند، انتخاب و مقرر فرمایند تا نیاز نیازمندان را چه از حیث لزوم جراحی و چه از حیث فقدان سرپرست و چه در اثر گرفتاریهای اقتصادی که در اثر اعتصابات و تعطیلات به حق خود با آن دست به گریبانند برطرف نموده و به قدر مقدور نیازهای آنان را رفع کنند، تا با پشتگرمی با اعتصابات خود ضربه شدیدی بر پیکر دشمن وارد آورند و بر ملت شجاع و آگاه است که خود نیز مستقیماً به خواهران و برادران خود کمک کنند و دین الهی خود را ادا نمایند.

[صفحه 147]

حضرات آقایان مجازند از سهم مبارك امام در این امر مشروع و مقدس صرف نمایند و وکلای اینجانب در هر کجا هستند مجازند تا نصف سهم مبارك امام علیه السلام را صرف این نیازها نمایند و نیز حضرات آقایان از بازرگانان و مردم خیرخواه دعوت نموده و آنان را تشویق کنند تا نگذارند برادران و خواهران آنان که در راه اسلام

و احقاق حق خود صدمه دیده اند و به ملت بزرگ خود خدمت کرده اند و به ملت بزرگ خود خدمت کرده اند و در راه آنان خود داده اند، به سختی بیفتند از خداوند تعالی عظمت اسلام و سربلندی ملت عظیم الشان اسلام و ایران را خواستارم و قطع ایادی اجانب را امیدوار. [359].

تاریخ 57/8/19

لازم است از مبارزان حمایت شود

بر ملت شریف ایران است که در مواقعی که کارگران و کارمندان شرکت نفت و سایر مؤسسات و ادارات دولتی دست به اعتصاب می زنند، از آنان با کمال جدیت پشتیبانی کنند و ضررهای آنان را به بهترین وجه جبران نمایند و آنان را در اعتصابات مقدسشان که برای اظهار تنفر از شاه خائن و خاندان کثیفش و پشتیبانی از مبارزات همگانی مردم است، تشویق و تقدیر کنند. [360].

تاریخ 57/8/24

پیام خون شهدا را ابلاغ کنیم

ما الآن موظفیم که برادرهای ما الآن در خون دارند می غلطند، ما باید به آنها کمک بکنیم الآن کمکی که شما که در اروپا هستید و هر کدامتان در ممالک دیگری هستید، کمکتان این است که تبلیغ کنید، یعنی این جنایتهایی را که این سلسله کرده اند و خصوصاً این شخص کرده است، این شاه کرده است، این جنایات را به مردم بگویید، به رفقایان که در دانشگاهها هستند، در کارخانه ها هستند، هر جا که هستید به این رفقای که دارید بگویید به اینها که مسئله این است، او این خیانتها را کرده است و مردم که قیام کرده اند، آزادی می خواهند، فریادشان این است که ما

آزادي مي خواهيم و استقلال مي خواهيم، اين مردمي که آزادي و استقلال مي خواهند، اينها وحشي نيستند، اينها متمدن هستند که آزادي و استقلال مي خواهند، وحشيتها آنها هستند که استقلال و آزادي را از آنها گرفته اند،

[صفحه 148]

نه اينها که آزادي و استقلال را مي خواهند. [361].

تاريخ 57/8/28

بايد پاسخگوي انتظارات خانواده شهدا باشيم

آن که جوانش، آن پيرزني که جوانش از دستش رفته، پيرزنهائي هستند که چهار تا بچه شان يعني يك پدر بوده، يك مادر بوده، چهار تا جوان، امشب اينها سر سفره نشسته بودند پنج نفری، شش نفری، فردا شب سر سفره نشستند دو نفری، چهار تا جوانش از بين رفته، حالا از ما مي پذيرد اينکه عذريخواهي؟ فقط به عذريخواهي، آنهم بايستيد و عذر بخواهيد، آن وقت ما هم بيابيم، آخوند هم بياید يا غير آخوند و مثلا روشنفکر يا تاريک فکر هم بياید و بگويد که خوب ايشان سلطنت بکنند، حکومت نکنند، سلطنت کنند، درست شد همين؟! همين تمام شد؟! جواب اين پيرزن چي؟ جواب اين پدري که چند روز پيش از اين اينجا بود، پدري که چند تا جوانش کشته شده بود، ما جواب اينها را چي بدهيم؟ بگويند شماها ساختيد با يك آدمي که جوانهاي ما را کشت، از بين برد، حالا سلطنت بکنند، حالا بالا بنشينند و در ايام عيد هم برند سلام بدهند و تعريف بکنند که تو آني که چه کردی، تو آني که حفظ کردی همه چيز را، اسلام پناهي تو، نمي دانم ظل اللهی تو!! اين حرفهاي نامربوط چيه؟ [362].

تاريخ 12/

واجب است به اعتصابیون کمک شود

بر ملت ایران هم لازم است که این کسانی که در شرکت نفت اعتصاب کردند و فقیر هستند، آنها را همانطوری که آنها به ایشان چیز می دهند، اینها به ایشان بدهند، واجب است این، من سهم امام را اجازه دادم که بدهند، سهم سادات هم من سیدم اجازه می دهم، هم سادات راضی اند هم غیر سادات و فقرا راضی اند که اینها را سیر کنند که دارند خدمت به وطن خودشان می کنند، بدهند سهم امام را به اینها، خود مردم هم مکلف هستند که اینها را اداره کنند. نترسید از این حرفها که ما شما را چه می کنیم. [363].

تاریخ 57/9/25

[صفحه 149]

مردم باید به مبارزین خدمت کنند

مردم در هر جا که هستند مکلفند به اینکه اینها [364] را پناه بدهند، هم مخارجشان را بدهند و هم منزل محقر برای اینها به طوری که معلوم نشود که اینها کجا هستند، مردم مکلفند که این کار را بکنند و ما هم بابت وجوه شرعیه قبول داریم چیزی که همراهی به اینها می شود. این يك مسئله است که مهم است و لازم است که مردم اقدام کنند. این بیچاره ها از سربازخانه ها بیرون رفتند و الآن مکان ندارند و باید این کار بشود. [365].

تاریخ 57/10/1

اعتصابیون محتاج به اعانت هستند

مطلبی دیگر راجع به کارمندهای شرکت نفت است. اینها هم از کار کنار رفتند، بسیاریشان هم استعفا کرده اند و اینها هم محتاج به اعانت هستند و

من جمله هم مشکلیشان قضیه خانه است که دولت، دولت غاصب، خانه را، خانه هایی که اینها دارند یا از آنها گرفته یا تهدیدشان کرده است به اینکه خانه هایتان را از شما می گیریم برای اینکه اینها نفت را بیرون نیاوردند که به اربابها بدهند. حالا اینطور تهدید کرده اند آنها را که اگر نیابند سرکار، خانه هایشان را از آنها بگیرند. بنابراین آنها، هم احتیاج به کمک مکانی دارند و هم برای اعاشه شان احتیاج دارند، این هم باز باید مردم و متمکنین و مردم باید این کار را انجام بدهند، به آنها منزل بدهند و از آنها پذیرایی بکنند و مخارج آنها را هم بدهند و ما باز بابت وجوه شریعه قبول داریم و مجاز هستیم که این کار را بکنند. [366].

تاریخ 57/10/1

از اعتصایون پشتیبانی کنید

بر ملت شریف ایران است که از اعتصاب کنندگان شرکت نفت پشتیبانی کنند و به آنان برای تهیه مسکن و معونه زندگی اعانت کنند و در شهرستانها صندوقهای اعانه بگذارند و پس از جمع آوری به وسیله هیتهای معتمده به آنان برسانند و باید نگذارند برادران خود

[صفحه 150]

را که در راه خدمت به اسلام و کشور بپا خاسته اند رنج ببینند.

ملت شریف ایران موظفند از سربازانی که از سربازخانه ها بیرون آمده اند و خدمت به دولت غاصب را روا نداشته اند، کمک کنند از جهت منزل و سایر معونه ها و نگذارند به برادران خود که برای اسلام ترك اعانت ظالم را نموده اند سخت بگذرند. [367].

تاریخ 57/10/6

از کمک به

مبارزین غفلت نشود

از کمک به کارگران و کسبه صنفی که بر اثر اعتصابات ضرر کرده اند، غفلت نشود و از وجوه شرعی مجازند به آنان کمک نمایند. [368].

تاریخ 57/10/16

ملت از خون شهدا حفاظت کنند

از ملت تقاضا دارم که نگذارند خون جوانانشان، هدر برود. [369].

تاریخ 57/12/18

از هدر رفتن خون شهدا مانع شویم

امروز اهمال در شرکت در فراندوم و سردی و سستی در این امر حیاتی موجب هدر رفتن خون شهیدان و به تباهی کشیدن کشور و اسلام عزیز است. [370].

تاریخ 58/1/4

باید فداکاری شهدا را به ثمر رسانیم

17 شهریور مکرر عاشورا و میدان شهدا مکرر کربلا و شهدای ما مکرر شهدای کربلا و مخالفان ملت ما مکرر یزید و وابستگان او هستند. کربلا کاخ ستمگری را با خون در هم کوید و کربلای ما کاخ سلطنت شیطانی را فروریخت. اکنون وقت آن است که ما که وارثان این خونها هستیم و بازماندگان جوانان و شهدای به خون خفته هستیم از پای نشینیم تا

[صفحه 151]

فداکاری آنان را به ثمر برسانیم و با اراده مصمم و مشت محکم بقایای رژیم ستمکار و توطئه گران جیره خوار شرق و غرب را در زیر پای شهدای فضیلت دفن کنیم. [371].

تاریخ 58/6/17

کاری نکنید که تمام خونها به هدر برود

آقا من دارم عرض می کنم، به کردها عرض می کنم، به ترکها عرض می کنم، به

بلوچها عرض مي كنم، به همه قشرها عرض مي كنم گول اين حرفهائي كه اينها [372] مي زنند نخوريد. بگذاريد اين خوني كه از جوانهاي ما رفته است به ثمر برسد، كاري نكنيد كه تمام خونها هدر برود و ما بازگريم به رژيمي كه يا مثل آن رژيم شاهنشاهي يا بدتر از او بيايد و حكومت كند. [373].

تاريخ 58/7/19

حمایت از منافع مستضعفين، جلوگیری از هدر رفتن خون شهداست

برادرهاي عزيز من، برادرهاي روشنفكر، برادران نويسنده و صاحب قلم، برادران دانشگاهي، دانشجويان محترم، روحانيون معظم، بازياران محترم، كارگران عزيز، كارمندان محترم، بيايد به هم پيونديد، بيايد تمام قلمها و تمام قدمها و تمام گفتار ما بر منافع اين قشر مستضعف باشد، نگذاريد خون اين شهيدان هدر برود. [374].

تاريخ 58/8/13

رأي ندادن به قانون اساسي هدر دادن خون شهيدان است

قانون اساسي يكي از ثمران عظيم، بلکه بزرگترين ثمره جمهوري اسلامي است و رأي ندادن به آن به هدر دادن خون شهيدان ماست. [375].

تاريخ 58/9/7

[صفحه 152]

حضور يافتگان بر بالين شهدا، تبليغات و سخنان را خشي كنند

اميدوارم كه آقايمان محترمي كه براي مشاهده نمونه اي از جنايات شاه مخلوع در بهشت زهرا بر بالين سرخ شهداي به خون خفته اسلام جمع شده اند و صحنه كوچكي از صحنه هاي بزرگ جنايات بيدريغ امريكا و شاه را از نزديك مشاهده کرده اند، فریاد مظلومانه ملت ايران را به جهانيان برسانند و تبليغاتي را كه با خرج سخاوتمندانه امريكا و صهيونيسم بر

ضد ملت ما انجام مي گيرد خشي کنند، باشد که در محضر انسانيت سرفراز شوند. [376].

تاریخ 58 / 11 / 15

ما مرهون خانواده شهدا هستیم

من نمي دانم که آیا از این قشرهایی که امروز هم مخالفت با نهضت مي کنند چه بايد پرسيم. اينها شما را دیده اند، اينها بي اطلاعند از اينکه به شماها چه مصیبتهاي وارد شده است. اينهايي که طرفداري از رژیم سابق مي کنند، اين قلمهاي مسمومي که با نوشته هاي خودشان مي خواهند اين انقلاب را عقب بزنند و شکست بدهند، اينها هيچ وقت به فکر اين افتاده اند که اين شهدا، اين خانواده هاي شهدا در سرتاسر کشور ما که عزيزهاي خودشان را از دست داده اند، به آنها چه مي گذرد؟ اينها چه مي گویند؟ اينها چه مي کنند؟ اينها چه مي کنند؟ اينها براي کي با شماها مقابله مي کنند و معارضة و آیا اين ادارات دولتي و وزارتخانه ها و همه گروههايي که در اداره اين مملکت مشغول هستند، جواب شماها را چه مي دهند که باز هم در عين حالي که سفارش شده است که اين کاغذبازيهاي مزخرف را و اين کارهاي ضد انقلابي را نکنيد، باز مي شنويم که حتي براي شما کارشکني مي کنند؟ اينها چه مي گویند؟ اينها چه هستند؟ اينهايي که در رأس هستند، چطور توجه به اين مسائل ندارند؟ چطور آقای رئيس جمهور [377] دخالت در اين امور نمي کند؟ چطور شوراي انقلاب در اين امور رسيدگي نمي کند؟ چه شده است اينها را؟ به کارهاي ديگر

[صفحه 153]

مشغولند اينها، ما مرهون اينها هستیم، اينها بودند که شما را به اين مسندها نشانندند. اگر اينها نبودند، نه من اينجا بودم

نه شما آنجا بودید، نه آنها آنجا و نه دستجاتي که مخالفت با این نهضت مي کنند در اینجا، آنها که مخالف نهضت هستند حسابشان علیحده است اما شمایی که با نهضت هستید و در امور این کشور دارید دخالت مي کنید، اداره این مملکت دست شماها هست، چطور است که شما رسیدگی به این ادارات نمي کنید؟ و این وزارتخانه ها، این وزرایی که اشخاصي تحت اداره آنها هست و باز هم از این اشخاصي که از رژیم سابق مانده اند هست، اینها چه مي گویند؟ به اسلام عقیده ندارند؟ یا عرضه ندارند؟ نمي توانند این اشخاصي که کارشکني براي این افراد مي کنند، براي این معلولين حتي کارشکني مي کنند و براي این شهدا کارشکني مي کنند نمي تواند اینها، نمي فهمند اینها که باید اینها نشود؟ نمي دانند که ایران مرهون اینهاست؟ نمي دانند که رژیم منحوس شاهنشاهی را اینها از بین بردند و شما را به اینجا رساندند؟...

من از شماها عذر مي خواهم، من از ملت ایران عذر مي خواهم، من از این مادرهایی که بچه هاي خودشان را از دست دادند، معذرت مي خواهم، من از این بردارهایی که عزیزان خودشان را دادند، از دست داده اند، معذرت مي خواهم، من از این ارتشیهایی که جوانان خودشان را از دست داده اند، از این پاسدارها که جوانهاي خودشان را از دست داده اند و برادران خودشان را، معذرت مي خواهم که عرضه این را ندارم که کار را درست کنم. من از حضرت مهدي سلام الله عليه، من از پیشگاه پیغمبر اکرم معذرت مي خواهم، من از پیشگاه ولي عصر امام مهدي سلام الله عليه معذرت مي خواهم، من از پیشگاه ملت ایران معذرت مي خواهم، من از شما برادران، برادران ارتشي، برادران پاسدار،

برادران ژاندارمري و ساير قواي انتظامي که در راه اسلام جوانهاي خودشان را دادند، معذرت مي خواهيم. ما نتوانستيم براي شما کاري انجام بدهيم، ما ضعيف هستيم، ما باز گرفتار کاغذبازي هستيم، ما باز گرفتار آرمهاي شاهنشاهي هستيم. مملکت ما باز مملکت شاهنشاهي است، وزارتخانه هاي ما، وزارتخانه هاي ما باز وزارتخانه هاي طاغوتي است و ما نتوانستيم اينها را اصلاح کنيم. بايد به اسرع وقت اصلاح شود و اگر اصلاح نشود به اسرع وقت اصلاح مي کنيم. [378].

تاريخ 59 / 4 / 6

[صفحه 154]

جانفشانيها را ادامه دهيد

شما جوانان دانشجو و جوانان عزيزي که از هر جا آمده ايد، اميد اين ملت هستيد که بايد اين راهي را که فرا راه شما گذاشته شده است به آخر برسانيد و اين نهضتي را که در راه او آنهمه جانفشاني شده است ادامه بدهيد. [379].

تاريخ 59 / 11 / 2

به فکر خونهاي به ناحق ريخته باشيد

تعليم بگيرند از اين جوانهايي که گريه مي کنند که من دعا کنم شهيد بشوند، تعليم بگيرند از اين سربازاني که در مزرها فداکاري مي کنند و خون خودشان را فدای اسلام و کشور اسلامي مي کنند. فردا همه شما [380] در پيشگاه خدا و در پيشگاه ملتها مسؤل هستيد، مسؤل کشته هاي ما، مسؤل خونهاي به ناحق ريخته ما...

ما توقعمان اين است که شما همه به فکر اين خونهاي به ناحق ريخته باشيد، به فکر اين معلولين عزيز ما باشيد، به فکر اين آوارگان جنگ باشيد و به فکر پيشرفت اسلام، نه به فکر اينکه من بايد و تو نبايد،

انصاف نیست عده ای در مصیبت و عده ای در عشرت باشند

شما می دانید که الآن ما جوانهایمان در مرزها آنقدر فداکاری دارند می کنند و ما چقدر جوان دادیم از دست و چقدر معلول داریم و چقدر مبتلا داریم و چه خانواده هایی از منزلهای خودشان بیرونشان کردند و الآن در اطراف کشور هستند و هر شهری، نمی شود گفت که در یک شهری چندین جوان از آن شهید نشده است یا معلول نشده است. در یک همچو مصیبتی که بر ما وارد شده است و البته مصیبتی است که دنبال آن ان شاءالله همه ی بزرگیها و همه ی بزرگواریها برای ملت ما خواهد بود، لکن من می خواهم تقاضا کنم از تمام کسانی که در ایام عید - به اصطلاح خودشان - نوروز می خواهند تشریفات داشته باشند

[صفحه 155]

امسال این تشریفات را کم کنند، یا نکنند. انصاف نیست که خانواده های زیادی مصیبت برایشان وارد شده است، جوانها را دادند و مع ذلك با آن قدرت ایستاده اند، انصاف نیست که آنها، خانواده ها در مصیبت باشند و دیگران در عشرت. انسانیت اقتضای این را می کند، اسلامیت اقتضای این را می کند، انصاف اقتضای این را می کند که ما کار نکنیم که در قلب این مادرها، در قلب این خواهرها، در قلب این پدرهایی که جوانهای خودشان را از دست داده اند یک آزدگی ایجاد کنیم. اگر بنا باشد که ما و کسانی که می خواهند در ایام عید خدای نخواستہ یک تشریفات زیادی و یک کارهای زیادی که مناسب بوده است بیشتر با عید،

حالا انجام بدهند، يك قدري توجه بکنند ببینند که اگر خود آنها مبتلا بوده اند به داغ يك جواني و همسایه آنها در عشرت بود به آنها چه مي گذشت. شما بدانید که برادرهاي شما، فرزندان اين ملت، برادرهاي افراد اين ملت، داغديده هستند، جوان داده هستند و مصيبت کشيده، هرچه هم شجاع باشند و هستند، مع ذلك مصيبت جوان است. شما توجه کنید که در نزديکي شما، در شهر شما پنجاه نفر جوان مرده و عايله هاي زياد، مصيبت ديده هستند و شما در بازار برويد و چيزهايي تهيه کنید و عيش و عشرت را به راه بيندازيد، اين مناسب با مقام انسانيت شما نيست، مناسب با مقام اسلاميت شما و برادري شما نيست. من تقاضا مي کنم که امسال يك قدري سبک بگيريد اين چيزها را، امسال به جاي اينکه براي فرزندان خودتان چيزهاي غير ضروري را تهيه کنید به جاي اين، براي اين معلولينی که در بیمارستانها الآن هستند و براي آوارگاني که در سرتاسر کشور جا و منزل ندارند و محتاج به اين هستند که به آنها سرکشي بشود، به آنها سرکشي کنید، برادري خودتان را اثبات کنید و هم مذهبي خود و هم ديني خودتان را اثبات کنید. شما فرض کنید که چند روزي هم سفر کرديد و به عيش و عشرت برگزار کرديد، بالاخره اين سفر چند روز است و تمام مي شود اما آن اثري که اين سفرها و اين عشرتها و اين عيشها و اين عيد گرفتنها در قلب خسته مادرها و خواهرها مي گذارد، آن اثر باقي است و آن خدای تبارک و تعالی اين قلوب را که در حضور او اثر

بر آن واقع شده است توجه به آن دارد. من از خدای تبارك و تعالی خواهانم که ما را به تکالیف خودمان، به وظایف خودمان آشنا کند. [382].

تاریخ 59 / 12 / 7

[صفحه 156]

وصیت نامه شهدا را بخوانید

این وصیت نامه هایی که این عزیزان می نویسند، مطالعه کنید. پنجاه سال عبادت کردید و خدا قبول کند، یک روز هم یکی از این وصیت نامه ها را بگیرید و مطالعه کنید و تفکر کنید. [383].

تاریخ 60 / 4 / 1

ما نباید طریقه شهدا را فراموش کنیم

اینکه شخصیتهای بسیار ارجمندی از دستمان رفت نباید ما را از آن مسائلی که همان شهدای ما مورد نظرشان بود و اساس خدمتشان بود، ما فراموش کنیم. ما بیشتر باید توجه بکنیم به آن چیزی که این شهدای ما در مجلس، این شهدای ما در دولت، شهدای ما در قوه قضائی، آنها را ما از دست دادیم، باید طریقه آنها را که همه این مسأله بود که جنگ را ما ببریم و تقاله های امریکا و شوروی را از کشور خودمان پاکسازی کنیم و کشور خودمان یک کشور اسلامی مستقل، آزاد باشد، باید ما آن طریقه را فراموش نکنیم. [384].

تاریخ 60 / 4 / 13

راه شهدا را دنبال کنیم

من به همه بازماندگان شهدا که باید بگویم همه ایران بازماندگان این شهدا هستند تسلیت عرض می کنم. ما از خدا هستیم، ما هرچه داریم از اوست، از خود هیچ نداریم و آنچه که هدیه می کنیم به اسلام، هدیه ای است که از خدای تبارك و

تعالی به ما مرحمت شده است و ما امانتها را به او برمی گردانیم و این امانتها با پاکی و سرفرازی به سوی خدای تبارک و تعالی شتافتید و موجب سرفرازی ملت و مظلومین جهان واقع شدند. آنها پیشقدم شدند و همه اشخاصی که در جبهه ها و پشت جبهه ها از پانزده خرداد به این طرف به سوی حق تعالی شتافتند موجب سرفرازی ملت ما و مظلومین جهان واقع جهانند. آنچه مهم است برای ما این است که ما چه باید بکنیم، آنها خدمت خودشان را به اسلام کردند و آن وقت خدای تبارک و تعالی مقدر فرمود به خدمت او شتافتند. مهم برای ما این است که ما به تکلیفمان عمل بکنیم، به آنچه خدای تبارک و تعالی فرموده است عمل بکنیم. پیش

[صفحه 157]

کسانی که به خدا ارتباط دارند. شهادت عزیزان مطرح نیست، خدمت عزیزان مطرح است. آنها خدمت خودشان را کردند و برای این ملت سرمایه هایی بودند که از دست رفت، لکن راهی که آنها رفتند باید ما هم با هوشیاری آن راه را تعقیب کنیم. [385].

تاریخ 60 / 4 / 13

مسلمین به داد فرزندان شهدا برسند

شما ملاحظه کنید این کودکانی که از لبنان و جنوب لبنان آمده اند و این کودکانی که وارث شهدای اسلام هستند، ما در مقابل اینها چه جواب داریم؟ وجدان زنده انسان در مقابل این کودکانی که با دلهای کوچک خودشان اینجا آمده اند و از اسلام می خواهند پشتیبانی کنند و در محلهای خودشان مورد ظلم و تعدی اسرائیل هستند، مسلمانها در مقابل اینها چه جواب دارند؟...

اي مسلمانهاي جهان! اي دولتهاي مدعي اسلام! اي ملتهاي مسلمان جهان! به داد اسلام برسيد. به داد مظلوميني که در فشار قدرتهاي بزرگ هستند برسيد. به داد اين بچه هاي کوچکي که مادرها و پدرهاي خودشان را از دست داده اند برسيد. [386].

تاريخ 60 / 11 / 21

براي حفظ اسلام خون شهيدان را پاس داريد

مردم انقلابي ما بايد بدانند که براي حفظ اسلام و انقلاب نگراني از ثمرات آن و پاس خون شهيدان لازم است از خود بردباري انقلابي نشان دهند و به تبليغات غرض آلود دشمنان انقلاب و اسلام که با تمام وجود کوشش مي کنند تا مردم را از انقلاب و جمهوري اسلامي نگران و دلسرده کنند گوش فراندهند. [387].

تاريخ 60 / 11 / 22

مقداري از تشريفات زايد را کم کنيم

ما در حالي که جنگزده هستيم، در حالي که اين همه آواره داريم، اين همه بيمار داريم، اين همه معلول در بيمارستانها داريم و شما هر يکيتان بعض همسايه هاتان شهيد دادند،

[صفحه 158]

شما بايد يك قدري راجع به مراسم عيد کوتاه بياييد. شما همه اين قشرهائي که براي اسلام الان دارند زحمت مي کشند و شهيد دادند و بازماندگان شهيد هستند يا در بيمارستان هستند، اينها را عايله خودتان حساب کنيد، مقداري که مي خواهيد تشريفات زايد را عمل بکنيد، نکنيد و برويد از اينها دلجوئي کنيد. ايام نوروز، ايام عيد نوروز برويد در اين مريضخانه ها، برويد احوال اينها را، اينهائي که آواره شدند، اينهائي که در جنگ آواره شدند، اينهائي که از خارج بيرونشان کردند و گرفتار هستند،

به اینها سرکشی کنید و آن تشریفات زمان سابق را تخفیف بدهید. اگر بخواهید يك ملت قوي آزاد باشید، از تشریفات يك قدری بکاهید. عید را در بین دوستان خودتان، ملت خودتان، مجروحان خودتان، معلولان خودتان و جنگزدگان خودتان و آوارگان خودتان، از هر جا هست، اینها همه از شما هست، این عید را در بین آنها با هم عید کنید. يك قدری از خودتان بکاهید و بیفزایید بر اینکه به آنها سرکشی کنید و آنها را احترام کنید. اینها بزرگ هستند، اینها عالیرتبه اند، اینها شهید داده اند، اینها معلول داده اند، معلول هستند و اینها امتحان داده اند و مادرهای اینها امتحان داده است که شهید می دهد و افتخار می کند و می گوید باز هم دارم، بیاید ببرید. ما در مقابل اینها سرافکنده هستیم، ما در مقابل اینها شرمسار هستیم و ما باید با اینها يك جور رفتاری کنیم که عید برای آنها هم باشد. [388].

تاریخ 60 / 12 / 24

یاد شهدا را زنده نگه دارید

ملت شریف در سراسر ایران از روحانی و دانشگاهی و بازاریان و جوانان عزیز محصل تا رزمندگان فداکار و سایر قشرهای معظم در این هفته جنگ به شکرانه پیروزی اسلام پشتیبانی خود را از جمهوری اسلامی و قوای مسلح، فداکاران در راه هدف که اسلام و ایران است به ثبوت برسانند و نیز یاد شهدای فداکار را که جمهوری اسلامی و پیروزیها، رهین جان نثاری آنهاست، زنده نگه دارند و از معلولین عزیز و آسیب دیدگان و آوارگان مقاوم در راه استقرار حکومت الله تفقد و قدرشناسی نمایند و از بازماندگان شهدا دلجویی و به آنان

دلداري دهند. [389].

تاریخ 61 / 6 / 31

[صفحه 159]

به ملت شهید داده خدمت کنیم

همه باید، ما این امری را که ملت با آن زحمت و با آن همه رنج در ظرف پنجاه سال یا بیشتر و خصوصاً این اواخر کشیده و این همه شهید داده است و این همه معلول داده است که انسان خجالت می کشد از روی آنها، باید ما خدمت کنیم تا بتوانیم يك عشري از اعشار آن کارهایی که آنها برای همه ما کردند از عهده برآییم. [390].

تاریخ 61 / 10 / 26

اصلاح فرهنگ پاسداری از خون شهداست

مجلس و ملت و متفکران متعهد باید این حقیقت را باور کنند و اصلاح فرهنگ و از آن جمله اصلاح مدارس از دبستان تا دانشگاه را جدی بگیرند و با تمام قوا در سد راه انحراف بکوشند. اشخاصی معدود قدرت ندارند تا این امر عظیم الحکم مهم را اصلاح کنند و صد در صد آن را اسلامی و ملی و در خدمت کشور قرار دهند. همه مسؤولیم و همه باید در پیشگاه خدا و خلق خدا جواب تهیه کنیم و در این زمان که فرصتی ارزنده داریم از هیچ کس هیچ عذری پذیرفته نیست و همه باید به مقدار توان خویش در این امر حیاتی کوشش نماییم تا خون جوانان برومند مجاهد و کوشش ملت و مجاهدات بیدریغ آن هدر نرود. [391].

تاریخ 61 / 11 / 22

ملت باید قدردان از جان گذشتگان باشد

ملت باید از این قوای مسلح، این

جوانها که دارند جان خودشان را برای حفظ نوامیس شما فدا می کنند، دارند صحت خودشان را از دست می دهند و دارند زحمت می کشند برای حفظ شما، باید قدردانی بکنند و می کنند. [392].

تاریخ 62 / 1 / 1

[صفحه 160]

اگر سستی کنیم خونها به باد می رود

اگر ملت ما یک قدم سستی به خودش راه بدهد و عقب نشینی کند، نوامیسش، اموالش، جانهای جوانهایش همه اش به باد خواهند رفت. [393].

تاریخ 62 / 3 / 21

در راهی که برایش خون دادید پایداری کنید

شما برای حفظ کشور خودتان، برای حفظ اسلام عزیز که این همه خون در راهش ریختید باید پایداری کنید و توجه بکنید که حفظ کنید این را. [394].

تاریخ 62 / 10 / 13

تفرقه در صفوف، هدر رفتن خون شهادت

اگر به سمپاشیهای بدخواهان و وسوسه های وابسته و پیوسته به امریکا و دیگران گوش فرادهید و خدای نخواستہ در صفوف فشرده شما تفرقه پیدا شود، تمام زحمات طاقت فرسایتان و خونهای پاک شهادیتان به هدر می رود. [395].

تاریخ 62 / 11 / 22

ما باید از شهادت طلبی رزمندگان قدردانی کنیم

اکنون که با عنایات حضرت رب الارباب و ادعیه حضرت بقیة الله ارواحنا لمقدمه الفدا و با فداکاری و جانبازی ملت بزرگ ایران و قدرت ایمان و ایثار سلحشوران عزیز در راه اهداف مقدس اسلام بزرگ و قرآن مجید، نظام جمهوری اسلامی ایران با سرفرازی و قدرت راه خود را یافته و با استواری به پیش می رود، بر ماست که با

اعتراف به عجز خویش، از رزمندگان عزیزی که با شهادت طلبیها و رشادتهایشان از میهن اسلامی خود دفاع نموده و با خون پاک خود چراغهای فراراه آزادی تمام ملتهای دربند برافروختند، قدردانی نمایم. و نیز از مادران و پدران و خواهران و همسران و برادران بزرگوار که در پشت جبهه ها با جدیت تمام در دفاع مقدس از اسلام و کشور اسلامی به پشتیبانی از

[صفحه 161]

مجاهدان عزیز برخاسته و از هیچ چیز کوتاهی نمی کنند، و از تمام ملت بزرگ متعهد که در تمامی صحنه ها حاضرند، تشکر نمایم.
[396].

تاریخ 64 / 6 / 10

خرید کالای امریکایی کمک به دشمن شهدا است

کالاهایی که در حجاز به حجاج محترم عرضه می شود، آنچه به امریکاست مخالف با آرمانهای اسلامی و اساسا مخالف با اسلام است و خریداری آنها کمک به دشمنان اسلام است و ترویج باطل است و از آنها باید احتراز شود. انصاف نیست که جوانان عزیز ما در جبهه ها جان دهند و جانبازی کنند و شما با خرید این کالاها به جنایتکاران جنگی کمک کنید و به اسلام و جمهوری اسلامی و ملت مظلوم خود با این اعمال دهن کجی نمایید. [397].

تاریخ 65 / 5 / 16

نگذارید پیش کسوتان شهادت به فراموشی سپرده شوند

من در میان شما باشم یا نباشم به همه ی شما وصیت و سفارش می کنم که نگذارید انقلاب ما به دست ناهالان و نامحرمان بیفتد، نگذارید پیش کسوتان شهادت و خون در پیچ و خم زندگی روزمره ی خود به فراموشی سپرده شوند. [398].

تاریخ 67/4/29

با تبلیغات از بین برنده خون شهدا مقابله کنید

در این روزها ممکن است... ملی گراهای بی فرهنگ برای از بین خون شهدای عزیز و نابودی عزت و افتخار مردم تبلیغات مسموم خویش را آغاز نمایند که ان شاء الله ملت عزیز ما با بصیرت و هشیاری جواب همه ی فتنه ها را خواهد داد. [399].

تاریخ 67/4/29

[صفحه 162]

وظیفه ی دولت در رسیدگی به خانواده ی شهدا (بنیاد شهید)

دولت برای بازماندگان شهدا مقرری قرار دهد

جناب آقای مهندس بازرگان نخست وزیر

برای بازماندگان شهدای قوای انتظامی پاداشی در نظر بگیرید و بپردازید و برای بازماندگان پاسداران علاوه بر پاداش، نظیر ارتشیان حقوق ماهانه، هزینه ای با توافق هیئت دولت و شورای انقلاب مقرر دارید که برای همیشه به آنان بدهند. [400].

تاریخ 58/6/2

با تأسیس بنیاد شهید [401] به نحو احسن به وضع خانواده شهدا رسیدگی شود

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروی ایدة الله تعالی

ملت شریف ایران می داند که نهضت اسلامی و پیروزی انقلاب اسلامی مرهون فداکاری قشرهای مختلف ملت است که در صف اول باید شهدای انقلاب رحمة الله علیهم و کسانی که در این راه معلول و آسیب دیده شده اند محسوب داشت. لهذا باید رسیدگی کامل به خاندان شهدا و آسیب دیدگان و معلولین در این راه، چه در حال انقلاب و چه قبل و بعد از آن به نحو احسن و با مراعات احترام آنان بشود.

ابتدا لازم است سازمانی به سرپرستی جنابعالی و هیئتی از معتمدین متدین

و آگاه و آشنا بدین گونه امور، برای این مقصد مهم تأسیس شود که با اجرای طرحهای مفید آن، ملت و دولت انقلابی دین خود را در مقابل این گروه فداکار در راه انقلاب اسلامی ادا نمایند، شورای انقلاب موظف است برای این شروع مهم، بودجه کافی تصویب نماید و در اجرای آن سرعت عمل به خرج دهد و دولت و متصدیان امور موظف هستند موارد زیر

[صفحه 163]

را مورد تصویب و اجرای سریع قرار دهند:

1 - اولویت فرهنگی: یعنی در مدارس و دانشگاه با تسهیلات مقتضی وارد شوند.

2 - اولویت اقتصادی: یعنی مسکن، زمین، وسایل زندگی و سایر مایحتاج زندگی برای آنان تهیه گردد.

3 - اولویت در استخدام: یعنی خانواده شهدا و معلولین در استخدام دولتی اولویت داشته و آنان که قدرت خدمت دارند به استخدام دولت درآیند.

4 - کارت مجانی برای سوار شدن آنان در اتوبوسهای دولتی داخل شهرها تهیه گردد.

5 - کارت نیمه بها برای استفاده از وسایل نقلیه بین شهری مثل قطار و هواپیما و غیره.

6 - تشکیل دفترچه مخصوص برای قدرت خرید از تعاونیهای دولتی.

7 - بیمه درمانی و استفاده از کارت ویژه خرید دارو.

8 - قرار دادن حقوق رسمی برای معلولین که قدرت کار ندارند و خانواده شهدا بالنسبه به افراد آن خانواده.

9 - ایجاد برنامه هایی در رادیو به عنوان معلولین و خانواده شهدا.

10 - سازمان موظف است بدون فوت وقت، معلولین و آسیب دیدگانی که احتیاج به معالجه دارند تحت علاج قرار

دهد و در صورتی که با تصدیق طیب لازم است برای معالجه به خارج از کشور بروند، اسباب مسافرت و مخارج معالجه آنان را فراهم نماید.

ضمناً متذکر می شود که اگر سازمان در موارد مرقومه به اشکالی برخورد نمود و یا از طرف بعضی متصدیان اهمالی شد، اینجانب را مطلع نمایند تا در رفع آن به طور مقتضی عمل نمایم. [402].

تاریخ 58 / 12 / 25

عموم دستگاههای اجرایی امور خانواده شهدا را با سرعت عمل نمایید

لازم است تذکری که همگان بدان آگاهی دارند بدهم و آن لزوم تقدیر از شهدای انقلاب و خانواده آنان و معلولین و مصدومین می باشد و لازم است عموم دستگاههای اجرایی اموری را که مربوط به شهدا و خانواده آنان معمول دارند که اینان بر ما و ملت

[صفحه 164]

شریف حق بسیار بزرگی دارند و اگر معلوم شود که کسانی در بعضی از ادارات و وزارتخانه ها برای اجرای امور شهدای انقلاب و خانواده آنها اشکالتراشی می کنند، به عنوان ضد انقلاب باید مورد تعقیب واقع شوند. [403].

تاریخ 59 / 3 / 26

بنیاد شهید در امر سرپرستی فرزندان شهدا رسیدگی نماید

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروی دامت افاضاته

پیرو مأموریتی که جنابعالی در مورد رسیدگی به وضع بازماندگان شهدای انقلاب اسلامی از طرف اینجانب دارید چون اخیراً گاهی دیده شده است که برای سرپرستی فرزندان شهدا بین اولیای آنان اختلافاتی صورت گرفته لذا جنابعالی موظفید از طرف اینجانب به این موضوع رسیدگی نموده و حتی المقدور آنان را به صورتی

راضی کنید و اگر میسر نشود، به هر نحو مصلحت دیدید رفع مشکل کنید و از اولیای فرزندان شهدا نیز می خواهیم که با در نظر گرفتن سعادت فرزندان شهدا و آینده آنان این کار را به نحو آبرومندی فراهم کرده و روح شهدای عزیز را شاد نمایند و امید است مسئولین محترم اداری و مردم نیز همکاریهای لازم را با جنابعالی در انجام وظایف محوله داشته باشند. از خدای تعالی موفقیت شما را مسئلت دارم. [404].

تاریخ 59 / 10 / 2

ارزش خدمت برای شهدای اسلام از سایر ارزشها بیشتر است

ارزش هر خدمتی موافق ارزش آن کسی است که برایش خدمت می کنیم. هر کس هر خدمتی در راه خدا برای خلق خدا بکند این ارزش دارد لکن ارزشها مختلف هستند به ارزش آنهایی که برای آنها خدمت می کنیم. همه ی بنیادهایی که برای خدا در راه اسلام به کشور خودشان خدمت می کنند و همه ی اشخاصی که برای اعتلای کلمه ی اسلام خدمت می کنند همه ی آنها پیش خدای تبارک و تعالی ارزش دارد و مورد عنایت حق تعالی ان شاء الله خواهند شد لکن ارزش بنیاد شهید، خدمت به شهید و خدمت به بازماندگان شهید و خدمت به آنهایی که در راه اسلام برای فداکاری حاضر شدند لکن معلول شدند و

[صفحه 165]

عضوی از اعضای خودشان را از دست دادند یا جراحاتی بر آنها وارد شده است ارزش این خدمت که برای شهدای اسلام و برای فداکاری اسلام انجام می گیرد شاید از سایر ارزشها بیشتر باشد. [405].

تاریخ 59 / 10 / 20

بنیاد شهید از همه ی بنیادها افضل است برای اینکه شهید از همه ی افراد افضل است خدمت در بنیاد شهید در رأس خدمتها هست، همه خدمت می کنند و همه برای خدا و برای همه فضل است و برای همه ارزش هست در بارگاه الهی، همه ی خدمتگزارهایی که خدمت می کنند آنهایی که خدمت می کنند برای جنگزده ها آنها هم خدمتشان برای فداکاران است. این جنگزده ها که الآن در ایران هستند و در خارج از وطنشان هستند راجع به اینها هم هر کس خدمت بکند خدمت به فداکاران است، لکن خدمت به شهید ارزشش بیشتر از همه خدمتهاست. معلولی که جان خودش را در دست گرفته و تقدیم کرده است لکن موفق نشده است به شهادت آن هم فداکاری خودش را کرده است. شما که خدمت به شهید می کنید و بنیاد شما که بنیاد شهید است قدر این بنیاد را بدانید و قدر این خدمت را بدانید. برای کم کسی اینطور مطلبی که برای شهید گفته شده است برای کم کسی هست. آنها را قرین انبیا قرار داده اند. خدمت شما به آنها خدمت به نبی اکرم است، خدمت به انبیاست. بدانید که شما در راه شهید دارید خدمت می کنید و بنیاد شما بنیاد شهید است و شهید افضل است شهادت از همه ی چیزها، و باز در روایتی [406] است که هر خوبی بالاتر از او هم خوبی هست تا برسد به قتل در راه خدا، شهادت در راه خدا، بالاتر از او دیگر خوبی در کار نیست و معلوم نکته اش برای اینکه کسی که همه چیزش را برای خدا تقدیم کرده است

و حیات که بالاترین سرمایه است برای او در این عالم تقدیم کرده است. دیگر از این بر و از این خوبی بالاتر نمی شود، باشد. شما خدمت می کنید به

[صفحه 166]

انسانهایی و به کسانی که وابسته هستند به این شهدا و شهدا به آنها علاقه دارند و الآن هم شهید هستند نسبت به آنها و خدمت شما ارزشمندترین خدمت‌هاست که تصور می شود به حسب اینطور روایات.

من امیدوارم که همه ی ملت ما و همه ی افرادی که در سرتاسر کشور ما هستند خدمتگزار باشند به این کشور و خدمتگزار باشند به جمهوری اسلام و خدمتگزار ی آنها همان مجاهده ی در راه خداست و من امیدوارم که همه ی آنها با مجاهدین در راه خدا شریک و سهیم باشند برای آنکه آنها هم مجاهده می کنند ولو آن پیرزنی که در اقصی بلاد دارد یک خدمتی می کند برای این مجاهدین و بازماندگان شهدا. من امیدوارم که خداوند به همه ی آنها ثواب مجاهدین را عنایت بفرماید و عمده چیزی که هست این است که صادقانه خدمت کنید، خدمت بکنید، گمان نکنید که شما یک کاری که (برای آنجا) برای آنها انجام می دهید یکی منتهی بر آنها دارید. منت آنها را بکشید، منت آنها را بکشید خدمت بکنید، احترام بکنید از آنها، اینها خانواده شهدا هستند و معلولین و خانواده های معلولین که ارزششان آنقدر است و ما باید خدمتگزار به آنها باشیم. هر عملی که انجام می دهیم، هر خدمتی که به آنها انجام می دهیم عملی است که در پیشگاه خدا مقبول است و ما باید با کمال خرسندی منت آنها را بکشیم و خدمت به

آنها بکنیم. مبادا يك وقتي يك کلمه درشتي گفته بشود به اين بازماندگان شهدا يا به اين معلولين و باز کساني که عائله معلولين اند. توجه داشته باشيد که عملي را که مي کنيد خالص براي خدا باشد و براي آن کسي که فداکار براي خدا بوده است و جانش را در راه خدا اهدا کرده است شما خدمت به او مي کنيد و اين خدمت به خداست همانطوري که ما منت از خدای تبارک و تعالي مي کشيم و عبادت او را که مي کنيم منت اوست بر ما و خدای تبارک و تعالي منت بر ما گذاشته است و ما را هدايت کرده است و عر عملي که بکنيم منت بر او نداريم و او منت بر ما دارد اين خدمت هم خدمت به خدای تبارک و تعالي و مجاهدين در راه او و شهدا در راه اوست و ما بايد با سر و جان خدمت بکنيم و ابدا در نظرمان نياید که ما يك کاري انجام داديم، آنها جان خودشان را دادند و شما قدرتي که داريد، داريد خرج مي کنيد براي آنها و من اميدوارم که در راه خدا که شد ثواب مجاهدين را به شما عنايت بفرمايد خدای تبارک

[صفحه 167]

و تعالي. [407].

تاريخ 59 / 10 / 20

بنیاد شهید بهترین بنیاد است

و من بايد از آقاي کرويي تشکر کنم که ايشان يك فردي هستند که خدمتگزار به اين ملتند و بنیاد شهدا بهترین بنیادهایي است که ايشان بحمدالله موفق شدند و با توفيق الهي اداره مي کنند. خداوند امثال اين خدمتگزاران را براي شما

حفظ کند. [408].

تاریخ 60/7/26

بنیاد شهید بنیادی است که تاکنون انتقاد از آن نشنیده ام

البته بنیاد شهید، یک بنیادی است که من تاکنون یک کلمه انتقاد از آن نشنیده ام و آقای کروبی خدمتگزار خوبی است برای شهدا و معلولین و امیدوارم که همه شماها موفق باشید که خدمت خودتان را افزون کنید و این شهدا را و این خانواده شهدا را و این معلولین را و این بازماندگان شهدا را مثل عایله خودتان محسوب کنید و در راه خدمت به آنها کوشش کنید که این خدمت بسیار ارجمندی است، بسیار بزرگی است و مطمئن باشید که خداوند تبارک و تعالی به شما اجر در دو دنیا عنایت می فرماید. [409].

تاریخ 60/8/26

دولت موظف است به خانواده شهدا رسیدگی کند

جناب آقای نخست وزیر موظف می باشند که هیئتی برای رسیدگی به خانواده های شهدا و خسارت وارده تعیین نمایند و در صورت احتیاج مظلومان این واقعه [410]، به آنان کمک و خسارات را تأمین نمایند. [411].

تاریخ 61/7/10

[صفحه 168]

خانواده شهدا مورد توجه بنیاد 15 خرداد قرار گیرد

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ حسن صانعی دامت افاضاته

جنابعالی را به سرپرستی بنیاد 15 خرداد منصوب می نمایم. این بنیاد موظف است به وضع مستضعفین و محرومین رسیدگی نماید. بدیهی است خانواده شهدای محترم و معلولین عزیز مورد توجه بیشتر آن بنیاد قرار گیرد. امید است با اطمینان و اعتمادی که

به آن جناب دارم، امور آن بنیاد را به بهترین وجه اداره بنمایید. [412].

تاریخ 62/4/22

خدمت به خانواده شهدا وظیفه شرعی ماست

دولت خدمت کند به این کسانی که در راه اسلام آنقدر فداکاری کردند، خدمت کند به این اهالی دزفول و اهالی اندیمشک و خوزستان که همه چیز خودشان را از دست دادند، خدمت کنند. این یک تکلیف شرعی است برای همه ی ما. [413].

تاریخ 62/7/13

رسیدگی به خانواده شهدا یک وظیفه شرعی است

با توجه به حوادث ناگوار فوق العاده ناشی از حملات وحشیانه موشکی و بمبارانهای مکرر مناطق مسکونی شهرها و روستاها به وسیله ی عوامل استکبار جهانی و حزب بعث عفریقی عراق، ناچار نیاز به کمکهای فوری و ضربتی احساس می شود. در این رابطه لازم است ستادی تشکیل شود که با اختیارات کامل و فوق برنامه نیازهای تدارکاتی و عاطفی مردم محترم مصیبت زده و داغدیده را بدون وقفه برآورده سازد. لازم به تذکر است که به متصدیان و مأموران این امر اسلامی امر و سفارش اکید شود که با احترامات فائقه با این عزیزان مظلوم برخورد گردد. انتظار دارد که جناب آقای رئیس جمهور محترم و رئیس محترم دولت ایدهم الله در اقدام به این مهم، تمام سعی و کوشش لازم را مبذول دارند و تلاش در بهبود وضع این عزیزان محترم را به عنوان یک وظیفه شرعی تلقی فرمایند.

لازم است این ستاد با تشکیل گروههای نجات و پشتیبانی و اسکان فوری موقت و

[صفحه 169]

تهیه لوازم مورد

احتیاج، گوشه ای از وظایف انسانی - اسلامی خود را عملی سازد.

کلیه ارگانهای دولتی و نهادهای انقلابی اعم از وزارتخانه ها و ادارات تابعه خصوصا وزارت صنایع و بازرگانی موظفند همکاریهای لازم را مبذول دارند. [414]. تاریخ 62/7/14

در امور فرهنگی فرزندان شهدا بیشتر دقت کنید

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروی، دامت افاضاته!

ضمن تشکر از زحمات جناب عالی که مسؤولیت ارزشمند سرپرستی خانواده های معظم شهدا، مفقودین، اسرا و معلولین را به عهده گرفتید، لازم می دانم در امور فرهنگی فرزندان عزیزم. این یادگاران شهیدان و معلولین و مفقودین و اسرا، دقت بیشتر نموده و آنان را از کودکستان تا دانشگاه به بهترین وجه اداره نمایید. از آن جایی که جامعه ی اسلامی ما استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی خویش را مدیون ایثارهای غیر قابل ترسیم این عزیزان می داند، هرچه سریعتر با وزیران آموزش و پرورش و فرهنگ و آموزش عالی طرحی را تنظیم نموده و به شورای عالی انقلاب فرهنگی تقدیم نمایید.

اعضای محترم این شورا خود توجه دارند که بزرگترین و خداپسندانه ترین ارزش اسلامی، خدمت به فرزندان این عزیزان است. بنیاد مستضعفین موظف است تمامی بودجه ی این کار عظیم را بر عهده گیرد و در صورت کمبود، دولت و بنیاد شهید و بنیاد پانزدهم خرداد اقدام کنند.

این جانب از حوزه های علمیه تقاضا دارم تا در صورت درخواست ورد به آن حوزه ها، آنان را یاری و به طور شایسته تعلیم و تربیت نمایند. صدا و سیما ی جمهوری اسلامی برنامه هایی را در جهت رشد استعداد و خلاقیت این فرزندان معظم تدوین نماید. ان

شاءالله مردم شهیدپرورمان تا آن جایی که مقدورشان است بدین کار الهی کمک نمایند.

نور چشمان عزیزم توجه خواهند داشت؛ اکنون که رسالت بزرگ پدران بزرگوار خود را به دوش می کشند، در راه تهذیب و تحصیل خود با الهام از روح پرفتوح سربازان امام زمان ارواحنا فداه تلاش وافر نمایند تا با کسب دانش و معنویت اسلامی، امور جامعه ی

[صفحه 170]

خویش را به دست گیرند. [415].

تاریخ 65 / 1 / 6

شهید داده ها در اولویت هستند

و به مسئولین محترم جمهوری اسلامی ایران برای چندمین بار سفارش می کنم - و این نصیحت و سفارش همیشگی است - که قدر این [416] نعمتهای بزرگ الهی را بدانند و در شرایط کنونی و آینده های دور، اولویت را به این عزیزان و کسانی بدهند که در راه اسلام خون داده اند و مبارزه کرده اند و به شدت از بهانه جوئی و سنگ اندازی و مانع تراشی و کاغذبازی که مانع رشد آنان و ملت دلاور ایران است خودداری ورزند. [417].

تاریخ 65 / 2 / 8

مسئولان بدانند مصلحت شهید داده ها مقدم است

در این فرصت به همه ی مسئولان کشورمان تذکر می دهم که در تقدم ملاکها، هیچ ارزش و ملاکی مهمتر از تقوا و جهاد در راه خدا نیست و همین تقدم ارزشی و الهی باید معیار انتخاب و امتیاز دادن به افراد و استفاده از امکانات و تصدی مسئولیتها و اداره ی کشور و بالاخره جایگزین همه ی سنتها و امتیازات غلط مادی و نفسانی بشود، چه در زمان جنگ و چه در حالت صلح، چه

امروز و چه فردا، که خدا این امتیاز را به آنان عنایت فرموده است و صرف امتیاز لفظی و عرفی کفایت نمی کند، که باید هم در متن قوانین و مقررات و هم در متن عمل و عقیده و روش و منش جامعه پیاده شود و مصلحت زجرکشیده ها و جبهه رفته ها و شهید و اسیر و مفقود و مجروح داده ها و در يك كلام، مصلحت پابرهنه ها و گودنشینها و مستضعفین بر مصلحت قاعدین در منازل و مناسك و متمکنین و مرفهین گریزان از جبهه و جهاد و تقوا و نظام اسلامی مقدم باشد و نسل به نسل و سینه به سینه شرافت و اعتبار پیشتازان این نهضت مقدس و جنگ فقر و غنا محفوظ بماند. [418].

تاریخ 66/5/6

[صفحه 171]

دست اندرکاران به امور فرهنگی فرزندان شهدا توجه کنند

توصیه ی مجدد و اکید من به همه ی دست اندرکاران و مسؤولین کشور این است که بیشتر از گذشته به امور فرهنگی این عزیزان [419] توجه نمایند. [420].

تاریخ 67/6/28

دست اندرکاران نظام به تعریف و تمجید ظاهری قناعت نکنند

با این که اطمینان داریم که خانواده های معظم شهدا و جانبازان و اسرا و مفقودین هیچ گاه راضی نشده و نمی شوند که در برابر ایثار عزیزانشان که فقط به خاطر خدا و رسیدن به کمال بوده است سخن از رفاه و مادیات به میان آید و همت آنان بلندتر از این مقوله هاست، ولی بر دست اندرکاران نظام است که همه ی ذوق و استعداد و توان خود را در هرچه بهتر رسیدن

به امور معنوي و مادي و ارزشي و فرهنگي اين يادگاران هدايت و نور به کار گیرند و از خدمت بي شائبه و بي منت به آنان دريغ نکنند که هرچه انقلاب اسلامي ايران دارد از برکت مجاهدت شهدا و ايتارگران است. مناعت طبع و بزرگواري و اخلاق کریمه ي خود در مصایب و مشکلات زندگي به مسؤولین مراجعه نکرده اند و با مراجعه شان به حداقل بوده است و همه نیز مي دانیم که اکثریت این قشر و رزمندگان عزيز اسلام از طبقات محروم و کم درآمد بودند و مرفهین کمتر دل براي انقلاب سوختند، ولي وظیفه ي ماست که در حد توان و مقدرات قدرشناس زحمات آنان باشیم و من میل ندارم که این قدرشناسي فقط در حد تعريف و تمجید ظاهري خلاصه شود بلکه باید در همه نوع امتیازات اجتماعي و اقتصادي و فرهنگي به آنان بها داده شود بلکه باید در همه نوع امتیازات اجتماعي و اقتصادي و فرهنگي و فرهنگي به آنان بها داده شود و ضرورتی نمی بینم که به این عزیزان سفارش و نصیحت کنم و رسالت بزرگ حفظ امانت خونهاي مقدس شهیدان را بازگو نماید که بحمدالله تا به حال خانواده هاي شهدا و اسرا و مفقودین و جانبازان خود حافظ و نگهبان ارزش شهادت و ايتار بوده اند و بعد از این نیز به ياري خدا پاسدار آن خواهند بود. [421].

تاریخ 67/7/11

[صفحه 175]

سایر ايتارگران

جانبازان

کمک به جانبازان بر حج استجابي ترجیح دارد

در این سال که به واسطه انقلاب اسلامي به برادران و خواهران ما صدمات و ضررهاي بسیار از حکومت طاغوتي رسیده است و

بسیاری از معلولین از حوادث انقلاب، احتیاج مبرم به کمک دارند مقتضی است کسانی که می خواهند حج استجابی به جا آورند. هزینه آن را صرف در احتیاج برادران و خواهران خود کنند که ثواب آن نزد خدای تعالی بسیار بر حج استجابی ترجیح دارد و نیز کسانی که به عنوان سوغات مصارف ناروا می نمایند یا تشریفات و مهمانیهای خارج از رویه در وقت برگشت از حج می نمایند مقتضی است این نحو هزینه ها را صرف احتیاج برادران و خواهران علیل و مستمند خود نمایند که خداوند تعالی به آنان اجر و برکت عنایت فرماید. [422].

تاریخ 58/6/29

ملت شریف هیچ گاه شما جانبازان را فراموش نخواهد کرد

سلام بر عزیزان ما که در راه عزت اسلام و عظمت کشور اسلامی پیا خاستید و در راه دفاع از میهن، معلول و مجروح شدید و برای خودتان مایه افتخار و برای ملت بزرگتان، هم مایه تأسف و تأثر و هم سربلندی شدید. درود بر شما معلولان و مصدومان که اعضا و سلامت خود را در راه اعتلای قرآن کریم از دست دادید. ملت شریف و اسلام بزرگ هیچ گاه شما عزیزان را از یاد نمی برد. ننگ بر رژیم خائن پهلوی و جنایتکاران بین المللی

[صفحه 176]

که با دست جنایتکار خود، ملت ما را به سوگ عزیزان خود نشانند و برای خود نفرین ابدی بجای گذاشتند ای کاش اعضای سازمان ملل و شورای امنیت حاضر بودند و شما معلولین عزیز را می دیدند و آثار جرم دولت امریکا و دست نشانندگان آن را می دیدند سپس حکم صادر می کردند. کاش

کاخ نشینان، حال دردمندان ما را مشاهده می کردند تا به جنایات دولت جبار امریکا دامن نزنند و برای سازمانهای بین المللی و شورای امنیت ننگ و نفرین به بار نیاورند. [423] درود بر خواهران و برادران مصدوم و معلول که شجاعانه در راه حق و پیروزی قیام و فداکاری کردند و ملت را در جهان سرفراز کردند. اینجانب تقدیر و تشکر و دعای خالصانه ام را به شما عزیزان اهدا می کنم و از خداوند متعال سلامت و سعادت و بهبودی شما فرزندان اسلام را خواهانم. [424].

تاریخ 58 / 10 / 9

هرچه برای خدا از دست دادید پیش او محفوظ است

خداوندا! تو می دانی که من در چه حالی هستم که این منظره را می بینم. من چطور این منظره هایی که برادرهای ما، خواهرهای ما، بچه های ما، برای اسلام اعضایی خودشان را از دست داده اند، سلامت خودشان را از دست داده اند، چطور این منظره ها را من تحمل کنم؟ من چطور این بچه را که اینجا ایستاده و معلول است، در اول بچگی معلول شده است، ما چطور تحمل کنیم؟ خدایا! آنها که برای ما این مصیبتها را بار آوردند به جزای خودشان برسان. خدایا! این ابرقدرتها که برای رسیدن به قدرت، ولو چند سالی دیگر، این جنایتها را در دنیا بار آوردند تأدیبشان کن. با دست قدرت خود آنها را به جای خود بنشان. برادرهای من! خواهرهای من! بچه های عزیز من! من می دانم که شما در رنج هستید و من هم شریک شما در رنج هستم. من هم مثل یک برادری که برادرش و خواهرش در رنج است، مثل یک دری که اولادش در

رنج است، من هم شریکم با شما در رنج، لکن آنچه که رنجها را آسان می کند. دردها را تخفیف می دهد. آنچه که بر همه ما آسان می کند این مسائل را، این است که این امور برای خدا انجام گرفت. شما برای خدا

[صفحه 177]

قیام کردید و برای خدا مجروح شدید و بسیاری از برادرها و خواهرهای شما هم برای خدا مقتول شدند. آن چیزی که برای خدا از دست دادید جایی نمی رود، پیش خدا محفوظ است دنیا وسیله است برای عالمهای دیگر و خداوند برای شما مهیا می کند مقامهایی که اگر دیگران ببینند آنها هم آرزو می کنند که مثل شما بودند. [425].

تاریخ 58 / 10 / 16

جانبازان موجب افتخار ایران هستند

شما برادرهای ما که بازماندگان افتخار ایران هستید، بازماندگان اشخاصی هستید که در تاریخ افتخار برای ایران ثابت کرد و ثبت کرد و شما معلولانی که افتخار برای ایران آفریدید، مطمئن باشید که در دنیا و در آخرت اسم شما ثبت است شما تاریخ را عوض کردید. [426].

تاریخ 59 / 10 / 22

جانبازان بهترین سند جنایات صدام هستند

این عزیزانی که سلامت خودشان را از دست داده اند و در مقابل من نشسته اند، بزرگتر سند افتخار آمیز خودشان در کشور اسلامی و بر اسلام عزیز است و بهترین سند جنایات امثال صدام و اربابان آنهاست. [427].

تاریخ 59 / 11 / 16

از جانبازان درس بگیرید

این جوانهای ما که علیل شدند، الآن هم وقتی می آیند از من می خواهند که دعا کنم که اینها

شهید بشوند، پایش را از دست داده، عصا زیر بغلش هست لکن گریه می کند و می خواهد که دعا کنیم که شهید بشود. از اینها يك قدری تعلیم و تعلم پیدا کنید. [428].

تاریخ 60 / 4 / 1

[صفحه 178]

جانبازان رهبران این نهضت هستند

من تشکر می کنم از شما برادران و عزیزان که به حال نگاهت اینجا آمدید که هم موجبات تأسف من را زیادتر کنید و هم موجبات سرافرازی من. شما عزیزان و بستگان شما و شهدا و بازماندگان شهدا، سند در دست دارید. وجود شما سند دو امر است: یکی سند جنایت امریکا و صدام وابسته امریکا و یکی سند بسیار گویای شجاعت شماست. شما تعهد خودتان را ثابت کردید. شما ثابت کرده اید و سند دارید به اینکه متعهد به اسلام و قرآن کریم و ملت اسلام هستید. شما رهبران این نهضت هستید و ما از قافله عقب ماندیم. من با کمال صداقت اعتراف می کنم به اینکه ما سندی بر ادعایی اگر بکنیم، نداریم و شما عزیزان بدون ادعا، بدون توقع مدح و ثنا و بدون توقع پاداش، تعهد خودتان را به اسلام و قرآن کریم ثابت کردید. شما و شهیدان این ملت و بستگان شما و بازماندگان شهدا در محضر خدا با يك سند ثبت شده وارد می شوید و ما همچو سندی را نداریم. سعادت ما شماست و مال بستگان شما و مال شهدا و مال بازماندگان شهداست... نهضتها و انقلابهای دیگر در مقابلش اگر يك قدرتی ایستاده بود، يك قدرت دیگر هم پشتیبان داشت. ما خود ایستادیم و از هیچ کشوری پشتیبانی نشد

و ما اتکال به غیر خدا، به کشوری پیدا نکردیم و این قدرت معنوی و الهی است که در همه پیدا شده است و در شما جوانان عزیزی که الآن در اینجا حاضر هستید، با سند جنایت امریکا، قدرت روحی خودتان عزیزی که الآن در اینجا حاضر هستید، با سند جنایت امریکا، قدرت روحی خودتان از حسین و صدام بیشتر است. آنها به قدرت مادی اتکال دارند و شما به قدرت الهی اتکال دارید. کشور ما و ملت عزیز ما اینکه هیچ کس و هیچ کشوری از او حمایت نظامی نکرد و در دست خودش هم هیچ چیزی که بتواند مقابله کند با قدرت شیطانی محمدرضا نداشت الا ایمان راسخ به مکتب، قیام کرد و در 22 بهمن نظام فاسد شاهنشاهی را شکست و نظام مترقی اسلامی را برپا کرد. و همه برای خدا، و داد و فریادها از سرتاسر کشور فریاد الهی بود، ندای حق بود از حلقوم شما و خداوند وعده نصرت به شما داده است لکن باقی باشید به آن تعهداتتان. شماها وفا کنید به عهد خدا، خداوند وفا می کند به عهد شما. شماها نصرت بدهید به دین خدا و خداوند نصرت می دهد به شما. نصرت خدا در این سه سال واضح و روشن بود. هر توطئه ای بر ضد شما و جمهوری شما پیا شد خدای تبارک و تعالی یا با دست شما یا با دست دیگران آن توطئه ها را خنثی کرد و از حالا به بعد هم دلخوش باشید، دلگرم باشید که شما با

[صفحه 179]

این سند، با این سند گویا، با این سند

صریح در مقابل خدا هستید، و شهدای شما با آن سند در محضر خدای تبارک و تعالی هستند، خداوند شما را نصرت می کند و توطئه ها را خنثی می فرماید. من تکرار باید بکنم وقتی که امثال شما قدرتمندان روحی را می بینم با این روحیه بزرگ و با این عظمت روح خجالت می کشم که خودم را یک انسان متعهد بدانم. من از خدای تبارک و تعالی برای شهدا رحمت و برای شما سعادت و سلامت، برای متعلقان و بازماندگان همه، عزت و سعادت و سلامت خواستارم. [429].

تاریخ 60 / 11 / 15

کمک به جانبازان از بالاترین عبادتهاست

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ حسن صانعی سرپرست بنیاد 15 خرداد دامت افاضاته

... کمک به محرومین و جانبازان و جنگزدگان و خانواده های شهدا، اسرا و مفقودین یکی از بزرگترین عبادتهاست، دولت و مسئولین قضائی توجه داشته باشند که کمک به بنیاد مذکور در رفع نیازهای نیازمندان از کارهای اصیل انقلابی است. [430].

تاریخ 65 / 7 / 15

جانبازان چراغ هدایت ملتند

مجروحین و معلولین، خود چراغ هدایتی شده اند که در گوشه گوشه ی این مرز و بوم به دین باوران، راه رسیدن به سعادت آخرت را نشان می دهند، راه رسیدن به خدای کعبه را. [431].

تاریخ 67 / 7 / 1

باید بهترین امکانات بنیاد مستضعفان در اختیار جانبازان قرار گیرد

جناب آقای مهندس میرحسین موسوی نخست وزیر محترم ایده الله تعالی

از آن جا که چندی قبل جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروی طی نامه ای درخواست نمودند که برای رسیدگی هرچه

بیشتر و بهتر به امور جانبازان و خانواده های شهدا، اداره ی امور جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی به نهاد یا

[صفحه 180]

تشکیلات دیگری سپرده شود، این جانب ضمن تقدیر و تشکر فراوان از ایشان و از کلیه ی مسئولین و دست اندرکاران بنیاد شهید انقلاب اسلامی و مرکز پزشکی بنیاد، خصوصاً سرکار خانم کروی که در شرایط جنگ کمال ایثار و فداکاری را نسبت به این عزیزان نموده اند، جناب عالی را مسؤول اداره ی کلیه ی امور جانبازان عزیز نمودم که با استفاده از همکاری و تجربیات بنیاد شهید انقلاب اسلامی و جانبازان و نیز اختصاص بهترین امکانات بنیاد مستضعفان به ایجاد تشکیلات جدیدی در این امر مقدس و بزرگ همت گمارید. و امید است با درایت و تقوا و تعهدی که در شما سراغ دارم به تمامی امور این حماسه سازان و شهیدان زنده ی انقلاب رسیدگی کامل گردد. و بنیاد شهید انقلاب اسلامی نیز همچون گذشته با فراغت و امکانات بیشتر امور خانواده های معظم شهدا و مفقودین و اسرا را دنبال نماید. [432].

تاریخ 67/9/3

[صفحه 181]

آزادگان

اسرای عزیز، افتخار میهن اسلامی

سلام بر معلولین و مفقودین و اسرای عزیزی که افتخار اسلام و میهن اسلامی خویش می باشند. [433].

تاریخ 62/11/20

اسرا، محبوب ملت ما

خداوندا، ان شاء الله این اسرای ما را، این کسانی که محبوب ما هستند، محبوب ملت ما هستند، این معلولین را، این اسرا را و این تمام کسانی که در آن جا در بند هستند، همه ی اینها را

خداوند ان شاء الله آزاد کند و ما را هم به وظیفه ي خودمان آشنا کند. [434].

تاریخ 66 / 12 / 30

اسرا، سرود آزادي

اسرا در چنگال دژخیکان خود سرود آزادي اند و احرار جهان آنان را زمزمه مي کنند. [435].

تاریخ 67 / 7 / 1

[صفحه 182]

مفقودین، محور دریاي بیکران خداوندي

مفقودین عزیز، محور دریاي بیکران خداوندي اند و فقراي ذاتي دنياي دون در حسرت مقام والايشان در حیرتند. [436].

تاریخ 67 / 7 / 1

فرزندان عزیزم، ناراحتي پدرتان را که فرزندان عزیزش دور از وطن هستند احساس کنید

فرزند بسیار عزیزم! از نامه دلسوزانه شما بسیار متأثر گردیدم، من ناراحتي شما عزیزان در بند را احساس مي کنم، شما هم ناراحتي پدرتان را که فرزندان عزیزش دور از وطن هستند، احساس کنید.

عزیزان من سید و مولاي همه ما حضرت موسي بن جعفر بیش از همه شماها و ماها در رنج و گوشه زندان به سر بردند براي اسلام عزیز، شما صبر کنید خداوند فرج را ان شاء الله تعالي نزديك مي نماید و پدر پير شما را با دیدن شما شاد مي فرماید. به همه عزیزان در بند سلام مرا برسانید. من از دعاي خیر فراموشتان نمي کنم. خداحافظ شما باشد. [437].

تاریخ حدود آبان 67

[صفحه 183]

مهاجرین جنگ تحميلي

مهاجرین جنگ میهمانان عزیز ما هستند

این جنگي که حالا به ما تحمیل شده است براي ما البته يك ضررهایی هم داشته است و برادرهاي ما در آنجا و اشخاصي که در

آنجا تلف شدند و در خرمشهر و در آبادان و در دزفول و اینها تلف شدند، خساراتی برایشان بار آمده و عده ای از زن و بچه هایشان هم که سرپرستهای خودشان را از دست مثلا دادند، آنها هم کوچ کردند برای بلاد دیگر باید آقایان به مردم سفارش کنند که اینها برادر ما هستند، اینها در راه اسلام و جنگ در اسلام اینطور آواره شدند، اینها را باید مثل خودتان و مثل اولاد خودتان بدانید، اگر بچه های بی سرپرستی هستند و می توانید سرپرستی یکی از اینها را برای خودش نگه دارد و حفظ کند، حفظ کند. دولت باید اینها را با یک ترتیبی، مرتبی، منظمی، محترمانه برای اینها جا تهیه کند، برای اینها غذا تهیه کند، اینها آواره شدند. نباید فکر این باشیم که خودمان هرچه می خواهیم داشته باشیم، دیگران هیچی. نخیر، باید کمک کنند به اینها، ثروتمندها کمک کنند به اینها، برادرهای مؤمن، خواهرها به اینها کمک کنند و اینهایی که در جنگ آسیب دیده اند اینقدر نگذارند مصیبت بیشتر برایشان بشود و آنها را مثل مهمان عزیز مهمانداری کنند و دولت هم باید جاهایی را برای اینها معین کند و آنها را حفاظت کند. [438].

تاریخ 59 / 8 / 14

[صفحه 184]

مهاجرین جنگ در معرض امتحان

گاهی امتحان به خوف، به جوع، به نقص در اموال و انفس، به نقص در ثمرات و امثال اینهاست که الآن در مراکزی که جنگزده است، بسیاری از اینها تحقق دارد. و این یک امتحانی است که از شما آقایان که در دزفول و در اهواز و سوسنگرد و سایر

محالي که مورد تعدي کفار شده است. واقع شده ايد، اين يك امتحاني است الهي براي آزمايش ما و شما. [439].

تاريخ 59 / 10 / 7

مهاجرين جنگ از همه افضل هستند

اينهايي که در مرزها دارند کشته مي شوند و اينهايي که گرفتار اوضاع جنگ هستند و اينهايي که آواره شدند و در اين زمينها و در اين چادرهاي بي همه چيز دارند زندگي مي کنند. اينها بنده هاي خدا هستند و از ماها از من افضلند و محتمل است که از شماها [440] هم افضل باشند چرا ما به فکر آنها نباشيم. [441].

تاريخ 59 / 12 / 28

نگذاريد مهاجران جنگ، تلخي آوارگي را احساس نمايند

از آوارگان جنگي که با هجوم کفار بعثي عراق عزيزان و خانمان خود را از دست داده اند حمايت برادرانه و خواهرانه خود را ادامه دهيد و نگذاريد اينان تلخي آوارگي را احساس نمايند. رحمت خدا بر شما خواهران و برادران ارزشمند که با همت بزرگ خود، هم پشتوانه جنگ تحميلي بوده و هم ياران وفادار آوارگان جنگي. و البته دولت هم تمام کوشش را در اين امر انساني نموده و مي نمايد لکن حمايت ملت موجب تقويت روي قواي مسلح و دولت خواهد بود. [442].

تاريخ 59 / 12 / 29

[صفحه 185]

نگذاريد به مهاجرين جنگ بد بگذرد

راجع به جنگزده ها همانطوري که تاکنون مشغول بوديد به اينکه همراهي کنيد، از اين به بعد هم همراهي کنيد و نگذاريد به اين جنگزده هايي که از خانمانشان آواره شدند بد بگذرد. [443].

تاريخ 7

همه باید کمک به مهاجرین جنگ

کشور خودتان است، کشور اسلامی است، اسلام در خطر است، وقتی اینطور است همه ما باید و موظفیم که کمک کنیم به آنها، هرکس به اندازه ای که می تواند، کمک بکند به آنها. آوارگانی که از جنگ آمده اند در جاهای دیگر زندگی می کنند. شما بنشینید بگویید دولت همه کار را بکند؟ یا هلال احمر همه کار را بکند؟ نمی توانند بکنند همه کارها را، کار آسانی نیست. شما هم باید کمک کنید، همه باید کمک بکنید و ان شاء الله می کنید، الآن هم همه دارند کمک می کنند. [444].

تاریخ 60 / 5 / 19

از هیچ کوششی برای رفع حوایج آوارگان جنگی دریغ نشود

به آوارگان مظلوم جنگی تأکید می کنم که صبر و شکیبایی را از دست ندهند و مطمئن باشند که خسارات جنگی با خواست خداوند به دست ملت و دولت جبران خواهد شد. و از ملت و دولت تقاضا دارم که نسبت به حوایج آوارگان جنگی از هیچ کوششی دریغ نمایند. اینان برادران و خواهران و فرزندان شما هستند که به دست عمال امریکا از خاندان خود آواره شده اند. و از خداوند تبارک و تعالی عاجزانه تقاضا دارم که ملت ایران را با مدد های غیبی حمایت فرماید و دست مخالفان اسلام را از کشور اسلامی ما قطع فرماید و پیروزی نهایی را بر تمام جبهه ها نصیب کشور اسلامی فرماید. [445].

تاریخ 60 / 6 / 27

[صفحه 186]

رسیدگی به جنگزدگان از عبادات بزرگ است

این قدرت الهی است که به جنگزده های

ما، به عزیزان ما که آواره شده اند از محل خودشان، قدرت عنایت کرده است که در مقابل نارساییها و در مقابل زحمتهای و کمبودها ایستادگی کنند، بلکه خودشان کمک کار باشند...

شما عزیزان که متکفل امور جنگزدگان هستید و متکفل تدبیر در این امر هستید که کار جنگزدگان را به خوبی اداره کنید، من می دانم که کار بسیار مشکل است، کاری است که نمی شود با فوریت انجام داد و کاری است که اگر به طور معمولی بخواهد دولت انجام بدهد، قدرت این مطلب را ندارد لکن این دست خداست که عنایت کرده است و جوانهایی ما را وادار کرده است به اینکه به این برادران و خواهران کودکان جنگزده خدمت کنند و آنها را در این مصیبتهایی که وارد بر آنها شده است، تسلیت عنایت کنند. و این خدای تبارک و تعالی است که جنگزده ها را، در صورتی که اگر به طور معمول بود، باید بسیار نارضایتی داشته باشند، لکن مع ذلك در هر جا هستند کمک کار هستند و مقاوم هستند و امروز آقای میرسلیم [446] که به من اطلاع دادند، گفتند جنگزده ها يك قدرتی شده اند در مقابل صدام. این امری است که با دست غیبی الهی انجام گرفته است و دست عنایت حق تعالی بر سر شماست و آسیبی ان شاءالله نخواهد دید. ما البته می دانیم که هم در فعالیتهای جهاد مستضعفین، بنیاد مستضعفین هستند و هم در فعالیت اداره کننده ی امور جنگزدگان يك نواقص هست و علاوه بر شیطانهایی هستند که این برادرهایی که برای خدا دارند کار می کنند، آنها را می خواهند سست کنند و بعضی مسائل به آنها می گویند لکن

خداست که قلبهای شما را نگه داشته است و شما را هشیار کرده است که کید کاندین و مکیدها را خنثی کنید و خودتان در صحنه باشید. ما خدا را شکر می کنیم که این ملت، سرتاسر کشور، زن و مرد، بزرگ و کوچک در خدمت به اسلام کمر بسته اند و دست از این برنخواهند داشت ان شاء الله تا اینکه به پیروزی نهایی برسند...

من رنجهایی که در جنوب و در غرب به برادران و خواهران ما وارد می شود، می دانم و

[صفحه 187]

متأثر هستم و همه مؤمنین و همه مسلمین متأثر هستند لکن شما بدانید که اینطور دست و پا کردن و اینطور برخلاف موازین همه کشورهای عالم و همه جنگهای دنیا عمل کردن و از خارج و دور، موشک به شهرها انداختن و اینطور کارهای ناجوانمردانه کردن، اینها از ضعف آنهاست...

شما برادرهایی که در جبهه جنگ می کنید و شما برادرهایی که آسیب جنگی دیدید و شما برادر و خواهرهایی که مصیبت دیدید برای خدا بوده است و خداوند تبارک و تعالی جبران خواهد کرد. و من امیدوارم که بزودی ان شاء الله این جنگ تمام بشود و این خرابیهایی که به دست کفار بر ما وارد شده است، بزودی جبران بشود و خانه ها بهتر از اول ساخته بشود و ان شاء الله زندگی عادی خودشان را این مسلمین عزیز و این ساکنین جنوب و غرب، زندگی اصیل خودشان را از سر بگیرند. عمده این است که چون ما بحق هستیم و ما اسلام را می خواهیم و ما پیاده شدن احکام اسلام را می خواهیم، تمام ضربه هایی که

وارد می شود، تمام اینها قابل تحمل است. این ضربه ها به ما تنها وارد نشده است، شما در طول تاریخ از زمان آدم (ع) تاکنون ملاحظه می کنید که تمام انبیا و تمام اولیا و تمام بزرگان دین در مقابل ظلم ایستاده اند و صدمه دیده اند، ایستاده اند و با آتش آنها را سوزانده اند و با اره آنها را دو نیم کرده اند و در کربلا آنطور کردند با اولاد رسول الله، لکن چون برای خدا بود و چون حق بودند، تمام مشکلات آسان می شود. مشکلات، مشکلات مادی است، مشکلات مادی در مقابل معنویات نمی تواند عرض اندام کند، آنهایی که به معنویت مجهزند، آنهایی که به خدا متصل هستند و آنهایی که به مبدأ وحی متصل هستند، آنها را امور مادی از مقاصد خودشان باز نمی دارد.

شما توجه داشته باشد، شمایی که خدمت به مستضعفین می کنید و شمایی که خدمت به جنگزدگان می کنید و امید است ان شاء الله و هست اینطور که انگیزه های شما انگیزه های اسلامی - انسانی باشد، شما بدانید که در یک طاعت بزرگ هستید و همیشه به طاعت حق تعالی قیام کردید و ثواب شما، ثواب عبادتهای پنجاه شصت ساله دیگران است...

شما بدانید که رسیدگی به امور مستضعفان و رسیدگی به امور جنگزدگان که اینها بندگان خدا هستند و خداوند به آنها عنایت دارد، از عبادات بزرگ است. خداوند

[صفحه 188]

ان شاء الله به همه شما توفیق عنایت کند و به جنگزده های ما و به آنهایی که جوان از دستشان رفته است، آنهایی که خانمانشان از دستشان رفته است، صبر و اجر عنایت فرماید. [447].

تاریخ 3

دولت به مشکلات مهاجرین توجه دارد

به این قشری که از خاندان خودشان، از شهرهای خودشان به واسطه این جنگ آواره شده اند، عرض می‌کنم که ما در مسائل و مشکلاتی که شما دارید، توجه داریم و دولت هم توجه دارند و شوراها هم دارند، بسیج هم دارد، به اندازه آنکه توانایی دارند، خدمت خواهند کرد و ان شاء الله که بزودی جنگ پایان پیدا می‌کند، خدمتها به شماها زیادتر خواهد شد. [448].

تاریخ 13/8/61

پدر پیرتان، ویرانی خانه های شما را ویرانی خانه خود می‌داند

عجبا! که دیوصفتان عفلقی وقتی که در صحنه های نبرد، آن همه شکستها را متحمل شده اند و بزندان از روبروی شیرمردان ارتش اسلام پا به فرار گذاشته اند، برای جبران آن همه ناتوانی و عجز، ناجوانمردانه خانه ها و مدارس و بیمارستانها و مساجد را بر سر آتشبار بی دفاع مردم از طفل شیرخواره گرفته تا محصل دبستانی و دبیرستانی و از بیمار در بیمارستانها تا پیرمردان و پیرزنان خراب می‌کنند. آری ملت عزیز ایران و خصوصاً مردم شهرهای مورد تهاجم هوایی دشمن بخوبی لمس کرده اند که دشمنان آنان راه پیشوایان و اعقاب شجره ی خبیثه ی بنی امیه و یزیدیان علیهم لعنة الله را برگزیده اند و هدفی جز محو آثار رسالت و اثبات و تحکیم شعار پوسیده ی «لا خبر جاء ولا وحی نزل» [449] را دنبال نمی‌کنند، چرا که از یزیدیان انتظاری جز این نیست.

[صفحه 189]

و اینک من به همه ی عزیزانی که خانه و کاشانه و جگرگوشگان خود را در این حوادث و میدان کارزار از

دست داده اند، عرض مي كنم كه يقينا شما احساس همدردی این خدمتگزار و پدر پیر خود را درك مي كنيد كه من ویراني خانه هاي شما را ویراني خانه ي خود و شهادت و جراحت عزیزان و فرزندان شما را شهادت و جراحت فرزندان خود مي دانم و با شما هستم و شما را به صبر و مقاومت سفارش مي كنم و امیدوارم كه ملت ایران با همان روح همبستگی و برادری كه در همه ي مشكلات خود را یاور و غمخوار يكديگر مي دانند، در این امتحان بزرگ الهی به یاری و كمك آسیب دیدگان بشتابند و با آغوش باز و محبت و اخوت در رفع مشكلات آنان كوشش كنند و همگام با دولت خدمتگزار كه با كمال فداكاری و پشتكار شب و روز مشغول امداد و برنامه ریزی هستند، به جنگ مشكلات بروند. [450].

تاریخ 65 / 11 / 16

سلام بر خواهران و برادران مهاجر

پیام به مهاجرین جنگ تحمیلی به مناسبت نیمه شعبان

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت خواهران و برادران و فرزندان عزیز مهاجرین جنگ تحمیلی ایدهم الله تعالی

با سلام و درود به پیشگاه مقدس مولود نیمه ی شعبان و آخرین ذخیره امامت حضرت بقية الله - ارواحنا فداءه - و یگانه دادگستر ابدی و بزرگ پرچمدار رهایی انسان از قیود ظلم و ستم استکبار. سلام بر او سلام بر منتظران واقعی او. سلام بر غیبت و ظهور او و سلام بر آنان كه ظهورش را با حقیقت درك مي كنند و از جام هدایت و معرفت او لبریز مي شوند. سلام بر ملت بزرگ ایران كه با فداكاری و ایثار و شهادت راه

ظهورش را هموار مي کنند و سلام بر شما خواهران و برادران مهاجر که بدون شك در جنگ تحميلي از كساني هستيد كه صدمه ي فراوان روحي و جسمي و مالي خورده ايد. شما عزيزان در زمان يورش وحشيانه ي صدام پس از روزها دفاع قهرمانانه اضطرابا محل زندگي و راحتی خود را ترك نموده و حقيقتا به زندگي پر مشقت در نقطه اي دور خانه و كاشانه ي خويش تن داده ايد. شما مهاجرين عزيز جنگ تحميلي، لحظه لحظه ي جنگ و سختيهاي آن را درك کرده ايد.

[صفحه 190]

ان شاء الله جمهوري اسلام در آینده نه چندان دور شهرها و روستاهاي شما را بهتر از قبل در اختيار شما خواهد گذاشت، ولي بايد خود به كمك مسؤولان آمده و در نوسازي و مهيا سازي شهر و روستاهاتان آنان را ياري نماييد. بحمدالله فرزندان خردسال آن روز شما، امروز جواناني شده اند كه مانند ساير برادران و خواهران خود از ميهن اسلامي شان دفاع خواهند كرد..

از خداوند متعال مي خواهم تا مهاجرين عزيزان را هرچه زودتر به خانه و كاشانه ي خود برساند و تلخي غربتها و سختيها را به شيريني مراجعتشان مبدل سازد.

در خاتمه لازم است از همه ي كساني كه از مهاجرين عزيز جنگ تحميلي پذيرايي کرده و مي كنند و همچنين از مسؤولين محترم بنياد مهاجرين كه زحمات زيادي متحمل شده اند، تشكر و قدرداني نمايم. [451].

تاريخ 68 / 1 / 2

[صفحه 193]

بستر تاريخي ايتار و شهادت

قبل از اسلام

انبيا و اوليا، خونشان را براي حفظ مکتب دادند.

انبيا و اوليا و همه خونشان را دادند براي حفظ اين، همه براي حفظ مکتبشان خونهايشان را

دادند، چه انبیای سابق و چه نبی اکرم که همه تاریخش را می دانید، همه چیزشان را دادند برای اینکه حفظ بشود این مکتب و يك وقت اعوجاجي در آن پیدا نشود. [452].

تاریخ 1358 / 4 / 17

تمام انبیا برای اصلاح جامعه آمده اند.

تمام انبیا برای اصلاح جامعه آمده اند، تمام. و همه آنها این مسئله را داشتند که فرد باید فدای جامعه بشود. فرد هرچه بزرگتر باشد، بالاترین فرد که ارزشش بیشتر از هر چیز است در دنیا، وقتی که با مصالح جامعه معارضه کرد این فرد باید فدا بشود. [453].

تاریخ 1360 / 6 / 18

بت شکن جهان به ما آموخت که فرزند خود را فدا کنید و عید بگیرید

عیدی که انسانهای آگاه را به یاد قربانگاه ابراهیمی می اندازد، قربانگاهی که درس فداکاری و جهاد را در راه خدا بزرگ - را - به فرزندان آدم و اصفیا و اولیای خدا می دهد. عمق جنبه های توحیدی و سیاسی این عمل را جز انبیای عظام و اولیای کرام علیهم الصلوة

[صفحه 194]

والسلام و خاصه عبادالله کس دیگری نمی تواند ادراک کند. این پدر توحید و بت شکن جهان به ما و همه ی انسانها آموخت که قربانی در راه خدا پیش از آنکه جنبه توحیدی و عبادی داشته باشد جنبه های سیاسی و ارزشهای اجتماعی دارد. به ما و همه آموخت که عزیزترین ثمره ی حیات خود را در راه خدا بدهید و عید بگیرید. خود و عزیزان خود را فدا کنید و دین خدا را و عدل الهی را برپا نمایید. به همه ما

ذریه آدم فهماند که مکّه و منی قربانگاه عاشقان است و اینجا محل نشر توحید نفی شرک؛ که دل‌بستگی به جان و عزیزان نیز شرک است. به فرزندان آدم درس آموزنده جهاد در راه حق را داد که از این مکان عظیم نیز فداکاری و از خود گذشتن را به جهانیان ابلاغ کنید. به جهانیان بگویید در راه حق و اقامه عدل الهی و کوتاه کردن دست مشرکان زمان باید سر از پا نشناخت و از هر چیزی حتی مثل اسماعیل ذبیح الله گذشت که حق جاودانه شود. [454].

تاریخ 1362 / 6 / 12

سیره انبیا بر مبارزه تا پای جان بوده است

من نمی گویم به ما خسارت وارد نشد، اما ارزش ندارد که انسان ارزش انسانی خودش را، ارزش اسلام را حفظ بکند ولو اینکه شهید هم می داد. البته پیغمبر هم شهید داد، انبیا هم همین طور. سیره ی انبیا بر این معنا بوده است، سیره ی بزرگان بر این معنا بوده است که معارضه می کردند با طاغوت ولو اینکه زمین بخورند، ولو اینکه کشته بشوند و یا کشته بدهند. [455].

تاریخ 1362 / 10 / 1

سیره انبیا مبارزه تا مرز شهادت بوده است

پیغمبر هم شهید داد، انبیا هم همین طور. سیره ی انبیا بر این معنا بوده است، سیره ی بزرگان بر این معنا بوده است که معارضه می کردند با طاغوت ولو اینکه زمین بخورند، ولو اینکه کشته بشوند و یا کشته بدهند. ارزش دارد که انسان در مقابل ظلم بایستد، در مقابل ظالم بایستد و مشتش را گره کند و توی دهش بزند و نگذارد

که اینقدر ظلم زیاد بشود،

[صفحه 195]

این ارزش دارد. [456].

تاریخ 1362 / 10 / 1

ابراهیم (ع) قربانی کردن اسماعیل (ع) را ایثار نمی دانست

مسئله قربانی فرزند يك باب است که به حسب البته دید نوع بشر، مسئله مهمی است، لکن آن چیزی که مبدأ این عمل می شود، آن چیزی که مقابله مابین پدر و پسر را در آن جامعه متحقق می کند، این يك مسائل قلبی و روحی و معنوی است، فوق این مسائلی که ماها می فهمیم، ما هم می گوئیم که ایثار کرد، قربانی کرد و واقعا این طور بوده است، خوب! مهم هم هست. لکن آیا در نظر ابراهیم (ع) هم ایثار بوده است؟ ابراهیم هم در نظرش این بوده است که حالا يك چیزی، تحفه ای می برد پیش خدا؟ اسماعیل هم سلام الله علیه در نظرش بوده که يك جانفشانی دارد می کند برای خدا؟ یا مسئله این نیست. این مسئله ای است که تا نفسانیت انسان هست، خودیت انسان هست، ایثار اسمش هست. من ایثار می کنم در راه خدا فرزندم را، من ایثار می کنم در راه خدا خودم را. این، برای ما مهم است و زیاد مهم است، برای ابراهیم نیست مسئله این، ایثار نیست. ابراهیم خودی نمی بیند تا ایثاری کرده باشد، اسماعیل خودی نمی بیند تا ایثار کرده باشد. ایثار این است که من هستم و تو هستی و عمل من و برای تو و ایثار. این، در نظر بزرگان اهل معرفت و اولیای خدا شرك است، در عین حالی که در نظر ما کمال بزرگی است، ایثار بزرگی است. [457].

تاریخ

انبیای عظام از آدم تا خاتم فداکاریهای جانفرسا نموده اند

حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است، که انبیای عظام از آدم علیه السلام تا خاتم الانبیین صلی الله علیه و آله و سلم در راه آن کوشش و فداکاری جانفرسا نموده اند و هیچ مانعی آنان را از این فریضه بزرگ باز نداشته و همچنین پس از آنان اصحاب متعهد و ائمه سلام علیهم صلوات الله با کوششهای توانفرسا تا حد نثار خون خود در حفظ آن کوشیده اند. [458].

تاریخ 1368 / 3 / 15

[صفحه 196]

زمان پیامبر و ائمه اطهار

پیامبر اکرم بر ضد شرك و كفر و بی عدالتی جنگها کرد

این پیغمبر اکرم (ص) آن وقتی که اجتماعات را درست کرد و توانست قیام بکند بر ضد شرك و كفر و بی عدالتیها، با چه مصیبتیهای گرفتار بود، چه جنگیهای کرد و چه کشتارهایی داد و خودش چه زحماتی کشید و چه جراحیاتی برداشت. [459].

تاریخ 1357 / 2 / 23

سیره اولیا، فداکاری در راه برپایی حکومت عدل اسلامی است

مردم مسلمان ایران به دنبال برگزاری نماز عید [460] دست به عبادت ارزنده ی دیگری زدند که آن فریادهای کوبنده علیه دستگاه جبار و چپاولگر برای پیداشتن حکومت عدل اسلام است که کوشش در این راه از اعظم عبادات است و فداییی دادن در راه آن سیره انبیای عظام خصوصاً نبی اکرم و وصی بزرگ او امیر مؤمنان است. [461].

تاریخ 1357 / 6 / 15

[صفحه 197]

مذهب تشیع، مذهب فداکاری بوده است

برای تحصیل هر حقی البته فداکاری لازم است. مذهب تشیع، مذهب فداکاری بوده است و در طول تاریخ، مردم برای عدالت و برای حقوق از دست رفته ی خود همیشه قیام کرده اند، همیشه خون داده اند. ما نگرانی از این بابت نداریم، برای اینکه اطاعت خدا می کنیم. [462].

تاریخ 1357/9/12

برنامه اسلام از عصر وحی تاکنون با شهادت توأم بوده است

اسلام عزیز با فداکاری و فدایی دادن عزیزان رشد نمود. برنامه اسلام از عصر وحی تاکنون بر شهادت توأم با شهامت بوده. قتال در راه خدا و راه مستضعفین در رأس برنامه های اسلام است. [463].

تاریخ 1358/2/11

فداکاری سیره ی پیامبر و ائمه بوده است

این يك سیره ای بوده است در اسلام از اول بوده، از اول اسلام برای خدا - و اسلام برای خدا - پیغمبر اسلام و ائمه ما فداکاری کردند، شهادت نصیبتان شد، اولاد دادند. [464].

تاریخ 1358/2/23

نبی اکرم و ائمه ما هرچه داشتند در راه اسلام تقدیم کردند

ائمه ما (ع) در راه اسلام چه فداکاریها کردند و هرچه داشتند در راه اسلام تقدیم کردند، ما هم باید اگر شیعه آنها هستیم، اگر تابع آنها هستیم، در راه اسلام هرچه داریم بدهیم. اسلام عزیزتر از هر چیزی است و چون عزیزتر از هر چیزی است، نبی اکرم (ص) و ائمه ما هرچه داشتند در راه او دادند. [465].

تاریخ 1358/4/12

[صفحه 198]

اسلام خیلی فدایی داده است

اسلام خيلي فدايي داده است. پيغمبر اسلام براي اسلام خيلي زحمت كشيده، تمام عمرش در زحمت بوده، تمام عمرش آن وقتي كه در مكه بود زحمتش يك طور بود با آن رنجي و تعبي كه بود و مدت ها در حبس، يعني بيرون بود و نمي توانست اصلا خودش را نشان بدهد. آن وقت هم كه در مدينه آمدند اين جنگهاي زيادي كه با مشركين واقع شد و با خائن ها و با گردن كلفتها و با ثروتمندا تا اينها را بخواهند خاضع كنند براي اسلام. [466].

تاريخ 1358 / 4 / 13

اسلام ميراث گرانبهاي شهداست

اگر به تاريخ صدر اسلام مراجعه كنيد مي بينيد كه فداكاريهايي كه آنها کرده اند و آنقدري كه آنها در مضيقه بودند، در زحمت بودند، حتي در بعضي از جنگها يك خرما را، يك دانه خرما را اين دهانش مي گذاشت همان شيرينش را كه ادراك مي كرد مي داد رفيقش و همين طور، چون كه چيزي نبود در كار و اينها با كمال شهامت و قدرت به اسلام خدمت كردند و اسلام را به ارث پيش ما گذاشتند ما هم موظفيم كه اين ارث بزرگ را حفاظت كنيم و براي آن جانبازي كنيم. آنها كه شهيد شدند به خدمت خودشان و به سعادت خودشان و به اجر خدمت خودشان رسيدند و ماها هم اميد است كه يا پيروز شويم و يا شهيد در راه اسلام. [467].

تاريخ 1358 / 6 / 11

ما بايد مثل مجاهدين صدر اسلام باشيم

ما بر فرض اينكه شكست اقتصادي بخوريم، شكست نظامي بخوريم لكن بايد سرفراز بيرون بيايم يعني بايد

مثل مجاهدین صدر اسلام که می رفتند و مجاهده می کردند و کشته می شدند، ما هم باید همین طور باشیم. [468].

تاریخ 1358/9/24

[صفحه 199]

شعار صدر اسلام: بکشیم یا کشته بشویم پیروزیم

چه بود که شصت نفر آدم، شصت هزار نفر آدم را، شصت هزار نفر آدمی که مجهز به آن جهازها نبودند، شصت هزار آدم را که به آن جهازها مجهز بودند شکست دادند. برای این بود که اینها یافته بودند این مطلب را که ما اگر کشته بشویم به شهادت می رسیم. با این روحیه قوی، که ما بکشیم سعادت مندیم، کشته بشویم هم سعادت مندیم. [469].

تاریخ 1358/9/29

مشقات پیامبر (ص) فوق تحمل ماست

ما از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تبعیت می کنیم، آنها هم تحمل مشاق زیاد کردند. مشقتهایی که برای ما شاید ممکن نیست که تحمل کنیم. اینقدری که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم تحمل مشقت برای خدا کرد، ماها نمی توانیم، لکن ما هم که قطره ای هستیم از این دریای بی پایان، به اندازه یک قطره، یک ذره می توانیم فداکاری کنیم، باید فداکاری کنیم. [470].

تاریخ 1358/10/10

اولیای اسلام در راه هدف شهید شدند

اولیای اسلام که در رأس آنها رسول خداست، آنقدر زحمت کشیدند، تمام مدت عمرش را پیغمبر در زحمت و تعب بوده است و بعد از او همه ائمه ما همین طور بوده اند که یک روز خوش به اصطلاح مادین نداشتند. گرچه همه خوش بودند به

يك راه به اصطلاح عرفا و اسلام شناسها. در هر صورت، اين يك شيوه اي بوده است كه از اول اوليائي اسلام داشتند و در راه هدف خودشان حبس رفته اند و كشته شدند و زجر كشيدند. [471].

تاريخ 1359/6/6

تاريخ ائمه ما مشحون امت از مجاهدات و شهادتها

تاريخ اسلام مشحون بوده است از اين مجاهدتها و شهادتها، از اين خون دادنها و از

[صفحه 200]

اين خرابكاريها به دست فجار. ائمه ما عليهم السلام هم مبتلا بودند به همين امور. [472].

تاريخ 1359/7/21

اسلام اين شهدا را داده است.

اسلام آن است كه آن شهدا را داده است، اسلام آن است كه براي رسيدن به مقصد آنهمه زحمت را نبي اكرمش و اوليائش متحمل شدند. [473].

تاريخ 1359/8/6

اوليا همه چيزشان را در راه هدفشان دادند

مگر ما از پيغمبر بالاتريم، مگر ما از حسين بن علي بالاتر هستيم. آنها هم همه چيزشان را دادند در راه هدفشان. [474].

تاريخ 1359/8/21

پيامبر (ص) در راه اسلام جانفشاني كرد.

ما بايد در اين امور [475] از پيغمبر اكرم و از ائمه هدي كه در طول مدتشان، يا در جنگ بودند با كفار و يا در حبس بودند به دست اشخاصي كه با اسم اسلام آنها را به حبس و زجر مي كشيدند، ما بايد به آنها اقتدا بكنيم و از آنها سرمشق بگيريم كه اسلام عزيز چيزي است كه پيغمبر اكرم

در راه او جانفشانی کرد و ائمه هدی در راه او جانفشانی کردند و یاران پایدار پیغمبر در راه جانفشانی کردند، و ما نیز باید به آنها اقتدا کنیم. [476].

تاریخ 1360 / 1 / 29

هدف پیامبر حفظ اسلام بود.

اسلام از همه چیز عزیزتر است. پیغمبر اسلام و تمام ذریه او و تمام پیروان او، اینها

[صفحه 201]

همه دنبال این بودند که اسلام را نگهش دارند. اسلام امانت خداست. امانتی است از جانب خدا. پیغمبر اسلام مکلف است که این امانت را حفظ کند و از روزی که این امانت را به دست او دادند تا روزی که رحلت فرمودند، در تمام اوقات دنبال همین مقصد بودند و هیچ روزی و هیچ آنی یک سستی نعوذبالله به خودش راه نمی داد. اولیای ما هم همه اینطور بودند. [477].

تاریخ 1360 / 4 / 10

پیامبر و امامان برای استقرار حکومت الله فداکاری کردند.

انقلاب در راه هدف الهی و استقرار حکومت الله همان است که انبیای عظام در راه آن فداکاریها نمودند. پیامبر عظیم الشان اسلام تا آخرین لحظات زندگی پربرکت خود در راه آن با همه توان، فداکاری و ایثار فرمود و امامان بزرگوار اسلام هرچه داشتند نثار آن کردند. [478].

تاریخ 1360 / 5 / 10

علی (ع) برای اسلام شهید شد

امیرالمؤمنین، سلام الله علیه، جان خودش را فدا کرد برای اسلام و شهید شد و اسلام جای خودش بود. [479].

تاریخ 1360 / 6 / 9

فداکاری در طول تاریخ

ملت بزرگ اسلام از محراب مسجد کوفه تا صحرائی افتخارآمیز کربلا و در طول تاریخ پرارزش سرخ تشیع قربانیانی ارزشمند به اسلام عزیز و فی سبیل الله تقدیم نموده و ایران شهادت طلب هم از این پدیده سعادت‌مند مستثنی نیست و انقلاب اسلامی گوش و چشمش پر از این شهیدان حسین گونه است. ملت عزیز ما در روز رستاخیر با سرافرازی در پیشگاه مقدس خدای بزرگ و پیامبران و اولیا عظیم الشان، صفهای طولانی از شهیدان در راه دفاع از حق عرضه می دارد، از علمای اعلام و ائمه جمعه و جماعت تا فداکاران و

[صفحه 202]

سربازان در جبهه های دفاع از حریم مقدس اسلام، پیامبر بزرگ اسلام که بر امم دیگر حتی به سقط، مباحات می کند، مطمئن هستیم به فداکاری این عزیزان جبهه و پشت جبهه و این شهیدان محراب و منبر و در صف جماعات و در داخل مسجدها و بیمارستانها مباحات می فرماید. و چه بهتر و گوارتر که با شهادت این فرزندان اسلام و ذریه طاهره بر افتخارات آن بزرگوار در روز عرض اعمال هرچه بیشتر بیفزاییم. [480].

تاریخ 1360 / 9 / 20

اولیای خدا جان خودشان را فدای اسلام کردند

پیغمبر اسلام از همه کس بیشتر در باب اسلام زحمت کشید و رنج دید. [481].

تاریخ 1360 / 11 / 21

انبیای فدای اسلام شدند

اسلام يك امري است که انبیا که نبی اکرم، که اولاد نبی اکرم و اصحاب متعهد نبی اکرم برای او جانفشانیها کردند و برای او زحمتهای کشیدند. [482].

تاریخ 1361 / 7 / 25

فدا شدن برای اسلام سیره اولیا بوده است

سیره انبیای عظم خصوصاً نبی اکرم و اصحابش در طول تاریخ، فدا شدن در راه اسلام بوده است. [483].

تاریخ 1361 / 9 / 3

در صدر اسلام همه چیز فدای اسلام بود

پیغمبر اسلام هر چه داشت در راه اسلام داد، در تمام عمر آسودگی نداشت این سرور، حسین بن علی سلام الله علیه همه چیزش را فدای اسلام کرد و در صدر اسلام همه چیز فدای اسلام بود. [484].

تاریخ 1361 / 11 / 21

[صفحه 203]

در صدر اسلام خود پیامبر فداکاری کردند

در صدر اسلام خود پیغمبر و ائمه آن طور فداکاری کردند و مسلمین صدر اسلام با آن که عددشان کم بود آن گونه فعالیت کرده و جنگ کردند. [485].

تاریخ 1364 / 1 / 25

ائمه، همگی در راه پیاده کردن قرآن کریم شهید شدند

ائمه معصومین ما صلوات الله و سلامه علیهم در راه تعالی دین اسلام و در راه پیامبر کردن قرآن کریم که تشکیل حکومت عدل یکی از ابعاد آن است در حبس و تبعید به سر برده و عاقبت در راه براندازی حکومت‌های جائرانه و طاغوتیان زمان خود شهید شدند. [486].

تاریخ 1368 / 3 / 15

[صفحه 204]

قیام عاشورا تبلور فرهنگ شهادت

علل و عوامل قیام عاشورا

مقابله با سلطان جائر

سیدالشهداء سلام الله علیه وقتی می بیند که يك حاکم ظالمی، جائری در بین مردم دارد حکومت می کند، تصریح میکند حضرت که

اگر کسی بیند که حاکم جائری در بین مردم حکومت می کند، ظلم به مردم می کند باید مقابلهش بایستد و جلوگیری کند هر قدر که می تواند با چند نفر، با چندین نفر که در مقابل آن لشکر هیچ نبود. [487].

تاریخ 1357/8/3

یزید ملت را استثمار می کرد

یزید هم یک قدرتمند بود یک سلطان بود و - عرض می کنم که - همه بساط سلطنت را یزید داشت، بعد از معاویه او بود دیگر، حضرت سیدالشهداء به چه حجت با سلطان عصرش طرف شد؟ با ظل الله طرف شد؟ «سلطان را نباید دست زد» به چه حجت با سلطان عصرش طرف شد؟ سلطان عصری که شهادتین را می داد و می گفت که من خلیفه پیغمبر هستم. برای اینکه یک آدم تا قاجاق بود، برای اینکه یک آدمی بود که می خواست این ملت را استثمار کند، می خواست بخورد این ملت را، منافع ملت را می خواست

[صفحه 205]

خودش بخورد و اتباعش بخورند. [488].

تاریخ 1357/8/14

یزید حاکم ظالم بود

حضرت سیدالشهدا با یک عد کمی حرکت کردند و مقابل یزید که خوب یک حکومت قلدری بود، یک حکومت مقتدری بود و اظهار اسلام هم می کرد و از قوم و خویشهای خود اینها هم بود، در عین حالی که اظهار اسلام می کرد و حکومتش به خیال خودش حکومت اسلامی بوده، خلیفه ی رسول الله به خیال خودش بود لکن اشکال این بود که یک آدم ظالمی است که بر مقدرات یک مملکت بدون حق تسلط پیدا کرده است. اینکه حضرت ابی عبدالله

عليه السلام نهضت کرد و قیام کرد با عدد کم در مقابل این، برای اینکه گفتند تکلیف من این است که استنکار کنم، نهی از منکر کنم. [489].

تاریخ 1357/9/11

یزید عهد خدا را شکسته است

ایشان در يك وقتي اين مطلب را فرموده اند که وقتي قیام کرده اند و نهضت کرده اند در مقابل یزید، این سلطان جائر، با يك عدد کمی در مقابل يك عده کثیری و در مقابل ابرقدرت که در آن وقت همه مواضع قدرت دستش بوده است، که عذر را از ما ساقط کند که ما بگوئیم که مثلاً ما عددهمان کم بود، ما زورمان کم بود. این را در وقتي ایشان فرموده اند که می خواستند قیام کنند بر ضد سلطان جائر وقتشان، خطاب کردند به مردم و خطبه خواندند و علت قیام است اینکه چرا من در مقابل این آدم قیام کردم برای اینکه این عهد خدا را شکسته است و سنت پیغمبر را مخالفت کرده است و حرمت الله تعالی را نکث کرده است و نقض کرده است و پیغمبر فرموده است هر که ساکت بنشیند و تغییر ندهد این را، جایش جای همان یزید است در جهنم، جایی که یزید دارد، کسی که سکوت کند جایش جای اوست. [490].

[صفحه 206]

حالا ما ببینیم یزید چه کرده است که حضرت سیدالشهدا سلام الله علیه در مقابلش قیام کردند و همچو مطلبی را فرموده اند و برنامه داده اند. حضرت سیدالشهدا مطلبی را که فرموده اند این مال همه است، يك مطلبی است عمومی، «من رأی» هر که ببیند، هر کسی

بيند يك سلطان جائري اينطور اتصاف به اين امور دارد و در مقابلش ساكت بنشينند، نه حرف بزند و نه عملي انجام بدهد، اين آدم جايش جاي همان سلطان جائر است. يزيد يك آدمي بود كه به حسب ظاهر متشبه به اسلام بود و خودش را خليفه ي پيغمبر حساب مي كرد و نماز هم مي خواند، همه اين كارهايي كه ماها مي كنيم آن هم مي كرد، اما چه مي كرد؟ اما از آن طرف معصيت كار بود، مخالفت سنت رسول الله مي كرد. رسول الله سنتش اين است كه بايد با مردم چه جور عمل بكنند، او خلافتش عمل مي كرد، بايد حفظ دماء بشود، دماء مسلمين را مي ريخت، بايد مال مسلمين هدر نرود، او هدر مي داد مال مسلمين را، همان شيوه اي كه پدرش معاويه هم داشت و اميرالمؤمنين هم قيام كرد در مقابل او منتهي حضرت امير لشگر هم داشت ولي سيدالشهدا عدد خيلي كمي در مقابل يك ابرقدرت بود. [491].

تاريخ 1357/9/18

عدالت زير پاي تبهكاران بود

در صدر اسلام پس از رحلت پيغمبر ختمي پايه گذار عدالت و آزادي، مي رفت كه با كجرويهاي بني اميه، اسلام در حلقوم ستمكاران فرورود و عدالت در زير پاي تبهكاران

[صفحه 207]

نابود شود كه سيدالشهدا عليه السلام نهضت عظيم عاشورا را برپا نمود. [492].

تاريخ 1357/10/6

خطر براي وجهه ي اسلام بود

آن روزي كه وجهه ي اسلام بخواهد درش خدشه وارد بشود، آن روز است كه بزرگان اسلام جانشان را دادند براي او. در زمان معاويه و در زمان پسر خلف معاويه مسئله اينطور بود

که چهره ي اسلام را اينها داشتند قبيح مي کردند، به عنوان خليفه المسلمین، به عنوان خليفه رسول الله آن جنایات را مي کردند. مجالسشان، مجالس چه بود. اینجا بود که تکلیف اقتضا مي کرد براي بزرگان اسلام که مبارزه کنند و معارضه کنند و این چهره ي قبيحی که اينها دارند از اسلام نشان مي دهند و اشخاص غافل ممکن است که خیال کنند که اسلام خلافتش همین است که معاویه دارد و یزید دارد، این است که خطر مي اندازد اسلام را و این است که مجاهده برايش باید کرد ولو انسان به کشتن برود. [493].

تاریخ 1358 / 3 / 9

اسلام به صورت سلطنت درآمده بود

خطري که معاویه و یزید بر اسلام داشتند این نبود که غضب خلافت کردند، این يك خطر کمتر از آن بود. خطري که اينها داشتند این بود که اسلام را به صورت سلطنت در مي خواستند بیاورند، مي خواستند معنویت را به صورت طاغوت درآورند، به اسم اینکه ما خليفه ي رسول الله هستیم اسلام را منقلب کنند به يك رژیم طاغوتي. این مهم بود آنقدری که این دو نفر ضرر به اسلام مي خواستند بزنند یا زدند جلوتریها آنطور نزدند. اینها اصل اساس اسلام را وارونه مي خواستند بکنند. سلطنت بود، شرب خمر بود، قمار بود در مجالسشان.

خليفه ي رسول الله و در مجلس شرب خمر! و در مجلس قمار؟! و باز خليفه ي رسول الله نماز هم مي رود جماعت مي خواند. این خطر از براي اسلام خطر بزرگ بود. این خطر را سيدالشهدا رفع کرد. قضیه، قضیه غضب خلافت فقط نبود، قیام سيدالشهدا سلام الله عليه قیام بر ضد سلطنت طاغوتي بود، قیام

سیدالشهدا سلام الله عليه قیام بر ضد سلطنت طاغوتی بود؛ آن سلطنت طاغوتی که اسلام را می خواست به آن رنگ

[صفحه 208]

درآورد که اگر توفیق پیدا می کردند، اسلام یک چیز دیگر می شد، اسلام می شد مثل رژیم دو هزار و پانصد ساله سلطنت. اسلامی که آمده بود و می خواست رژیم سلطنتی را و امثال این رژیمها را به هم بزند و یک سلطنت الهی در دنیا ایجاد کند. می خواست طاغوت را بشکند و الله را جای آن بنشانند، اینها می خواستند که الله را بردارند، طاغوت را جایش بنشانند، همان مسائل جاهلیت و همان مسائل سابق. شکست نبود کشته شدن سیدالشهدا سلام الله عليه چون قیام لله بود قیام لله شکست ندارد. [494].

تاریخ 1358 / 3 / 10

اسلام را وارونه جلوه می دادند

حضرت سیدالشهدا سلام الله عليه دیدند که معاویه و پسرش - خداوند لعنتشان کند - اینها دارند مکتب را از بین می برند، دارند وارونه اسلام را جلوه می دهند، اسلامی که آمده است برای اینکه انسان درست کند، نیامده است قدرت برای خودش درست کند آمده است انسان درست کند. اینها، این پدر و پسر - مثل این پدر و پسر [495] اسلام را وارونه داشتند نشان می دادند شرب خمر می کردند.

امام جماعت هم بودند، مجالسشان لهو لعب بود، همه چیز در آنها بود، دنبالش همه جماعت بود، امام جماعت هم می شدند امام جماعت قمارباز، امام جمعه هم بودند و منبر هم می رفتند و اهل منبر هم بودند، منبر هم می رفتند. به اسم خلافت رسول الله بر ضد رسول الله قیام کرده بودند، فریادشان

لا اله الا الله بود و بر ضد الوهيت قيام کرده بودند. اعمالشان، رفتارشان رفتار شيطاني لکن فریادشان فریاد خلیفه ي رسول الله. [496].

تاریخ 1358 / 4 / 7

به اسم خلیفه رسول الله مثل چنگیز رفتار کردند

رژیم منحط بني امیه مي رفت تا اسلام را رژیم طاغوتي و بنیانگذار اسلام را بر خلاف

[صفحه 209]

آنچه بوده معرفي کند، معاویه و فرزند ستمکارش به اسم خلیفه ي رسول الله با اسلام آن کرد که چنگیز با ایران، و اساس مکتب وحي را تبدیل به رژیم شيطاني نمود. [497].

تاریخ 1358 / 4 / 9

اسلام را آلوده مي کردند

سیدالشهدا چون دید اینها دارند مکتب اسلام را آلوده مي کنند با اسلام خلافت اسلام، خلافتکاري مي کنند و ظلم مي کنند و این منعکس مي شود در دنیا که خلیفه ي رسول الله است دارد این کارها را مي کند، حضرت سیدالشهدا تکلیف برای خودشان دانستند که بروند و کشته هم بشوند و محو کنند آثار معاویه و پسرش را. [498].

تاریخ 1358 / 4 / 13

تبدیل حکومت عدل اسلامي به رژیم شاهنشاهي

مکتبي که مي رفت با کجرويهاي تفاله ي جاهليت و برنامه هاي حسابشده ي احيای ملي گرايي و عرویت با شعار «لا خبر جاء و لا وحي نزل» [499] محو و نابود شود و از حکومت عدل اسلامي يك رژیم شاهنشاهي بسازد و اسلام و وحي را به انزوا کشاند که ناگهان شخصیت عظیمي که از عصاره وحي الهی تغذیه و در خاندان سید رسل محمد مصطفی و سید اولیا علی مرتضی تربیت و در دامن صدیقه

طاهره بزرگ شده بود قیام کرد و با فداکاری بی نظیر و نهضت الهی خود، واقعه بزرگی را به وجود آورد. [500].

تاریخ 1359 / 3 / 26

[صفحه 210]

زنده کردن تعصب عربی جاهلیت

آنها (بنی امیه) می خواستند اصل اسلام را ببرند و یک مملکت عربی درست کنند و این کار (سیدالشهدا) اسباب این شد که عرب و عجم و همه، همه مسلمین توجه پیدا کردند که نه، قضیه، قضیه عربیت و فارسیت و اینها نیست، قضیه خدا و اسلام است. [501].

تاریخ 1359 / 8 / 14

هدر دادن زحمات پیامبر اسلام

حکومت جائزانه یزیدیان می رفت تا قلم سرخ بر چهره ی نورانی اسلام کشد و زحمات طاقت فرسای پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان صدر اسلام و خون شهدای فداکار را به طاق نسیان سپارد و به هدر دهد. [502].

تاریخ 1361 / 3 / 6

نابود کردن اسلام

بنی امیه قصد داشتند که اسلام را از بین ببرند. [503].

تاریخ 1362 / 2 / 26

ولایتعهدی و سلطنت به نام اسلام

سلطنت و ولایتعهدی همان طرز حکومت شوم و باطلی است که حضرت سیدالشهدا (ع) برای جلوگیری از برقراری آن قیام فرمود و شهید شد. برای این که زیر بار ولایتعهدی یزید نرود و سلطنت او را به رسمیت نشناسد قیام فرمود و همه مسلمانان را به قیام دعوت کرد. اینها از اسلام نیست. اسلام سلطنت و ولایتعهدی ندارد. [504].

اهداف قیام عاشورا

براندازی حکومت فاسد اموی

امام حسین (ع)

نیروی چندانی نداشت و قیام کرد. او هم اگر نعوذ بالله تبیل می بود

[صفحه 211]

می توانست بنشیند و بگوید تکلیف شرعی من نیست که قیام کنم. دربار اموی خیلی خوشحال می شد که سیدالشهدا بنشیند و حرف نزنند و آنها بر خر مراد سوار باشند اما او مسلم بن عقیل را فرستاد تا مردم را دعوت کند به بیعت تا حکومت اسلامی تشکیل دهد و این حکومت فاسد را از بین ببرد. اگر او هم در مدینه سرجایش می نشست و وقتی آن مردك آمد و بیعت خواست نعوذ بالله می گفت: بسیار خوب! خوشحال می شدند و دستش را هم می بوسیدند. [505].

تاریخ 1350 / 3 / 6

اصلاح امت پیامبر

لکن (برای سیدالشهدا سلام الله علیه) تکلیف بود آنجا که باید قیام بکند و خودش را بدهد تا اینکه این ملت را اصلاح کند، تا اینکه این علم یزید را بخواباند و همین طور هم کرد و تمام شد. خودش را داد و خون پسرهایش را داد و اولادش را داد و همه چیزهای خودش را داد برای اسلام. [506].

تاریخ 1358 / 8 / 3

قیام علیه رژیم ظلم

حضرت سیدالشهدا قیام کردند بر ضد یزید و شاید همانطور هم بود که خوب، اطمینان به این بود که موفق به اینکه یزید را از سلطنت بیندازند نشوند، این اخبارش هم اینطور است که ایشان مطلع بودند بر این مطلب [507]، در عین حال برای همین معنی که بر ضد يك رژیم ظالم قیام کنند ولو اینکه کشته بشوند، قیام کردند و کشته

خودشان هم کشته شدند. [508].

تاریخ 1357/8/27

رسوا کردن قدرت ناحق

او (سیدالشهدا سلام الله علیه) تکلیف می دید برای خودش که باید او با این قدرت مقاومت کند و کشته بشود تا به هم بخورد این اوضاع، تا رسوا بکنند این قدرت را با فداکاری خودش و این عده ای که همراه خودش بود. او دید که يك حکومت جائري است که بر مقدرات مملکت او سلطه پیدا کرده است، تکلیف خودش را، تکلیف الهی خودش را تشخیص داد که باید نهضت کند و راه بیفتد برود و مخالفت بکند و اظهار مخالفت و استتکار کند هرچه خواهد شد. در عین حالی که به حسب قواعد معلوم بود که يك عدد اینقدری نمی تواند با آن عده ای که آنها دارند مقابله کند بلکه تکلیف بود. [509].

تاریخ 1357/9/11

اطاعت از خدا

پیغمبر (ص) در بعضی از جنگها شکست خورد در بعضی جنگها. حضرت امیر در جنگ با معاویه شکست خورد. حضرت سیدالشهدا را کشتند اما [کشته شدن] اطاعت خدا بود، برای خدا بود، تمام حیثیت برای او بود از این جهت هیچ شکستی در کار نبود، اطاعت کرد. [510].

تاریخ 1357/9/11

جلوگیری از نابودی مکتب

سیدالشهدا دیدند که مکتب دارد از بین می رود. قضیه قیام سیدالشهدا و قیام امیرالمؤمنین در مقابل معاویه، قیام انبیا در مقابل قدرتمندان و کفار، مسئله این نیست که بخواهند يك مملکت بگیرند، همه عالم پیش آنها هیچ

است. مکتب آنها این نیست که، مقصد آنها این نیست که کشورگشایی بکنند. [511].

تاریخ 1358 / 4 / 7

[صفحه 213]

دفاع از اسلام

سیدالشهدا برای اسلام خودش را به کشتن داد. [512].

تاریخ 1358 / 4 / 15

زنده کردن اسلام

سیدالشهدا هم کشته شد، نه اینکه رفتند يك ثوابی ببرند. ثواب برای او خیلی مطرح نبود، آنطور رفت که این مکتب را نجاتش بدهد، اسلام را پیشرفت بدهد، اسلام را زنده کند. [513].

تاریخ 1358 / 4 / 17

عقیده به مکتب

اینکه سیدالشهدا را کشانند به آنجا، مکتب بود که کشانند به آنجا،... عقیده بود که کشانند به آنجا و همه چیزش را داد در مقابل عقیده، در مقابل ایمان، و کشته شد و شکست داد، طرف را شکست داد. [514].

تاریخ 1358 / 7 / 2

مخالفت با ظلم

سیدالشهدا سلام الله علیه تمام [اصحاب] خودشان را، همه جوانان خودش را، همه مال و منال، هرچه بود، هرچه داشت - مال و منال که نداشت - هرچه داشت، جوان داشت، اصحاب داشت، در راه خدا داد و برای تقویت اسلام، مخالفت با ظلم، قیام کرد، مخالف با امپراطوری آن روز که امپراطوریهای اینجا زیادتر بود. [515].

تاریخ 1358 / 7 / 30

اصلاح جامعه

تمام انبیا برای اصلاح جامعه آمده اند، تمام. و همه ی آنها این مسئله را داشتند که فرد باید فدای جامعه بشود. فرد هرچه بزرگ باشد، بالاترین فرد که ارزشش بیشتر از هر چیز

است در دنیا، وقتی که با مصالح جامعه، معارضه کرد این فرد باید فدا بشود. سیدالشهدا روی همین میزان آمد، رفت و خودش و اصحاب و انصار خودش را فدا کرد، که فرد باید فدای جامعه بشود، جامعه باید اصلاح بشود. «لیقوم الناس بالقسط» [516] باید عدالت در بین مردم و در بین جامعه تحقق پیدا بکند. [517].

تاریخ 1360 / 6 / 18

اقامه ی عدل الهی

برای این بود شهادتش، برای این بود که اقامه بشود عدل الهی، اقامه بشود خانه ی خدا، محفوظ باشد خانه ی خدا. [518].

تاریخ 1366 / 6 / 1

برپائی حکومت عدل

زندگی سیدالشهدا، زندگی حضرت صاحب سلام الله علیه، زندگی همه ی انبیای عالم، همه ی انبیا از اول، از آدم تا حالا همه شان این معنا بوده است که در مقابل جور، حکومت عدل را می خواستند درست کنند. [519].

تاریخ 1366 / 12 / 30

از بین بردن حکومت جور

سیدالشهدا سلام الله علیه از همان روز اول که قیام کردند برای این امر، انگیزه شان اقامه ی عدل بود فرمودند که می بینید که معروف عمل بهش نمی شود و منکر بهش عمل

می شود. [520] انگیزه این است که معروف را اقامه و منکر را از بین ببرد، انحرافات همه از منکرات است، جز خط مستقیم توحید هرچه هست منکرات است، اینها باید از بین برود و ما که تابع حضرت سیدالشهدا هستیم باید ببینیم که ایشان چه وضعی در زندگی داشت، قیامش، انگیزه اش نهی از منکر بود

که هر منکری باید از بین برود. من جمله قضیه ی حکومت جور، حکومت جور باید از بین برود. [521].

تاریخ 1366 / 12 / 30

تشکیل حکومت عدل

سیدالشهدا سلام الله علیه که همه ی عمرش را و همه ی زندگیش را برای رفع منکر و جلوگیری از حکومت ظلم و جلوگیری از مفاسدی که حکومتها در دنیا ایجاد کردند، تمام عمرش را صرف این کرد و تمام زندگیش را صرف این کرد که این حکومت، حکومت جور بسته بشود و از بین برود؛ معروف در کار باشد، منکرات از بین بروند...

سیدالشهدا سلام الله علیه تمام حیثیت خودش، جان خودش را و بچه هایش را، همه چیز را در صورتی که می دانست قضیه این طور می شود، کسی که فرمایشات ایشان را از وقتی که از مدینه بیرون آمدند و به مکه آمدند و از مکه آمدند بیرون حرفهای ایشان را می شنود همه را، می بیند که ایشان متوجه بوده است که چه دارد می کند، این جور نبود که آمده است ببیند که بلکه آمده بود حکومت هم می خواست بگیرد، اصلاً برای این معنا

[صفحه 216]

آمده بود و این يك فخری است و آنهایی که خیال می کنند که حضرت سیدالشهدا برای حکومت نیامده خیر؛ اینها برای حکومت آمدند، برای این که باید حکومت دست مثل سیدالشهدا باشد، مثل کسانی که شیعه ی سیدالشهدا هستند باشد. [522].

تاریخ 1366 / 12 / 30

تأمین آینده اسلام

آن حضرت در فکر آینده ی اسلام و مسلمین بود، به خاطر اینکه اسلام در آینده و در نتیجه ی جهاد مقدس

وفداکاري او در میان انسانها نشر پیدا کند و نظام سیاسي و نظام اجتماعي آن در جامعه ما برقرار شود مخالفت نمود مبارزه کرد و فداکاري کرد. [523].

انتخاب آگاهانه شهداي کربلا

چرا بترسیم؟

حضرت علي بن الحسين سلام الله عليه در آن بحبوحه کذايي که بود راجع به اینکه همه اصلا مقدر است که باید کشته بشوید، اینطور نقل مي کنند، اهل منبر که عرض کرد به امام عليه السلام که «اولسنا علي الحق» ما بحق نیستیم؟ فرمود چرا، گفت پس چرا بترسیم از مردن «فاذا لانبالي بالموت» وقتي ما بحقیم. [524]. [525].

تاریخ 1358 / 6 / 12

جنگ برای اقامه ي نماز

سیدالشهدا در همان ظهر عاشورا که جنگ بود و آن جنگ بزرگ بود و همه در معرض خطر بودند وقتي یکی از اصحاب گفت که ظهر شده است فرمود که یاد من آوردید نماز را و خدا تو را از نمازگزاران حساب کند و ایستاد در همان جا نماز خواند. نگفت که ما

[صفحه 217]

مي خواهیم جنگ بکنیم، خیر، جنگ را برای نماز کردند. [526]. [527].

تاریخ 1359 / 3 / 14

مسابقه شهادت

هرچه روز عاشورا سیدالشهدا سلام الله عليه به شهادت نزدیکتر مي شد فروخته تر مي شد و جوانان او مسابقه مي کردند برای اینکه شهید بشوند، همه هم مي دانستند که بعد از چند ساعت دیگر شهیدند. مسابقه مي کردند آنها، برای اینکه آنها مي فهمیدند کجا مي روند، آنها مي فهمیدند برای چه آمدند، آگاه بودند که ما آمدیم ادای وظیفه ي خدایي را بکنیم، آمدیم اسلام را حفظ بکنیم. [528].

تاریخ 1360 / 4 / 10

هر شهیدی امام را مصمم تر می کرد

جوانان رزمنده و شجاع ارتش و سپاه و سایر قوای مسلح پیروان شهید جاویدی هستند که تاریخ می گوید هر یک از جوانان و یاران او که به شهادت می رسیدند رخسار مبارکش افروخته تر و آثار شجاعت و تصمیم در او بارزتر می گردید. [529].

تاریخ 1360 / 7 / 8

هر چه به شهادت نزدیک می شد برافروخته تر می شد

می بینید که در بعض روایت هست که حسین بن علی سلام الله علیه هر چه به ظهر

[صفحه 218]

عاشورا نزدیکتر می شد افروخته روتر می شد، رویش افروخته تر می شد. [530].

برای اینکه می دید که جهاد در راه خداست و برای خداست و چون جهاد برای خداست، عزیزانی که از دست می دهد از دست نداده است، اینها ذخایری هستند برای عالم بقا. [531].

تاریخ 1362 / 2 / 4

هر شهیدی او را به مقصود نزدیکتر می کرد

رضای خدا را در نظر داشته باشید و خودتان را بنده خدا بدانید که هر طور پیش بیاورد آنطور را راضی هستید، همانطوری که بندگان خالص خدا، اولیای معظم خدا اینطور بودند هر چه برای سیدالشهدا (به حسب روایت) نزدیک می شد ظهر عاشورا و جوانهایش یکی یکی از بین می رفتند افروخته تر می شد برای اینکه می دید روی مقصد دارد می رود. [532].

تاریخ 1363 / 3 / 9

مرتبه ای است در بهشت، نمی رسی مگر به شهادت

در خبر شهادت سیدالشهدا - علیه السلام - وارد است که حضرت رسول خدا - صلی الله علیه و آله - در

خواب دید. حضرت فرمود به آن مظلوم که از برای تو درجه ای است در بهشت. نمی رسی به آن مگر به شهادت. [533]. [534].

[صفحه 219]

نتایج و آثار قیام ابا عبدالله

نتایج اسلام و عدالت

سیدالشهداء علیه السلام هضت عظیم عاشورا را برپا نمود و با فداکاری و خون خود و عزیزان خود، اسلام و عدالت را نجات داد و دستگاه بنی امیه را محکوم و پایه های آن را فروریخت. [535].

تاریخ 57 / 10 / 6

بنی امیه را شکست

سیدالشهداء (سلام الله علیه) کشته شد شکست نخورد، لکن بنی امیه را همچو شکست که تا آخر نتوانستند دیگر کاری بکنند، همچو این خون، آن شمشیرها را عقب زد که تا الان هم که ملاحظه می کنید باز پیروزی با سیدالشهداست و شکست با یزید و اتباع اوست. [536].

تاریخ 57 / 11 / 9

سلطنت یزید را شکست

سیدالشهداء سلام الله علیه با چند نفر از اصحاب، چند نفر از ارحامشان، از مخدراتشان قیام کردند. چون قیام لله بود اساس سلطنت آن خبیث را به هم شکستند در

[صفحه 220]

صورت، ایشان کشته شدند لکن اساس سلطنت را شکستند. اساس سلطنتی که می خواست اسلام به صورت سلطنت طاغوتی درآورد. [537].

تاریخ 58 / 3 / 10

اسلام را احیا کردند

اسلام همچو عزیز است که فرزندان پیغمبر جان خودشان را فدای اسلام کردند. حضرت سیدالشهداء (سلام الله علیه) با آن جوانها، با آن اصحاب برای اسلام جنگیدند و جان دادند و اسلام را احیا کردند. [538].

تاریخ

مکتب را زنده کرد

ائمه ي اطهار اکثرا يا کشته شدند يا چه شدند، لکن مکتبشان محفوظ بود. سیدالشهدا کشته شد، مکتبش محفوظ بود، بلکه مکتب را زنده کرد، با این کشته شدن مکتب را زنده کرد. [539].

تاریخ 58 / 4 / 7

ممانعت از معرفي وارونه اسلام

اگر فداکاري پاسداران عظیم الشان اسلام و شهادت جوانمردانه پاسداران و اصحاب فداکار او نبود، اسلام در خفقان رژیم بني امیه و رژیم ظالمانه آن وارونه معرفي مي شد و زحمات نبی اکرم (ص) و اصحاب فداکارش به هدر مي رفت. [540].

تاریخ 58 / 4 / 9

پیشبرد مکتب

چنانچه اولیای حق هم بسیارشان مغلوب شدند لکن مکتب محفوظ ماند. سیدالشهداء سلام الله علیه با همه اصحاب و عشیره اش قتل عام شدند لکن مکتب شان را

[صفحه 221]

جلو بردند. شکست در مکتب نبود پیشروی بود، یعنی بني امیه را تا ابد شکست داد، قتل سیدالشهدا یعنی این اسلامی که بني امیه مي خواست بد نمایش بدهد و با ادعای خلافت برخلاف موازین انسانی عمل بکند آن را سیدالشهدا سلام الله علیه با نثار خون خودشان آن رژیم را، رژیم فاسد را شکست داد و خود مقتول شد. [541].

تاریخ 58 / 4 / 12

رژیم بني امیه را دفن کرد

شهادت حضرت سیدالشهدا مکتب را زنده کرد. خودش شهید، مکتب اسلام زنده شد و رژیم طاغوتی معاویه و پسرش را دفن کرد... شهادت سیدالشهدا چیزی نبود که برای اسلام ضرر داشته باشد. نفع داشت برای اسلام، اسلام را زنده کرد. [542]

تاریخ 58 / 4 / 13

باطل کردن نقشه دشمن

مبارزه حضرت سیدالشهدا سلام الله علیه با دولت وقت که دولت طاغوتی بود شهادت سیدالشهدا به اسلام هیچ لطمه ای وارد نیاورد، اسلام را جلو برد. اگر نبود شهادت ایشان، معاویه و پسرش اسلام را يك جور دیگری در دنیا جلوه داده بودند به اسلام خلیفه رسول الله، با رفتن در مسجد، اقامه جمعه و امام جمعه بودن، اقامه جماعت و امام جماعت بودن. اسم، اسم خلافت رسول الله و حکومت، حکومت اسلام لکن محتوا برخلاف. نه حکومت، حکومت اسلامی بود به حسب محتوا و نه حاکم حاکم اسلامی. سیدالشهدا سلام الله علیه این نقشی که اینها داشتند برای برگرداندن اسلام به جاهلیت و نمایش دادن اسلام را به اینکه این هم نظیر همان چیزهای سابق است آن را باطل کرد. [543].

تاریخ 58 / 4 / 15

[صفحه 222]

نجات اسلام

اگر سیدالشهدا نبود این رژیم طاغوتی را اینها تقویت می کردند به جاهلیت برمی گردانند. اگر حالا من و تو هم مسلم بودیم مسلم طاغوتی بودیم، نه مسلم امام حسینی، امام حسین نجات داد اسلام را. [544].

تاریخ 58 / 4 / 17

پیروزی واقعی

اولیای خدا هم شکست می خوردند. حضرت امیر در جنگ معاویه شکست خورد، اینکه حرف ندارد، شکست خورد امام حسین سلام الله علیه هم در جنگ با یزید شکست خورد و کشته شد اما به حسب واقع پیروز شدند آنها، شکست ظاهری و پیروز واقعی بود. [545].

تاریخ 58 / 6 / 12

استمرار

اسلام را تا حالایی که شما می بینید، اینجا ما نشسته ایم سیدالشهدا زنده نگه داشته است. [546].

تاریخ 58 / 7 / 30

اسلام را بیمه کرد

سیدالشهدا سلام الله علیه مذهب را بیمه کرد. با عمل خودش اسلام را بیمه کرد. [547].

تاریخ 58 / 8 / 29

بیرق یزید را افکند

کسی که برای فداکار می کند شکست در آن نیست ولو کشته بشوی، شکست نداریم. حضرت سیدالشهدا هم کشته شد لکن شکست خورد؟ الان بیرق او بلند است و یزیدی

[صفحه 223]

تو کار نیست. [548].

تاریخ 58 / 10 / 9

یزیدیان دفن شدند

حضرت سیدالشهدا هم شکست خورد، اما پیروزی نهایی را داشتند، مکتبشان شکست نخورد با کشته دادن، دشمنشان را عقب زدند، بساط معاویه را که می خواست اسلام را به صورت یک امپراطوری در آورد، برگرداند به زمان جاهلیت و آن اوضاع جاهلیت، شکستش دادند. یزید و اتباع دفن شدند تا ابد، و لعن مردم بر آنهاست تا ابد، لعن خدا هم بر آنهاست و آنها خودشان محفوظ بودند [549].

تاریخ 58 / 10 / 10

کاخ ستمکاران را فروریخت

شخصیت عظیمی که از عصاره وحی الهی تغذیه و در خاندان سید رسل، محمد مصطفی و سید اولیا، علی مرتضی تربیت و در دامن صدیقه طاهره بزرگ شده بود قیام کرد و با فداکاری بی نظیر و نهضت الهی خود، واقعه بزرگی را به وجود آورد که کاخ ستمکاران را فروریخت و مکتب اسلام را نجات بخشید. [550].

تاریخ 59 / 3 / 26

برکات شهادت امام حسین (ع)

«انا من حسین» که روایت شده است که پیغمبر فرموده است. [551] این معنایش، معنا این است که حسین مال من است و من هم از او زنده می شوم، از او شده است. اینهمه برکات

[صفحه 224]

از شهادت ایشان است. با اینکه دشمن می خواست آثار را از بین ببرد، آنها در صدد بودند که اصلاً بنی هاشمی در کار نباشد. «لعبت هاشم بالکذا» [552] این حرف بود آنها می خواستند اصل اسلام را ببرند و یک مملکت عربی درست کنند. [553].

تاریخ 59 / 8 / 14

سفینیان را از صحنه تاریخ راند

شهادت سید مظلومان و هواخواهان قرآن در عاشورا - سرآغاز زندگی جاوید اسلام و حیات ابدی قرآن کریم بود، آن شهادت مظلومانه و اسارت آل الله، تخت و تاج یزیدیان را که با اسم اسلام، اساس وحی را به خیال خام خود می خواستند محو کنند، برای همیشه به باد فنا سپرد و آن جریان، سفینیان را از صحنه تاریخ به کنار زد. [554].

تاریخ 60 / 3 / 15

قرآن و وحی را جاوید ساخت

اگر عاشورا و فداکاری خاندان پیامبر نبود، بعثت و زحمات جانفرسای نبی اکرم را طاغوتیان آن زمان به نابودی کشانده بودند و (اگر عاشورا نبود منطق جاهلیت ابوسفینیان که می خواستند قلم سرخ بر وحی و کتاب بکشند و یزید یادگار عصر تاریک بت پرستی که به گمان خود با کشتن و به شهادت کشیدن فرزندان وحی امید داشت اساس اسلام را برچیند و

با صراحت و اعلام «لا خبر جاء ولا وحي نزل» بنیاد حکومت الهی را برکنند، نمی دانستیم به سرقرآن کریم و اسلام عزیز چه می آمد) لکن اراده خداوند متعال بر آن بوده و هست که اسلام رهایی بخش و قرآن هدایت افروز را جاوید نگه دارد و با خون

[صفحه 225]

شهیدانی چون فرزندان وحی، احیا و پشتیبانی فرماید و از آسیب دهر نگه دارد و حسین بن علی آن عصاره نبوت و یادگار ولایت را برانگیزد، تا جان خود و عزیزانش را فدای عقیده خویش و امت معظم پیامبر اکرم نماید تا در امتداد تاریخ، خون پاک او بجوشد و دین خدا را آبیاری فرماید و از وحی و از ره آوردهای آن پاسداری نماید. [555].

تاریخ 60/3/16

با شهادت حسین (ع) اسلام نوین شد

امام حسین سلام الله علیه خود و تمام فرزندان و اقربای خودش را فدا کرد و پس از شهادت او اسلام قویتر شد. [556].

تاریخ 60/6/9

بنی امیه را رسوا کرد

سیدالشهدا بحق بود و با عده قلیلی مقابله کرد و در عین حالی که به شهادت رسید و فرزندان او هم به شهادت رسیدند، لکن اسلام را زنده کرد و یزید و بنی امیه را رسوا کرد. [557].

تاریخ 60/12/18

گور یزیدیان کنده شد

آن روز یزیدیان با دست جنایتکاران گور خود را کردند و تا ابد هلاکت خویش و رژیم ستمگر جنایتکار خویش را به ثبت رساندند، و در

15 خرداد

42 پهلویان و هواداران و سردمداران جنایتکارشان را با دست ستم شاهی خود گور خود را کردند و سقوط و ننگ ابدی را برای خویش بجا گذاشتند که ملت عظیم الشان ایران بحمدالله تعالی با قدرت و پیروزی بر گور آتشبار آنان لعنت می فرستد. [558].

تاریخ 61 / 3 / 15

[صفحه 226]

اسلام را وارونه نشان دادند

اگر نبود این نهضت، نهضت حسین علیه السلام، یزید و اتباع یزید اسلام را وارونه به مردم نشان می دادند و از اول، اینها اعتقاد به اسلام نداشتند و نسبت به اولیای اسلام حقد و حسد داشتند. سیدالشهدا با این فداکاری که کرد علاوه بر اینکه آنها را به شکست رساند. اندکی که گذشت مردم متوجه شدند که چه غائله ای و چه مصیبتی وارد شد و همین مصیبت موجب به هم خوردن اوضاع بنی امیه شد. [559].

تاریخ 61 / 7 / 25

تدارک نهضت‌های حق طلبانه در اسلام

اگر قیام حضرت سیدالشهدا سلام الله علیه نبود، امروز هم ما نمی توانستیم پیروز شویم. [560].

تاریخ 61 / 7 / 25

حرکت سیاسی امام حسین (ع)

وقتی که حضرت سیدالشهدا سلام الله علیه آمد مکه و از مکه در آن حال بیرون رفت، یک حرکت سیاسی بزرگی بود که در یک وقتی که همه مردم دارند به مکه می روند، ایشان از مکه خارج بشود. این یک حرکت سیاسی بود تمام حرکاتش، حرکات سیاسی بود، اسلامی - سیاسی و این حرکت اسلامی - سیاسی بود که بنی امیه را از بین برد و اگر این حرکت نبود، اسلام پایمال

شده بود. [561].

تاریخ 13/7/62

قیام عاشورا اسوه آزادگان

مصائب ما در مقایسه با حوادث عاشورا چیزی نیست

ناراحت و نگران نشوید، مضطرب نگردید، ترس و هراس را از خود دور کنید، شما

[صفحه 227]

پیرو پیشوایانی هستید که در برابر مصائب و فجایع صبر و استقامت کردند که آنچه ما امروز می بینیم نسبت به آن چیزی نیست. پیشوایان بزرگوار ما، حوادثی چون روز عاشورا و شب یازدهم محرم را پشت سر گذاشته اند و در راه دین خدا یک چنان مصائبی را تحمل کرده اند. شما امروز چه می گوئید؟ از چه می ترسید؟ برای چه مضطربید؟ عیب است برای کسانی که ادعای پیروی از حضرت امیر (ع) و امام حسین (ع) را دارند در برابر این نوع اعمال رسوا و فضاحت آمیز دستگاه حاکمه خود را بیازند. [562].

تاریخ فروردین 42

نهضت ما به پیروزی نهضت حسینی بود

نهضت دوازده محرم و پانزده خرداد در مقابل کاخ ظلم شاه و اجانب به پیروی از نهضت مقدس حسینی چنان سازنده و کوبنده بود که مردانی مجاهد و فداکار تحویل جامعه داد که با تحرك و فداکاری روزگار را بر ستمکاران و خائنان سیاه نمودند و ملت بزرگ را چنان هشیار و متحرك و پیوسته کرد که خواب را از چشم بیگانه و بیگانه پرستان ربود و حوزه های علمیه و دانشگاه و بازارها را به صورت دژ مدافع از عدالتخواهی و از اسلام و مذهب مقدس درآورد. [563].

تاریخ 2/11/56

مگر خون ما رنگین تر از خون سیدالشهداء است

سیدالشهداء سلام

الله عليه وقتي مي بيند که يك حاکم ظالمي، جائري در بين مردم دارد حکومت مي کند، تصريح مي کند حضرت که اگر کسی بيند که حاکم جائري در بين مردم حکومت مي کند، ظلم دارد به مردم مي کند بايد مقابلش بايستد و جلوگیری کند هر قدر که مي تواند با چند نفر با چندین نفر... مگر خون ما رنگین تر از خون سيدالشهدا است؟ ما چرا بترسيم از اینکه خون بدهيم يا اینکه جان مي دهيم؟ آن هم در ماجرای دفع سلطان جائري که مي گفت مسلمانم. مسلماني يزید هم مثل مسلماني شاه بود، اگر بهتر نبود بدتر نبود، لکن چون با ملت اينطور مي کرد و مردی بود متعدي و ظالم و ملت را

[صفحه 228]

مي خواست زیر بار اطاعت خودش بي جهت ببرد، سيدالشهدا لازم دید که سلطان جائر را سراغش برود ولو اینکه جان بدهد. [564].

تاریخ 57/8/3

امام حسين (ع) قيام عليه حکومت جابرانه را به ما آموخت

[سيدالشهدا] امام مسلمين به ما آموخت که در حالي که ستمگر زمان بر مسلمين حکومت جابرانه مي کند، در مقابل او اگرچه قوای شما ناهماهنگ باشد بپا خيزيد و استتکار کنید، اگر کيان اسلام را در خطرديدید، فداکاری کنید و خون نثار نماييد. [565].

تاریخ 57/9/1

مسئله ما همان است که سيدالشهدا بر سر آن جان فدا کرد

امروز مطلب مهم است، از مهماتي است که جان بايد پایش داد. همان مهمي است که سيدالشهدا جانش را داد براييش، همان مهمي است که پيغمبر اسلام بيست و سه سال زحمت براييش کشيد،

همان مهمي است که حضرت امير سلام الله عليه هجده ماه با معاويه جنگ کرد، در صورتي که معاويه دعوي اسلام مي کرد و چه و چه، جنگش چه بود؟ براي اينکه يك سلطان جائر بود براي اينکه يك دستگاہ جائر بود، بايد به زمينش بزند. آنقدر از اصحاب بزرگوارش را به کشتن داد، آنقدر از اينها را هم کشت، براي چه؟ براي اينکه اقامه بحق بکند، اقامه عدل بکند. [566].

تاريخ 57 / 11 / 13

ما که از سيدالشهدا بالاتر نيستيم

ما که از سيدالشهدا بالاتر نيستيم، آن وظيفه اش را عمل کرد، کشته هم شد! ما هم وظيفه مان را عمل مي کنيم. [567].

تاريخ 58 / 1 / 29

[صفحه 229]

شعار کل يوم عاشورا سرمشق امت ماست

خاطره تلخ 17 شهريور 57 و خاطره تلخ روزهاي بزرگي که بر امت گذشت، ميوه شيرين سرنگوني کاخهاي استبداد و استکبار و جايگزيني پرچم جمهوري عدل اسلامي را به بار آورد. مگر نه آن است که دستور آموزنده «کل يوم عاشورا و کل ارض کربلا» بايد سرمشق امت اسلامي باشد. قيام همگاني در هر روز و در هر سرزمين عاشورا قيام عدالتخواهان با عددي قليل و ايماني عشقي بزرگ در مقابل ستمگران کاخ نشين مستکبران غارتگر بود، و دستور آن است که اين برنامه سرلوحه زندگي امت در هر روز و در هر سرزمين باشد، روزهايي که بر ما گذشت عاشوراي مکرر بود و ميدانها و خيابانها و کوي و برزنهائي که خون فرزندان اسلام در آن ريخت، کربلايي مکرر و اين دستور آموزنده تکليفي است

و مژده اي؛ تکلیف از آن جهت که مستضعفان اگرچه با عده اي قلیل علیه مستکبران، گرچه با ساز و برگ مجهز و قدرت شیطاني عظیم، مأمورند چونان سرور شهیدان قیام کنند. و مژده که شهیدان ما را در شمار شهیدان کربلا قرار داده است، و مژده که شهادت رمز پیروزي است. 17 شهریور مکرر عاشورا و میدان شهدا مکرر کربلا و شهداي ما مکرر شهداي کربلا و مخالفان ملت ما مکرر یزید و وابستگان او هستند. کربلا کاخ ستمگري را با خون در هم کوبید کربلاي ما کاخ سلطنت شیطاني را فروریخت. اکنون وقت آن است که ما وارثان این خونها هستیم و بازماندگان جوانان و شهداي به خون خفته هستیم از پای ننشینیم تا فداکاري آنان را به ثمر برسانیم و با اراه مصمم و مشت محکم بقایاي رژیم ستمکار و توطئه گران جیره خوار شرق و غرب را در زیر پای شهداي فضیلت دفن کنیم. [568].

تاریخ 58/6/17

همه سرزمینها کربلاست

این کلمه «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» یک کلمه بزرگي است که اشتباهي از او مي فهمند، آنها خیال مي کنند که - یعنی آنها خیال مي کنند که - یعنی هر روز باید گریه کرد لکن این محتوایش غیر از این است کربلا چه کرد، ارض کربلا در روز عاشورا چه نقشي را

[صفحه 230]

بازی کرد، همه زمینها باید اینطور باشد، نقش کربلا این بود که سیدالشهدا سلام الله علیه با چند جنگ کرد، عدد معدود آمدند کربلا و ایستادند در مقابل ظلم یزید و در مقابل دولت جبار، در مقابل

امپراطور زمان ايستادند و فداكاري كردند و كشته شدند، ولكن ظلم را قبول نكردند و شكست دادند يزد را. همه جا بايد اينطور باشد و همه روز هم بايد اينطور باشد، همه روز بايد ملت ما اين معنا را داشته باشد كه امروز روز عاشورا است و ما بايد مقابل ظلم بايستيم همين جا هم كربلاست و بايد نقش كربلا- را ما پياده كنيم، انحصار به يك زمين ندارد، انحصار به يك افراد، نمي شود، قضيه كربلا منحصر جمعيت هفتاد و چند نفري و يك زمين كربلا نبوده، همه زمينها بايد اين نقش را ايفا كنند و همه روزها، غفلت نكنند ملتها از اينكه بايد هميشه مقابل ظلم بايستند. [569].

تاريخ 57/7/4

نه گفتن در مقابل امپراطوري ظالمانه بايد محفوظ بماند

دستور است اين، دستور عمل امام حسين سلام الله عليه، دستور است براي همه: «كل يوم عاشورا و كل ارض كربلا» دستور است به اينكه هر روز و در هر جا بايد همان نهضت را ادامه بدهيد، همان برنامه را، امام حسين با عده ي كم همه چيزش را فدائي اسلام كرد، مقابل يك امپراطوري بزرگ ايستاد و گفت هر روز بايد در هر جا اين «نه» محفوظ بماند. [570].

تاريخ 58/7/30

شهادت طلبان ما خاطره شب عاشورا را زنده مي كنند

اكنون ملت ما دريافته اند است كه «كل يوم عاشورا و كل ارض كربلا». مجالس حال و دعائي اينان شب عاشوراهاي اصحاب سيدالشهدا را در دل زنده مي كند. [571].

تاريخ 61/1/10

[صفحه

اگر عاشورا نبود نهضت 15 خرداد هم نبود

ملت عظیم الشان در سالروز شوم این فاجعه [572] انفجار آمیزی که مصادف با پانزده خرداد 42 بود با الهام از عاشورا آن قیام کوبنده را به بار آورد، اگر عاشورا و گرمی و شور انفجاری آن نبود، معلوم نبود چنین قیامی بدون سابقه و سازماندهی واقع می شد. واقعه عظیم عاشورا از 61 هجری تا خرداد 1361 و از آن تا قیام عالمی بقیةالله ارواحنا لقمدمه الفداء در هر مقطع، انقلاب ساز است. [573].

تاریخ 61 / 3 / 15

ما باید روز فداکاری سیدالشهدا حساب کنیم

در حالی که شهادت حضرت سیدالشهدا از همه خسارتها بالاتر بود ولی چون او می دانست که چه می کند و کجا می رود و هدفش چیست، فداکاری کرد و شهید شد و ما هم باید روی آن فداکاریها حساب کنیم که سیدالشهدا چه کرد و چه بساط ظلمی را به هم زد و ما هم چه کرده ایم! [574].

تاریخ 61 / 7 / 22

سیدالشهدا آموخت به ما که از قلت عدد نترسیم

حضرت سیدالشهدا سلام الله علیه به همه آموخت که در مقابل ظلم، در مقابل ستم، در مقابل حکومت جائر چه باید کرد. با اینکه از اول می دانست که در این راه که می رود راهی است که باید همه اصحاب خودش و خانواده خودش را فدا کند و این عزیزان اسلام را برای اسلامی قربانی کند، لکن عاقبتش را هم می دانست... علاوه بر این، در طول تاریخ آموخت به همه که راه همین است. از قلت عدد نترسید، عددکار پیش

نمی برد، کیفیت اعداد، کیفیت جهاد اعداء مقابل اعداء آن است که کار را پیش می برد. افراد ممکن است خیلی زیاد باشند لکن در کیفیت ناقص باشند یا پوچ. و افراد ممکن است کم باشند لکن

[صفحه 232]

در کیفیت توانا باشند و سرافراز. [575].

تاریخ 61/7/25

فداکاری در میدان و تبلیغ در خارج میدان را به ما آموختند

سیدالشهدا و اصحاب او و اهل بیت او آموختند تکلیف را، فداکاری در میدان، تبلیغ در خارج میدان. همان مقداری که فداکاری حضرت، ارزش پیش خدای تبارک و تعالی دارد و در پیشبرد نهضت حسین سلام الله علیه کمک کرده است، خطبه های حضرت سجاد (ع) و حضرت زینب (س) هم به همان مقدار یا قریب آن مقدار تأثیر داشته است. آنها به ما فهماندند که در مقابل جائز، در مقابل حکومت جور نباید زنها بترسند و نباید مردها بترسند. در مقابل یزید، حضرت زینب سلام الله علیها ایستاد و آن را همچو تحقیر کرد که بنی امیه در عمرشان همچون تحقیری نشنیده بودند. [576] و صحبت هایی که در بین راه و در کوفه و در شام و اینها کردند و منبری که حضرت سجاد سلام الله علیه رفت [577] و واضح کرد به اینکه قضیه، قضیه مقابله غیر حق با حق نیست. یعنی ما را بد معرفی کرده اند، سیدالشهدا را می خواستند معرفی کنند که یک آدمی است که در مقابل حکومت وقت، خلیفه رسول الله ایستاده است. حضرت سجاد (ع) این مطلب را در حضور جمع فاش کرد و حضرت زینب (س) هم. تکلیف ماها را

حضرت سیدالشهدا معلوم کرده است. در میدان جنگ از قلت عدد نترسید، از شهادت نترسید. هر مقدار که عظمت داشته باشد مقصود و ایده ی انسان به همان مقدار باید تحمل زحمت بکند.

حضرت سیدالشهدا از کار خودش به ما تعلیم کرد که در میدان وضع باید به چه جور باشد در خاج میدان وضع باید به چه جور باشد و باید آنهایی که اهل مبارزه مسلحانه هستند چه جور مبارزه بکنند و باید آنهایی که در پشت جبهه هستند چطور تبلیغ بکنند. کیفیت مبارزه را، کیفیت اینکه مبارزه بین يك جمعیت کم با جمعیت زیاد باید چطور باشد،

[صفحه 233]

کیفیت اینکه قیام در مقابل يك حکومت قلدری که همه جا را در دست دارد با يك عده معدود باید چطور باشد، اینها چیزهایی است که حضرت سیدالشهدا به ملت آموخته است و اهل بیت بزرگوار او و فرزند عالیقدر او هم فهماند که بعد از اینکه آن مصیبت واقع شد باید چه کرد، باید تسلیم شد؟ باید تخفیف در مجاهده قائل شد؟ باید همانطوری که زینب سلام الله علیها در دنباله آن مصیبت بزرگی که «تصغر عنده المصائب» [578] ایستاد و در مقابل کفر و در مقابل زندقه صحبت کرد و هر جا موقع شد، مطلب را بیان کرد و حضرت علی بن الحسین سلام الله علیه با آن حال نگاهت، آن طوری که شایسته است، تبلیغ کرد. [579].

تاریخ 61 / 7 / 25

جبهه های ما با عشق امام حسین گرم است

الان هم می بینید که در جبهه ها وقتی که نشان می دهند آنها را،

همه با عشق امام حسین است که دارند جبهه ها را گرم نگه می دارند. [580].

تاریخ 61/7/25

به تبعیت از امام حسین انقلاب را ضمانت نماییم

امام حسین علیه السلام با خون خود اسلام را زنده کرده شما به تبعیت از او انقلاب و اسلام را ضمانت نمایید. [581].

تاریخ 62/2/26

جوانان ما در همان راه سیدالشهدا فدا شدند

ما در عین حالی که جوانهای بسیار لایق خودمان را، مردان کاردان خودمان را از دست دادیم لکن آن چیزی که به دست آوردیم ارزشش بیشتر از این معانی است. آنی است که

[صفحه 234]

سیدالشهدا سلام الله علیه زن و فرزند خودش را فدای او کرده، آنی است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم زندگانی خودش را در راه او صرف کرد و ائمه معصومین ما در راه او آنهمه رنج دیدند. [582].

تاریخ 62/8/1

[صفحه 237]

ایام الله خونبار در انقلاب اسلامی ایران

پانزده خرداد یک هزار و سیصد و چهل و دو

تا ملت عمر دارد غمگین در مصیبت 15 خرداد است

دیروز [583] خانواده های شهدای 15 خرداد اینجا بودند، چیزی که مرا رنج می داد این بود که به من این صحبتها نشده بود تا از حبس آمدم بیرون، عصر همان روز (دفعه اول) جریان را مطلع شدم، کشتار پانزده خرداد از اعمال يك قشون با ملت بیگانه بدتر بود، آنها بچه ها را نمی کشتند، زنهارا نمی کشتند. امروز جشن معنی ندارد، تا ملت عمر دارد غمگین در مصیبت پانزده خرداد است، یکی از اولیای امر،

ضمن سخنراني گفته بود پانزده خرداد ننگ ملت ايران است، ولي من صحبت او را تکميل مي کنم، پانزده خرداد ننگ ملت بود زيرا از پول همين ملت اسلحه تهيه شده و با اين اسلحه مردم را کشتند. [584].

تاريخ 43 / 1 / 21

پانزده خرداد مرا کوبيد

قضيه 15 خرداد را من مطلع نبودم تا اينکه از حبس به حصر تبديل شد و اخبار خارج به من رسيد. خدا مي داند که مرا اوضاع پانزده خرداد کوبيد (گريه ي شديد حضار) حالا هم که به اينجا آمده ام از قيطره، مواجه هستم با يك منظره هايي، با بچه هاي کوچک بي پدر (گريه شديد حضار) با پدرهاي جوان از دست داده، با مادرهاي جوان مرده، با زنهي

[صفحه 238]

برادر مرده، با پاهاي قطع شده (گريه شديد حضار) با افسردگيهاي اينها علامت تمدن آقايمان است و ارتجاع ما افسوس که دست ما از عالم کوتاه است. افسوس که صداي ما به عالم نمي رسد، افسوس که گريه هاي اين مادرهاي بچه مرده نمي رسد به دنيا (گريه شديد حضار). [585].

تاريخ 43 / 1 / 21

15 خرداد روي دولتهاي رژيم شاه را سياه کرد

پانزده خرداد روي دولتها را سياه کرد، ما نمي خواستيم اين قدر روسياهي بار بيابيد. پانزده خرداد ننگي بر دامن اين مملکت گذاشت که تا آخر محو نخواهد شد، تاريخ ضبط مي کند اين را، خودشان هم گفتند که پانزده خرداد ننگ بود من هم مي گويم ننگ بود لکن نکته را نگفتند و من نکته را مي گويم، ننگ بود که مسلسلها را، تانکها را، توپها را، تفنگها

را از مال این ملت فقیر بدست آوردند و به روی این ملت فقیر بستند، پایمال کردند این بیچاره ها را، از این ننگ بالاتر آیا می شود که انسان يك ملتي را اينطور پایمال کند؟ این بیچاره ها چه کرده بودند آخر؟ چه کرده بودند. [586].

تاریخ 43 / 2 / 25

واقعه 15 خرداد ننگ بزرگی بر رژیم شاه

يك سال از فاجعه خونین دوازده محرم 83 (15 خرداد 1342) گذشت. يك سال از مرگ فجیع عزیزان ملت سپری شد. يك سال از بي خانمان شدن بي سرپرست شدن یتیمان بي پدر و زنهای بي شوهر و مادران داغدیده گذشت.

واقعه 15 خرداد ننگ بزرگی برای هیئت حاکمه به بار آورد، این واقعه فراموش شدنی نیست، تاریخ آن راضبط کرد، آیا ملت مسلمان چه جرمي مرتكب شده بود؟ زنها و اطفال صغیر چه گناهي کرده بودند؟ چرا آنها را مسلسل بستند؟ علمای اسلام و خطبای مذهبی چه جرمي داشتند؟ گناه آنها دفاع از حق بود، دفاع از قرآن کریم بود، به جرم نصایح مشفقانه و صلاح اندیشی اهانت شدند، به حبس کشیده شدند، محصور گردیدند،

[صفحه 239]

مبتلا به مصایب شدند. [587].

تاریخ خرداد 43

15 خرداد را عزای عمومی اعلام می کنیم.

ما از واقعه دوازدهم محرم، 15 خرداد خجالت می کشیم. واقعه شوم 15 خرداد مدارس علمیه فیضیه و غیر آن پشت ما و هر مسلم غیرتمند را می شکند، تا هیئت حاکمه چه عقیده داشته باشد، ملت اسلام این مصیبت را فراموش نمی کند. ما روز دوازدهم محرم را عزای ملی اعلام می کنیم، بگذار ما را مرتجع بخوانند،

کهنه پرست بدانند. [588].

تاریخ خرداد 43

فاجعه 15 خرداد روی چنگیز را سفید کرد

ما در زمان شاه فعلی شاهد فجایعی بودیم که روی چنگیز را سفید کرد. شاهد قتل عالم فجیع غیر انسانی پانزده خرداد (دوازدهم محرم) بودیم که عدد کشتگان آن به قراری که می گویند بر 15 هزار نفر بالغ و تعداد زخمیها را خدا می داند. [589].

تاریخ 56/8/13

انقلاب اسلامی پرتوی از نهضت 15 خرداد است.

سلام و درود بر ملت بزرگ هوشمند ایران که با همه اختناق و فشار، از اسلام عدل پرور و مظلومان و مقتولان در راه دیانت دفاع نمودند. رحمت خداوند بر مقتولین پانزده خرداد، دوازده محرم و نوزده دی، بیست و نه محرم امسال، محرم چه ماه مصیبت زا و چه ماه سازنده و کوبنده ای است محرم ماه نهضت بزرگ سید شهیدان و سرور اولیای خداست که با قیام خود در مقابل طاغوت تعلیم سازندگی و کوبندگی به بشر داد و راه فئای ظالم و شکستن ستمکار را به فدایی دادن و فدا شدن دانست و این خود سرلوحه تعلیمات اسلام است برای ملتها تا آخر دهر.

نهضت دوازده محرم و پانزده خرداد در مقابل کاخ ظلم شاه و اجانب به پیروی از

[صفحه 240]

نهضت مقدس حسینی چنان سازنده و کوبنده بود که مردانی مجاهد و فداکار تحویل جامعه داد که با تحرك و فداکاری روزگار را بر ستمکاران و خائنان سیاه نمودند و ملت بزرگ را چنان هشیار و متحرك و پیوسته کرد که خواب را از چشم بیگانه

و بیگانه پرستان ربود و حوزه های علمیه و دانشگاه و بازارها را به صورت دژ مدافع از عدالتخواهی و از اسلام و مذهب مقدس در آورد. نهضت اخیر که پرتوی از نهضت پانزده خرداد است و شعاعش در سراسر کشور نور افکنده؛ خود کوبندگی خاصی دارد که شاه را از خود بیخود و او و دارو دسته چاقو کشش را به تلاش مذبحخانه واداشته. جنایات بیست و نه محرم امسال نقطه عطفی است به جنایات شاهانه دوازدهم محرم آن سال. [590].

تاریخ 56 / 11 / 2

جنایات 15 خرداد به فرمان شاه بود

15 خرداد نیامده، از قبل از اینکه چندین روز مانده به 15 خرداد برای اینکه مبادا در 15 خرداد يك چند نفری ناله کنند و شکایت کنند از کشتاری که در 15 خرداد شد، از جنایاتی که با امر خود شاه، با امر خود شاه در 15 خرداد شد و خودش فرمانده نیروها بود بر کشتار مردم، برای اینکه مبادا يك ناله ای بکنند مردم، مبادا يك صحبتی بکنند مردم، قبل از اینکه حالا 15 خرداد بیاید مشغول گرفتن مردم هستند. [591].

تاریخ 57 / 3 / 10

جنایات 15 خرداد را از یاد نبرید

ملت ایران نباید 15 خرداد را از یاد ببرند و نباید، هیچ يك از این جنایاتی که از 15 خرداد به این طرف شده است و جلو ترش به دست پدر این شده است نباید ملت ایران آنها را از یاد ببرد، اینها باید سرلوحه قضایای آنها باشد برای اینکه مبدأ تفکر باشد، باید سران قوم تفکر کنند در این امور، 15

خرداد را باید حفظش کنند، می توانند با جار و جنجال و هیاهو و تظاهرات، نمی توانند با مقاومت منفی و بیرون نیامدن از منازل، اگر می بینند که اینها مثل گرگ به جان مردم افتادند و جوانهای اینها را می خواهند بکشند، در منازل بمانند، یک جور تنفر است از این رژیم و از این آدم، اعتراضاً در منزل بمانند، اگر

[صفحه 241]

می توانند تظاهر کنند اما از یاد نباید برود، باید این زنده باشد و ان شاء الله از یاد هم نمی رود. [592].

تاریخ 57/3/10

شهدای 15 خرداد فرزندان من هستند

خدا می داند در مدرسه [593] که بعد از یکی دو روز متوجه شدم به این عکسهایی که از جوانهای ما در مدرسه هست که البته این، بعضی از آن شهیدان ما هستند، خدا می داند که در قلب من چه می گذرد و من چقدر متأسفم، متأثرم. اینها جوانهای خود ما هستند، اینها فرزندان من هستند، این جوانهای برومند برای اسلام شهید شدند، خداوند آنها را با صاحب اسلام محشور فرماید. [594].

تاریخ 57/12/14

قیامی که از 15 خرداد شروع شد قیام ملی نیست اسلامی است

این قیامی که از پانزده خرداد شروع شد و تاکنون باقی است و امید است باقی باشد تا همه اهداف اسلام جامه عمل بپوشد قیامی اسلامی است، قیامی ایمانی است، پیرو هیچ قیامی نیست. همه می دانیم که پانزده خرداد مبدأ عطفی بود در تاریخ، نه پیرو نهضت‌های دیگر، قیام‌های دیگر، این شعار باید محفوظ باشد که این قیام، قیام ملی نیست،

این قیام، قیام قرآنی است، این قیام، قیام اسلامی است. [595].

تاریخ 57/12/18

طرفداران حقوق بشر شهدای 15 خرداد را نمی بینند

پانزده خرداد به طوری که گفته اند (من در حبس بودم لکن آنطوری که برای من بعد از بیرون آمدن گفتند) قریب پانزده هزار نفر را آنها کشتند و از قراری که باز گفتند خود محمدرضا با هلیکوپتر عامل قتل هم بوده است خودش. اینها، این طرفدارهای حقوق

[صفحه 242]

بشر، این پانزده هزار جمعیتی که در یکر روز کشته شد اینها را مثل اینکه بشر نمی دانند و برای آنها حقوق قائل نیستند. [596].

تاریخ 58/2/25

15 خرداد طلایه نهضت اسلامی است

با فرارسیدن پانزدهم خرداد خاطره غم انگیز و حماسه آفرین این روز تاریخی تجدید می شود، روزی که بنا بر آنچه که مشهود است قریب به پانزده هزار نفر از ملت مظلوم و ستم کشیده ما به خاک و خون کشیده شد، روزی که طلایه نهضت اسلامی این ملت شجاع و غیور گردیده نهضت عظیمی که بیش از شانزده سال پیش به دنبال قیام روحانیت مسئول و متعهد، در مقابل محمدرضا پهلوی که مخالفش با اسلام عزیز آشکار و آشکارتر شد، شکل گرفت، روحانیت به اعتراض برخاست و عصر عاشورا پس از حادثه ای ناگوار اعتراض با موج عظیم انسانی اسلامی بالا گرفت و به اوج رسید و پس از آن دست ناپاک استعمار از آستین شاه مخلوع درآمد و غائله پانزده خرداد - دوازده محرم - را هرچه دردناکتر بوجود آورد. [597].

تاریخ 12

پانزده خرداد را بشناسیم

پانزده خرداد چرا به وجود آمد؟ و مبدأ وجود آن چه بود؟ در دنباله آن در سابق چه بود؟ و الان چیست؟ و بعدها چه خواهد بود؟ پانزده خرداد را کی به وجود آورد؟ و دنباله آن را کی تعقیب کرد؟ و الان کی همان دنباله را تعقیب می کند؟ و پس از این امید به کیست؟ پانزده خرداد برای چه مقصدی بود؟ و تاکنون برای چه مقصدی است و بعدها برای چه مقصدی خواهد بود؟

پانزده خرداد را بشناسید و مقصد پانزده خرداد را بشناسید و کسانی که پانزده خرداد را بوجود آوردند بشناسید و کسانی که پانزده خرداد را دنبال کردند بشناسید و کسانی که از این به بعد امید تعقیب آنها هست بشناسید و مخالفین پانزده خرداد و مقصد پانزده خرداد را بشناسید.

[صفحه 243]

پانزده خرداد از همین مدرسه شروع شد. عصر عاشورا در همین مدرسه اجتماع عظیم بود و بعد از اینکه صحبت‌هایی و افشاگری‌هایی شد، دنباله آن منتهی به پانزده خرداد شد.

پانزده خرداد برای اسلام بود و به اسم اسلام بود و به مبدئیت اسلام و راهنمایی روحانیت و همین جمعیتها که الآن اینجا هستند، اینها بودند که 15 خرداد را به وجود آوردند همین صنف جمعیت بودند که 15 خرداد را به وجود آوردند و همین صنف جمعیت بودند که کشته شدند. همین طبقه از افراد اسلامی که برای اسلام قیام کردند و هیچ نظری جز اسلام نداشتند، 15 خرداد را به وجود آوردند. همین جمعیتی که مقصدی غیر از اسلام

ندارند، در تعقیب 15 خرداد تا حالا دنبال کردند. از همین جمعیت که مقصدی غیر از اسلام ندارند امید آن است که تعقیب کنند و نهضت ما را به ثمر برسانند. [598].

تاریخ 58/3/15

15 خرداد، نقطه عطفی در تاریخ این نهضت است

پانزده خرداد که ما، مردان با اراده ای را از دست دادیم و جوانانی از دست ملت ما رفت، نقطه عطفی در تاریخ و مبدأ این نهضت است. آنها که در پانزده خرداد قیام کردند مردانه کردند و در مقابل دژخیمان نه گفتند و به شهادت رسیدند، آنها مبدأ این نهضت عظیم شدند، من از خدای تبارک و تعالی برای آنها رحمت استدعا می کنم و برای بازماندگان آنها سلامت و صبر و سعادت همین قیامها بود که امروز می بینید در يك مجلس گروههای مختلف مجتمع می شوند با مقصد واحد. همین قیامها بود که مابین دانشگاه و مدارس قدیمی ما را جوش داد و مابین قشرهای مختلف را جوش داد به طوری که همه با حال وحدت و با وحدت اراده با وحدت مقصد این راه را طی کردند و تا آنجا رساندند و به این نحو که ملت ما الان زنده است و راه خودش را یافته است این راه را هم طی خواهد کرد و نهضت را به ثمرهای انسانی - اسلامی خواهد رساند. [599].

تاریخ 58/8/9

[صفحه 244]

مبدأ نهضت از 15 خرداد بود

پانزده خرداد نزدیک است و این روزی است که ملت ما نباید از یاد ببرد

و نمي برد پانزده خرداد يك نقطه عطفی است در تاريخ کشور ما که از همان وقت شروع به فعالیت سياسي شد و روحانيون از همان وقت خودشان را مجهز کردند. روز پانزده خرداد آنطوري که من بعد از اینکه از حبس بيرون آمدم براي من نقل کردند، عمال شاه در بسياري از شهرستانها که قيام کرده بودند دست به کشتار زدند و آنطوري که به من گفتند حدود پانزده هزار شهيد داشتيم در پانزده خرداد و ما اين قلم را آن وقت خیلی بزرگ مي شمرديم و بزرگ هم بود لکن بعدها جنایاتي که از طرف شاه، شاه مخلوع به کشور ما وارد شد بیشتر از اين معاني بود ما نمي توانيم تصور کنیم اين جنایاتي که از پانزده خرداد تا رفتن بختيار از اين مملکت به دست عمال شاه و به دست عمال آمریکا در اين کشور واقع شد، قدرت اینکه احصا کنیم آنها را، نداريم. ما اجمالي از اين جنایات را مي توانيم بگويم يا تصور کنیم تفصيل اين جنایات اصلاً قابل احصا نیست. ما چطور مي توانيم پانزده خرداد - معلولينش - را بفهميم چقدر بود، معدومينش و شهدا مي گویند پانزده هزار بوده است، لکن مصدومين و معلولين، کسانی که اعضاي خودشان را در آن گيرودار از دست دادند ما چطور مي توانيم بيان کنیم يا تصور کنیم. لکن در عين حالي که پانزده خرداد يك مصیبتی بود براي ملت ما، لکن مبدأ جنبش بود. از همان وقت و جلوتر از آنوقت روحانيون قيام کردند و به دست روحانيون نهضت شروع شد، از قم شروع شد و پانزده خرداد يك انعکاسی بود از همان قيام؛
روحانيت را

گرفتند و قریب تمام علمای تهران را گرفتند و حبس کردند شاید مدتی هم علمای تهران، وعاظ تهران در حبس بودند و بعد به تدریج رها شدند و از آنجا شروع شد به نهضت و مخالفت. در عین حالی که پانزده خرداد مصیبت برای ما بود لکن این موهبت را به هم خدای تبارک و تعالی به ما عطا کرد که مردم بیدار شدند و لبیک گفتند به صدای روحانیون و در همه جا، در همه مملکت این نهضت شروع کرد و مبدأش از همان پانزده خرداد بود. [600].

تاریخ 59/3/14

[صفحه 245]

شهادی 15 خرداد تخت و تاج را بر باد دادند

در 15 خرداد 42 که مصادف بود با دوازده محرم، سوم شهادت بزرگ شهید فداکار تاریخ، گرچه ملت غیور ایران با فداکاری عظیم خویش و تسلیم، قریب پانزده هزار شهید به درگاه خداوند متعال، به ظاهر سرکوب شد و دژخیمان رژیم جنایتکار پهلوی، ننگی ابدی بر ننگهای پنجاه ساله ی خود افزودند لکن سرلوحه پیروزی اسلام و ملت بود. همان سان که شهادت سید مظلومان و هواخواهان قرآن در عاشورا، سرآغاز زندگی جاوید سلام و حیات ابدی قرآن کریم بود، آن شهادت مظلومانه و اسارت آل الله، تخت و تاج یزیدیان را که با اسم اسلام، اساس وحی را به خیال خام خود می خواستند محو کنند. برای همیشه به باد فنا سپرد و آن جریان، سفیانیان را از صحنه تاریخ به کنار زد، این شهادت دلاورانه ملت مظلوم ایران، تخت و تاج پهلویان، جریان پهلوی صفتان را که با اسم اسلام

می خواستند اسلام را از صحنه خارج نمایند و افکار غرب و نشخوار امریکا را جانشین وحی کنند، از تاریخ ایران بیرون راند. در حقیقت دستاورد نهضت 15 خرداد 42، پیروزی 22 بهمن 57 بود. [601].

تاریخ 60 / 3 / 15

پانزده خرداد، ظلم 2500 ساله را برچید

پانزده هزار جمعیت در پانزده خرداد از دست مسلمانان آنطوری که می گفتند رفت و این نیروی بزرگی بود برای اسلام لکن در ازای آن یک ظلم 2500 ساله و ستم 2500 ساله مبداء این خرابی و بعد تلف شدن او داشت. یا 17 شهریور که امروز است، خوب آن صدمه وارد شد به ایران و اشخاص شاید خیال می کردند دیگر مسأله تمام شد لکن بهره ای که اسلام از این برداشت، همان بهره هایی بود که در صدر اسلام از کشتن سیدالشهدا سلام الله علیه برداشته می شد. [602].

تاریخ 60 / 6 / 17

15 خرداد الهام گرفته از عاشورا

سالروز خرداد 42 خمیرمایه نهضت مبارک ملت بزرگ ایران و روز بذر انقلاب

[صفحه 246]

اسلامی ماست. ملت عزیز باید این خمیرمایه و بذر پربرکت را در عصر عاشورای 83 [603] جستجو کند؛ عصر عاشورای مصادف با ساعات شهادت نصرت آفرین سید مظلومان و سرور شهیدان؛ عصر عاشورایی که خون طاهر و مطهر ثارالله و ابن ثاره به زمین گرم کربلا ریخت و ریشه انقلابات اسلامی را آبیاری نمود. ملت عظیم الشان در سالروز شوم این فاجعه انفجار آمیزی که مصادف با 15 خرداد 42 بود با الهام از عاشورا آن قیام کوبنده را به بار آورد. اگر عاشورا و

گرمی و شور انفجاری آن نبود، معلوم نبود چنین قیامی بدون سابقه و سازماندهی واقع می شد. واقعه عظیم عاشورا را از 61 هجری تا خرداد 61 و از آن تا قیام عالمی بقیةالله ارواحنا لمقدمه الفداء، در هر مقطع انقلاب ساز است. آن روز یزیدیان با دست جنایتکاران گور خود را کردند و تا ابد هلاکت خویش و رژیم ستمگر جنایتکار خویش را به ثبت رساندند، و در 15 خرداد 42 پهلویان و هواداران و سردمداران جنایتکارشان با دست ستمشاهی خود گور خود را کردند و سقوط و ننگ ابدی را برای خویش بجا گذاشتند که ملت عظیم الشان ایران بحمدالله تعالی با قدرت و پیروزی برگور آتشبار آنان لعنت می فرستد. [604].

تاریخ 61 / 3 / 15

15 خرداد یوم الله است

ملت بزرگ ایران سالروز 15 خرداد را که یوم الله است زنده نگه می دارد و افتخار قیام ملت را که با مشتش گره کرده و خون طاهر خویش در مقابل ستم شاهی پهلوی ایستاده و پایه استوار انقلاب اسلامی را که سرنگونی قدرتمندترین جنایتکار منطقه را در پی داشت ریخت، از یاد نمی برد و الآن فداکاری ها و مجاهدات جوانان برومند کشور اسلامی را که پایه گذاری خروج از ظلمات به سوی نور و از حقارت به سوی سرافرازی و از اسارات به سوی استقلال را نمود بزرگ می شمارد و عاشورای فریاد زن «هیئات منالذله» و 15 خرداد و دیگر ایام الله را که در پی داشت و از نور الهی عاشورا فروغ و از شمس جمال حسینی گرمی و از پرتو هدایت او معرفت به وظیفه و از استقامت او در مقابل

استواری فراگرفت، ارجمند می دارد. [605].

تاریخ 61 / 3 / 15

خون سیدالشهدا، 15 خرداد را به وجود آورد.

شما گمان نکنید که اگر این مجالس عزا نبود و اگر این دستجات سینه زنی و نوحه سرایی نبود، 15 خرداد پیش می آمد. هیچ قدرتی نمی توانست 15 خرداد را آنطور کند، مگر قدرت خون سیدالشهدا. [606].

تاریخ 61 / 3 / 30

15 خرداد مبدأ تحولات بعدی شد

مسئله ی 15 خرداد یکی از مسائلی است که شاید ماقبل و مابعدش را کم کسی بداند. اینها در پرده ابهام تا آخر می ماند و من بسیاری از مسائل را که ماقبل 15 خرداد رخ داد و بعضی مسائل را که مابعد او رخ داد مطلعم، لکن بیان نمی کنم. ولی 15 خرداد به همت جوانهای کشور و جان نثاران اسلام مبدأ شد از برای تحولات بعدی من شهدای 15 خرداد را از خدای تبارک و تعالی می خواهم که غریق رحمت کند که به ما حق دارند و باز ماندگان شهدا که باز هم هستند و بعدها هم هستند ان شاء الله خداوند صبر و اجر به آنها عنایت بفرماید. [607].

تاریخ 62 / 3 / 14

پانزده خرداد پرتوی از عاشورا

از پانزدهم خرداد 42 که حکومت مستکبران جبار در این سرزمین به اوج خود رسیده بود و می رفت تا عربده ی شوم «انا ربکم الاعلی» [608] از حلقوم فرعون زمان طنین افکند، تا 22 بهمن 57 که پایه ی حکمرانی جباران عصر در این مرز و بوم فروریخت و تخت و تاج دو

تاريخ بر باد رفت و طومار تاراجگريها و حكمفرماييهاي شيطان بزرگ و شيطانكهاي وابسته و پيوسته به آن درهم پيچيده شد، ايامي معدود
بيش نبود. و از 22 بهمن 57 تا امروز كه 15 خرداد 62 را در آغوش مي گيريم ساعتی محدود بيشت ولي تحولي كه کمتر از صد
سال بعيد به نظر مي رسيد با تقدير خدای بزرگ در اين ايام معدوده و ساعات محدودده تحقق يافت و جلوه اي از وعده ي قرآن كريم
نورافشاني كرد.

و ملت عظيم ايران لازم است شكر نعمتهاي غيرمتناهي الهي را در سالروز 15 خرداد به جان و دل بجا آورد و تمام آنچه گذشت و مي
گذرد را از عنايات خاصه ي خداوند متعال بداند كه هرچه هست از اوست و به سوي اوست. و رمز پيروزي اسلام بر كفر جهاني را در اين
قرن كه پانزدهم خرداد 42 سرآغاز آن بود، در دوازدهم محرم حسيني جستجو كند كه انقلاب اسلامي ايران، پرتوي از عاشورا و انقلاب
عظيم الهي آن است. [609].

تاريخ 15 / 3 / 62

شهادي 15 خرداد، بنيانگذار انقلاب اسلامي ايران

قيام 15 خرداد اسطوره ي قدرت ستمشاهي را درهم شكست و افسانه ها و افسونها را باطل كرد. شهادت جوانان رشيد و زنان و مردان در
آن روز، سد عظيم قدرت شيطاني را از بنيان سست نمود. خون سلحشوران كوخ نشين، كاخهاي ستم را درهم كوبيد. ملت عظيم الشان
ايران با قيام و نثار خون فرزندان عزيز خویش، راه قيام را براي نسل هاي آينده گشود

و ناشدنیها را شدنی کرد.

خداوند تعالی، این ملت را پایدار و شهیدانشان را خصوصاً شهیدان 15 خرداد، این بینانگذازان انقلاب اسلامی ایران را در جوار رحمت خود قرار دهد و به بازماندگان آنان صبر و اجر عنایت فرماید و به معلولان عزیز، قدرت مقاومت بیشتر عطا فرماید. [610].

تاریخ 64/3/1

در 15 خرداد می خواستند صدای اسلامخواهی را خاموش کنند.

از روز نخست شروع مبارزه و از پانزده خرداد تا بیست و دوم بهمن رسیده ایم و به خوبی دریافته ایم که برای هدف بزرگ و آرمانی اسلامی - الهی باید بهای سنگینی

[صفحه 249]

پرداخت نماییم و شهدای گرانقدری را تقدیم کنیم و جهانخواران ما را راحت و آرام نخواهند گذاشت و با استفاده از ایادی داخلی و خارجیشان به ما شبیخون زده و خون عزیزان ما را بر بستر کوچه و خیابانها و مرزهایمان جاری می کنند و همین گونه شد، وقتی که فریاد اسلامخواهی مردم کشور ما در پانزده خرداد به گوش آمریکا رسید، و وقتی که برای اولین بار غرور آمریکا و اقتدار و ابرقدرتی او در اعتراض به مصونیت کارگزارانش در ایران شکسته شد و آمریکا متوجه اقتدار و رهبری علما و روحانیت اسلام و عزم جزم و اراده ی پولادین ملت ایران برای کسب آزادی و استقلال و رسیدن به نظام عدل اسلامی گردید، به نوکر بی اراده و وطنفروش و فرومایه ی خود محمدرضا خان دستور داد که صدای اسلامخواهی ملت ما را خاموش کند و از او پیمان گرفت تا همه ی افرادی که در برابر آمریکا قد علم کرده اند

را نابود کند و همه دیدیم که این خائن و سرسپردگان در این مأموریت شوم لحظه ای درنگ نمودند و به نام مأموریت و آزادی و رسیدن به دروازه ی تمدن بزرگ، از کشته های این ملت پشسته ها ساختند و در و دیوار کشور ما را از فیضیه گرفته تا دانشگاه و از دانشگاه تا کوچه و بازار و خیابان و از خیابان تا مسجد و محراب به خون عزیزان و جوانان تکبیرگویی پیرو خدا و رسول خدا (ص)، رنگین کردند. [611].

تاریخ 66/5/6

علما اولین شهدای نهضت 15 خرداد بودند.

در هر نهضت و انقلاب الهی و مردمی علمای اسلام اولین کسانی بوده اند که بر تارک جبینشان خون و شهادت نقش بسته است. کدام انقلاب مردمی - اسلامی را سراغ کنیم که در آن حوزه و روحانیت پیش کسوت شهادت نبوده اند و بر بالایی دار نرفته اند و اجساد مطهرشان بر سنگفرشهای حوادث خونین به شهادت نایستاده است؟ در 15 خرداد و در حوادث قبل و بعد از پیروزی، شهدای اولین، از کدام قشر بوده اند؟ [612].

تاریخ 67/12/3

15 خرداد مهمترین فصل خونین مبارزه بود.

اولین و مهمترین فصل خونین مبارزه در عاشورای 15 خرداد رقم خورد. در 15

[صفحه 350]

خرداد 42 مقابله با گلوله ی تفنگ و مسلسل شاه نبود که اگر تنها این بود مقابله را آسان می نمود. بلکه علاوه بر آن از داخل جبهه ی خودی گلوله ی حيله و مقدس مآبی و تحجر بود؛ گلوله ی زخم زبان و نفاق و دورویی بود که هزار

بار بیشتر از باروت و سرب جگر و جان را می سوخت و می درید. [613].

تاریخ 67/12/3

[صفحه 251]

هفدهم شهریور یکهزار و سیصد و پنجاه و هفت

ای کاش خمینی در میان شما بود و در کنار شما کشته می شد

چهره ایران امروز گلگون است و دلاوری و نشاط در تمام اماکن به چشم می خورد [614]، آری اینچنین است راه امیرمؤمنان علی (ع) و سرور شهیدان امام حسین (ع). ای کاش خمینی در میان شما بود و در کنار شما در جبهه دفاع برای خدای تعالی کشته می شد. [615].

تاریخ 57/6/18

شهادی هفده شهریور همگی «مصطفی» های من بودند

و بشر الصابرين الذين اذا اصابتهم مصيبة قالوا انا لله وانا اليه راجعون، اولئك عليهم صلوات من ربهم ورحمة و اولئك هم المهتدون. [616].

وقتی شما را از فرزندان عزیز اسلام خداوند متعال تسلیت می دهد، آیا باز هم محتاج به تسلیتید؟ خداوند عزوجل می فرماید: بشارت بده صبرکنندگان را، کسانی که هر مصیبتی می بینند به حساب خدا تحمل می کنند و می گویند ما همه برای خدا خلق شده ایم، برای خدا زندگی می کنیم و وقتی بمیریم از بین نمی رویم بلکه به سوی خدای مهربان برمی گردیم. صلوات و رحمت خدا بر ایشان، اینها هستند که به آرزوی انسانی رسیده اند.

[صفحه 252]

مع ذلك من به نیابت حضرت ولی عصر امام زمان (ع) به همه ی مسلمانان جهان مصیبت چهارم شوال سال 98 ق (17 شهریور) را خاصه به خانواده های داغدار تسلیت می گویم و در عین حال تبریک، و خدا شاهد است

مصطفای [617] من تنها آن نبود که سالش نزدیک است، بلکه همه ی به خاک و خون کشیده های حادثه ی شوال، مصطفاهای من بوده اند.

من این استقامت را و این فیض شهادت را که خداوند متعال نصیب فرزندانم فرمود به پدران و مادران و همه ی بستگانشان تبریک می گویم و چنین کشته شدنی که افتخار دارد، بزرگترین آرزوی من است، و شاید نزدیک باشد. [618].

تاریخ 57/6/21

شهدای 17 شهریور در شمار شهدای کربلا

خاطره ی تلخ 17 شهریور 57 و خاطره تلخ روزهای بزرگی که بر امت گذشت، میوه شیرین سرنگونی کاخهای استبداد و استکبار و جایگزینی پرچم جمهوری عدل اسلامی را به بار آورد. مگر نه آن است که دستور آموزنده «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» باید سرمشق امت اسلامی باشد، قیام همگانی در هر روز و در هر سرزمین. عاشورا قیام عدالتخواهان با عددی قلیل و ایمانی و عشقی بزرگ در مقابل ستمگران کاخ نشین و مستکبران غارتگر بود و دستور آن است که این برنامه سرلوحه زندگی امت در هر روز و در هر سرزمین باشد. روزهایی که بر ما گذشت عاشورای مکرر بود و میدانها و خیابانها و کوی و برزنهایی که خون فرزندان اسلام در آن ریخت، کربلای مکرر و این دستور آموزنده، تکلیفی است و مژده ای. تکلیف از آن جهت که مستضعفان اگرچه با عده ای قلیل علیه مستکبران، گرچه با ساز و برگ مجهز و قدرت شیطانی عظیم، مأمورند چونان سرور شهیدان قیام کنند. و مژده که شهیدان ما را در شمار شهیدان کربلا قرار داده است، و مژده که شهادت رمز پیروزی

است. 17 شهریور مکرر عاشورا و میدان شهدا مکرر کربلا و شهدای ما مکرر شهدای کربلا و مخالفان ما مکرر یزید و وابستگان او هستند.

[صفحه 253]

کربلا- کاخ ستمگری را با خون در هم کوبید و کربلای ما کاخ سلطنت شیطانی را فروریخت. اکنون وقت آن است که ما که وارثان این خونها هستیم و بازماندگان جوانان و شهدای به خون خفته هستیم از پای ننشینیم تا فداکاری آنان را به ثمر برسانیم و با اراده مصمم و مشت محکم بقایای رژیم ستمکار و توطئه گران جیره خوار شرق و غرب را در زیر پای شهدای فضیلت دفن کنیم. [619].

تاریخ 58/6/17

در 17 شهریور قدرت اسلام زیاد شد

17 شهریور يك قضيه اي بود براي ما و فرداست ظاهرا 17 شهریور، آن يك قضيه اي بود براي ايران و كساني كه مطلع از اسلام نيستند و روحيه مردم مسلم را نمي دانند، خيال مي كردند شايد آنوقت ديگر خوب، تمام شد، سرکوب شدند و رفتند سراغ کارشان، چندین هزار نفر را در میدان شهدا با مسلسل بستند و مسأله دیگر تمام شد و ما دیدیم که دنبال او زیادتر شد همه چیزها، يعني قدرت ملت که همان قدرت اسلام است و قدرت الهي است هيچ ابدا تزلزلي در آنها پيدا نشد و دنبال کردند مطلب را. در هر مطلبي که پيش مي آيد ما مي بينيم که اين ملت ما مستعدتر مي شوند و بهتر پيش مي روند. [620].

تاریخ 60/6/16

17 شهریور درسي براي کوردلان بود

17 شهریور بايد درسي باشد براي کوردلاني

که گمان کرده اند با به شهادت رساندن چند نفر از سران متعهد کشور، می توانند سد عظیم مسلمانان نیرومند و شجاع را بشکنند. [621]

تاریخ 60/6/17

هفده شهریور از ایام الله است

هفدهم شهریور که گزارشگر جنایات شاهنشاهی ضد انسانی و اسلامی است و از ایام الله و نشانگر مقاومت و شجاعت و ایستادگی ملت در مقابل ستمگران و جنایتکاران

[صفحه 254]

است، در خاطره ملت مبارز ایران زنده است و زنده خواهد بود. [622].

تاریخ 60/6/17

هفده شهریور جلوه قدرت ایمان به غیب بود.

17 شهریور 57 و نظایر آن که قبل از پیروزی انقلاب و پس از آن بسیار بوده است و ملت مجاهد ایران بحمدالله تعالی در همه آنها پیروزمندان و شرافتمندان و سرافرازانه در سرکوبی ستمکاران، قیام و اقدام نمودند، جلوه ی الهی و قدرت پایان ناپذیر ایمان به غیب را در جهان پرتوافکن ساخت و آفتاب فروزنده اسلام را که از گریبان مجاهدان در راه حق سربرآورد، به عالمیان بویژه مظلومان و مستضعفان معرفی نمود و به آنان درس پربرکت جانبازی در راه هدف الهی را آموخت. [623].

تاریخ 61/6/17

درود بر شهدای هفده شهریور

سلام و درود بر شهیدان و آسیب دیدگان هفدهم شهریور و نظایر آن. سلام و درود بر بازماندگان شهدا از پانزدهم خرداد تا هفدهم شهریور 57 و تا پانزدهم و هفدهم شهریور 61 و سلام بر ملت شریف و مجاهد ایران که با همت والای خود هر مشکلی را تحمل

و با روی گشاده در جبهه و پشت جبهه برای اهداف مقدس اسلام فداکاری می کنند. [624].

تاریخ 61/6/17

[صفحه 255]

هفتم تیر یکهزار و سیصد و شصت

شهادت این چند نفر عزیز، ملت را از صحنه خارج نمی کند

حالا یی که همچو قیام مردانه بزرگی رخ داده است و اینطور ملت ما برای همه چیز ایستاده است، حالا شما می توانید با يك بمب و با کشتن يك شخصیت [625] ولو هر چه شخصیت بزرگی باشد، می توانید ملت را هم از صحنه خارج کنید؟ یا اینکه ملت فریادش بیشتر می شود و مشتش گره بیشتر پیدا می کند و عزمش جزمتر می شود. شما باید این الله اکبرها را از مردم بگیرید، چند نفر عزیز که بسیار خاطرشان عزیز است، گرفتن از ملت، ملت را عقب نمی نشاند، صفها فشرده تر می شود، فریادها بیشتر می شود و مشتها گرهش محکمتر می شود. شما نمی توانید با ترور بعضی شخصیتها، با بمب گذاشتن در بعضی جاها، هر جا باشد، نمی توانید این ملت را از صحنه خارج کنید، این ملت سرتاسر کشور الآن در صحنه است، الآن در تمام کشور در صحنه خارج کنید، این ملت سرتاسر کشور الآن در صحنه است، الآن در تمام کشور در صحنه مردم موجودند و با مشتهای گره کرده ایستاده اند در مقابل شما. ملتی که جوانش هر دوپایش را از دست داده و او را خواباندند و آوردند پیش من مع ذلك می گوید که دعا کنید که من شهید بشوم، ملتی که مادر شهید می آید و می گوید من اولاد دیگری هم دارم و برای شهادت حاضرم بدهم، ملتی که جوانهای او در جبهه ها نماز شب می خواند و جهاد

في سبيل الله مي كند و اين جهاد را براي خودش فخر مي داند و زندگي ننگين فرصت طلبي و راحت طلبي را به كنار زده است و

[صفحه 256]

شب و روز خودش را در سنگر با آن هواي گرم و با آن بي آبي و با آن شدت مي گذراند و پيشروي مي كند، با كشتن من و امثال من كنار مي رود اين ملت؟ [626].

تاريخ 60 / 4 / 8

بهشتي مظلوم زيست

البته اين پيشامد براي همه ملت ما ناگوار بود و يك اشخاصي كه براي خدمت خودشان را حاضر کرده بودند و خدمتگزار اين کشور بودند اشخاصي بودند كه آنقدري كه من از آنها مي شناسم، از ابرار بوده اند، از اشخاص متعهد بوده اند كه در رأس آنها مرحوم شهيد بهشتي است. ايشان را من بيست سال بيشتر مي شناختم، مراتب فضل ايشان و مراتب تفكر ايشان و مراتب تعهد ايشان بر من معلوم بود و آنچه كه من راجع به ايشان متأثر هستم، شهادت ايشان در مقابل او ناچيز است و آن مظلوميت ايشان در اين کشور بود. مخالفين انقلاب، افراي كه بيشتر متعهدند، مؤثرتر در انقلابند، آنها را بيشتر مورد هدف قرار داده اند. ايشان مورد هدف اجانب و وابستگان به آنها در طول زندگي بود. تهمتها، تهمتهاي ناگوار به ايشان مي زدند. از آقاي بهشتي اينها مي خواستند يك موجود ستمكار ديكتاتور معرفي كنند، در صورتي كه من بيش از بيست سال ايشان را مي شناختم و برخلاف آنچه اين بي انصافها در سرتاسر کشور تبليغ كردند و مرگ بر بهشتي گفتند، من او را يك فرد مجتهد، متعهد، متدين، علاقه مند به ملت،

علاقه مند به اسلام و به درد بخور براي جامعه خودمان مي دانستم و شما گمان نکنيد که اين آقایان که وارد شدند در اين شغلهاي دولتي، اينها يك اشخاصي بودند يا هستند که راهي براي استفاده جز اين مقام ندارند. اينها هر کدام مي دانستم و شما گمان نکنيد که اين آقایان که وارد شدند در اين شغلهاي دولتي، اينها يك اشخاص متعهدي بودند که در پيش مردم مقام داشتند، در پيش روحانيت مقام بزرگ داشتند و اينطور نبود که واخورده باشند که بخواهند بيايند اينجا انحصار طلب باشند. خدا انصاف بدهد به آنهايي که انحصار طلب بودند و مي خواستند بهشتي و خامنه اي و رفسنجاني و امثال اينها را از صحنه خارج کنند. اينها رفتند به آقاي بهشتي و اين جمعي که در اين واقعه، در اين واقعه فجييع به دست عمال امريکا و به دست اشخاصي که کسي «شناخت» آنها را خوانده باشد مي داند که به هيچ يك از اصول اسلامي اعتقاد نداشتند، به دست اينها شهيد شدند و به درگاه خدا شتافتند.

[صفحه 257]

«و نحن ان شاء الله بهم لاقون» . [627] . [628] .

تاريخ 60 / 4 / 8

محمد منتظري فرزند اسلام و قرآن بود

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت حجت الاسلام و المسلمين آقاي منتظري دامت برکاته

گرچه تمام شهيدان انقلاب و شهيدان عزيز و معظم يکشنبه شب [629] ، از برادران ما و شما بودند و ملت قدرشناس براي آنان به سوگ نشستند و دشمنان اسلام در شهادت آنان شاد و اسلام عزيز سرافراز است لکن از فرزند عزيز شما

شناختي دارم که باید به شما با تربیت چنین فرزندی تبریک بگویم. او از وقتی که خود را شناخت و در جامعه وارد شد، ارزشهای اسلامی را نیز شناخت و با تعهد و انگیزه حساب شده وارد میدان مبارزه علیه ستمگران گردید. او با دید وسیعی که داشت، سعی در گسترش مکتب و پرورش اشخاص فداکاری می نمود. محمد شما و ما، خود را وقف هدف و برای پیشبرد آن سر از پا نمی شناخت. شما فرزندی شما و ما، خود را وقف هدف و برای پیشبرد آن سر از پا نمی شناخت. شما فرزندی فداکار و متعهد و متفکر و هدفدار تسلیم جامعه کردید و تقدیم خداوند متعال. او فرزند اسلام و فرزند قرآن بود. او عمری در زجرها و شکنجه ها و از آن بدتر، شکنجه های روحی از طرف بدخواهان به سر برد. او به جوار خداوند متعال شتافت و با دوستان و برادران خود راه حق را طی کرد. خدایش رحمت کند و با موالیانش محشور فرماید. از خداوند متعال برای جنابعالی و بازماندگان این فرزند برومند اسلام صبر و اجر خواهانم. [630].

تاریخ 60/4/8

ملت ایران در این فاجعه 72 تن بیگناه به عدد شهدای کربلا از دست داد

ملتی که برای اقامه عدل اسلامی و اجرای احکام قرآن مجید و کوتاه کردن دست

[صفحه 258]

جنایتکاران ابرقدرت و زیستن با استقلال و آزادی قیام نموده است. خود را برای شهادت و شهید دادن آماده نموده است و به خود باکی راه نمی دهد که دست جنایت ابرقدرتها را آستین مшти جنایتکار حرفه ای

بیرون آید و بهترین فرزندان راستین او را به شهادت رساند.

مگر شهادت ارثی نیست که از موالیان ما که حیات را عقیده و جهاد می دانستند و در راه مکتب پرافتخار اسلام با خون خود و جوانان عزیز خود از آن پاسداری می کردند به ملت شهیدپرور ما رسیده است؟ مگر عزت و شرف و ارزشهای انسانی، گوهرهای گرانبهایی نیستند که اسلاف صالح این مکتب، عمر خود و یاران خود را در راه حراست و نگهداری از آن وقف نمودند؟

مگر ما پیروان پاکان سرباخته در راه هدف نیستیم که از شهادت عزیزان خود به دل تردیدی راه دهیم؟ مگر دشمن قدرت آن دارد که با جنایت خود مکارم و ارزشهای انسانی شهیدان عزیز ما را از آنان سلب کند؟ مگر دشمنهای فضیلت می توانند جز این خرقه خاکی را از دوستان خدا و عاشقان حقیقت بگیرند؟

بگذار این ددمنشان که جز به «من» و «ما» های خود نمی اندیشند و «یا کلون کما تأکل الانعام». [631] عاشقان راه حق را از بند طبیعت رها کرده و به فضایی آزاد جوار معشوق برسانند.

ننگتان باد ای تقاله های شیطان و عارتان باد ای خود فروختگان به جنایتکاران بین المللی که در سوراخها خزیده و در مقابل ملتی که در برابر ابرقدرتها برخاسته است، به خرابکاریهای جاهلانه پرداخته اید.

عیب بزرگ شما و هواداران آن است که نه از اسلام و قدرت معنوی آن و نه از ملت مسلمان و انگیزه فداکاری او اطلاعی دارید. شما ملتی را که برای سقوط رژیم پلید پهلوی و رها شدن از اسارت شیطان بزرگ دهها جوان عزیز خود را فدا کرد و با

شجاعت بی مانند ایستاد و خم به ابرو نیاورد، نشناخته آید. شما ملتی را که معلولان نشان در تختهای بیمارستانها آرزوی شهادت می کنند و یاران را به شهادت دعوت می کنند، نشناخته آید. شما کوردلان با آنکه دیده آید با شهادت رساندن شخصیتهای بزرگ صفوف فداکاران در

[صفحه 259]

راه اسلام فشرده تر و عزم آنان مصمتر می شود، می خواهید با به شهادت رساندن عزیزان ما این ملت فداکار را از صحنه بیرون کنید. شما تا توانستید به فرزندان اسلام چون شهید بهشتی و شهدای عزیز مجلس و کابینه با حربه ناسزا و تهمت‌های ناجوانمردانه حمله کردید که آنها را از ملت جدا کنید و اکنون که آن حربه از کار افتاد و کوس رسوایی همه تان بر سر بازارها زده شد، در سوراخها خزیده و دست به جنایاتی ابلهانه زده آید که به خیال خام خود ملت شهیدپرور فداکار را با این اعمال وحشیانه بترسانید و نمی دانید که به خیال خام خود ملت شهیدپرور فداکار را با این اعمال وحشیانه بترسانید و نمی دانید که در قاموس شهادت واژه ی وحشت نیست. اکنون اسلام به این شهیدان و شهیدپروران افتخار می کند و با سرافرازی همه مردم را دعوت به پایداری می نماید و ما مصمم هستیم که روزی رخس بینیم و این جان که از اوست تسلیم وی کنیم.

ملت ایران در این فاجعه بزرگ 72 تن بیگناه به عدد شهدای کربلا از دست داد. ملت ایران سرافراز است که مردانی را به جامعه تقدیم می کند که خود را وقف خدمت به اسلام و مسلمین کرده بودند و دشمنان خلق گروهی را شهید نمودند که برای مشورت در مصالح کشور گرد

هم آمده بودند. ملت عزیز! این کوردلان مدعی مجاهدات برای خلق گروهی را از خلق گرفتند که از خدمتگزاران فعال و صدیق خلق بودند. گیرم که شما با شهید بهشتی که مظلوم زیست و مظلوم مرد و خار در چشم دشمنان اسلام و خصوص شما بود دشمنی سرسختانه داشتید، با بیش از 70 نفر بیگناه که بسیارشان از بهترین خدمتگزاران خلق و مخالف سرسخت با دشمنان کشور و ملت بودند چه دشمنی داشتید؟ جز آنکه شما با اسم خلق از دشمنان خلق و راه صاف کنان و چپاولگران شرق و غرب می باشید. ما گرچه بسیار قوی پشوانه ارزشمند بودند، ما گرچه برادران بسیار متعهدی را از دست دادیم که «اشداء علی الکفار رحماء بینهم» [632] بودند و برای ملت مظلوم و نهادهای انقلابی سدی استوار و شجره ای ثمربخش به شمار می رفتند، لکن سیل خروشان خلق و امواج شکننده ملت با اتحاد و اتکال به خدای بزرگ هر کمبودی را جبران خواهد کرد ملت ایران با اعتماد به قدرت لایزال قادر متعال همچون دریایی موج به پیش می رود و در مقابل

[صفحه 260]

ابرقدرتها و تقاله های آنان با صفی مرصوص ایستاده است و شما درماندگان عاجز را که در سوراخها خزیده اید و نفسهای آخر را می کشید به جهنم می فرستد و خداوند بزرگ پشت و پناه این کشور و ملت است.

اینجانب بار دیگر این ضایعه عظیم را به حضور بقیةالله ارواحنا له الفدا و ملت های مظلوم جهان و ملت رزمنده ایران تبریک و تسلیت عرض می کنم. من با بازماندگان شریف و عزیز این شهدا در غم و سوگ شریک و رحمت

واسعه خداوند رحمان را براي اين مظلومان و صبر و شكيبايي را براي بازماندگان محترم آنان از درگاه خداوند متعال خواستارم. رحمت خدا و درود بي پايان ملت بر شهدي انقلاب از 15 خرداد 42 تا 7 تير ماه 60 و سلام و تحيت بر مظلومان جهان و مظلومان ايران در طول تاريخ. [633].

تاريخ 60/4/9

شهادت آقاي بهشتي منحرفين را رسوا كرد

شما مي بينيد كه در زماني كه مرحوم آقاي بهشتي زنده بودند، چه وضعي پيش آوردند اين اراذل و ايشان را يك چهره ي ديگري نشان داده بودند كه آن روز در خيابانها هم بر ضد ايشان تظاهر مي كردند، صحبت مي كردند و نمي دانستند قصه را، شهادت ايشان اسباب اين شد كه يك بهره ي بزرگي ما برداشتيم و آن اينكه ثابت شد كه آن انحراف بوده است، آن كار آنها انحرافي بوده است و همين طور هر قصه اي كه اينها خواستند از آن بهره برداري كنند، ما بهره برداري كرديم و البته خيلي خسارت به ما وارد شد لكن خسارت در مقابل اسلام، يعني ما مقصد داشتيم، هدف داشتيم و هدف ما يك هدف الهي بود و رويي بود. افراي را كه از دست مي داديم البته مهم بودند لكن در راه هدف، اگر بهره برداري براي هدف بود ارزش داشت و ما بهره برداري كرديم براي هدف. [634].

تاريخ 60/6/17

شهادت اين هفتاد نفر مظلوم، مردم را متحول كرد

شماديد كه صبح آن روزي كه مرحوم آقاي بهشتي و آن هفتاد نفر مظلوم در آنجا، آنطور به وضع فجييع شهيد شدند مردم فرق

همانهایی که بهشان تزریق کرده بودند که این آدم چطور و کذا و کذاست و آنطور برای ایشان شعار ضد ایشان می دادند، یکدفعه شعارها برگشت و به نفع ایشان شد یعنی به نفع اسلام شد. حزب شما [635] هم معرفی اش آنطوری که در آن وقت می کردند همین طورها بود که این حزبی است که حزب حاکم و انحصار طلب و کذا و کذا و چنان. خوب، من البته تمام حزب را که من نمی شناختم و نمی شناسم لکن افرادی که این حزب را ایجاد کردند، خوب، من می شناختم، من آقای خامنه ای را بزرگش کردم، من آقای هاشمی را بزرگ کردم، من آقای بهشتی را بزرگش کردم، دیدم اینها از اول تا آخر، بسیاری از اینها، خوب، من می شناختم که اینها اشخاصی نیستند که نه انحصار طلب به آن معنایی که آنها می گویند، البته انحصار به این معنا که باید اسلام باشد و غیر اسلام نباشد، همه ما انحصارطلبیم و اسلام اصلاً اینطوری است. پیغمبر اسلام هم، «لا اله الا الله» این انحصار است دیگر، یعنی فقط همین، دیگر غیر از این نه، ما هم حرفمان این است که فقط اسلام غیر از این نه. این انحصاری که می گویند، اگر این است، مسلمین هم انحصارطلبند، پیغمبرها هم همه انحصارطلب بودند و خدای تبارک و تعالی هم انحصارطلب؛ انحصار، این صحیح است. انحصارطلبی فی نفسه یک امر فاسدی نیست که هر انحصارطلبی فاسد است. انحصار که بخواهد همه چیز را به نفع مادیت تمام بکند، برای خود آدم باشد، این انحصارطلبی فاسد است. البته اگر چنانچه

شما و ما و هر کدام اینها بخواهیم بهره برداری برای خودمان بکنیم از این شهدایی که خون خودشان را دادند. ما هم انحصارطلبی به آن معنای فاسدش هستیم، اما من که شماها را می شناختم و می دیدم اینطوری نیست مسأله و مقصد شما اسلام است، خوب من گاهی هم به اشخاصی می گفتم که صحیح نیست. در هر صورت شهادت آقای بهشتی و این هفتاد نفر مظلوم که یکدفعه متحول کرد مردم را به اینکه کم کم بیدار شدند. الآن بعضی از آن اشخاص که در آن وقت چیزهایی مثلا می گفتند، برگشتند و پشیمان شدند و اظهار ندامت می کنند و توبه می کنند و مثل قضیه تائبین شده است الآن و هر قصه ای که واقع می شود اینطور است. [636].

تاریخ 60/6/17

[صفحه 262]

برای شهدا هفتم تیر عظمت و بزرگواری قایلیم

اینجانب از پیشگاه مقدس حق جل و علی عظمت برای اسلام و مسلمین و بیداری برای دولتهای اسلامی و عزت و شرف برای کشورهای اسلام و رحمت برای شهدای اسلام در طول تاریخ خصوصا شهدای هفتم تیر و صبر و شکیبایی برای ملت ایران و بازماندگان شهدا خواستارم و هرچند برای همه شهدا و بویژه شهدای 7 تیر عظمت و بزرگواری قایلیم و لکن شناخت من از شهید مظلوم بهشتی و ابعاد گوناگون او و شهید محمد منتظری و مجاهدات ارزشمند او بیشتر است و نمی توان تأسف شدید خویش را در فقدان آنان پنهان کرد. [637].

تاریخ 61/4/6

فاجعه هفتم تیر انقلاب را سرعت بخشید.

مگر شهدای بزرگوار

هفتم تیر در مجاهدات سرسختانه خود و فداکاری بی دریغ در راه هدف چه می خواستند جز پیروی انقلاب و سرنگونی پرچم شیطان کفر و نفاق و جز افتادن ماسک ریا و تزویر چهره های کریه و ددمنشانه به صورت خلقي و اسلامي؟ چه بسا اگر این شهادتها دلخراش واقع نمی شد، آنان [638] با همان خوي شیطاني و با ظاهري فریبنده در صحنه بازیهای سیاسي باقي می ماندند و بی امام ضربه های خويش را به انقلاب و فرزندان راستین آن وارد می کردند و برای اسلام و مسلمانان مظلوم سنگ راه می شدند و با ضربه نهایی آمريکا و ديگر ابرقدرتها جمهوري را شکست می دادند یا لااقل پیروزي را به عقب رانده و راه را طولاني می کردند، ولي این فاجعه غمناک و شهادت های بی در پی به پیروزي انقلابي سرعت بخشید. [639].

تاریخ 61/4/6

[صفحه 263]

هشتم شهریور یکهزار و سیصد و شصت

دست جنایتکاران منافق رئیس جمهوري متعهدي را از ملت گرفت

گرچه دست جنایتکاران و منافقان، رئیس جمهور [640] متعهد و مؤمني را از ملت مجاهد ایران گرفت و یکی از خدمتگزاران صديق را به شهادت رساند و ملت عزیز را از خدمت او و او را از خدمت به ملت محروم کرد و گمان کرد که با ترور اشخاص، ملت پیا خاسته از تصمیم خود عقب می نشیند و در خدمت به اسلام بزرگ سستي می ورزد و در نتیجه راه برای قدرتهاي چپاولگر باز می شود، ولي شرکت بی سابقه مردم کشور، امید بدخواهان را مبدل به یأس و طمع آزمندان را برای همیشه برید. [641].

تاریخ 60/7/17

رجايي که

وضع منزلش آن طوري است براي چه بترسد؟

در جمهوري اسلامي اين معنا كه هم مقامات آن مقاماتي كه سابق تخیل مي شد، نيست و هم اشخاصي كه متصدي امور هستند، آن اشخاصي كه در يك خانواده اشرافي بزرگ شده باشند و يك زندگي چه کرده باشند و نتوانند بسازند با مردم، نتوانند بسازند با يك زندگي عادي، آنطور هم نيستند. من فيلمي كه ديشب از مرحوم رجايي گذاشته بودند و منزلش را نشان مي دادند، يك دفعه ديگر هم مثل اينكه ديدم اين راه، بعضي از اشخاصي كه پيش من بودند مي گفتند ما رفتيم منزل آقاي رجايي، اين خوب نشان مي داد، آنجا به

[صفحه 264]

اين اندازه نيست، واقع مطلب اينطور نيست، اين يك چيز بزرگي كانه نشان دارد مي دهد و حال آنكه ما كه رفتيم منزلشان ديديم نه، مسأله اينطور هم نيست. وقتي بنا شد كه يك نفر رئيس جمهور شده، يا يك نفر نخست وزير است، آقا منزلش آنطوري است و وضع ماديش اينطوري است، اين ديگر نمي شود كه از يك قدرت بزرگي بترسد. براي چه بترسد؟ اين را كه از او نمي گيرند. آن بايد بترسد كه مي خواهد چپاول كند و مي خواهد يك حكومت كذايي بكنند، آن بايد بترسد، اما رجايي (خدا رحمتش كند) و امثال اينها و باهنر و اينهايي كه ما از دست داديم، كه اينطور نبودند كه زندگيشان جوري باشد كه مبادا يك وقتي از دست ما برود، خاضع بشوند پيش ديگران و براي اينكه زندگي را بيشرش بكنند زورگويي كنند به مردم. [642].

تاريخ 61/6/7

رجايي معلم اخلاق

مرحوم آقای رجایی که همه می دانید چقدر مرد متعهدی و خدمتگزاری بود و واقعا معلم اخلاق بود با اعمال خودش. و همین طور آقای باهنر که مرد دانشمند، متعهد و معلمی بود. [643].

تاریخ 62/6/7

خداوند خواست که شهید رجایی و شهید باهنر با هم به سوی او هجرت کنند

بسم الله الرحمن الرحيم

منطق ما، منطق ملت ما، منطق مؤمنین، منطق قرآن است، «انا لله و انا اليه راجعون» [644] با این منطق هیچ قدرتی نمی تواند مقابله کند. جمعیتی که، ملتی که خود را از خدا می دانند و همه چیز خود را از خدا می دانند و رفتن از اینجا را به سوی محبوب خود، مطلوب خود می دانند، با این ملت نمی توانند مقابله کنند. آن که شهادت را در آغوش، همچون عزیزی می پذیرد، آن کوردلان نمی توانند مقابله کنند. اینها يك اشتباه دارند و آن اینکه شناخت از

[صفحه 265]

اسلام و شناخت از ایمان و شناخت از ملت اسلام ما ندارند. آنها گمان می کنند که با ترور شخصیتها، ترور اشخاص می توانند با این ملت مقابله کنند و ندیدند و کور بودند که ببینند که در هر موقعی که ما شهید دادیم ملت ما منسجمتر شد.

ملتی که قیام کرده است در مقابل همه قدرتهای عالم، ملتی که برای اسلام قیام کرده است، برای خدا قیام کرده است، برای پیشرفت احکام قرآن قیام کرده است این ملت را با ترور نمی شود عقب راند. آنها گمان می کنند که افکار مؤمنین و ملت بپاخواسته ما همچون افکار غریزه ها و غرب است

که جز به دنیا فکر نمی کنند و جز متاع دنیا را نمی بینند، آنها هم آنطورند.

ملتی که از اول، از صدر اسلام پیشوایان آن جان خودشان را فدا کردند و برای هدف خودشان که آن خدا و اسلام است، به این مسائل و به این امور از بین نخواهند رفت و سستی نخواهند داشت. ملت ما، ملت عزیز ما در تاریخ خوانده است که علی بن ابیطالب سلام الله علیه با دست یکی از همین منافقین، با دست یکی از همین اشخاصی که به صورت، اسلام و از اسلام جدا بودند، فرق مبارکش شکافت. ملت ما چون علی بن ابیطالب علیه با دست یکی از همین منافقین، با دست یکی از همین اشخاصی که به صورت، اسلام و از اسلام جدا بودند، فرق مبارکش شکافت. ملت ما چون علی بن ابیطالب را فدا کرده است از برای اسلام، فدا کردن امثال این شهدا برای ملت ما يك مسأله مهم نیست، گرچه خود واقعه و خود این افرادی که شهید شده اند در نظر همه ما عزیز و ارجمندند و آقای رجایی و آقای باهنر هر دو شهیدی هستند که با هم در جبهه های نبرد با قدرتهای فاسد همجنگ و همرمز بودند و مرحوم شهید رجایی به من گفتند که من 20 سال است که با آقای باهنر همراه بودم، و خداوند خواست که با هم از این دنیا هجرت کنند و به سوی او هجرت کنند. کسی که هجرت را به سوی خدا می داند و شهادت را فوز عظیم می داند و شهادتی که در صدر اسلام و از صدر اسلام تاکنون داده است عالیت و

بالا تر از تمامی افرادی هستند که در این قرن موجودند مثل علی بن ابیطالب سلام الله علیه و حسن بن علی سلام الله علیه و حسین بن علی و اصحاب او سلام الله علیهم و سایر ائمه ما علیهم السلام، آنها همه عمر خودشان را صرف کردند تا اسلام را حفظ کنند و ما هم تمام عمرمان را باید صرف کنیم تا اسلام را که به دست ما سپرده است حفظ کنیم.

من در عین حال که شهادت این دو بزرگوار برای من بسیار مشکل است در عین حال

[صفحه 266]

می دانم که آنها به رفیق اعلی متصل شده اند و برای آنها آرامش هست و اینطور گرفتاریهایی که الان برای ما هست دیگر برای آنها نیست و آنها رسیدند به مطلوب خودشان و از این جهت به آنها و به خانواده های آنها و ملت اسلامی تبریک عرض می کنم که چنین شهدایی تقدیم می کنند. در عین حالی که مصائب اینها مشکل است برای ما، لکن کشور ما و ملت ما با تمام قدرت ایستاده اند تا همچو شهدایی تقدیم کنند و هیچ راه عقب نشینی ندارند و فکر نمی کنند به سستی. آن کوردلانی که گمان کرده اند که جمهوری اسلامی با نبود چند نفر از بین خواهد رفت و سقوط خواهد کرد، آنها افکارشان، افکار اسلامی نیست و از اسلام خبری ندارند و از ایمان اطلاعی ندارند و افکارشان، افکار مادی و برای دنیا کار می کنند و به هوای دنیا هستند.

باید دید که اینهایی که اینطور کارها را انجام می دهند انگیزه ی آنها چیست. انگیزه آنها این است که برای این ملت بعد یک

دسته دیگری از صنف خودشان بیایند و حکومت کنند؟ اینها مگر نشناخته اند این ملت را که کسی که انحراف دارد از اسلام و کسی که سرکرده تروریستها هستند، کسانی که سرکرده اینها هستند و اینها را وادار به خرابکاری می کنند در بین ملت جای ندارند.

ما حکومتمان و افرادی که در رأس حکومت بودند چون از همین مردم هستند و از اشخاصی نیستند که از آن بالاها، یعنی آن پائینها آمده باشند و حکومت کرده باشند بر ملت، از این جهت ملت ما آرام است، دلش مطمئن است به اینکه وقتی که این شهدا نباشند، به جای آنها داوطلبانی برای شهادت حاضر به صحنه هستند. ما در عین حال که برای این شهدا متأثر هستیم و اینها اشخاص ارزنده ای برای ملت ما و برای جمهوری ما بودند لکن ما باز در صفهای دنبال آنها افراد داریم و اشخاص متعهد داریم و اشخاص مؤمن متعهد به اسلام داریم و به دنبال او ملت داریم و ملتی که هیچ گونه عقب نشینی در این مسائل نخواهد کرد و با این ترتیب جمهوری اسلامی آسیبی نخواهد دید.

در زمانهای سابق، زمان رژیمهایی که در سابق بودند، رژیمهای سلطنتی وضع اینطور بود که اگر يك سلطانی کشته می شد یا می مرد کشورد به هم می خورد. نکته او این بود که آن سلطان و عمال آن سلطان به قدری ظلم کرده بودند بر مردم و بر توده های میلیونی مردم که به مجرد اینکه او از بین می رفت خود مردم قیام می کردند بر ضد حکومت، لکن

[صفحه 267]

جمهوری اسلامی ما وضعی دارد که خود ملت يك

فردی را می آورند و خود ملت یک فردی را کنار می گذارند و خود ملت وقتی که فردی شهید شد به جای او باز یکی را انتخاب می کنند و خود را از دولت می دانند و دولت را از خود می دانند و خود را از رئیس جمهوری مکتبی می دانند و رئیس جمهوری مکتبی را از خود می دانند، از این جهت ولو اینکه رئیس جمهوری شهید بشود، نخست وزیر شهید بشود و هر مقامی شهید بشود، ملت ما هیچ خم به ابرو نمی آورند و کسانی دیگر را به جای آنها انتخاب می کنند.

الآن سرتاسر کشور ما را اگر چنانچه ملاحظه کنید، تهران با آن جمعیت کثیری با آن جمعیت کثیر که الآن در نزدیک دانشگاه متمرکز هستند و سایر شهرها هم مثل تهران، مابین این جمهوری و جمهوریهای عالم و مابین این دولت و دولتهای سابق این کشور می توانید حکومت [645] کنید که چه فرقی هست. اگر صدراعظمی در زمان سابق کشته می شد امکان نداشت که مردم، توده مردم، بازار هیچ عکس العملی از خود نشان بدهند الا سرور، الا مسرت.

و امروز که دو نفر شهید معظم از ما رفته است سرتاسر کشور ما به عزا نشسته است و سرتاسر کشور ما انسجام خودش را حفظ می کند و حفظ کرده است و فردا که اعلام می کنند برای انتخاب رئیس جمهور، همه ی این مردم برای انتخاب حاضرند.

من می دانم که در خارج الآن عنصرهایی که با این جمهوری اسلامی بلکه با اسلام مخالف هستند و بوقهای خارج و تبلیغاتی، خواهند گفت که این دو نفر که شهید شدند ایران به هم می خورد و خواهند گفت که در

عزاي اينها مردم بي تفاوت بودند يا خوشحال بودند و آنها با اينکه مي دانند، کوردلانه اينطور انتشارات و تبليغات را انجام مي دهند. الآن ببينيد که سرتاسر کشور ما امروز در سوگ هستند و در همه خيابانها و کوچه ها، بازارها در سوگ نشسته اند و الآن که به من اطلاع داده اند گفتند جمعيت بيشتري از آن وقتي است که 72 تن شهيد شدند.

ملت ما اينطور است. اگر بعد از اين هم خدای نخواستہ اشخاصي شهيد بشوند ملت ما همين ملت است و نهضت ما همين نهضت. و آن عمده اين است که کاري که براي

[صفحه 268]

خداست، نه براي افراد، نه براي اشخاص، نه براي شخصيتها، اين کار رکود نمي کند با رفتن افراد و با رفتن شخصيتها. کشوري از رفتن شخصيتهاي خود تزلزل پيدا مي کند که ملت او و افراد آن ملت دل به شخص بسته باشند، دل به اشخاص بسته باشند، اما کشور که دل او به خدا پيوسته است و براي خدا قيام کرده است و از اول، نه شرقي و نه غربي و جمهوري اسلامي را ندا داده است و يا بانگ الله اکبر صغير و کبير و زن و مردش در صحنه حاضر شده اند و اين نهضت را و اين انقلاب را پيا کرده اند، همين ملت هستند، براي آنکه خدا هست. رجايي رفت، ديگران اگر نيستند خدا هست.

... با رفتن شهدايي با اينکه بسيار ارزشمند بودند و هستند، با رفتن شهدا در عين حال که متأثر هستيم، لکن چون ما توجه مان به خداست و براي خداست و ملت ما براي خدا قيام کرده است، با

رفتن اشخاص هیچ سستی به خودشان راه نمی دهند و گرفتار این خطا نیستند که افراد يك مسأله اي را ایجاد می کنند.

خدای تبارك و تعالی از اول با شما بوده است و مادامی که شما در صحنه باشید و ان شاء الله هستید و خواهید بود، خدای تبارك و تعالی شما را پشتیبانی می کند و شما قوی خواهید بود. قوای مسلحه ما در جبهه های جنگ باید توجه بکنند که آنها برای خدا می جنگند نه برای رئیس جمهور و برای نخست وزیر و برای دیگران، آنها دل را قویتر کنند و هرچه اشخاص فاسد به این کشور صدمه وارد می کنند آنها قویتر در مرکز خودشان مشغول به مجاهده و مبارزه باشند. و گمان نکنید که اینها از روی قدرت يك همچو کارهایی را انجام می دهند، يك بمب در يك جا منفجر کردن، يك بچه 12 ساله هم می تواند او را بگیرد يك جایی بگذارد و خود او منفجر بشود، این قدرتی نیست، این کمال ضعف است. من این ملجم را از اینها مردتر می دانم برا اینکه او آمد و در حضور مردم کار خودش را کرد و خداوند او را لعنت کند، و اینها آن مردانگی آن نامرد را هم ندارند و به طور دزدی يك کاری انجام می دهند و خودشان را اصلا ظاهر نمی کنند. من آن عباس آقا [646] که صدر اعظم ایران را در نزدیک مجلس با هفت تیر زد در حضور همه و

[صفحه 269]

خودش را بعد هم دید گرفتار می شود کشت او را مرد می دانم و اینها را نامرد اینهایی که از اینجا فرار کردند و از خارج دستور

مي دهند که مردم را اغتيال کنند و به طور دزدکي بکشند، اينها تر نامردهاست. من اميدوارم که کشور ما به همان طوري که در مقابل همه ي قدرتها ايستاد و ايستادگي کرد و زن و مردش و جوان و پير مردش و بچه و بزرگش در مقابل، مشتها را گره کرد و ايستاد و قدرتهاي بزرگ را از مملکت راند و به جهنم فرستاد، ان شاء الله الآن هم در صحنه هستند و همه ي اينها ايستاده اند در مقابل اينطور گرفتارها صبر مي کنند و منطق اينها اين است که از خدا هستيم و به سوي خدا مي رويم. ما که از خدا هستيم و همه چيز ما از خداست، در راه خدا داريم صرف مي کنيم و باکي نداريم و اينطور نيست که گمان کنيم که از اينجا که رفتيم ديگر خبري نيست. آنها بايد بترسند که قيامت را هم در همين جا خيال مي کنند که هست، بعثت را هم در همين جا خيال مي کنند و آن را بعثت امت مي دانند نه بعثت انبيا، و قيامت را هم منکر هستند. آنها بايد بترسند که مرگ حيواني را بر مرگ انساني ترجيح مي دهند. و اما جوانهاي ما و سردمداران ما که براي شهادت حاضر و آغوش را باز کردند براي شهادت، اينها باکي از شهادت ندارند و ملت ما از اين شهادتها بسيار ديده است و امثال اين آقاين که شهيد شده اند در عين حال که در نظر ما بسيار ارجمند هستند، لکن آنها پيش خدا رفتند و ما به جاي آنها اشخاص داريم مکتبي، انساني که به شهادت فکر مي کند و داوطلب شهادت است.

و من اميدوارم که ملت

ما انسجام خودش را بیشتر کند و در صحنه بیشتر از سابق حاضر باشد و امثال این تقاله هایی که مانده اند از رژیم سابق و از اشخاصی که فرار کرده اند، اینها را ان شاء الله با نظارت خودشان و با نظر خودشان هر جا دیدند معرفی کنند و قوای انتظامی و نظامی ها و خصوصا شهربانی بیشتر قیام کند به امر انتظامات و نظام و سایر چیزها. و امیدوارم که شما پیروز باشید و شما پیروز هستید. [647].

تاریخ 60/6/9

مقام باعث تغییر در روحیه شهید رجایی و باهنر نگردید

لازم است که در این روزی که فاجعه نخست و زیزی رخ دارد يك يا چند کلمه ای یادی

[صفحه 270]

از این دو نفر شهید بزرگوار و همین طور آقای عراقی که من سابقه طولانی با ایشان داشتم، بشود. من از خصوصیات که در این آقایان بود، آقای رجایی، آقای باهنر، آقای عراقی، [648] آنی که به نظرم خیلی بزرگ است، این است که آقای رجایی يك نفر آدمی بود که، دستفروشی در بازار از قراری که گفتند، من در مطالعاتی که در ایشان کردم به نظرم آمد که از حال دستفروشی اش تا حال ریاست جمهور، در روح او تأثیری حاصل نشد. چه بسا اشخاصی هستند که اگر کدخدای ده بشوند، تغییر می کنند به واسطه ضعیفی که در نفسشان هست، تحت تأثیر آن مقامی که پیدا می کنند واقع می شوند و اشخاصی هستند که مقام تحت تأثیر آنهاست از باب قوت نفسی که دارند. و آقای رجایی، آقای باهنر در عین حالی که خوب یکیشان رئیس جمهور بود، یکیشان

نخست وزیر بود، این طور نبود که ریاست در آنها تأثیر کرده باشد، آنها در ریاست تأثیر کرده بودند؛ یعنی آنها ریاست را آورده بودند زیر چنگ خودشان، ریاست آنها را نبرده بود تحت لوای خودش. و این يك درسي است که انسان باید از اینها یاد بگیرد والحمدالله در این جمهوری بسیارند همچو اشخاص که تفاوتی به حالشان نکرده است که انسان ببیند که خیر حالا يك بادي به غبغب بیندازد و يك هیاهویی بجا بیاورد و اینها نشده است و این مسأله ای است که اهمیت دارد. آن که تحت تأثیر مقام می رود، نه این است که يك مقامی دارد، این از باب این که بسیار آدم ضعیفی است، مقام به او تسلط پیدا می کند و دنبال او هم می رود آن وقت. و این دنبال رفتن مقام بسیار ضرر دارد برای خود انسان و برای کسانی که در کار هستند برای کشورشان، از آن طرف اگر چنانچه عکس شد، تأثیر خوب دارد، هم برای خودشان و هم برای کشور. و لهذا من با این که «ما ابري نفسي ان النفس لامارة بالسوء [649]» به شما آقایان عرض می کنم که توجه به این معنا داشته باشید، این مقامات بعد از چند روزی

[صفحه 271]

دیگر تمام می شود، آنهایی که در اریکه قدرتهای بزرگ بودند بعد از چند روز تمام شد، آنهایی هم که به درویشی و به قناعت زندگی کردند آنها هم تمام شد، این امور تمام می شود، آن چیزی که هست، ما در حضور حق تعالی هستیم و ثبت است در نامه اعمال ما همه امور، همه خلجانات نفسانی و

ما باید آن فکر آن جا باشیم. این راجع به این آقایان که واقعا اسباب تأسف شد که يك همچو اشخاصي فاسد از بين بردند. ولي بحمدالله اینها در ماماتشان هم تقویت کردند این جمهوری اسلامی را. [650].

تاریخ 65/6/8

[صفحه 272]

حج خونین یکهزار و سیصد و شصت و شش

زائران شریف ایرانی پیام براثت را با خونشان ابلاغ نمودند

بسم الله الرحمن الرحيم

والذین هاجروا في سبيل الله ثم قتلوا و ماتوا ليرزقنهم الله رزقا حسنا و ان اله لهو خير الرازقين [651] جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ مهدي کروي دامت افاضاته

پیام استقامت و مظلومیت شما و زائران عزیزتر از جانمان را از کنار کعبه ی مظلوم و حرم خون آلود خدا شنیدم. سلام خالصانه ی این جانب و همه ی ملت ایران را به همه ی عزیزانی که در کنار خانه ی خود و حرم امن خدا مورد تهاجم و گستاخی اجیرشدگان شیطان بزرگ، یعنی امریکای جنایتکار قرار گرفته اند، ابلاغ کنید. این حادثه ی بزرگ نه تنها احساسات و عواطف ملت ایران را که یقینا دل همه ی آزادگان جهان و ملت‌های اسلامی را جریحه دار و متألم ساخته است، ولی برای ملت بزرگ و قهرمانی همچون مردم عزیز کشورمان که تجربه ی چندین ساله ی انقلاب را دیده اند و نقاب از چهره ها و نیرنگ‌های ایادی آمریکا چون شاه و صدام را در حمله به عزاداران حسنی و آتش زدن قرآنها و مساجد برداشته اند، این حوادث غیر مترقبه و شگفت آور نیست که دوباره دست کثیف آمریکا و اسرائیل از آستین ریاکاران و سردمداران کشور عربستان و خائنین به حرمین شریفین به درآید و قلب بهترین مسلمانان و عزیزان و

مسجدالحرام، خیابانها و کوچه های مکه را از خون مسلمانان سیراب کنند.

ما در عین حال که شدیداً متأثر و عزا دار از این قتل عام بی سابقه ی امت محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - و پیروان ابراهیم حنیف و عاملین به قرآن کریم گردیده ایم ولی خداوند بزرگ را سپاس می گزاریم که دشمنان و مخالفین سیاست اسلامی ما را از کم عقلان و بی خردان قرار داده است، چرا که خودشان هم درک نمی کنند که که حرکت های کورشان سبب قوت و تبلیغ انقلاب ما و معرف مظلومیت ملت ما گردیده است و در هر مرحله ای سبب ارتقای مکتب و کشورمان را فراهم کرده اند که اگر از صدها وسیله ی تبلیغاتی استفاده می کردیم و اگر هزاران مبلغ و روحانی را به اقطار عالم می فرستادیم تا مرز واقعی بین اسلام راستین و اسلام آمریکایی و فرق بین حکومت عدل و حکومت سرسپردگان مدعی حمایت از اسلام را مشخص کنیم، به صورتی چنین زیبا نمی توانستیم، و اگر می خواستیم پرده از چهره ی کریه دست نشاندهگان آمریکا برداریم و ثابت کنیم که فرقی بین محمدرضاخان و صدام آمریکایی و سران حکومت مرتجع عربستان در اسلامزدایی و مخالفتشان با قرآن نیست و همه نوکر آمریکا هستند و مأمور خراب کردن مسجد و محراب و مسئول خاموش نمودن شعله ی فریاد حق طلبانه ی ملتها، باز به این زیبایی میسر نمی گردید، و همچنین اگر می خواستیم به جهان اسلام ثابت کنیم که کلیدداران کنونی کعبه لیاقت میزبانی سربازان و میهمانان خدا را ندارند و جز تأمین آمریکا و اسرائیل و

تقديم منافع كوشورشان به آنان كاري از دستشان برنمي آيد، بدین خوبی نمي توانستيم بيان كنيم. و اگر مي خواستيم به دنيا ثابت كنيم كه حكومت آل سعود، این وهابیهایی پست بی خبر از خدا به سان خنجرند كه همیشه از پشت در قلب مسلمانان فرورفته اند، به این اندازه كه كارگزاران ناشی و بی اراده ی حاکمیت سعودی در این قساوت و بیرحمی عمل کرده اند، موفق نمي شدیم و حقا كه این وارثان ابی سفیان و ابی لهب و این رهروان راه یزید روی آنان و اسلاف خویش را سفید کرده اند.

جمهوری اسلامی ایران الحمدلله در میان زائران خانه ی حق از ملیتها و نژادها و كشورها و حتی در خود عربستان طرفداران بسیار زیاد و دوستان صادق و وفاداری پیدا نموده است كه برای گواه و شهادت حقانیت ما و معرفی ابعاد قتل عام خونبار مسلمانان به دست خادم الحرمین و انتقال حقایق تلخ روز حادثه به مردم جهان ما را یاری دهند. و چه بهتر كه

[صفحه 274]

بلافاصله و در حالی كه اجساد عزیزان ما بر زمین افتاده اند، صدام و حسین اردنی و حسن مراکشی به حمایت از جنایت آل سعود اعلام همبستگی نمایند، گویی عربستان سنگر بزرگی را فتح کرده است و در کشتن صدها زن و مرد بی دفاع مسلمان و به رگبار مسلسل بستن آنان و عبور از روی اجساد مطهر آنان به پیروزی نظامی بزرگی نایل آمده است كه به یکدیگر تبریک می گویند و حال آن كه جهان در این ماتم نشسته و دل پیامبر خاتم شکسته است. و چه کسی است كه نداند توسل به زور و سرنیزه و لشکرکشی در برابر زائران خانه ی

حق و تهیه ی آن همه مقدمات و توسل به بهانه های پوچ برای درگیری با زنان و مردان و جانبازان و مادران و همسران شهیدان چیزی جز استیصال و خشم و ضعف آمریکا و عجز و ناامیدی سرسپردگان آنان نخواهد بود. یقیناً آمریکا و عربستان از شرایط خلع سلاح مسلمانان در حرم خدا و احترام مؤمنین به احکام قرآن و پرهیز از جدال در کنار خانه ی خدا سوء استفاده کرده اند و با وسایل از پیش فراهم شده و نقشه های دقیق رو به صفتانه به صفوف شیرمردان و شیرزنان ما حمله نموده اند و آنان را غافلگیر کرده اند. حکومت سعودی مطمئن باشد که آمریکا لکه ی ننگی بر دامنش نهاده است که تا قیام قیامت هم با آب زمزم و کوثر پاک نمی شود و خونی که از دل اقیانوس بزرگ ملت ما بر سرزمین حجاز جاری شده است، زمزم هدایتی برای تشنگان سیاست ناب اسلام گردیده است که ملتها و نسلهای آینده از آن سیراب و ستمکاران در آن غرق و هلاک می شوند و ما همه ی این جنایتها را به حساب آمریکا گذاشته ایم و به یاری خدا و در موقع مناسب به حساب آنان خواهیم رسید و انتقام فرزندان ابراهیم را از نمرودها و شیاطین و قارون ها خواهیم گرفت. و مجدداً تأکید می کنم که اینها بهای گران حاکمیت نه شرقی و نه غربی و استقلال و آزادی و اسلام خواهی ماست.

و اینک از فرصت استفاده کرده به یکی از آیات کتاب کریم اشاره می کنم آن جا که فرموده است: «اجعلتم سقایة الحاج و عمارة المسجد الحرام کمن امن بالله والیوم الاخر و جاهد فی سبیل الله لایستون عندالله

والله لا يهدي القوم الظالمين. [652] «گویی آیه ی کریمه در همین عصر نازل شده و گویی برای آل سعود و امثال آل سعود در طول تاریخ و برای ملت

[صفحه 275]

مجاهد و بزرگ ایران و حجاج بیت الله الحرام در عصر حاضر و امثال آنان در همه ی اعصار آمده است. خداوند تعالی می فرماید: شما کوردلان آب رسانی به حجاج و تعمیر مسجدالحرام را با ارزش آنانی که ایمان به خدا و به روز جزا آورده و در راه خدا مجاهده می کنند، مساوی قرار داده اید، حاشا که اینان با شما مساوی نیستند و خداوند ستمگران را هدایت نمی کند. آیا سعودیها و امثال آنان در طول تاریخ ارزش خود را برای تهیه ی آب در مواقع حج و زرق و برق تعمیرات مسجدالحرام را با ارزشهای مسلمانانی که به خداوند و روز جزا ایمان دارند و با نثار خون خود و جوانان مجاهد خود در راه خدا و برای دفع دشمنان خدا از حریم اسلام و حرم خداوند تعالی به پا خاسته اند مقایسه نکرده اند و سعودیهای عصر حاضر، پا را فراتر از آن نگذاشته و بر مسلمانان افتخار نمی کنند و با مجاهدان راه خدا آن نمی کنند که روی آمریکای جهانخوار و ارباب خود را سفید کرده است. و جالب توجه این که خداوند در این آیه ایمان به خدا و روز جزا را ذکر فرموده و از میان تمام ارزشهای اسلامی و انسانی مجاهده ی در راه خدا را با دشمنان خدا و بشریت انتخاب کرده است و در این انتخاب به همه ی مسلمانان تعلیم فرموده است که ارزش جهاد فوق همه ی ارزشهاست. و آیا خداوند با

ذکر «والله لا يهدي القوم الظالمين» نمی خواهد بفرماید خداوند سعودیهایی عصر را و تمام اعصار تاریخ را ستمگرانی بیش نمی داند که قابل هدایت نیستند و خداوند آنان را هدایت نمی فرماید. آیا ستمکاری بر حق و خلق و بر رسول خدا و امت بزرگوار حضرت رسول خاتم، بالاتر از آنچه آل سعود با کعبه و حرم امن الهی و با زایران مجاهد آن که همه چیز و همه کس خود را در راه دوست و آرمان اسلام تقدیم کردند، می توان تصور کرد؟ آیا جرم این مجاهدان که به فرمان خداوند تعالی ندای برائت از مشرکین را انجام داده اند، جز برائت از خدایان آل سعود و سعودیهایی عصر حاضر و شاه حسین و شاه حسن و مبارک نامبارک و صدام عفلقی است؟ آیا سکوت در مقابل این ستمگریها که در طول تاریخ سابقه نداشته است، چیزی جز رضای به این جزم و شرکت در ظلم و ستم ظالمین و ستمگران است؟ و در هر صورت آل سعود برای تصدی امور کعبه و حج لیاقت نداشته و علما و مسلمانان و روشنفکران باید چاره ای بیندیشند. زائران شریف ایرانی امسال پیام انقلاب و برائت خود را با خونشان به جهان و به امت اسلام ابلاغ نمودند و با تقدیم شهدای بزرگ به پیشگاه مقدس حق از سازندگان و

[صفحه 276]

بانیان سیاست نه شرقی و نه غربی کعبه ی خداوند گشته اند و ملت بزرگ ایران نیز با تجلیل گسترده ی خود از شهدا و شرکت میلیونی خود در راهپیمایی و اعلان برائت از کفر خصوصا آل سعود به وظیفه ی انقلابی و الهی خود عمل نموده اند که

در این جا لازم است از حضور گسترده ی آنان و همه ی اقشار و خواهران و برادران تشکر کنم. اکنون نوبت زائران دیگر کشورها و خصوصا علما و روشنفکران و گویندگان است که پیام مظلومیت ما را به جهان ابلاغ کنند. ان شاء الله زائران محترم ایرانی با مقاومت و صبر بقیه ی اعمال خود را به اتمام برسانند و با گامهای محکم و دلی آرام و قلبی سرشار از رضایت و لبی خندان، شادی پیروزی خون بر شمشیر و شهادت در کنار خانه ی خدا را جشن بگیرند و افرادی که به مدینه ی منوره مشرف می شوند، سلام شهیدان به خون خفته ی کعبه و مجروحین خانه ی امن را به رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام ابلاغ کنند و این موفقیت بزرگ را به محضرشان تبریک بگویند و به راه خود با صلابت و اطمینان ادامه دهند و مشکلاتی که آمریکا و عربستان بر آنان تحمیل نموده اند به حساب خدا و دفاع از پیامبر بگذارند و از این که خداوند هدیه ها و قربانیان هاجروار و اسماعیل گونه ی این ملت بزرگ را در کنار خانه ی خود پذیرفته است سپاسگزار و شاکر باشند که ان شاء الله خداوند شهدای بزرگ ما را با شهدای صدر اسلام محشور و به بازماندگان آنان صبر و اجر و به مصدومین و مجروحین شفا عنایت فرماید و شر متجاوزان را به خودشان بازگرداند و آنان را به عقوبت خود کیفر دهد.

از خداوند مسألت می کنم که از این زمان که همه ی کفر و همه ی شرک دست به دست هم داده اند و تصمیم و عزم خود را برای شکست امت اسلام جزم کرده اند و همه ی

ضربه ها را بر علیه ما به کار گرفته اند، خود ما را در حصار محکم خود و در لوای مرحمت و لطف خود حفاظت فرماید. [653].

تاریخ 66 / 5 / 12

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوي الخميني

[صفحه 277]

عید قربان با شهادت فرزند ابراهیم

بسم الله الرحمن الرحيم

لقد صدق الله رسوله الرؤيا بالحق لتدخلن المسجد الحرام ان شاء الله امنين. [654].

علي رغم گذشته يك سال از كشتار فجييع و بيرحمانه حجاج بي دفاع و زيران مؤمن و موحد به وسيله ي نوكران و سفاكان آل سعود، هنوز شهر خدا و خلق خدا در بهت و حيرتند. آل سعود با كشتن ميهمانان خدا و به خاك و خون كشيدن بهترين بندگان حق، نه تنها حرم را، كه جهان اسلام را آلوده به خون شهيدان نمود و مسلمانان و آزادگان را عزادار ساخت.

مسلمانان جهان در سال گذشته براي اولين بار عید قربان را با شهادت فرزندان ابراهیم - علیه السلام - كه دهها بار از مصاف با جهانخواران و اذئاب آنان برگشته بودند در مسلخ عشق و در مناي رضایت حق جشن گرفتند، و بار ديگر امريكا و آل سعود برخلاف راه و رسم آزادگي، از زنان و مردان، از مادران و پدران شهيد، از جانبازان بي پناه ما كشته ها گرفتند و در آخرين لحظات نیز با ناجوانمري و قساوت بر پيكر نيمه جان سالخوردهگان و بر دهان تشنه و خشكیده ي مظلومان ما تازيانه زدند و انتقام خود را از آنان گرفتند. انتقام از چه كساني و از چه گناهي؟ انتقام

از کسانی که خانه ی خویش به سوی خانه ی خدا و خانه ی مردم هجرت نموده بودند! انتقام از کسانی که سالها کوله بار امانت و مبارزه را بر دوش کشیده بودند! انتقام از کسانی که همچون ابراهیم - علیه السلام - از بت شکنی برمی گشتند! شاه را شکسته بودند! شوروی و آمریکا را شکسته بودند! کفر و نفاق را خرد کرده بودند! همانها که پس از طی آن همه راهها با فریاد: «أذن في الناس بالحج يأتوك رجالا» [655]؛ پابرهنه و سربرهنه آمده بودند تا ابراهیم را خوشحال کنند، به میهمانی خدا آمده بودند تا با آب زمزم گرد و غبار سفر را از چهره بزدايند. و عطش خویش را در زلال مناسك حج برطرف نمایند و با توانی بیشتر مسئولیت پذیر گردند و در سیر و صیوررت ابدی خود نه تنها در میقات حج، که در میقات عمل نیز لباس و حجاب پیوستگی و دل بستگی به دنیا را از تن به

[صفحه 278]

درآوردند. همانها که برای نجات محرومان و بندگان خدا را حتی راحت طلبان را بر خود حرام و محرم به احرام شهادت شده بودند و عزم را جزم کردند تا نه تنها بنده ی زر خرید آمریکا و شوروی نباشند که زیر بار هیچ کس جز خدا نروند. آمده بودند که دوباره به محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - بگویند که از مبارزه خسته نشده اند و به خوبی می دانند که ابی سفیان و ابی لهب و ابی جهل برای انتقام در کمین نشسته اند و با خود می گویند: مگر هنوز لات و هبل در کعبه اند؟ آری، خطرناکتر از آن بتها، اما در چهره

و فریبي نو.

آنها مي دانند که امروز حرم، حرم است اما نه براي ناس، که براي امريکا، و کسی که به امريکا لبیک نگوید و به خدای کعبه رو آورد سزاوار انتقام خواهد شد. انتقام از زایرانی که همه ي ذرات وجود و همه ي حرکات و سکانات انقلابشان مناسک ابراهیم را زنده کرده است! و حقیقتاً مي رود تا فضاي کشور و زندگي خویش را با آوای دلنشین «لبیک، اللهم لبیک» معطر سازد. [656].

تاریخ 67/4/29

کشتار زائران خانه خدا توطئه اي براي جلوگیری از نفوذ اسلام

کشتار زائران خانه ي خدا توطئه اي براي حفظ سياستهاي استکبار و جلوگیری از نفوذ اسلام ناب محمدي - صلي الله عليه و آله و سلم - است. و کارنامه ي سپاه و ننگين حاکمان بيدرد کشورهای اسلامي حکايت از افزودن درد و مصيبت بر پیکر نیمه جان اسلام و مسلمين دارد. [657].

تاریخ 67/4/9

حادثه مکه منشأ تحولات بزرگ در جهان اسلام

بعضي افراد تا قبل از حادثه تلخ و شیرین حج در سال گذشته، فلسفه ي اصرار جمهوري اسلامي ايران را بر راهپیمایی براءت از مشرکين به خوبی درک نکرده بودند و از خود و دیگران سؤال مي کردند که در سفر حج و در آن هوای گرم چه ضرورتی به راهپیمایی و فریاد مبارزه است و اگر هم فریاد براءت از مشرکين هم سر داده شود، چه ضرر متوجه استکبار مي شود؟ و چه بسا افراد ساده دلي تصور مي کردند که دنيای به اصطلاح متمدن

[صفحه 279]

جهانخواران نه تنها تاب تحمل این گونه

مسائل سياسي را خواهند داشت، که به مخالفان خود حتي بيش از اين هم اجازه ي حيات و تظاهرات و راهپيمايي خواهند داد، و دليل اين مدعا اجازه ي راهپيمايي است که در کشورهاي به اصطلاح آزاد غرب داده مي شود. ولي اين مسأله بايد روشن باشد که آن گونه راهپيمايها هيچ گونه ضرري براي ابرقدرتها و قدرتها ندارد. راهپيمايي مکه و مدینه است که بسته شدن شيرهاي نفت عربستان را به دنبال دارد، راهپيمايهاي برائت در مکه و مدینه است که به نابودي سرسپردگان شوروي و امريکا ختم مي شود، و درست به همين جهت است که با کشتار دستجمعي زنان و مردان آزاده از آن جلوگیری مي شود، و در پناه همين برائت از مشرکين است که حتي ساده دلان مي فهمند که نبايد سر بر آستان شوروي و امريکا نهاد.

ملت عزيز و دلاور ايران مطمئن باشند که حادثه ي مکه منشأ تحولات بزرگي در جهان اسلام و زمينه ي مناسبی براي ريشه کن شدن نظامهاي فاسد کشورهاي اسلامي و طرد روحاني نماها خواهد بود. و با اين که بيشتر از يك سال از حماسه ي برائت از مشرکان نگذشته است، عطر خونهاي پاك شهداي عزيز ما در تمامي جهان پيچيده و اثرات آن را در اقصي نقاط عالم مشاهده مي کنيم. حماسه ي مردم فلسطين يك پديده ي تصادفي نيست، آيا دنيا تصور مي کند که اين حماسه را چه کسانی سروده اند و هم اکنون مردم فلسطين به چه آرماني تکیه کرده اند که بي محابا و با دست خالي در برابر حملات وحشيانه صهيونيستها مقاومت مي کنند؟ آيا تنها آوای وطن گرایی است که از وجود آنان دنيايي از صلابت آفریده است؟ آيا از درخت سياست بازان خود فروخته است

که بر دامن فلسطینیان میوه ی استقامت و زیتون نور و امید می ریزد؟ اگر این چنین بود، اینها که سالهاست در کنار فلسطینیان و به نام ملت فلسطین نان خورده اند! شکی نیست که این آوای الله اکبر است، این همان فریاد ملت ماست که در ایران شاه را و در بیت المقدس غاصبین را به نومیدي کشاند و این تحقق همان شعار برائت است که ملت فلسطین در تظاهرات حج، دوشادوش خواهران و برادران ایرانی خود فریاد رسای آزادی قدس را سرداد و مرگ بر آمریکا، شوروی و اسرائیل گفت، و بر همان بستر شهادتی که خون عزیزان ما بر آن ریخته شد، او نیز نثار خون و به رسم شهادت آرמיד. آری، فلسطینی راه گم کرده ی خود را از راه برائت ما یافت و دیدیم که در این مبارزه چطور حصارهای آهنین

[صفحه 280]

فروریخت و چگونه خون بر شمشیر و ایمان بر کفر و فریاد بر گلوله پیروز شد و چطور خواب بنی اسرائیل در تصرف از نیل تا فرات آشفته گشت، و دوباره کوکب دریه ی فلسطین از شجره ی مبارکه لاشرقیه و لاغربیه ی ما برافروخت. و امروز به همان گونه که فعالیت های وسیعی در سراسر جهان برای به سازش کشیدن ما با کفر و شرک در جریان است، برای خاموش کردن شعله های خشم ملت مسلمان فلسطین نیز به همان شکل ادامه دارد و این تنها يك نمونه از پیشرفت انقلاب است. و حال آن که معتقدین به اصول انقلاب اسلامی ما در سراسر جهان رو به فزونی نهاده است و ما اینها را سرمایه های بالقوه ی انقلاب خود تلقی می کنیم، و هم آنهایی

که با مرکب خون طومار حمایت از ما را امضا می کنند و با سرو جان دعوت انقلاب را لبیک می گویند و به یاری خداوند کنترل همه ی جهان را به دست خواهند گرفت. [658].

تاریخ 67/4/29

[صفحه 283]

اسوه های شهادت در عصر حاضر

شهید سید حسن مدرس

مدرس جلو اولتیماتوم دولت روس ایستاد

یک مجلس از مجالس سابق که مرحوم مدرس، مرحوم آسید حسن مدرس در آن مجلس بود، اولتیماتومی از دولت روس آمد به ایران که اگر فلان قضیه را انجام ندهید (که من حالا هیچی از آن را یادم نیست) ما از فلان جا که قزوین ظاهراً بوده است می آییم به تهران و تهران را می گیریم و دولت ایران هم فشار می آورد به مجلس که باید این را تصویب کند. یکی از مورخین، مورخین آمریکایی می نویسند که یک روحانی با دست لرزان آمد پشت تریبون ایستاد و گفت آقایان اگر بناست ما از بین برویم چرا با دست خودمان برویم، رد کرد، مجلس به واسطه مخالفت او جرأت پیدا کرد و رد کرد و هیچ غلطی هم نکردند؛ روحانی این است، یک روحانی توی مجلس بود نگذاشت آن قلدر شوروی را، روسیه سابقه را، پیشنهاد اولتیماتومش را یک روحانی ضعیف، یک مشت استخوان رد کرد. [659].

تاریخ 43/8/4

مدرس به تنهایی در مقابل ظلم می ایستاد

مرحوم مدرس (رحمة الله) - خوب - من ایشان را هم دیده بودم. این هم یکی از اشخاصی بود که در مقابل ظلم ایستاد، در مقابل ظلم آن مرد سیاه کوهی، آن رضاخان قلدر ایستاد و در مجلس

بود. ایشان را به عنوان طراز اول، علما فرستادند به تهران و ایشان

[صفحه 284]

با گاري آمد تهران، از قراري كه آدم موثقي نقل مي كرد، ایشان يك گاري آنجا خريده بود و اسبش را شايد خودش مي راند تا آمد به تهران، آنجا هم يك خانه مختصري اجاره كرد و من منزل ایشان مكرر رفتم، خدمت ایشان (رضوان الله عليه) مكرر رسيدم، ایشان به عنوان طراز اول آمد لکن طراز اول كه اصلا از اول مجلسش منتفي شد، بعد ایشان وكيل مي شد، هر وقت هم كه ایشان وكيل مي خواست بشود، وكيل اول، در تهران وكيل اول مدرس بود. ایشان در مقابل ظلم، تنها مي ايستاد و صحبت مي كرد و اشخاص ديگري از قبيل ملك الشعراء [660] و ديگران به دنبال او بودند اما او بود كه مي ايستاد و برخلاف ظلم و بر تملك تعديان آن شخص صحبت مي كرد. [661].

تاريخ 56 / 10 / 10

يكي از اشتباهات اين بود كه از مدرس حمايت نشد

يكي از اشتباهات اين بود كه مردم يا آنهايي كه بايد مردم را آگاه كنند پشتيباني از مدرس نكردند. مدرس تنها مرد بزرگي بود كه با او مقابله كرد و ايستاد و مخالفت كرد و در مجلس هم بعضيها موافق با مدرس بودند و بعضيها هم سرسخت مخالفت مي كردند با مدرس و در آن وقت باز يك جناحهايي مي توانستند كه پشت سر مدرس را بگيرند و پشتيباني كنند و اگر پشتيباني کرده بودند مدرس مردمي بود كه با منطق قوي و اطلاعات خوب و شجاعت و همه اينها موصوف بود و ممكن بود

که همان وقت شر این خانواده کنده بشود و نشد. [662].

تاریخ 57/8/16

مدرس و شکست رضاشاه

یک آخوند توی مجلس بود پدرش را درمی آورد، یک مدرس که در مجلس بود مکرر شکست داد، آخر گرفتند او را کشتند. [663].

تاریخ 57/11/1

[صفحه 285]

مدرس، الهی بود

این عکسی [664] که ملا-حظه می کنید، شخصی است که ملك الشعرا گفته است که از زمان مغول تا حالا مثل این شخص در عالم نیامده، یعنی مرحوم مدرس. این حرف اوست. آنی که خودمان دیدیم تنها آدمی که در مقابل رضاخان قلدر ایستاد این است، این شخص است، یک روحانی که لباسش از سایر اشخاص کمتر بود و کرباس به تن می کرد، آن وقت وقتی که شعر گفته بودند، برای تنبان کرباس مدرس، آن فاسد شعر گفته بود، او در مقابل قدرت بزرگ رضاخان می گفتند ایستاد و گفت که مرده باد او و زنده باد من.

یک چنین مرد قدرتمندی بود برای اینکه الهی بود برای خدا می خواست کار بکند، نمی ترسید. خداوند ان شاء الله او را رحمت کند. [665].

تاریخ 58/2/24

مدرس نمونه انسان مورد نظر اسلام

اسلام می خواهد انسان درست کند می خواهد آدم درست کند یک آدم دیگر موافق تعلیم قرآن درست شود یک وقت می بینید که یک مدرس از کار در می آید که یک مدرس مثل یک گروه است، جلوی قدرت شیاطانی را می ایستد، می ایستد تنها، با پیرمردی خودش می ایستد جلوی او را می گیرد

و جلوي شوروي که مي خواستند به ايران حمله کنند مي گيرد. اينها هم، خارجيها هم از انسان مي ترسند. [666].

تاريخ 58/2/31

مدرس يك نفري بر همه مجلس غلبه مي کرد

آنها از مدرس مي ترسيدند. مدرس يك انسان بود، يك نفري نگذاشت پيش برود کارهاي او را تا وقتي کشتندش. يك نفري غلبه مي کرد بر همه ي مجلس، بر اهالي که در مجلس بودند غلبه مي کرد يك نفري، يك نفري تا توي مجلس نبود (من آن وقت مجلس رفتم، ديدم، براي تماشا، بچه بودم، جوان بودم رفتم) مجلس آن وقت تا مدرس نبود مثل اينکه چيزي در آن نيست، مثل اينکه محتوا ندارد. مدرس با آن عباي نازک و با آن - عرض

[صفحه 286]

بکنم - قباي کرباسي وقتي وارد مي شد، مجلس مي شد - يك مجلس - طرحهايي که در مجلس داده مي شد، آن که مخالف بود مدرس مخالفت مي کرد و مي ماساند مطلب را. [667].

تاريخ 58/3/16

مدرسي مي گفت: ظالمان را بزنيد تا بروند از شما شکايت کنند

مرحوم مدرس خدا رحمتش کند مردمي بود که ملك الشعرا گفته بود از زمان مغول تا حالا مثل مدرس کسي نيامده، مي گفت که بزنيد که بروند از شما شکايت کنند، نه بخوريد و برويد شکايت کنيد. من رفتم پيشش، خدا رحمتش کند، اخوي ما نوشته بود به من که يك نفري است اينجا رئيس غله است، آن وقت يك رئيس غله زمان رضاشاه بود، به من نوشت که برويد به آقاي مدرس بگوييد که اين مرد آدم فاسدي است، دو

تا سگ دارد یکی اش را اسمش را سید گذاشته و یکی اش را شیخ، شما بگوئید که این را از اینجا بیرونش کنند. من رفتم به ایشان گفتم، گفت بکشیدش. گفتم آخر چطور بکشیم؟ گفت من می نویسم بکشیدش. گفتم آخر شما اینجا مأمور هستید، شما اینجا هستید آنها آنجا نمی توانند. گفت چطور شد که وقتی قافله ها از گلپایگان می آیند عبور کنند و بروند، از کمره می خواهند عبور کنند می فرستند لختشان می کنند، حالا نمی توانید بکشید یک کسی را. [668].

تاریخ 58/3/23

رضاخان از مدرس می ترسید اینهایی که می خواهند انسان درست نشود از انسان می ترسند. این رژیمها از انسان می ترسند، در هر رژیمی یک انسان اگر پیدا بشود، متحول می کند کارها را. رضاشاه از مدرس می ترسید، آنقدری که از مدرس می ترسید، از دزدهای سرگردنه نمی ترسید، از تفنگدارها نمی ترسید. از مدرس می ترسید، مدرس مانع بود از اینکه یک کارهای زشتی را انجام بدهد و آخر مدرس را گرفت و کشت. [669].

تاریخ 58/5/26

[صفحه 287]

تنها مدرس بود که جلوی رضاخان ایستاد

مرحوم مدرس یک کسی بود که در مقابل همه می ایستاد و مع الأسف اینها می گویند روحانیون نقشی نداشتند. یک روحانی در یک مجلسی رضاخان می خواست که جمهوری درست کند و مدرس مخالفت می کرد، می دانست که این می خواهد حقه بزند و مردم را بچاپد، فقط مدرس ایستاد و جلوی او را گرفت. مع ذلك می گویند روحانیون هیچ نقشی نداشتند. در طول مدتی که از اولی که رضاخان آمد و اول سالوسی خودش را کرد و پایش را محکم کرد و

شروع کرد با اسلام مخالفت کردن، این کسی که در مقابل اینها ایستاد و مشتش را گره کرد همین روحانیون بودند، همین علما بودند که از مشهد و از تبریز و از اصفهان و از سایر بلاد مخالفت کردند و آن احزاب و این نهضتها و اینها هیچ کدام با آنها مخالفت نکردند. [670].

تاریخ 59/3/14

لباس کرباسی مدرس زبانزد همه بود

مدرس از قراری که از او نقل کرده اند گفته بود که: «در مجلس ما يك مسلمان هست، آن هم ارباب کیخسرو». [671] رضاخان رقیب خودش را مدرس می دانست، به دیگران اعتنایی نداشت. رقیب خودش را مدرس می دانست که وقتی که می ایستاد و صحبت می کرد، متزلزل می کرد همه را. يك انسان بود، وضع زندگیش آن بود که شما شنیدید و من دیدم. وقتی که وکیل شد یعنی از اول به عنوان فقیهی که باید در مجلس باشد تعیین شد، آنطور که نقل کرده اند يك گاری با يك اسبی در اصفهان خریده بود و سوار شده بود و خودش آورده بود تا تهران، آنجا آن را هم فروخته بود و منزلش يك منزل محقر از حیث ساختمان، يك قدری بزرگ بود ولی محقر از حیث ساختمان و زندگی يك زندگی مادون عادی که در آن وقت لباس کرباس ایشان زبانزد بود، کرباسی که باید از خود ایران باشد می پوشید. این وطنخواهها کدام لباسشان مال ایران است؟ [672].

تاریخ 59/9/27

[صفحه 288]

بدون مدرس مجلس، احساس نقص می کرد

شما ملاحظه کرده اید، تاریخ مرحوم مدرس را دیده اید

که يك سيد خشکیده ي لاغر - عرض مي کنم - لباس کرباسي (که يکي از فحشهايي که آن شاعر به او داده بود، همين بود که تنبان کرباسي پوشيده) يك همچو آدمي در مقابل آن قلدري که هرکس آن وقت را ادارک کرده مي داند که زمان رضاشاه غير زمان محمدرضا شاه بود، آن وقت يك قلدري بود که شايد تاريخ ما کم مطلع بود، در مقابل او همچو ايستاد، در مجلس، در خارج - فلان - که يك وقت گفته بود سيد چه از جان من مي خواهي؟ گفته بود که مي خواهم تا تو نباشي، مي خواهم تو نباشي. اين آدم که - مي آمد - (من درس ايشان يك روز رفتم) مي آمد در مدرسه سپهسالار که مدرسه شهيد مطهري است حالا، درس مي گفت، من يك روز رفتن درس ايشان، مثل اينکه هيچ کاري ندارد، فقط طلبه اي است دارد درس مي گويد. اينطور قدرت رويي داشت، در صورتي که آن وقت در کوران آن مسائل سياسي بود که بايد حالا بروند مجلس و آن بساط را درست کنند. از آنجا، پيش ما، رفت مجلس. آن وقت هم که مي رفت مجلس، يك نفري بود که همه از او حساب مي بردند. من مجلس آن وقت را هم ديده ام، کانه مجلس منتظر بود که مدرس بيايد. با اينکه با او بد بودند ولي مجلس کانه احساس نقص مي کرد وقتي مدرس نبود. وقتي مدرس مي آمد مثل اينکه يك چيز تازه اي واقع شده. اين براي چه بود؟ براي اينکه يك آدمي بود که نه به مقام اعتنا مي کرد و نه به دارايي و امثال ذلك، هيچ اعتنا نمي کرد، نه مقامي او را جذبش مي کرد. ايشان

وضعش اینطور بود که (برای من نقل کردند این را که) داشت قلیان خودش را چاق می کرد، خودش اینطور بود، فرمانفرمای آن روز (حالا که من می گویم فرمانفرما، شما به ذهنتان نمی آید که یعنی چه) فرمانفرمای آن روز وارد شده بود منزلش، گفته بود که به او، حضرت والا من قلیان را آبش را می ریزیم تو این را، آتش سرخ کن را درست کن، یا به عکس. از اینجا همچو او را کوچک می کرد که دیگر نه، طمع دیگر نمی توانست بکند. وقتی اینطور با او رفتار کرد که بیا این آتش سرخ کن را گردش بده، آن آدمی که همه برایش تعظیم می کردند، همه برایش چه می کردند، این وقتی اینطوری می رسیده، این شخصیتها را اینطوری از بین می برد که مبادا طمع کند از ایشان چیزی بخواهد. من بودم آنجا که یک کسی یک چیزی نوشته بود، زمان قدرت رضاشاه، زمانی که آن وقت باز شاه نبود، آن

[صفحه 289]

وقت یک قلدر نفهمی بود که هیچ چیز را ابقا نمی کرد، یک کسی آمد گفت من یک چیزی نوشتم برای عدلیه، شما بدهید ببرند پیش حضرت اشرف (یک همچو تعبیرهایی) که ببینند. گفت، رضاخان که باز نمی داند اصلش عدلیه را با «الف» می نویسند یا با «ع» می نویسند، من بدهم این را او ببیند؟ نه اینکه این را در غیاب می گفت، در حضورشان هم می گفت. اینجوری بود وضعش. این چه بود؟ برای اینکه وارسته بود، وابسته به هواهای نفس نبود، «اتخذ هوی الله» نبود. این، هواهای نفسانی خودش را اله خودش قرار نداده بود، این اله خودش را خدا قرار داده بود.

این برای مقام و برای جاه و برای وضعیت کذا نمی رفت عمل بکنند، او برای خدا عمل می کرد. کسی که برای خدا عمل می کند، وضع زندگیش هم آن است، دیگر از آن وضع بدتر که دیگر نمی شود برایش، برای چه دیگر چه بکنند، از هیچ کس هم نمی ترسید. وقتی که رضاشاه ریخت به مجلس که چیز می کردند، فریاد می زدند آن قلدرهای اطرافش که زنده باد کذا و زنده باد کذا، مدرس رفت ایستاد و گفت که مرده باد کذا، زنده باد خودم. خوب، در مقابل او شما نمی دانید حالا، در مقابل او ایستادن یعنی چه و او ایستاد. این برای این بود که از هواهای نفسانی آزاد بود، وارسته بود، وابسته نبود. [673].

تاریخ 61/6/7

اگر چند نفر افکار مدرس را داشتند مشروطه منحرف نمی شد

اگر در هر شهری و استانی چند نفر مؤثر، افکار مثل مرحوم مدرس شهید را داشتند، مشروطه به طور مشروع و صحیح پیش می رفت و قانون اساسی با متمم آن که مرحوم حاج شیخ فضل الله در راه آن شهید شد، دستخوش افکار غربی و دستخوش تصرفاتی که در آن شد نمی گردید و اسلام عزیز و مسلمانان مظلوم ایران آن رنجهای طاقت فرسا را نمی کشیدند. به دنبال خروج روحانیون یا به عبارت دیگر اخراج آنان از صحنه، عموم متدینین از هر قشری از اقشار، چه فرهنگی، چه کارگری، چه اداری و بازاری و چه غیر اینها نیز از دخالت کناره گرفتند یا برکنارشان کردند و آن شد که شد. [674].

تاریخ 62/11/22

[صفحه 290]

در عصر شكوفايي انقلاب اسلامي، بزرگداشت مجاهدي عظيم الشان و متعهدي برومند و عالم بزرگواري كه در دوران سپاه اختناق رضاخاني مي زيست، لازم مي باشد. زيرا در زماني كه قلمها شكسته و زبانها بسته و گلوها فشرده بود، او از اظهار حق و ابطال باطل دريغ نمي كرد.

در آن روزگار در حقيقت حق حيات از ملت مظلوم ايران سلب شده بود و ميدان تاخت و تاز قلدري هتاك در سطح كشور باز و دست مزدوران پلیدش در سراسر ايران تا مرفق به خون عزيزان آزاده وطن و علماي اعلام و طبقات مختلف آغشته بود. اين عالم ضعيف الجثه با جسمي نحيف و روحي بزرگ و شاداب از ايمان و صفا و حقيقت و زباني چون شمشير حيدر كرار، رويارويشان ايستاد و فرياد كشيد و حق را گفت و جنايات را آشكار كرد و مجال را بر رضاخان كذايي تنگ و روزگارشان را سپاه كرد و عاقبت جان طاهر خود را در راه اسلام عزيز و ملت شريف نثار كرد و به دست دژخيمان ستمشاهي در غربت به شهادت رسيد و به اجداد طاهرينش پيوست.

درواقع شهيد بزرگ ما مرحوم مدرس كه القاب براي او کوتاه و كوچك است، ستاره درخشاني بود بر تارك كشوري كه از ظلم و جور رضاشاهي تاريخ مي نمود. و تا كسي آن زمان را درك نكرده باشد، ارزش اين شخصيت عالي مقام را نمي تواند درك كند. ملت ما مرهون خدمات و فداكاري هاي اوست. و اينك كه با سربلندي از بين ما رفته، برماست كه ابعاد روحي و بينش سياسي و اعتقادي او را هرچه

بہتر بشناسیم و بشناسانیم و با خدمت ناچیز خود مزار شریف دور افتاده او را تعمیر و احیا نماییم. [675].

تاریخ 63/6/28

مدرس اولین مرد مجاهد

تأیید امام خمینی در مورد چاپ عکس آیت الله مدرس روی اسکناس یکصد ریالی

بسمه تعالی

سزاوار است که اولین اسکناس که در ایران به طبع می رسد، عکس اولین مرد مجاهد

[صفحه 291]

در رژیم منحوس پهلوی چاپ شود. خداوند رحمت فرماید ایشان را. [676].

تاریخ 64/9/7

روح الله الموسوي الخميني

[صفحه 292]

شهید سید محمدرضا سعیدی

شهید سعیدی برای حفظ اسلام فدا شد.

حوادث اخیر ایران که قتل فجیع مرحوم سعیدی مترتب بر آنهاست، موجب کمال تأثر است. این تنها مرحوم سعیدی نیست که با این وضع اسف انگیز در گوشه ی زندان از پای درمی آید بلکه چه بسا افراد مظلوم و بی گناه به جرم حقه گویی در سیاه چالهای زندان مورد ضرب و شتم و شکنجه های وحشیانه و رفتار غیر انسانی قرار می گیرند.

من قتل فجیع این سید بزرگوار و عالم فداکار را که برای حفظ مصالح مسلمین و خدمت به اسلام جان خود را از دست داد. به ملت اسلام عموماً و خصوصاً به ملت ایران تعزیت می دهم... [677].

تاریخ مرداد - 49

[صفحه 293]

شهید مرتضی مطهری

مطهری حاصل عمرم محسوب می شد

اینجانب به اسلام و اولیای عظیم الشان آن و به ملت اسلام و خصوصاً ملت مبارز ایران ضایعه تأسف انگیز شهید بزرگوار، متفکر و فیلسوف و فقیه عالیمقام مرحوم آقای حاج شیخ مرتضی مطهری قدس سره را تسلیت و تبریک عرض می‌کنم. تسلیت در شهادت شخصی که عمر شریف و ارزنده خود را در راه اهداف مقدس اسلام صرف کرد و با کجرویها و انحرافات مبارزه سرسختانه کرد و تسلیت در شهادت مردی که در اسلامشناسی و فنون مختلفه اسلام و قرآن کریم کم نظیر بود. من فرزند بسیار عزیزی را از دست دادم و در سوگ او نشستم که از شخصیت‌هایی بود که حاصل عمرم محسوب می‌شد. در اسلام عزیز به شهادت این فرزند برومند و عالم جاودانه ثلمه ای وارد شد که هیچ چیز جایگزین آن نیست. و تبریک در داشتن این شخصیت‌های فداکار

که در زندگی و پس از آن با جلوه خود نورافشانی کرده و می کنند. من در تربیت چنین فرزندانمی که با شعاع فروزان خود مردگان را حیات می بخشند و به ظلمتها نور می افشانند، به اسلام بزرگ، مربی انسانها و به امت اسلامی تبریک می گویم. من گرچه فرزند عزیزی را که پاره تنم بود از دست دادم لکن مفتخرم که چنین فرزندان فداکاری در اسلام وجود داشت و دارد، مطهری که بر طهارت روح و قدرت ایمان و قدرت بیان کم نظیر بود، رفت و به ملاً اعلا پیوست لکن بدخواهان بدانند که با رفتن او شخصیت اسلامی و علمی و فلسفی اش نمی رود.

[صفحه 294]

ترورها نمی توانند شخصیت انسانی مردان اسلام را ترور کنند. آنان می دانند که به خواست خدای توانا ملت ما با رفتن اشخاص بزرگ در مبارزه علیه فساد و استبداد و استعمار مصمم تر می شوند. ملت ما راه خود را یافته و در قطع ریشه های گندیده رژیم سابق و طرفداران منحوس آن از پای نمی نشینند. اسلام عزیز با فداکاری و فدایی دادن عزیزان رشد نمود. برنامه اسلام از عصر وحی تاکنون بر شهادت توأم با شهادت بوده. قتال در راه خدا و راه مستضعفین در رأس برنامه های اسلام است. (و مالکم لاتقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان). [678].

اینان که شکست و مرگ خود را لمس نموده و با این رفتار غیر انسانی می خواهند انتقام بگیرند یا به خیال خام خود مجاهدین در اسلام را بترسانند، آنها گمان نکردند که از هر موی شهیدی از ما و از هر قطره خونی که

به زمین می ریزد، انسانهای مصمم و مبارزی به وجود می آید. شما مگر تمام افراد ملت شجاع را ترور کنید و الا ترور فرد هرچه بزرگ باشد، برای اعاده چپاولگری سودی ندارد. ملتی که با اعتماد به خدای بزرگ و برای احیای اسلام بپا خاسته با این تلاشهای مذبحخانه عقب گرد نمی کنند. ما برای فداکاری حاضر و برای شهادت در راه خدا مهیا هستیم. اینجانب روز پنجشنبه سیزده اردیبهشت 58 را برای بزرگداشت شخصیتی فداکار و مجاهد در راه اسلام و ملت، عزای عمومی اعلام می کنم و خودم در مدرسه فیضیه روز پنجشنبه به سوگ می نشینم. از خداوند متعال برای آن فرزند اسلام رحمت و غفران و برای اسلام عزیز عظمت و عزت مسئلت می نمایم. سلام بر شهدای راه حق و آزادی. [679].

تاریخ 58/2/11

با ترور شهید مطهری، نهضت ما زنده شد

رجل فاجری [680] که خون عزیز ما [681] را به زمین ریخت تأیید کرد دین خدا را، یعنی خدا دین خودش را به او تأیید کرد با ریختن خون عزیز ما، تأیید شد انقلاب ما، این انقلاب باید

[صفحه 295]

زنده بماند، این نهضت باید زنده بماند و زنده ماندنش به این خونریزیهاست، بریزید خونها را، زندگی ما دوام پیدا می کند، بکشید ما را، ملت ما بیدارتر می شود. ما از مرگ نمی ترسیم و شما هم از مرگ ما صرفه ندارید. دلیل عجز شماست که در سیاهی شب متفکران ما را می کشید برای آنکه منطق ندارید، اگر منطق داشتید که صحبت می کردید، مباحثه می کردید لکن منطق ندارید، منطق شما ترور است. منطق

اسلام ترور را باطل مي داند، او منطق دارد لکن با ترور شخصيتهاي بزرگ ما، شخصههاي بزرگ ما، اسلام ما تأييد مي شود. نهضت ما زنده شد و تمام اقشار ايران، باز زندگي را از سر گرفت، اگر يك سستي، ضعفي پيدا کرده بود، زنده شد. اگر نبود شهادت اين مرد بزرگ و اگر مرده بود اين مرد بزرگ در بستر خودش، اين تأييد نمي شد، اين موج برنمي خاست. الآن موجي در همه دنيا، همه دنيا، همه ي دنيايي که به اسلام علاقه دارند، اين موج بلند شد، ساير کشورها هم. برادران من نترسيد از موج. [682].

تاريخ 58/2/14

شهادت مطهري اسلام را زنده کرد.

اين قدرت خداست که به همه حس فداکاري داد و شهادت را براي خودشان فوز دانستند و پيشقدم شدند. براي ملتي که شهادت فوز عظيم است، براي ملتي که بچه خردسال و پير مرد بزرگ آرزوي شهادت مي کنند، باز حساب حسابگران باطل درمي آيد. با کشتن يك نفر ولو هرچه بزرگ باشد، اين ملت عقب مي نشيند باز دست خدای تبارک و تعالي از آستين درآمد و در شهادت يك شهيد، همچو موجي، همچو موجي در ايران و در ساير کشورها ايجاد کرد که ما را زنده کرد، اسلام را باز زنده کرد. [683].

تاريخ 58/2/15

جرم مطهري چه بوده است

اينهايي که مثل آقاي مطهري که اذيتش به يك مور نرسیده است، من قريب بيست سال اين مرد را مي شناسم، يك آدم به آن سالمی، يك آدم به آن ادب، به آن انسانيت، اين را محکوم به قتلش مي کنند. چرا؟

چه کرد آقای مطهری؟ کی را کشته؟ چه کرده؟ این بشر نیست؟! این انسان فیلسوف، عالم، فقیه، این بشر نیست؟! این بشر را اینطور می کشند

[صفحه 296]

بدون اینکه يك جر مي داشته باشد. جرم آقای مطهری چه بوده؟ چه کرده بود؟ جرم قرنی [684] چه بود؟ اینها چه جر می کرده بودند که مستحق قتل بودند...

آخر يك وقت يك آدمي بود که کاری کرده بود، جز تعلیم و تعلم این مرد کاری نداشت. يك آدمي که من قریب به بیست سال است او را می شناسم و مطلع از وضع و حال او هستم و می دانم که اذیت به کسی نکرده، يك آدمي که زحمت برای این ملت کشیده است، يك آدمي که کتاب نویس بوده است، يك آدمي که فیلسوف و متفکر بوده مستحق قتل است که این را کشتند؟! این جمعیت حقوق بشر کجا هستند که يك کلمه نمی گویند. [685].

تاریخ 58/2/25

نگذارید کتابهای این استاد عزیز فراموش شود

گرچه انقلاب اسلامی ایران به رغم بدخواهان و ماجراجویان به خواست و توفیق خداوند متعال به پیروزی رسید و نهادهای اسلامی انقلابی یکی پس از دیگری در ظرف تقریباً يك سال با آرامش و موفقیت انجام گرفت لکن بر ملت و به حوزه های اسلامی علمی خسارت های جبران ناپذیر به دست منافقین ضد انقلاب واقع شد همچون ترور خائنه مرحوم دانشمند و اسلام شناس عظیم الشان حجت الاسلام آقای حاج شیخ مرتضی شهید مطهری رحمة الله علیه.

اینجانب نمی توانم در این حال احساسات و عواطف خود را نسبت به این شخصیت عزیز ابراز

کنم. آنچه باید عرض کنم درباره او آن است که وی خدمت های ارزشمندی به اسلام و علم نمود و موجب تأسف بسیار است که دست خیانته کار، این درخت ثمربخش را از حوزه های علمی و اسلامی گرفت و همگان را از ثمرات ارجمند آن محروم نمود. خدمتگزاری سودمند برای ملت و کشور بود. خدایش رحمت کند و در جوار خدمتگزاران بزرگ اسلام جایگزین فرماید.

[صفحه 297]

اکنون شنیده می شود که مخالفین اسلام و گروه های ضد انقلاب در صدد هستند که با تبلیغات اسلام شکن خود دست جوانان عزیز دانشگاهی ما را از استفاده از کتب این استاد فقید کوتاه کنند. من به دانشجویان و طبقه روشنفکران متعهد توصیه می کنم که کتاب های این استاد عزیز را نگذارند با دسیسه های غیر اسلامی فراموش شود. از خداوند متعال توفیق همگان را خواهانم. [686].

تاریخ 59 / 1 / 31

آثار قلم و زبان مطهری بی استثنا آموزنده است

سالروز شهادت شهید مطهر است که در عمر کوتاه خود اثرات جاویدی به یادگار گذاشت که پرتوی از وجدان بیدار و روح سرشار از عشق به مکتب بود. او با قلمی روان و فکری توانا در تحلیل مسائل اسلامی و توضیح حقایق فلسفی، با زبان مردم و بی قلق و اضطراب، به تعلیم و تربیت جامعه پرداخت. آثار قلم و زبان او بی استثنا آموزنده و روانبخش است و مواعظ و نصایح او که از قلبی سرشار از ایمان و عقیدت نشأت می گرفت، برای عارف و عامی سودمند و فرحزاست. امید آن بود که از این درخت پرثمر، میوه های علم و ایمان بیش از آنچه

بجا مانده، چیده شود و دانشمندانی پربها تسلیم جامعه گردد. مع الاسف دست جنایتکاران مهلت نداد و جوانان عزیز ما را از ثمره ی طبیه ی این درخت برومند محروم نمود و خدای را شکر که آنچه از این استاد شهید باقی است، با محتوای غنی خود مربی و معلم است. مرحوم شهید استاد مرتضی مطهری به ابدیت پیوست، خدایش با رحمت خود باموالیانش محشور فرماید. [687].

تاریخ 60/2/9

[صفحه 298]

شهید مهدی عراقی

برای عراقی مردن در رختخواب کوچک بود

من ایشان را حدود بیست سال است که می شناسم. مهدی عراقی [688] یک نفر نبود، او به تنهایی بیست نفر بود. حاج مهدی عراقی برای من برادر و فرزند خوب و عزیز من بود. شهادت ایشان برای من بسیار سنگین بود اما آنچه مطلب را آسان می کند آن است که در راه خدا بود. شهادت او بر مسلمین مبارک باشد. او می بایست شهید می شد، برای او مردن در رختخواب کوچک بود. [689].

تاریخ 58/6/4

عراقی عمرش را صرف خدمت به اسلام کرد

من مرحوم عراقی را از آن اولی که نهضت شروع شد و تماس با ما داشتند، می شناختم و انصافاً مردی بود که عمرش را صرف خدمت به اسلام کرد. [690].

تاریخ 62/6/7

شهید عراقی مرد بسیار صالحی بود.

آقا عراقی را هم من سالهای طولانی می شناختم، در همان اوایل امر که این مسائل

[صفحه 299]

پیش آمد، ایشان وارد بود در امر و با

من دوستي داشت، او هم بسيار مرد صالح و بزرگواري بود، خداوند همه اينها را رحمت کند. [691].

تاریخ 65 / 6 / 8

[صفحه 300]

شهید سید محمدعلی قاضی طباطبایی

شهادت مرحوم طباطبایی نشانه خودباختگی و ناتوانی دشمنان اسلام است

بسم الله الرحمن الرحيم

انالله و انا اليه راجعون

با کمال تأسف ضایعه ناگوار شهادت عالم مجاهد حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سید محمدعلی قاضی طباطبایی رحمه الله علیه را به عموم مسلمانان متعهد و علمای اعلام مجاهد و مردم غیور مجاهد آذربایجان و خصوص بازماندگان این شهید سعید تسلیت عرض و از خداوند متعال صبر انقلابی برای مجاهدین راه حق و اسلام خواستارم.

ملت عزیز برومند ایران و آذربایجانیان غیرتمند عزیز باید در این مصیبت‌های بزرگ که نشانه شکست حتی دشمنان اسلام و کشور و عجز و ناتوانی و خودباختگی آنان است، هرچه بیشتر مصمم و در راه هدف اعلاي اسلام و قرآن مجید بر مجاهدات خود افزوده و از پای ننشینید تا احقاق حق مستضعفین از جباران زمان بنمایند. عزیزان من! در انقلابی که ابرقدرتها را به عقب رانده و راه چپ‌اولگری آنان را از کشور بزرگ بسته است، این ضایعات و ضایعات بالاتر اجتناب ناپذیر است. ما باید از کنار این وقایع با تصمیم و عزم و خونسردی بگذریم و به راه خود جهاد فی سبیل الله است، ادامه دهیم. شهادت در راه خداوند، زندگی افتخارآمیز ابدی و چراغ هدایت برای ملت‌هاست.

ملت‌های مسلمان از فداکاری مجاهدین ما در راه استقلال و آزادی و اهداف توسعه اسلام بزرگ الگو بگیرند و با پیوستن به

هم سد استعمار و استثمار را بشکنند، به پیش به سوی آزادی و زندگی انسانی بروند.

[صفحه 301]

از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین و رحمت و مغفرت برای شهدای راه حق و شهید سعید طباطبایی خواستارم. [692].

تاریخ 58/8/11

شهادت مرحوم طباطبایی اراده ها را مصمتر می کند.

ما باید مهیا باشیم که باز شهید بدهیم چنانچه دیروز، دیشب یکی را دادیم، مرحوم آقای قاضی رحمة الله به شهادت رسید و قبل از او هم بوده است و بعد از او هم خواهد بود، لکن این شهادتها اراده های شماها را باید مصمتر کند. شما در يك راهی قدم برمی دارید که در این راه شهادتهای بسیار از مردان بزرگ واقع شده، راه اسلام است. برای اسلام قیام کردید و برای حق قیام کردید و کسی که برای حق قیام کند. برای اسلام قیام کند، همه چیز باید پیش او سهل و آسان باشد.

شهادت يك هدیه ای است از جانب خدای تبارك و تعالی برای آن کسانی که لایق هستند و دنبال هر شهادتی باید تصمیمها قویتر بشود و بفهمانید به اینهایی که اینطور کارهای ناجوانمردانه می کنند که دیگر نمی توانند با يك همچو کارهایی اعاده بدهند آن مسائل سابق را، بلکه این نحو کشتن - که به طور ناگهانی و دزدکی می کشند - این دلیل بر شکست آنها است. [693].

تاریخ 58/8/11

مرحوم طباطبایی مجاهدات زیادی کرده بود

... مرحوم آقای قاضی طباطبایی رحمة الله که از دوستان سابق من هستند و سوابق دارم با

ایشان، ایشان حبسها رفته است، مجاهدات کرده، تبعیدها شده است، آنها [694] اینطور اشخاص را یکی یکی ترور می کنند و منظور این است که مأیوس کنند شما را، آنجا هم که عملاً دست به را نمی توانند بشوند، شروع می کنند با تبلیغات. [695].

تاریخ 58/8/12

[صفحه 302]

شهید محمد مفتوح

شهادت آقای مفتوح در دل ملت حماسه آفرید

آنگاه که منطق قرآن آن است که ما از خداییم و به سوی او می رویم و مسیر اسلام، بر شهادت در راه هدف است و اولیای خدا، علیهم السلام شهادت را یکی از دیگری به ارث می بردند و جوانان متعهد ما برای نیل شهادت در راه خدا درخواست دعا می کرده و می کنند. بدخواهان ما که از همه جا وامانده دست به ترور وحشیانه می زنند، ما را از چه می ترسانند. آمریکا خود را دلخوش می کند که با ایجاد رعب در دل ملت که سربازان قرآنند، می تواند وقفه ای در مسیر حق و عقب گردی از جهاد مقدس در راه خدا ایجاد کند، غافل از اینکه ترس از مرگ برای کسانی است که دنیا را مقرر خود قرار داده و از قرارگاه ابدی و جوار رحمت ایزدی بی خبرند اینان از کوردلی، صحنه های شورانگیز ملت عزیز و شجاع ما را در هر شهادتی، پس از شهادتی که در پیش چشمان خیره آنان منعکس است نمی بینند. «صم بکم عمی فهم لایعقلون» [696] اینان می بینند که هزار و سیصد سال بیشتر از صحنه حماسه آفرین کربلا می گذرد و هنوز خود شهیدان ما در جوش و ملت عزیز ما در حماسه و خروش است. جناب حجت الاسلام دانشمند محترم آقای

مفتح و دو نفر پاسداران عزیز اسلام رحمة الله عليهم به فيض شهادت رسيدند و به بارگاه ابدیت بار يافتند و در دل ملت و جوانان آگاه ما حماسه آفريدند و آتش نهضت اسلامي را فروخته تر و جنبش قيام ملت را متحرکتر کردند. خدايشان در جوار رحمت و اسعه خود بپذيرد و از نور عظمت خود بهره دهد. اميد بود از دانش استاد محترم و از زبان و علم او بهره ها براي

[صفحه 303]

اسلام و پيشرفت نهضت برداشته شود و اميد است از شهادت امثال ايشان بهره ها برداريم. من شهادت را بر اين مردان برومند اسلام تبریک و به بازماندگان آنان و ملت اسلام تسليت مي دهم. سلام بر شهيدان راه خدا. [697].

تاريخ 58/9/27

روز شهادت بزرگاني مثل شهيد مفتح را بزرگ بشماريد.

اين روزهاي بزرگ را بزرگ بشماريد و «اربعين»ها را، عاشوراها را و امثال اينها را بزرگ بشماريد و در موارد شهادت عزيزان ما آنها را هم بزرگ بشماريد، مثل روز مفتح رحمة الله تعالي، اينهايي که در خدمت اسلام بودند و دشمنان اسلام آنها را شهيد کردند. شما اين همه شهيد داديد تا آزادي و استقلال را به دست آورديد و بايد با چنگ و دندان اين آزادي و استقلال را حفظ کنيد و کمک کنيد همه به جبهه ها تا اينکه ان شاء الله بزودي اين غائله رفع بشود. [698].

تاريخ 60/9/25

[صفحه 304]

شهيد سيد محمد باقر صدر

شهيد صدر از مفاخر علم و ادب و حوزه هاي علميه بود

مرحوم آيت الله

شهید سید محمدباقر صدر و همشیره مکرمه مظلومه او که از معلمین دانش و اخلاق و مفاخر علم و ادب بود به دست رژیم منحط بعث عراق با وضع دلخراشی به درجه رفیعہ شہادت رسیدہ اند، شہادت ارثی است کہ امثال این شخصیتہای عزیز از موالی خود بردہ اند و جنایت و ستمکاری نیز ارثی است کہ امثال این جنایتکاران تاریخ از اسلاف ستم پیشہ خود می برند. شہادت این بزرگواران کہ عمری را بہ مجاہدت در راه اہداف اسلام گذرانده اند بہ دست اشخاص جنایتکاری کہ عمری بہ خونخواری و ستم پیشگی گذرانده اند عجیب نیست. عجب آن است کہ مجاہدات راه حق در بستر بمیرند و ستمگران جنایت پیشہ، دست خبث خود را بہ خون آنان آغشته نکنند...

اینجانب برای بزرگداشت این شخصیت علمی و مجاہد کہ از مفاخر حوزه های علمی و از مراجع دینی و متفکران اسلامی بود، از روز چہارشنبہ سوم اردیبهشت بہ مدت 3 روز عزای عمومی اعلام می کنم و روز پنجشنبہ چہارم اردیبهشت را تعطیل عمومی اعلام می نمایم و از خداوند متعال خواستار جبران این ضایعہ بزرگ و عظمت اسلام و مسلمین می باشم. [699].

تاریخ 59/2/2

[صفحه 305]

آیت اللہ صدر بہ جرم طلب حکومت اسلامی شہید شد

مرحوم آیت اللہ صدر را بہ جرم اینکہ از ظلم آنها شکایت داشت و می خواست حکومت اسلام برقرار باشد شہید کردند و خواہر مکرمه مظلومه ایشان را ہم شہید کردند...

من از خدای تبارک و تعالی خواستارم کہ ملتہای مسلم را بیدار کند و ملت عراق را ہوشیار کند، و خودشان را از قید و

بند این قدرتهای بزرگ و این جرثومه های فسادى که به اسم اسلام، مسلمین را قتل عام می کند و به اسم اسلام احکام اسلام را زیر پا می گذارند و با اسم اسلام علمای اسلام را شهید می کنند، آن هم مثل سید محمدباقر صدر که مغز متفکر اسلامى بود و امید این بود که اسلام از او بهره بردارى های زیادترى بکند و من امیدوارم که کتابهای این مرد بزرگ مورد مطالعه مسلمین قرار بگیرد و ان شاء الله خداوند تعالی او را با اجداد بزرگش محشور فرماید و خواهر بزرگوار مظلومه او را هم با جده اش محشور کند! [700].

تاریخ 60 / 1 / 20

[صفحه 306]

شهید محمد حسین فهمیده

رهبر ما آن طفل دوازده ساله است

رهبر ما آن طفل دوازده ساله ای [701] است که با قلب کوچک خود که ارزشش از صدها زبان و قلم ما بزرگتر است، با نارنجک خود را زیر تانک دشمن انداخت و آن را منهدم نمود و خود نیز شربت شهادت نوشید. [702].

تاریخ 59 / 11 / 22

[صفحه 307]

شهید مصطفی چمران

چمران جنگجویی پرهیزکار و معلمی متعهد بود

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

شهادت انسانساز سردار پرافتخار اسلام و مجاهد بیدار و متعهد راه تعالی و پیوستن به ملاء اعلى، دکتر مصطفی چمران [703] را به پیشگاه ولی عصر ارواحنا فداه تسلیت و تبریک عرض می کنم.

تسلیت از آن رو که ملت شهیدپرور ما سربازی را از دست داد که در جبهه های نبرد با باطل، چه در لبنان و چه در ایران حماسه می آفرید و سرلوحه ی مرام او اسلام عزیز و پیروزی حق بر باطل بود. او جنگجویی پرهیزکار و معلمی متعهد بود که کشور اسلامی ما به او و امثال او احتیاج مبرم داشت. و تبریک از آن رو که اسلام بزرگ چنین فرزندانى تقدیم ملتها و توده های مستضعف می کند و سردارانی همچون او در دامن تربیت خود پرورش می دهد. مگر چنین نیست که زندگی عقیده و جهاد در راه آن است.

چمران عزیز با عقیده ی پاك خالص غیروابسته به دسته جات و گروههای سیاسى و عقیده به هدف بزرگ الهی، جهاد در راه آن از آغاز زندگی شروع و با آن ختم کرد. او در جهاد، با نور معرفت

و پیوستگی به خدا قدم نهاد و در راه آن به جهاد برخاست و جان

[صفحه 308]

خود را نثار کرد. او با سرافرازی زیست و با سرافرازی شهید شد و به حق رسید.

هنر آن است که بی هیاهوهای سیاسی و خودنماییهای شیطانی برای خدا به جهاد برخیزد و خود را فدای هدف کند نه هوی، و این هنر مردان خداست.

او در پیشگاه خدای بزرگ با آبرو رفت. روانش شاد و یادش بخیر. و اما، ما می توانیم چنین هنری داشته باشیم؟ با خداست که دستمان را بگیرد و از ظلمات جهالت و نفسانیت برهاند. من این ضایعه را به ملت شریف ایران و لبنان، بلکه به ملت‌های مسلمان و قوای مسلح و رزمندگان در راه حق و به خاندان و برادر محترم این مجاهد عزیز تسلیت عرض می کنم و از خداوند تعالی رحمت برای او و صبر و اجر برای بازماندگان محترمش خواهانم. [704].

تاریخ 60 / 4 / 1

مثل چمران بمیرید

شماها [705] چند سال دیگر نیستید در این عالم، چمران هم نیست، چمران با عزت و عظمت و با تعهد به اسلام جان خودش را فدا کرد و در این دنیا شرف را بیمه کرد و در آن دنیا هم رحمت خدا را بیمه کرد، ما و شما هم خواهیم رفت. مثل چمران بمیرید، مثل این سربازهایی که در مرزها کشته می شوند بمیرید. [706].

تاریخ 60 / 4 / 1

[صفحه 309]

شهید سید محمد حسینی بهشتی و شهید محمد منتظری

برای اطلاع از نظرات و بیانات حضرت امام (س) پیرامون شهید

شهید محمد علی رجائی و شهید محمد جواد باهنر

برای اطلاع از نظرات و بیانات حضرت امام (س) پیرامون شهید رجایی و شهید باهنر رجوع شود به فصل ایام الله خونبار در انقلاب اسلامی

شهید علی قدوسی

آقای قدوسی سالیان طولانی در خدمت اسلام بود

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

با کما تأسف و تأثر حجت الاسلام شهید قدوسی به دوستان شهید خود پیوست. شهیدی عزیز که سالیان دراز در خدمت اسلام بود و اخیراً مجاهدات او در راه انقلاب بر همگان روشن است. اینجانب سالیان طولانی از نزدیک با او سابقه داشتم و آن بزرگوار را به تقوا و حسن عمل و استقامت و مقاومت و تعهد در راه هدف می شناختم. شهادت بر او مبارك، و فود الي الله و خروج از ظلمات به سوي نور بر او ارزانی باد. راهی است که باید پیمود و سفری است که باید رفت، چه بهتر که در حال خدمت به اسلام و ملت شریف اسلامی شربت شهادت نوشیدن و با سرافرازی به لقاء الله رسیدن و این همان است که اولیای معظم حق تعالی آرزوی آن را می کردند و از خدای بزرگ در مناجات خود طلب می کردند.

گوارا باد شرب شهادت بر شهدای انقلاب اسلامی و خصوص شهدای اخیر ما که با دست جنایتکار منفورترین عناصر پلید به جوار رحمت حق شتافتند و افتخار برای اسلام و ننگ و نفرت برای دشمنان دژخیم ملت شریف آفریدند.

اینجانب شهادت دادستان کل انقلاب و سرهنگ و حید دستگردی که در رأس شهربانی و قوای انتظامی در حال انجام

ملت ایران و به حوزه علمیه قم و به قوای مسلح تبریک و تسلیت عرض می کنم و از خدای تعالی رحمت برای آنان و صبر و شکیبایی برای خانواده محترمشان خواستارم. [707].

تاریخ 60/6/15

شهادت آقای قدوسی به نفع اسلام بود.

آقای قدوسی خدا رحمتش کند، خوب من می شناختم چه آدمی است و چقدر به این آدم چیز کردند که مردم را دارد چه می کند، می کشد. چه می کند، فلان می کند، و من می دانستم چه آدمی است. محتاط، در احتیاط، حتی در مالیات آنقدر از او شکایت می کردند که این آقا احتیاط می کند نمی گذارد یک چیزی را که باید خرج کرد، خرج کند لکن وقتی که به شهادت رسید، یکدفعه یک دسته بیدار شدند که اینها [708] یک همچو افرادی را دارند شهید می کنند. اینها هر نفری از ماها و شما را شهید بکنند، به نفع اسلام است و ما از این خوفي نداریم و به ضرر آنهاست. [709].

تاریخ 60/6/17

آقای قدوسی اهل علم و عمل بود.

ضایعه ی بزرگ شهادت مرحوم آقای قدوسی باعث تأسف و تأثر است. من سالهای طولانی با او آشنا بودم. ایشان اهل علم و عمل بود و در راه اسلام هم فدا شد. امیدوارم خداوند رحمتهای واسعه اش را بر او عنایت فرماید. ان شاء الله آقازاده ی ایشان هم راه ایشان را طی کند. [710].

تاریخ 62/6/13

شهید مدنی به حد افر از علم و عمل برخوردار بود

با شهید نمودن يك تن دیگر از ذریه رسول الله و اولاد روحانی و جسمانی شهید بزرگ امیرالمؤمنین، سند جنایت منحرفان و منافقان به ثبت رسید. سید بزرگوار و عالم عادل عالیقدر و معلم اخلاق و معنویات حجت الاسلام والمسلمین شهید عظیم الشان مرحوم حاج سید اسدالله مدنی رضوان الله علیه همچون جد بزرگوارش در محراب عبادت به دست منافقی شقی به شهادت رسید. اگر با به شهادت رسیدن مولای متقیان اسلام محو و مسلمانان نابود شدند، شهادت امثال فرزند عزیزش شهید مدنی هم آرزوی منافقان را برآورده خواهد کرد. اگر خوارج سیاه بخت از شهادت ولی الله الاعظم طرفی بستند و به حکومت رسیدند، این گروهکهای خائن نیز به آمال خبیث خود که سقوط حکومت اسلام و برقراری حکومت آمریکایی است می رسند. آنان لعنت خدا و رسول و ننگ ابدی را برای خود و اینان عذاب ابدی خدا و نفرت و لعنت قادر متعال و امت اسلام را برای خود و هم پیمانان و اربابان خونخوار خویش به بار آوردند.

ملت بزرگ و روحانیون معظم چون صفی مرصوص ایستاده اند که هر پرچمی از دست توانای سرداری بیفتد، سردار دیگری آن را برداشته و به میدان آید و با قدرت بیشتر در حفظ پرچم اسلامی به کوشش برخیزد. شهید مدنی به شهادت مظلومانه خود ضد انقلاب و منافقین ضد اسلام را بکلی منزوی کرد. این چهره نورانی اسلامی، عمری را در تهذیب نفس و خدمت به اسلام و تربیت مسلمانان و مجاهده در راه حق علیه باطل

گذراند و از چهره های کم نظیری بود که به حد وافر از علم و عمل و تقوا و تعهد و زهد و خودسازی برخوردار بود. به شهادت رساندند چنین شخصیتی به تمام معنی اسلامی همراه با تنی چند از فرزندان اسلام و یاران باوفای انقلاب اسلامی در میعادگاه نماز جمعه و در حضور جماعت مسلمین جز عناد با اسلام و کمر بستن به محو آثار شریعت و تعطیل جمعه و جماعت مسلمین توجیهی ندارد.

اگر تا امروز برای جنایتها و شرارتهای خود بهانه های بی پایه ای می تراشیدند، در شهادت این عالم متقی که جز درباره خدمت به اسلام و مسلمانان نمی اندیشید بهانه ای جز انتقام از اسلام و ملت شریف نمی توانند بتراشند. انتقام از اسلام که آن را اساس سقوط دستگاههای جبار و شکست ابرقدرتها در ایران و پس از آن در منطقه می بینند و از ملت قدرتمند که پشت بر آنان نموده و کاخ آمال و آرزوی آنان را در هم کوبیده و تمامی آنان را از صحنه تا ابد بیرون رانده است، می گیرند. مردم رزمنده ایران و خصوص مردم غیرتمند آذربایجان که چنین روحانی متعهد و عالم عالیقدری را از دست داده اند و حریف شکست خورده خود را می شناسند، با عزمی جزم و اراده ای خلل ناپذیر انتقام خود را از آنان می گیرند.

اینجانب شهادت این مجاهد عزیز عظیم و یاران باوفایش را به پیشگاه اجداد طاهرینش خصوصاً بقیة الله ارواحنا له الفدا و به ملت مجاهد ایران و اهالی غیور و شجاع آذربایجان و به حوزه های علمیه و خاندان محترم این شهیدان تبریک و تسلیت می گویم.

خط سرخ شهادت، خط آل محمد و علی است

و این افتخار از خاندان نبوت و ولایت به ذریه طیبه آن بزرگواران و به پیروان خط آنان به ارث رسیده است. درود خداوند و سلام امت اسلامی بر این خط سرخ شهادت و رحمت بی پایان حق تعالی بر شهیدان این خط در طول تاریخ و افتخار و سرفرازی بر فرزندان پرتوان پیروزی آفرین اسلام و شهدای راه آن و ننگ و نفرین و لعنت ابدی بر وابستگان و پیروان شیاطین شرق و غرب خصوصا شیطان بزرگ امریکای جنایتکار که با نقشه های شیطانی شکست خورده خود گمان کرده ملتی را که برای خداوند متعال و اسلام بزرگ قیام نموده و هزاران شهید و معلول تقدیم نموده با این دغلبازیها می تواند سست کند و یا از میدان به در برد. اینان پیروان سید شهیدان اند که در راه اسلام و قرآن کریم از طفل ششماهه تا پیرمرد هشتاد ساله را قربان کرد و اسلام

[صفحه 315]

عزیز را با خون پاک خود آبیاری و زنده نمود.

ارتش و سپاه و بسیج و سایر قوای مسلح نظامی و انتظامی و مردمی ما پیرو اولیایی هستند که همه چیز خود را در راه هدف و عقیده فدا نموده و برای اسلام و پیروان معظم آن شرف و افتخار آفریدند.

از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین و رحمت برای شهیدان خصوصا شهدای اخیرمان و بالاخص شهید عزیز مدنی معظم و سلامت کامل برای مجروحین این حادثه و صبر و استقامت برای ملت بزرگ خصوصا آذربایجانی های عزیز و بازماندگان شهیدان خواهانم. [711].

تاریخ 60/6/21

]

شهید سید عبدالکریم هاشمی نژاد

مراتب فضل و مجاهدت شهید هاشمی نژاد پوشیده نیست

امروز در شهادت سلف صالح، این خلف صالح و متعهد از دست ما گرفته شد و من نمی دانم که انگیزه این شرارتها که مشغول اند، این گروهکهای ضعیف نادان و عمال قدرتهای بزرگ خصوصا امریکا چه می خواهند و چه انگیزه دارند.

اینها انگیزه این را دارند که سی و شش میلیون جمعیت ایران و میلیونها جمعیتهاي مسلم و مستضعف جهان که همه پشتیبان این جمهوری هستند، می خواهند با ترور بعض شخصيتها اینها را از این راهی که راه اسلام است منحرف کنند. اینها نمی فهمند که این توده های عظیم که چون سیل خروشان در تمام کشور در مقابل قدرتهای بزرگ ایستاده اند، با ترور اشخاص ولو هرچه بزرگ و ارجمند باشند اینها به خودشان سستی و فتور راه نمی دهند بلکه منسجمتر می شوند. اینها می خواهند با کشتن اولاد پیغمبر و با به عزا نشستن امام عصر سلام الله علیه و مؤمنین، ضربه به اسلام بزنند. اسلام از این شهدا و بالاترین شهید را در راه هدف تقدیم کرده است. اسلام مثل خود رسول اکرم را و مثل امیرالمؤمنین سلام الله علیه و ائمه معصومین و علمای بزرگ در طول تاریخ را فدای این راه و هدف نموده، چه باک از اینکه این فرزندان اسلام که شهادت برای آنها افتخار و برای ملت ما افتخار آفرین است از دست بدهد. اگر میزان هدف است و پیاده کردن احکام قرآن است، این هدف به جای خودش هست و هر يك از اینها که شهید بشوند با آنکه بر ما ناگوار است لکن برای هدف مفید است.

این هدف که از عهد آدم تاکنون مورد نظر خدای تبارک و تعالی و مورد نظر انبیای عظام و مورد نظر اولیای خدا بوده است و همه در راه این هدف فداکاری کردند و خود یا فرزندان خود را در راه این هدف نثار کردند، خون آنها راه این هدف به پیش می رود و با این شرارتها که این گروههای فاسد به راه انداختند هدف از دست نخواهد رفت و ملت رزمنده و شریف ایران خود را حاضر کرده است برای خدا همه چیز خودش را فدا کند. پس اینها اگر هدفشان هدم اسلام است، اسلام با این خونها زنده می شود و اگر هدفشان این است که جمهوری اسلامی از بین برود جمهوری اسلامی با این خونها آبیاری می شود و اگر هدفشان خدمت به امریکا و شوروی و امثال اینهاست، جزا را از آنها مطالبه کنند و خدای تبارک و تعالی برای آنها لعنت و ملت ما نفرین ابدی را برای آنها خواستار است. ما در عین حال که از شهادت یک همچو مرد جوانمرد فاضل عالم مجاهد متأثر هستیم لکن از آنجا که هر یک از این شخصیت ها از دست ما برود به اسلام کمک است و به مخالفین اسلام لعن است و نفرت و دلیل ضعف آنهاست...

اینها می خواهند انتقام بکشند از رسول الله که اولاد او را و اولادهای او را به شهادت می رسانند. انتقام بکشند که رسول الله یک همچو دینی را آورده است که برخلاف خواسته آنهاست و آنها نمی خواهند که این دین به آنطوری که خدا می خواهد و رسول خدا می خواهد، در این

مملکت پیاده شود و حالا انتقام می کشند از کسی که مسدود این دین است و اولاد او را به شهادت می رسانند. این انتقام هم برای آنها روسیاهی و برای ملت ما به هیچ وجه سستی ایجاد نخواهد کرد. من در ضمن اینکه به همه ملت ایران و علما و مراجع اسلام و خصوصا اهالی محترم خراسان و علمای بزرگ خراسان تسلیم می گویم، تبریک هم به آنها می گویم که همچو افراد متعهد، عالم، گوینده و مجاهد تسلیم می کنند و تقدیم می کنند برای اسلام و برای پیشرفت احکام اسلام. [712].

تاریخ 60/7/7

[صفحه 318]

شهدای سانحه هوایی

سرداران شهید

سرلشکر ولی الله فلاحي، سرتیپ موسی نامجو، سرتیپ جواد فکوری و یوسف کلاهدوز

اینان خدمتگزاران رشید و متعهد بودند

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله وانا اليه راجعون

با کمال تأسف و تأثر خبر دلخراش سانحه هوایی [713] يك فروند هواپیمای نیروی هوایی که حامل شهدا و مجروحین جنگ اخیر بود و منجر به شهادت جمعی از خدمتگزاران به اسلام و ملت شهیدپرور ایران گردید، که در بین آنان تیمسار سرلشگر ولی الله فلاحي، تیمسار سرتیپ نامجوی، تیمسار سرتیپ فکوری و آقای کلاهدوز بودند واصل گردید. اینان خدمتگزاران رشید و متعهدی بودند که در انقلاب و پس از پیروزی انقلاب با سرافرازی و شجاعت در راه هدف و در حال خدمت به میهن اسلامی به جوار رحمت حق تعالی شتافتند.

امید است که پس از پیروزی شرافت آفرین برای ملت و پس از زحمات طاقتفرسا در

[صفحه 319]

راه هدف و عقیده

روسفید و سرافراز به پیشگاه مقدس ربوبی وارد و مورد رحمت خاصه واقع شوند. شك نیست که همه باید این راه را برویم و به سوی حق و سرنوشت خویش بشتابیم. پس چه سعادت‌تی بالاتر از آنکه در حال جهاد با دشمنان اسلام و خدمت به حق و خلق و مجاهدت در راه هدف و شرف این راه طی شود. و چه سعادت‌مند بودند این شهیدان که دین خود را به اسلام و ملت شریف ایران ادا نموده و به جایگاه مجاهدین و شهدای اسلامی شتافتند. اکنون بر ملت ایران و خصوص قوای مسلح است که با شجاعت و قدرت و مجاهدت و افزودن پشتکار، یاد آنان را زنده و به جهاد چون آنان ادامه دهند و در جبهه و پشت جبهه پیروزی آفرینند و به پیش روند و دل دشمنان کوردل را که با شهادت هر يك از رزمندگان ما وعده شیطانی به خود می دهند لرزنده تر کنند و به آنان بفهمانند کسانی که برای هدف و عقیده جهاد می کنند و از میهن عزیز خود دفاع می نمایند، از شهادت این عزیزان سستی و هراسی به خود راه نمی دهند... ما اگرچه عزیزان ارزشمندی را از دست دادیم لکن هدف به قوت خود باقی و فرزندان اسلام با اراده آهنین و تصمیم قاطع از اسلام و میهن عزیز خود دفاع می کنند و هرچه بیشتر برای خود و میهن خود افتخار می آفرینند تا کوردلان و منافقان و پناهندگان در دامن غرب بدانند تا ملت ایران و قوای مسلح شجاع زنده است برای غرب و شرق و غریزده و شرق‌زده در کشور بقیة الله اعظم جایی نیست. اینجانب این

ضایعه اسفناک را به ملت ایران و ارتش و سپاه و سایر قوای مسلح و فرماندهان شریف آنها و به خانواده محترم شهدا تسلیت و تبریک عرض می‌کنم. این شهدا و شهدای عزیز ما که در راه هدف و آرمان اسلامی به شهادت رسیدند موجب سرافرازی و افتخار هم میهنان و قوای مسلح و خانواده های عزیز خود شدند. از خداوند متعال برای آنان رحمت و برای ملت و بازماندگان شهدای عزیز سعادت و صبر می‌طلبم. [714].

تاریخ 60/7/8

[صفحه 320]

شهید سید عبدالحسین دستغیب

شهید دستغیب گناهی فقط متعهد به اسلام بود

شهادت برای فرزندان اسلام و ذریه پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله و اولاد فاطمه علیها السلام و یادگاران حسین سلام الله علیه، در راه هدف و اسلام عزیز و قرآن کریم چیزی غیر عادی و پدیده ای غیر معهود نیست.

ملت بزرگ اسلام از محراب مسجد کوفه تا صحرای افتخارآمیز کربلا و در طول تاریخ پرارزش سرخ تشیع قربانیانی ارزشمند به اسلام عزیز و فی سبیل الله تقدیم نموده و ایران شهادت طلب هم از این پدیده سعادت‌مند مستثنی نیست و انقلاب اسلامی گوش و چشمش پر از این شهیدان حسین گونه است. ملت عزیز ما در روز رستاخیر با سرافرازی در پیشگاه مقدس خدای بزرگ و پیامبران و اولیاء عظیم الشان. صفهای طولانی از شهیدان در راه دفاع از حق عرضه می‌دارد، از علمای اعلام و ائمه جمعه و جماعت تا فداکاران و سربازان در جبهه های دفاع از حریم مقدس اسلام. پیامبر بزرگ اسلام که بر امم دیگر حتی به سقط، مباحات می‌کند، مطمئن هستیم به فداکاری این

عزیزان جبهه و پشت جبهه و این شهیدان محراب و منبر و در صف جماعات و در داخل مسجدها و بیمارستانها مباحث می فرماید. و چه بهتر و گواراتر که با شهادت این فرزندان اسلام و ذریه طاهره بر افتخارات آن بزرگوار در روز عرض اعمال هرچه بیشتر بیفزاییم.

عزیزان و نورچشمان ما در جبهه های جنوب و غرب هر روز با سرکوبی اشرار آمریکایی و عقب راندن و به جهنم فرستادن جنود شیطان برای اسلام سربلندی و عظمت

[صفحه 321]

خلق می نمایند به طوری که تاب تحمل این پیروزی را از آمریکائیان خارج و داخل، منافق و منحرف سلب نموده و بر جنون وحشیگری های آنان افزوده است. شما فرضاً شهید بهشتی را گناهکار بدانید شهدای دیگر مثل شهید مدنی و شهید دستغیب که جز تربیت محرومان و هدایت مردم گناهی نداشته اند با چه انگیزه شهید می کنید. شما به گمان خود اگر اینان را به جرم وفاداری به اسلام و طرفداری از محرومان و مظلومان مستحق قتل بدانید اطفال معصومی که در گهواره جای دارند و زبان باز نکرده اند چه گناهی دارند جز آنکه اطفال مسلمانانی هستند که مخالف سلطه آمریکا به جان و مالشان می باشند.

امروز روز جمعه و نماز و عبادت، دست جنایتکار آمریکائیان یک شخصیت ارزشمند که مربی بزرگ و عالمی عامل که گناهِش فقط تعهد به اسلام بود از دست ملت ایران و اهالی محترم فارس گرفت و حوزه های علمیه و اهالی ایران را به سوگ نشاند. حضرت حجت الاسلام والمسلمین شهید حاج سید عبدالحسین دستغیب را که ملعم اخلاق و مهذب نفوس و متعهد به اسلام و

جمهوری اسلامی بود با جمعی از همراهانشان به شهادت رساندند و خدمت خود را به ابرقدرت و ابرجنایتکار زمان ایفا کردند به گمان آنکه به ملت رزمنده ایران آسیب رسانند و آنان را در راه هدف به سستی بکشند. این کوردلان نمی بینند که در هر شهادتی و در هر جنایتی ملت متعهد به اسلام و کشور مصمتمتر و در صحنه حاضرترند؟ اینان پس از بمباران شهرها در جنوب و غرب و قتل عامهای فجیع مردم بی پناه، فریاد جنگ جنگ تا پیروزی را نشنیدند که ملت وفادار، شهادت را در راه خداوند با آغوش باز پذیرا هستند؟ یا می خواهند شکستهای لشکر کفر را و آتشی که به جان دوستان اربابانشان از پیروزی رزمندگان ایران افتاده است با خون این مردان خدا فروشانند؟ اینک سزاوار است اصحاب نظر و ارباب تحلیل در این شرارتهای و جنایتهای فکر کنند که انگیزه آنکه در هر پیروزی و دنبال هر شکست حزب بعث آمریکایی یک جنایت بزرگ از این منافقان و منحرفان واقع می شود چیست. از باب اتفاق نمیشود باشد که دنبال پیروزی آبادان جنایتی واقع و دنبال فتح بستان باز جنایتی و امروز به دنبال فتح عظیم در غرب و شکست مفتضحانه دشمنان اسلام این جنایت بزرگ واقع شد. آیا اینها همه بنا به اتفاق است یا حساب شده و دیکته شده عمل می شود؟ آیا ما این بزرگان، علما و معلمان ارزشمند را برای جبران شکست آمریکا در منطقه و صدام آمریکایی در

[صفحه 322]

جبهه ها از دست می دهیم؟ رحمت خداوند بر این مجاهدان عظیم الشأن که شهادتشان پیروزی اسلام را بیمه می کند و

ننگ و نفرت بر آمریکای جنایتکار و دست نشانندگان و هواداران آن. اینجانب این ضایعه بزرگ و فاجعه اسفناک را بر حضرت مهدی ارواحنا له الفدا و ملت شجاع ایران و اهالی معظم استان فارس و خانواده آن شهید تسلیم می‌دهم و به پیشگاه مقدس پیامبر اسلام این فداکاریهای ملت اسلام و مجاهدات قشرهای مختلف ایران را تبریک عرض می‌کنم و برای خاندان این شهید پرافتخار از خداوند تعالی توفیق صبر و بردباری و سلامت طلب می‌نمایم. سلام بر مجاهدان بزرگوار اسلام و درود بر رزمندگان غرب و جنوب و تهنیت بر نیروهای نظامی و مردمی پیروزی آفرین در جبهه غرب. از خداوند تعالی پیروزی نهایی لشکر اسلام را بر قدرتهای شیطانی مسئلت می‌نمایم. [715].

تاریخ 60/9/20

شهید دستغیب یک وارسته به تمام معنی بود

و دنبال هر پیروزی ای که برای کشور اسلامی ما. جمهوری اسلامی ما تحقق پیدا می‌کند این طرفدارهای آمریکا که خودشان را طرفدار خلق می‌دانند، اینها یا افراد کوچک و حتی طفل های شیرخوار را هدف قرار می‌دهند یا اشخاصی که بخواهند برایشان جرمی ثابت کند، جز اینکه ارشاد مردم را می‌کنند، جرمی ندارند. آقای دستغیب را شاید شما آقایان کمتر بشناسید لکن من می‌شناسم ایشان را، ایشان یک مرد وارسته به تمام معنا معلم اخلاق، مرشد مردم و هرچه در صحبت‌هایش هست معنویات و دعوت به خدا و دعوت به اسلام است، مع ذلك اینها بنایشان بر این است که آنهایی که بیشتر دعوت به اسلام می‌کنند آنها را بیشتر هدف قرار بدهند. از قراری که گفتند در اعلامیه ای که این مجاهدین فاسد،

منافقین داده اند به افراد خودشان، این است که معمم را بکشید، هر معممی دیدید دیگر سؤال نکنید که این چه کرده، این عمامه خودش جرم است. و این عمامه جرمی است که در سابق هو بود این جرم و لهذا هدف نوکرهای انگلیس هم در سابق همین بود که این عمامه را از بین بردارند و هرچه صالحتر، بیشتر باید از بین برود و نکته اش هم این است که آن چیزی که آنها از آن می ترسند از اسلام است و آن چیزی که

[صفحه 323]

باز تشخیص دادند این است که اینها داعی اسلام هستند و اینها به مردم اسلام را یاد می دهند و دعوت می کنند مردم را به اسلام، از این جهت بیشتر از سایر طوایف مورد نظرشان هست و هدفشان.

آقایان باید توجه کنند که مسائل اینطوری مخصوص به زمان ما نیست، از صدر اسلام تا حالا هدف، هدف مستکبرین همین بوده است که برای چاپیدن مستضعفین، آنهایی که طرفدار آنها هستند که علمای بلاد هستند، آنها را از بین ببرند. این یک سیره ای بوده است از آنها و سنت سیئه ای بوده است از آنها و ما باید به آنچه تکلیفمان هست عمل بکنیم. و بحمدالله الآن هرچه از این فسادها واقع می شود و هرچه از این جنایات واقع میشود، مردم بیشتر توجه به عمق مسأله پیدا می کنند. اگر آن وقت این گروههای فاسد می توانستند یک دسته ای را بازی بدهند به اینکه ما برای خلق داریم کار می کنیم و می خواهیم اشخاص فاسد را از بین ببریم و این حکومت، حکومت فاسد است، کم کم دارند خودشان مسائل

خودشان را روا مي کنند و خودشان روابطشان را با عراق، روابطشان را با دموکرات طرف غرب و روابطشان را با حتي انگلستان دارند کم کم ظاهر مي کنند و بحمدالله اينها ديگر آبروي ندارند اين خرابكاريها هم يك قدرتي نيست، خوب، يك دزدي مي تواند بيايد يك خانه اي را آتش بزند، اينها الآن مثلشان همان دزدهاست که گاهي خرابكاري مي کنند، ديگر کار ديگر از اينها برنمي آيد و اينها پيش ملت ما ديگر آبروي ندارند و خرابكاريهايي که مي کنند شايد براي تشفي باشد و الا مي دانند خودشان هم که کاري از اين ساخته نيست، حکومتي از بين نخواهد رفت به واسطه انفجار. [716].

تاريخ 60/9/21

[صفحه 324]

شهيد محمد صدوقي

شهيد صدوقي براي خدمت به انقلاب سر از پا نمي شناخت

طبع يك انقلاب، فداکاري است. لازمه يك انقلاب، شهادت و مهيا بودن براي شهادت است. قرباني شدن و قرباني دادن در راه انقلاب و پيروزي آن اجتناب ناپذير است. بويژه انقلابي که براي خداست و براي دين او، براي نجات مستضعفان است و براي قطع اميد جهانخواران و مستکبران. ما در هر جمعه و در هر جماعت و در هر محفل اسلامي و در هر گردهمايي براي ياري الله در انتظار قرباني هستيم و در انتظار شهادت.

قرباني براي يك انقلاب بزرگ نشانه يك پيروزي و نزديک شدن به هدف است... اين شهادتهاست که به ملت ما وعده پيروزي نهايي مي دهد. مگر اسلام از شهادت هفتاد و دو تن برگزیدگان خدا در حکومت جبار بني اميه خسارت ديد و انقلاب عظيم ايران از شهادت هفتاد و چند تن در

يك لحظه و هزاران جوانان بزرگوار عاشق خدا و شهادت خسارت دید در شهادت عالمي بزرگوار و بزرگي متعهد و فداکار داشته باشیم. مگر فقهاي ارجمند و ائمه جمعه و جماعت والا مقام که در صف مقدم انقلاب بودند و هستند نباید در صف مقدم شهدا و جانبازان در راه دوست باشند. چه کسی اولي به شهادت است در زماني که کفر بني امیه اسلام را تهدید می کرد، از فرزند معصوم پیامبر اسلام و فرزندان و اصحاب او و چه کسی اولي به شهادت است در عصري که استکبار جهاني و فرزندان خلف آن در داخل و خارج، اسلام عزیز را تهدید می کنند، از امثال شهید بزرگوار ما و فقیه متعهد و فداکار اسلام شهید صدوقی عزیز رضوان الله علیه؛

[صفحه 325]

شهید بزرگي که در تمام صحنه هاي انقلاب حضور داشت و یار و مددکار گرفتاران و مستمندان بود و وقت عزیزش صرف در راه پیروزي اسلام و رفع مشکلات انقلاب می شد و برای خدمت به خلق و انقلاب سر از پا نمی شناخت. هر جا زلزله می شد شهید صدوقی برای ترمیم خرابیها آنقدر که توان داشت حاضر، هر جا که سیل می آمد او بود که در صف مقدم برای دستگیری خلق خدا حاضر بود. در جبهه ها او و دوستان او و امثال او بودند که هر چند يك دفعه سرکشی کرده و آرامش قلب خلق الله بودند. این مدعاین خدمت به خلق و قیام برای خلق که در بیغوله ها خزیده و در حال انقلاب به چپاول اسلحه و مهمات بیت المال خلق فعالیت شبانه روزی نمودند، اینک که خداوند تعالی چهره کربیه شان را

آشکار کرد و دستشان را از مال و جان خلق الله کوتاه نمود، چنین خدمتگزارانی را از این خلق می‌گیرد و چون دزدان از سوراخ درآمده و غافلگیرانه اینگونه مردان فداکار برای ملت و توده‌های محروم را از محرومین می‌ستانند و آن را به حساب قدرت خویش می‌آورند و فتحي بزرگ برای خود و اربابان خود می‌دانند و با تمام رسوایی باز خود را برای حکومت این ملت اسلامی مهیا می‌کنند. غافل از آنکه هر شهادتی ملت را به هدف بزرگ نزدیکتر می‌کند، و آنان در پیشگاه حق و خلق رسواتر و بی‌آبروتر. ما در عین حال که از شهادت و فقدان این بزرگان خدمتگزار به اسلام و محرومین در سوگیم، از نزدیک شدن به هدف اعلا که قطرات خون این شهیدان آن را نوید می‌دهند، دلگرم و خرسندیم. آنچه پیش ما مطرح است هدف بزرگ و شخصیت‌های این بزرگمردان شهید است که بحمدالله هدف نزدیک و شخصیت‌های اینان بارزتر و بزرگتر می‌شود. اینجانب دوستی عزیز که بیش از سی سال با او آشنا و روحیات عظیمش را از نزدیک درک کردم از دست دادم و اسلام خدمتگزار متعهد را و ایران فقیه‌ی فداکار و استان یزد سرپرستی دانشمند را از دست داد و در ازای آن به هدف نهایی که آمال این شهیدان است نزدیک شد. من به پیشگاه مقدس بقية الله الاعظم روحی فداه و ملت عزیز و اسلام عزیزتر تبریک و تسلیت عرض می‌کنم و از خدای تعالی برای آن شهید عظیم رحمت و مغفرت و برای ملت بزرگ بویژه یزد متعهد صبر و اجر و برای خاندان محترم این بزرگوار خصوصا فرزندان برومند

عزیزش صبر جمیل و اجر جلیل خواهانم. [717].

تاریخ 61/4/11

[صفحه 326]

امثال آقاي صدوقي را کم داریم

رفتن آقاي صدوقي که شخصي متعهد و عاقل و فعال و از همه ي جهات انگشت شمار بوده، براي ما باعث کمبود است و ما امثال ایشان را کم داریم. خداوند ایشان را رحمت کند. [718].

تاریخ 61/7/3

[صفحه 327]

شهيد عطاء الله اشرفي اصفهاني

شهيد اشرفي از مصاديق بارز «رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه» بود

چه سعادت‌مندند آنان که عمي را در خدمت به اسلام و مسلمين بگذرانند و در آخر عمر فاني به فيض عظيمي که دل‌باختگان به لقاء الله آرزو مي‌کنند نایل آیند. چه سعادت‌مند و بلند اخرتند آنان که در طول زندگاني خود کمر همت به تهذيب نفس و جهاد اکبر بسته پايان زندگاني خویش را در راه هدف الهي با سرافرازي به خيل شهداي در راه حق پیوستند. چه سعادت‌مند و پیروزند آنان که در نشیب و فرازها و پست و بلنديهاي حیات خویش به دامهاي شيطاني و وسوسه هاي نفساني نیفتاده و آخرین حجاب بين محبوب و خود را با محاسن غرق به خون خرق نموده و به قرارگاه مجاهدین في سبيل الله راه یافتند. چه سعادت‌مند و خوشبخت اند آنان که به دنیا و زخارف آن پشت پا زده و عمري را به زهد و تقوا گذرانده و آخرین درجات سعادت را در محراب عبادت و در اقامه جمعه با دست يکي از منافقين و منحرفين شقي، فايز و به والاترين شهيد محراب که

به دست خیانتکار اشقی الاشقیاء به ملأ اعلا شتافت، ملحق شدند.

و شهید عزیز محراب این جمعه ما از آن شخصیت‌هایی بود که اینجانب یکی از ارادتمندان این شخص والا مقام بوده و هستم. این وجود پربرکت متعهد را قریب شصت سال است می‌شناختم. مرحوم شهید بزرگوار حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا عطاءالله اشرفی را در این مدت طولانی به صفای نفس و آرامش روح و اطمینان قلب و خالی از هواهای نفسانی و تارك هوا و مطیع امر مولا و جامع علم مفید و عمل صالح

[صفحه 328]

می‌شناسم و در عین حال مجاهد و متعهد و قوی النفس بود. او در جبهه دفاع از حق از جمله اشخاصی بود که مایه دلگرمی جوانان مجاهد بود و از مصادیق بارز «رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه [719]» (بود و رفتن او ثلمه بر اسلام وارد کرد و جامعه روحانیت را سوگوار نمود. خداوند او را در زمره شهدای کربلا قرار دهد و لعنت و نفرین خود را بر قاتلان چنین مردانی نثار فرماید. ننگ ابدی بر آنان که یک چنین شخص صالحی را که آزارش به موری نرسیده بود از ملت ما گرفتند و خود را در پیشگاه خداوند متعال و در نزد ملت فداکار، منفورتر و جنایتکارتر از قبل معرفی کردند. و خود را در پیشگاه خداوند متعال و در نزد ملت فداکار، منفورتر و جنایتکارتر از قبل معرفی کردند. این بزرگوار مثل سایر شهدای عزیز ما به جوار رحمت حق پیوست و ملت مجاهد و قوای مسلح سلحشور ما با عزمی راسختر پیشبرد انقلاب ادامه می‌دهند و آنان که

به ادعای واهی خود کوس طرفداری از خلق را می زنند و با خلق خدا آن می کنند که همه می دانند، در این جنایات عظیم چه توجیهی دارند؟ و با به شهادت رساندن عالمی خدمتگزار و پیرمرد بزرگوار هشتاد ساله چه قدرتی کسب می کنند و چه طرفی می بندند؟ و آنان که در سوگ این جنایتکاران اشک تمساح می ریزند و از جریان حکم خدا درباره ی آنان شکایت دارند، چه انگیزه ای دارند؟ آیا انتقام از جمهوری اسلامی به شهادت رساندن يك عالم پارساست و به آتش کشیدن يك عده كودك و زن و مرد و توده های رنجکش است؟! آیا راه به حکومت رسیدن و قدرت را به دست آوردن، این نحوه جنایات است؟! [720].

تاریخ 61/7/23

شهادت شهید اشرفی ها، موجب رسوایی منافقین جنایتکار

تلگرام محترم [721] در تسلیت شهادت ناگوار شهید محراب مرحوم حجت الاسلام والمسلمین آقای اشرفی رحمة الله علیه موجب تشکر گردید. بحمدالله تعالی هر يك از این شهادتهای بزرگ که خسارت عظیمی برای ملت عظیم الشان اسلام است، برخلاف

[صفحه 329]

توهم تبهکاران منافق، موجب رسوایی منافقین جنایتکار و انسجام صفوف ملت بزرگوار می شود. «و لا يزال يؤيد هذا الدين بالرجل الفاجر [722]».

خداوند تبارك و تعالی منت گذاشته بر ملت ایران و آنکه به حسب برداشت دشمنان اسلام موجب ضعف و سستی است، موجب قدرت و وحدت و انسجام می گردد.

از خداوند متعال پیروزی برای اسلام و رحمت و مغفرت برای شهیدان بویژه شهید اخیر و سلامت و صبر برای بازماندگان شهدا و صحت و عافیت برای آسیب دیدگان خواستار است. [723]

تاریخ 61/7/28

[صفحه 330]

شهداء خانواده آیت الله محسن حکیم

خانواده حکیم در راه اسلام شهید شدند

خبر بسیار اسف انگیز و حیرت بار شهادت شش شخصیت از بیت مرحوم آیت الله حکیم رحمة الله علیه به دست جنایتکار ددمنش دهر، صدام عفلقي با کيفيتي که توسط فرزند برومند ایشان جناب حجت الاسلام سيد محمداقر حکيم حفظه الله تعالي گزارش دادند، هر انسان با وجداني را که از فطرت انساني منحرف نشده است متأسف و ناراحت مي کند...

اینجانب این مصیبت بزرگ را که بر بیت معظم حکیم وارد شده است و شش تن از فرزندان پیامبر عظیم الشان مظلومان را به دست دژخیمان صدام با آن وضع فجیع و رقت بار به شهادت رساندن، به اجداد بزرگ آنان و به اسلام بزرگ و مسلمانان متعهد جهان و به ملت ایران و عراق تسلیت مي دهم.

یاد ملت عراق بدانند که قضیه مربوط به بیت معظم حکیم نیست. اینان که با آن شکنجه ها شهید شدند، در راه اسلام عزیز و مصالح ملت عراق به شهادت رسیدند و به لقاء الله در جوار اجداد معظمشان محشورند. [724].

تاریخ 62/3/28

شهادت اعضاي خانواده حکيم فاجعه اي بزرگ است

فاجعه ي بزرگ شهادت ده نفر از علما و سادات محترم بيت معظم مرحوم آیت الله حکيم

[صفحه 331]

رضوان الله علیه به دست جنایتکار رژیم عفلقي عراق، موجب کمال تأسف و تأثر گردید و برگی بر جنایات صدام پلید که به هیچ اصلي از اصول انسانیت پای بند نیست، افزود...

اینجانب به ملت عراق و بیت معظم مرحوم

آیت حکیم رحمة الله عليه و فرزند شجاع او حجت الاسلام سيد محمدباقر حکيم، اين مصيبت جانسوز و ساير مصيبتهاي وارده بر ملت شريف عراق را تسليت عرض مي کنم. [725].

تاريخ 63 / 12 / 18

[صفحه 332]

شهيد مهدي شاه آبادي

آقاي شاه آبادي مجاهدي شريف ود

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

با کمال تأسف و تأثر شهادت استادزاده محترم جناب حجت الاسلام آقاي آقا شيخ مهدي شاه آبادي را به پيشگاه معظم حضرت بقيه الله ارواحنا لمقدمه الفداء تبريك و تسليت عرض مي کنم. مبارك باد بر آن حضرت چنين فداکاري و جانبازان در راه هدف بزرگ و اسلام عزيز که با شهادت افتخارآمیز خود ملت عظيم الشأن ايران بويژه روحانيت عاليقدر را سرافراز مي نمايند.

اين شهيد عزيز علاوه بر آنکه خود مجاهدي شريف و خدمتگزاري مخلص براي اسلام بود و در همين راه به لقاء الله پيوست، فرزند برومند شيخ بزرگوار ما بود که حقا حق حيات روحاني به اينجانب داشت که با دست و زبان از عهده شکرش برنمي آيم. و از خداوند متعال براي اين شهيد سعيد و ساير شهداي در راه اسلام، رحمت در جوار خود و براي فاميل معظم و حضرات آقازادگان محترم شاه آبادي دامت افاضاتهم صبر و اجر عظيم خواستارم. [726].

تاريخ 63 / 2 / 7

[صفحه 333]

شهيد فضل الله محلاتي

شهيد محلاتي يکي از چهره هاي درخشان انقلاب بود

حجت الاسلام حاج شيخ فضل الله محلاتي شهيد عزيز را که من و شما او را مي شناسيم که عمر خود را در راه انقلاب صرف کرد و بايد گفت يکي از چهره هاي درخشان انقلاب بود و در اين راه - که راه خداوند است - تحمل سختيها نمود و رنجهها کشيد و با قامت استوار ايستادگي کرد، اجازه ي ورود در محضر شهداي صدر اسلام مرحمت نمايد. و به بازماندگان محترم تمامي شهدا صبر

و اجر مرحمت فرماید و به روحانیون عزیز و قضات محترم و وکلای ارجمند و محافظین عزیز و خدمه ی محترم هوایما و سایرین که در این جنایات عظیم عفلقیان و با جاسوسی منافقین ملحد به شهادت رسیده اند، جزا و اجر فوق تصور ما عنایت فرماید. و به رزمندگان در جبهه ها و بسیجیان - این راهیان کربلا - پیروزی نهایی عنایت فرماید و قلب حضرت بقیة الله ارواحنا فداه را از همه ی ما راضی فرماید و به دعای آن بزرگوار، به همه ی ما استقامت مرحمت کند. [727].

تاریخ 67 / 12 / 13

آقای محلاتی از یاران باوفای اینجانب و مردی صالح و فداکار بود.

با یاد و گرامیداشت خاطره ی فداکاریهای یکی از سرداران بزرگ نهضت اسلامی ایران مرحوم شهید حجت الاسلام آقای حاج شیخ فضل الله محلاتی که از یاران باوفای اینجانب و از سختی کشیدگان دوران مبارزات خونبار انقلاب اسلامی ایران و همچنین مردی صالح

[صفحه 334]

و فداکار و برادری دلسوز برای پاسداران عزیز انقلاب اسلامی بود که خدایش او را رحمت کند و در جوار خود پذیرایش گردد. [728].

تاریخ 67 / 12 / 18

[صفحه 335]

شهید سید عارف حسین حسینی

شهید عارف حسینی برای یاری پابرهنگان لحظه ای آرام نداشت

پیامها و تلگرافات تبریک و تسلیت شما در رابطه با شهادت جناب حجت الاسلام آقای سید عارف حسین حسینی، این یار وفادار اسلام و انقلاب و مدافع محرومان و مستضعفان و این فرزند راستین سید و سالار شهیدان حضرت ابی عبدالله الحسین - علیه السلام - واصل گردید. گرچه این حادثه ی بزرگ قلوب مسلمانان

و خصوصاً روحانیت متعهد اسلام را جریحه دار نمود ولی مسئله دور از انتظار ما و ملت‌های جهان و خصوصاً ملت بزرگوار پاکستان که خود طعم تلخ استعمار را چشیده است و با مبارزه و جهاد و شهادت استقلال خویش را به دست آورده است، نبود.

درد آشنایان جوامع اسلامی، همانان که با محرومان و پابرهنگان میثاق خود بسته اند باید توجه کنند که در آغاز راه مبارزه اند و برای شکستن سدهای استعمار و استثمار و رسیدن به اسلام ناب محمدی راه طولانی‌ای در پیش دارند و برای امثال علامه عارف حسین حسینی بشارتی بالاتر از این نبوده است که از محراب عبادت حق، عروج خونین «ارجعی الی ربک» [729] خویش را نظاره کنند و جرعه‌ی وصل یار را از شهد شهادت بیاشامد و شاهد وصول هزاران تشنه‌ی عدالت به سرچشمه‌ی نور گردد.

بزرگترین فرق روحانیت و علمای متعهد اسلام با روحانی‌نماها در همین است که

[صفحه 336]

علمای مبارز اسلام همیشه هدف تیرهای زهرآگین جهانخواران بوده اند و اولین تیرهای حادثه، قلب آنان را نشانه رفته است. ولی روحانی‌نماها در کنف حمایت زرپرستان دنیاطلب. مروج باطل یا ثناگوی ظلمه و مؤید آنان بوده اند.

تا به حال یک آخوند درباری یا یک روحانی وهابی را ندیده ایم که در برابر ظلم و شرک و کفر، خصوصاً در مقابل شوروی متجاوز و آمریکای جهانخوار ایستاده باشد. همانگونه که یک روحانی وارسته‌ی عاشق خدمت به خدا و خلق خدا را ندیده ایم که برای یاری پابرهنگان زمین، لحظه‌ای آرام و قرار داشته باشد و تا سر منزل جانان علیه کفر و شرک

مبارزه نکرده باشد و عارف حسینی این گونه بود. و ملت های اسلامی حتما دلیل این واقعه را دریافته اند که چرا در ایران «مطهری» ها و «بهشتی» ها و شهدای محراب و سایر روحانیون عزیز و در عراق «صدر» ها و «حکیم» ها و در لبنان «راغب حرب» ها و «کریم» ها و در پاکستان «عارف حسینی» ها و در تمامی کشورها روحانیون درآشنای اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - هدف توطئه و ترور می شوند.

ملت شریف و مسلمان پاکستان که بحق ملتی انقلابی و وفادار به ارزشهای اسلامی بوده اند و با ما رابطه ی دیرینه ی گرم انقلابی، عقیدتی و فرهنگی دارند، باید تفکر این شخصیت شهید را زنده نگه دارند و نگذارند شیطان زادگان جلوی رشد اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - را بگیرند...

شهادت جناب حجت الاسلام آقای سید عارف حسین حسینی را به روحانیون متعهد اسلام و خانواده ی محترم این شهید و ملت مسلمان پاکستان تبریک و تسلیت عرض نموده و به همه ی برادران و خواهران مسلمان خود در آن کشور اطمینان می دهم که ایران اسلامی در کنار شما و به عنوان یاری امین و سنگری محکم از شرافت، استقلال، عزت و اعتبار اسلامی تان دفاع خواهد نمود.

این جانب فرزند عزیزی را از دست داده ام و خداوند تعالی به همه ی ما توفیق تحمل مصایب و توان ادامه ی راه پرفروغ شهیدان را بیشتر از پیش کرامت فرماید و توطئه و مکر ستمگران را به خودشان برگرداند و ملت پرکرامت اسلام را در مسیر جهاد و شهادت ثابت قدم نگه دارد. [730].

تاریخ 67 / 6 / 14

احکام و استفتائات مربوط به شهدا

شهدای معرکه جنگ

شهید مانند میت بعد از غسل است و لذا مس شهید غسل ندارد. [731].

غسل از شهید ساقط است و او کسی است که در رکاب امام (علیه السلام) یا نایب خاص او، در جهاد کشته شده است، به شرط آنکه در گرما گرم جنگ و در میدان نبرد یا بیرون میدان قبل از آنکه مسلمانان او را زنده درک کنند، جان تسلیم نماید. اما اگر بعد از جنگ در میدان نبرد در حالتی که هنوز رمقی دارد به او برسند بنابر احتیاط واجب در صورتی که در بیرون میدان نبرد جان تسلیم کند باید او را غسل داد و کفن نمایند، و در صورتی که در بیرون میدان نبرد جان تسلیم کند ظاهراً غسل و کفن او واجب است. و کسی که در راه حفظ اساس اسلام کشته شده مانند شهید غسل و حنوط و کفن ندارد بلکه با همان لباسش باید دفن شود مگر آنکه برهنه باشد که باید کفن شود. [732].

س - اگر رزمنده مسلمان برای احقاق حقوق مسلمین و دفاع از اسلام به داخل سرزمین کشور مهاجم هجوم کرده و کشته شود، آیا شهید محسوب می شود؟

ج - شهدای معرکه خواه در خاک دشمن باشد یا در جای دیگر غسل و کفن ندارند. [733].

س - اگر شك داشته باشیم که آیا رزمنده ی شهید در درگیری جبهه به شهادت رسیده یا بعد از آن، غسل دادن او واجب است یا نه؟

ج - اگر اماراتی دال بر کشته شدنش در معرکه وجود دارد

غسل و کفن ساقط است وگرنه ساقط نیست. [734].

س - کسی که برای کمک رسانی تدارکات یا تبلیغات به جبهه می رود اگر به فیض شهادت برسد غسل و کفن می خواهد یا نه؟

ج - اگر در معرکه کشته شد حکم سایر شهدا را دارد. [735].

س - اگر رزمنده ای که در فاصله ی زیادی از خط مقدم جبهه، با توپ دوربرد و یا ضدهوایی مشغول شلیک به دشمن است، مورد هجوم هوایی دشمن قرار بگیرد و کشته شود چه حکمی دارد؟

ج - در موارد مذکوره حکم شهید دارند. [736].

س - در جواب یکی از سؤالات فرموده اید: شهیدی که در جبهه شهید شود غسل لازم ندارد، بفرمایید لازم نبودن غسل جهت دفن در همان جبهه است؟ یا اگر شهید را به شهر خودش حمل نمایند باز هم غسل لازم نیست؟ چون بعضیها معتقدند که دفن نمودن شهید با لباسهای خونین و بدن خون آلود مزید بر فضیلت شهید است، خواهشمند است بفرمایید شهیدی که به شهر خود برده شده و جراحات بدنش آنچنان نیست که نشود غسل بدهند آیا فضیلت با لباس خونین و بدن خون آلود است که دفن شود؟ یا بعد از غسل دادن با کفن دفن شود بهتر است؟

ج - اگر در جبهه به شهادت رسیده غسل ندارد هرچند در محل خودش دفن شود و

[صفحه 341]

لازم است که با لباس خودش دفن شود. [737].

س - رزمنده ای در خانه و یا سنگری استراحت می کند، چه در مناطق جنگی باشد یا نه، آمادگی برای مقابله ی با

دشمن را ندارد، توپ یا نارنجک و راکت منفجر شد، عده ای جان خود را از دست دادند، آیا احکام شهید بر آنان جاری است؟

ج - اگر از رزمندگان است و در جبهه به شهادت رسیده غسل و کفن ندارد، هر چند در حال استراحت باشد. [738].

[صفحه 342]

شهیدای خارج از معرکه

س - اگر رزمنده ای در معرکه تیر بخورد اما همانجا کشته نشود، بلکه در آمبولانس یا بیمارستان به لقاءالله بیوندد، آیا این هم غسل و کفن ندارد؟

ج - اگر در محدوده ی تیررس دشمن (جبهه) در داخل آمبولانس یا در بیرون ماشین جان سپرده، غسل و کفن ساقط است ولی اگر در خارج محدوده ی مزبور جان بسپارد، غسل و کفن دارد. [739].

س - 1- چنانچه فردی در جبهه شهید گردد آیا غسل بر او واجب است یا خیر؟ اگر زخمی شود و در بیمارستان فوت شود مسئله چه صورتی پیدا می کند آیا با شهید شدن در صحنه عملیات تفاوت دارد؟ 2 - چنانچه فردی به بدن شهیدی که در صحنه عملیاتی شهید گردیده دست بزند آیا غسل مس میت بر او واجب است یا خیر؟ اگر زخمی شود و بعدا خارج از صحنه شهید گردد چطور؟ در موقع دفع شهید آیا کفن و نماز بر او واجب است یا مستحب؟

ج - 1 - شهید در جبهه غسل ندارد ولی کسانی که زنده بیرون آورده می شوند و در خارج جبهه به شهادت می رسند باید غسل داده شوند هر چند شهید محسوب اند 2 - هر جا شهید غسل ندارد مسل او هم سبب غسل نمی شود و با لباس

دفن می شود. [740].

س - اشخاصی که در جبهه و صحنه نبرد یا به وسیله ی ترورها به افتخار شهادت نایل می شوند، آیا احتیاج به غسل و کفن دارند یا خیر؟ و آیا مس بدن شهدا احتیاج به غسل مس میت دارد یا خیر؟

ج - شهید اگر در جبهه به شهادت رسیده غسل و کفن ندارد و مس او موجب غسل نمی شود و اگر در غیر جبهه به شهادت رسیده غسل و کفن دارد و به مس او غسل واجب است. [741].

س - در تحریر الوسیله دنبال ساقط بودن غسل از شهید فرموده اید: «و یلحق به المقتول فی حفظ بیضه الاسلام»، چه افرادی مشمول این الحاق هستند آیا مروجین دین یا پاسداران و یا افرادی که برای جهاد سازندگی در دهات و شهرها شهید می شوند محلق به شهیدند یا خیر؟

ج - مقصود شهدای معرکه در دفاع از اسلام و مسلمین هستند مانند شهدای در معرکه جنگ تحمیلی، و اشخاص نامبرده در احکام ملحق به شهید نیستند. [742].

س - کسی که بر اثر بمباران شهرها توسط دشمن به شهادت می رسد غسل دادنش لازم است یا خیر؟

ج - اگرچه اجر شهید دارد ولی غسل و کفن او ساقط نیست. [743].

س - مقدار زمینی را رزمندگان اسلام از دست مزدوران عراقی آزاد کرده اند، در آن زمین، عراقیها مین کار گذاشته بودند و یک جوان رزمنده وقتی می خواست مینها را خشتی کند، بر اثر انفجار کشته می شود. با توجه به این که

دشمن بود و همچنین آن رزمنده، مینها را به خاطر این خنثی می کرد که به عنوان محیط آموزشی از آن استفاده شود و یا کشاورزان در آن کشاورزی کنند. آیا ایشان شهید محسوب است؟

ج - در فرض مزبور غسل و کفن شود، هر چند شهید محسوب است، ان شاء الله [744].

س - افرادی که در حین رزم و یا موقع پیشروی بواسطه ی افتادن در آب یا حادثه ای دیگر، مثل تصادف ماشین و پرت شدن از کوه و یا موتور کشته می شوند، حکم غسل و کفن آنها چیست؟

ج - ثواب شهید دارند، ولی غسل و کفن ساقط نیست. [745].

س - طی پیشامدی یکی از برادران تخریب جهت پاکسازی به منطقه ای دور از معرکه به عنوان خنثی کننده ی مین عازم می شود و در این میان سهوا پایش به مین اصابت کرده و به شهادت رسیده است و گویا برادر شهیدمان بدون غسل و کفن دفن گردیده است نظر شما در این باره چیست؟

ج - صحیح است و در فرض مزبور غسل و کفن ساقط است. [746].

س - اگر کسی در پشت جبهه ی مقدم مانند برادران جهادگر، توسط رژیم صدام کافر کشته شود، شهید است یا خیر؟ پاداش او چگونه است؟

ج - ثواب شهید دارد و مقدار اجر تابع معرفت است. [747].

س - در زمان اوج گیری انقلاب اسلامی در ماه محرم مصادف با سال 1357 عده ای از

به دنبال فرمان شما، در یکی از محلات تظاهرات کردند و عده ای از فرقه ی ضاله ی بهائیت که ایادی رژیم شاه بودند، با تدارکات قبلی و حساب شده، آنها را به رگبار بسته و شهید نمودند؛ اکنون افراد ناآگاه، شهدای این صحنه را شهید نمی دانند، آیا شهید هستند یا خیر؟

ج - در اجر و ثواب، فرقی بین شهدای پیش از انقلاب و شهدای بعد از انقلاب و شهدای در جبهه ی جنگ تحمیلی نیست. [748].

[صفحه 346]

مزار شهدا

نیش قبر مسلمان و کسی که در حکم او است، حرام می باشد، مگر آنکه بداند از بین رفته و میت پوشیده و خاک شده است. ولی نیش قبور انبیاء و ائمه معصومین (علیهم السلام) اگرچه از دفن آنها مدت طولانی گذشته باشد جایز نیست بلکه همچنین است نیش قبور امام زادگان و صلحا و شهدا که زیارتگاه و پناهگاه شده است. و منظور از نیش قبر آنست که جسد میتی که با دفن پوشیده شده آشکار شود بنابراین اگر قبری را بکنند و خاک آن را بیرون آورند بدون آنکه جسد میت آشکار شود نیش حرام نیست.

و همچنین است اگر میت را روی زمین قرار داده و بر او بنایی کره باشند و یا در تابوتی از سنگ و مانند آن باشد، سپس او را بیرون آورند (نیش حرام نیست) [749].

محو آثار قبرهایی که یقین به از بین رفتن میت آنها باشد، جایز است در صورتی که محذوری نداشته باشد، مانند آنکه، آن آثار ملك سازنده اش بوده و یا زمین قبر از مباحات بوده که ولی میت آن را

جهت قبر حيازت کرده است و مانند اينها. واگر اينگونه آثار در قبرستاني که وقف مسلمين است باشد، و مورد نياز آنان (هم) مي باشد جواز محو آنها اولي است، مگر قبور شهدا و صلحا و علما و اولاد ائمه (عليهم السلام) که زيارتگاه شده اند. [750].

[صفحه 347]

س - جوانان رزمنده اي در خط مقدم جبهه، مجروح و در بيمارستان شهيد مي شود، مسئولين چون از مسأله اطلاع نداشته اند، بدون غسل و کفن آن شهيد را دفن کردند و بعد از دفن متوجه مسأله شدند. حالا حکم آن چيست؟

ج - اگر ممکن است و هتک ميت نيست، بايد ميت را بيرون آورند و تغسيل و تکفين نمايند. [751].

س - در کدام حالت مي توان شهيد را در جبهه ي نبرد دفن کرد؟ احکام دفن در حالت اضطرار چگونه است؟

ج - اگر وصيت به دفن در مکان معينی نکرده و دفن در جبهه هتک نباشد مانع ندارد در همان محل دفن شود. [752].

[صفحه 348]

مسائل متفرقه

س - مبلغی بنياد شهيد و ارتش به خانواده شهدا مي پردازد آیا خمس دارد؟

ج - خمس ندارد. [753].

س - آیا قبول وجهي که از طرف بنياد شهيد به بازماندگان شهدا پرداخت مي گردد شرعا چه تأثيري از لحاظ اخروي مي تواند در سرنوشت شهيد داشته باشد؟ آیا از ايتار و فداکاري وي نزد خداوند متعال کاسته مي گردد؟

ج - از اجر فداکاري و ايتار شهيد کاسته نمي شود و قبول آن براي خانواده شهيد مطابق مقررات بنياد شهيد مانع ندارد. [754].

س

- اگر کسی به نیت درآوردن خرجی برای خانواده اش از خانه خارج شود ولی در بین راه با ماشین تصادف کند یا کسی او را بکشد. آیا او شهید است یا خیر؟

ج - احکام شهید ندارد و امید است ثواب آن را داشته باشد. [755].

س - اگر سرباز وظیفه ای مشغول خدمت در پادگان فوت نماید آن هم در زمان جنگ،

[صفحه 349]

درباره ی این سرباز چه حکمی داده می شود شهید است یا غیر شهید؟

ج - ان شاء الله اجر شهید به او تفضل می شود، ولی احکام شهید مخصوص شهدای معرکه است. [756].

پاورقی

[1] محمدرضا پهلوی آخرین شاه ایران.

[2] پیام امام خمینی به ملت غیور ایران - صحیفه نور - جلد 3 - ص 44.

[3] پیام امام خمینی به ملت شجاع ایران - صحیفه نور - جلد 3 - ص 227.

[4] بیانات امام خمینی پیرامون افشای جنایات شاه - صحیفه نور - جلد 4 - ص 252 - 235.

[5] بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای سپاه پاسداران - صحیفه نور - جلد 5 - ص 142.

[6] «والله لابن أبي طالب انس بالموت من الطفل بثدي أمه»، نهج البلاغه، خطبه پنجم.

[7] بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای سپاه پاسداران - صحیفه نور - جلد 5 - ص 142.

[8] بیانات امام خمینی در جمع کارکنان و کارمندان گمرک - صحیفه نور - جلد 6 - ص 92.

[9] ای کاش من با شما بودم و به رستگاری عظیم می رسیدم، زیارت وارث، مفاتیح الجنان.

[10] بیانات امام خمینی در مراسم بزرگداشت مقام استاد مطهری - صحیفه

- [11] بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی صحیفه نور جلد 6 - ص 114.
- [12] بیانات امام خمینی در جمع گروهی از بانوان اهواز - صحیفه نور - جلد 7 - ص 46 - 47.
- [13] بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان و درجه داران - صحیفه نور - جلد 97 - 7.
- [14] بیانات امام خمینی خطاب به امت مسلمان ایران - صحیفه نور - جلد 8 - ص 269.
- [15] بیانات امام خمینی در جمع اقشار مختلف مردم - صحیفه نور - جلد 9 - ص 102.
- [16] بیانات امام خمینی در جمع گروهی از فرماندهان نیروی زمینی ارتش - صحیفه نور - جلد 9 - ص 240.
- [17] پیام امام خمینی به مناسبت شهادت آیت الله قاضی طباطبایی - صحیفه نور - جلد 10 - ص 110.
- [18] بیانات امام خمینی در جمع گروهی از زندانیان سیاسی رژیم گذشته - صحیفه نور - جلد 10 - ص 111.
- [19] پیام امام خمینی به ملت ایران - صحیفه نور - جلد 12 - ص 58.
- [20] مصاحبه امام خمینی با خبرنگاران خارجی - صحیفه نور جلد 13 ص 116.
- [21] بیانات امام خمینی در جمع خانواده های شهدا و معلولین - صحیفه نور - جلد 14 - ص 160.
- [22] بیانات امام خمینی در جمع خانواده های شهدا و معلولین - صحیفه نور - جلد 14 - ص 161.
- [23] پیام امام خمینی به مناسبت 72 شهید بزرگ انقلاب اسلامی - صحیفه نور - جلد 15 - ص 51.
- [24] بیانات امام خمینی در جمع روحانیون تهران - صحیفه نور جلد 15 - ص 54.
- [25] پیام امام خمینی به مناسبت

روز ارتش - صحیفه نور - جلد 16 - ص 135.

[26] بیانات امام خمینی در جمع مسئولان و اعضای جهاد سازندگی سراسر کشور - صحیفه نور - جلد 17 - ص 257 - 258.

[27] پیام امام مناسبت پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی - صحیفه نور - جلد 18 - ص 230.

[28] پیام امام به مناسبت سالگرد کشتار خونین مکه و قبول قطعنامه 598 - صحیفه نور - جلد 20 - ص 236.

[29] پیام امام خمینی به ملت ایران به مناسبت چهار آبان - صحیفه نور - جلد 2 - ص 211.

[30] بیانات امام خمینی در مورد تأثیر سازنده اعتقاد به خدا - صحیفه نور - جلد 3 - ص 202.

[31] پیام امام خمینی به ملت شجاع ایران - صحیفه نور - جلد 3 - ص 227.

[32] سوره توبه / 111.

[33] بیانات خمینی در جمع گروهی از پاسداران کمیته مرکزی - صحیفه نور - جلد 9 - ص 149.

[34] پیام امام خمینی به مناسبت سالروز انقلاب اسلامی - صحیفه نور - جلد 11 - ص 265.

[35] بیانات امام خمینی در جمع نخست وزیر، اعضای هیأت دولت، نمایندگان مجلس شورای اسلامی - صحیفه نور - جلد 13 - ص 138 - 139.

[36] بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان مسلمان پیرو خط امام - صحیفه نور - جلد 13 - ص 149.

[37] بحار الانوار ج 74 ص 60.

[38] بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مسئولین بنیاد شهید - صحیفه نور - جلد 13 - ص 273 - 274.

[39] سوره ی اعراف / 143.

[40] بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مسئولین بنیاد شهید - صحیفه نور - جلد 13 -

[41] سوره ي حديد / 23.

[42] سوره ي آل عمران / 165.

[43] بيانات امام خميني در جمع خانواده هاي شهدا و معلولين - صحيفه نور - جلد 14 - ص 161 - 162.

[44] سوره ي محمد / 12.

[45] پيام امام خميني به مناسبت شهادت 72 شهيد بزرگ انقلاب اسلامي - صحيفه نور - جلد 15 - ص 51.

[46] پيام امام خميني در آستانه چهارمين سال پيروزي انقلاب اسلامي - صحيفه نور - جلد 16 - ص 44.

[47] پاسخ امام خميني به پيام فرماندهان نظامي به مناسبت عمليات فتح المبين - صحيفه نور جلد 16 - ص 99.

[48] بيانات امام خميني در جمع گروهی از دلاوران و رادمردان سپاه - صحيفه نور - جلد 16 - ص 130 - 131.

[49] سوره نحل / 96.

[50] بيانات امام خميني در دیدار با وزير کشور، فرماندهان ژاندارمري، استانداران سراسر کشور - صحيفه نور - جلد 16 - ص 242.

[51] پيام امام خميني به مناسبت دومين سالگرد جنگ تحميلي - صحيفه نور - جلد 17 - ص 33 - 34.

[52] سوره آل عمران / 165.

[53] سوره فجر / 29 - 30.

[54] ص 19، پاورقي 1.

[55] پيام امام خميني به خانواده شهدا به مناسبت چهارمين سالگرد پيروزي انقلاب اسلامي - صحيفه نور - جلد 17 - ص 104.

[56] پيام امام خميني به خانواده هاي شهدا و جانبازان انقلاب اسلامي - صحيفه نور - جلد 17 - ص 188.

[57] پيام امام خميني به خانواده هاي شهدا، اسرا، مفقودين، جانبازان و مجروحين - صحيفه نور - جلد 18 - ص 119.

[58] سوره آل عمران / 169.

[59] سوره فجر / 29-30.

[60] پيام امام خميني به مناسبت آغاز هفته

جنگ تحمیلی - صحیفه نور - جلد 18 - ص 223 - 224.

[61] بسیار دور است از ما ذلت پذیری (از سخنان امام حسین «ع»).

[62] نزد پروردگارم.

[63] پیام امام به مناسبت پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی - صحیفه نور - جلد 229 - 230 - 18.

[64] پیام امام خمینی به مناسبت حلول سال نو - صحیفه نور - جلد 18 - ص 260.

[65] پیام امام خمینی به ایثارگران جبهه های نور - صحیفه نور - جلد 19 - ص 40.

[66] پیام امام خمینی به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی - صحیفه نور - جلد 19 - ص 103.

[67] سوره نساء / 100.

[68] پیام امام خمینی در تجلیل از شهدای انقلاب اسلامی - صحیفه نور - جلد 19 - ص 97 - 98.

[69] پیام امام به زائران بیت الله الحرام - صحیفه نور - جلد 20 - ص 17.

[70] پیام امام به زائران بیت الله الحرام - صحیفه نور - جلد 20 - ص 21.

[71] سوره فجر / 89.

[72] کافی است برای آنان همین فخر.

[73] پیام امام به مناسبت روز انقلاب اسلامی - صحیفه نور - جلد 59 - 20.

[74] پیام امام خمینی در تجلیل از هنرمندان متعهد - صحیفه نور - جلد 21 - ص 30.

[75] سوره آل عمران / 169.

[76] سوره فجر / 29-30.

[77] پیام امام خمینی در تجلیل از خانواده های شهدا و ایثارگران - صحیفه نور - جلد 21 - ص 32.

[78] پیام امام خمینی خطاب به مراجع اسلام و روحانیون - صحیفه نور - جلد 21 - ص 88.

[79] سوره انسان / 8.

[80] سوره توبه / 111.

رادمردان سپاه اسلام - صحیفه نور - جلد 16 - ص 130 - 131.

[82] کشف الاسرار - ص 287.

[83] بیانات امام خمینی در مورد وظایف عموم مسلمین - صحیفه نور - جلد 1 - ص 38.

[84] بیانات امام خمینی پس از آزادی از زندان - صحیفه نور - جلد 1 - ص 82.

[85] به خدا سوگند، انس پسر ابیطالب به موت بیش از انس کودک به پستان مادرش می باشد، نهج البلاغه خطبه پنجم.

[86] بیانات امام خمینی پس از آزادی از زندان - صحیفه نور - جلد 1 ص 72.

[87] پیام امام خمینی به مناسبت عید سعید فطر - صحیفه نور - جلد 1 - ص 223.

[88] سوره احزاب / 2.

[89] پیام امام خمینی به ملت ایران - صحیفه نور - جلد 2 - ص 76.

[90] پیام امام خمینی به ملت ایران - صحیفه نور - جلد 2 - ص 81.

[91] پیام امام خمینی به ملت ایران به مناسبت چهارم آبان - صحیفه نور - جلد 2 - ص 211.

[92] اعلامه امام خمینی به مناسبت چهلمین روز شهادت شهدای تهران - صحیفه نور - جلد 2 - ص 143.

[93] بیانات امام خمینی در مورد عفو زندانیان سیاسی رژیم شاه - صحیفه نور - جلد 2 - ص 209.

[94] بیانات امام خمینی در مورد عفو زندانیان سیاسی رژیم شاه - صحیفه نور - جلد 2 - ص 207.

[95] مصاحبه امام خمینی با روزنامه انگلیسی فاینشال تایمز - صحیفه نور - جلد 3 - ص 41.

[96] پیام امام خمینی به ملت غیور ایران - صحیفه نور - جلد 3 - ص 44.

[97] اشاره به کارتر رئیس جمهور وقت امریکا.

[98] بیانات

امام خمینی در مورد تبلیغات سوء ابرقدرتها - صحیفه نور - جلد 3 - ص 247.

[99] مصاحبه امام خمینی با خبرنگار امریکایی - صحیفه نور - جلد 3 - ص 273 - 274.

[100] بیانات امام خمینی در میان جمعی از روحانیون - صحیفه نور - جلد 5 - ص 16.

[101] بیانات امام خمینی در روز ورود به قم - صحیفه نور - جلد 5 - ص 125.

[102] بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای سپاه پاسداران - صحیفه نور - جلد 5 - ص 144.

[103] بیانات امام خمینی در قبرستان بقیع قم - صحیفه نور - جلد 5 - ص 183.

[104] بیانات امام خمینی در آغاز سال نو و دیدار با هیأت دولت موقت - صحیفه نور - جلد 5 - ص 204.

[105] بیانات امام خمینی در دیدار با سرپرست و مسئولین کمیته های چهارده گانه انقلاب اسلامی تهران - صحیفه نور - جلد 6 - ص

32.

[106] بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان روحانی کرد - صحیفه نور - جلد 6 - ص 68.

[107] بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت اعزامی از لیبی به سرپرستی سرگرد جلود - صحیفه نور - جلد 6 - ص 71.

[108] بیانات امام خمینی در جمع بانوان جنوب شهر تهران - صحیفه نور - جلد 6 - ص 120.

[109] بیانات امام خمینی در جمع گروهی از عشایر - صحیفه نور - جلد 6 - ص 121.

[110] اشاره به شهادت استاد مطهری توسط گروهک فرقان.

[111] بیانات امام خمینی در دیدار با سفیر سومالی - صحیفه نور - جلد 6 ص 124.

[112] بیانات امام خمینی در جمع گروهی از عشایر نورآباد

- [113] بيانات امام خميني در جمع فرهنگيان و دانشجويان - صحيفه نور - جلد 6 ص 259 - 260.
- [114] بيانات امام خميني در جمع بانوان قم و گروهی از اهالي بناب - صحيفه نور - جلد 6 - ص 270.
- [115] بيانات امام خميني در جمع بانوان - صحيفه نور - جلد 6 - ص 269.
- [116] بيانات امام خميني در جمع پهلوانان ورزش باستاني - صحيفه نور - جلد 7 ص 26.
- [117] بيانات امام خميني در جمع کارگران و کارکنان روزنامه کيهان - صحيفه نور - جلد 7 - ص 19.
- [118] بيانات امام خميني در جمع کارگران و کارکنان روزنامه کيهان - صحيفه نور - جلد 7 ص 20.
- [119] بيانات امام خميني در جمع گروهی از دانشجويان دانشگاه شيراز - صحيفه نور - جلد 7 - ص 60.
- [120] بيانات امام خميني در جمع پزشکان، کارکنان و گروهی از مجروحين بیمارستان شفا يحيائيان - صحيفه نور - جلد 7 ص 109.
- [121] سوره سباء / 46.
- [122] بيانات امام خميني در جمع گروهی از پاسداران - صحيفه نور - جلد 7 - 145 - 7.
- [123] بيانات امام خميني در جمع گروهی از پاسداران - صحيفه نور - جلد 7 - ص 143 - 144.
- [124] بيانات امام خميني در جمع گروهی از پاسداران - صحيفه نور - جلد 7 - 143 - 7.
- [125] بيانات امام خميني در جمع علما و روحانيون مشهد - صحيفه نور - جلد 7 - ص 166 - 167.
- [126] بيانات امام خميني در جمع گروهی از دانشجويان - صحيفه نور - جلد 7 - ص 218.
- [127] بيانات امام خميني خطاب به امت

[128] مرحوم سپهبد ولی الله قرنی اولین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران که در تاریخ 3 / 2 / 1358 توسط گروهک فرقان به شهادت رسید.

[129] بیانات امام خمینی در جمع گروهی از خواهران و برادران کویتی - صحیفه نور - جلد 8 - ص 278.

[130] شهید هادی فرخ نیا.

[131] بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده شهید هادی فرخ نیا - صحیفه نور - جلد 9 - ص 47.

[132] بیانات امام خمینی در جمع کارکنان واحد پخش صدای جمهوری اسلامی ایران - صحیفه نور - جلد 9 - ص 72.

[133] بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای جهاد سازندگی قزوین - صحیفه نور - جلد 9 - ص 98.

[134] بیانات امام خمینی در جمع عشایر استان آذربایجان - صحیفه نور - جلد 9 - ص 168.

[135] بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده های شهدای سردشت - صحیفه نور - جلد 10 - ص 24.

[136] بیانات امام خمینی در جمع دانش آموزان و دانشجویان - صحیفه نور - جلد 10 - ص 127 - 128.

[137] بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن تبلیغات فرهنگ اسلامی - صحیفه نور - جلد 10 - ص 176.

[138] بیانات امام خمینی در جمع گروهی از جامعه پیشه وران اصفهان - صحیفه نور - جلد 10 - ص 275.

[139] بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده های شهدا - صحیفه نور - جلد 11 - ص 165.

[140] بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - صحیفه نور - جلد 11 - ص 67.

[141] بیانات امام خمینی به مناسبت روز جهانی قدس

[142] پیام امام خمینی به ملت و ارتش عراق - صحیفه نور - جلد 13 - ص 111.

[143] بیانات امام خمینی در جمع فارغ التحصیلان دومین دوره دانشکده افسری ارتش - صحیفه نور - جلد 13 - ص 171-172.

[144] بیانات امام خمینی در جمع معلولین و پاسداران انقلاب اسلامی - صحیفه نور - جلد 13 - ص 205.

[145] پیام امام خمینی به مناسبت دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی صحیفه نور - جلد 14 - ص 60.

[146] پیام امام خمینی به مناسبت دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی صحیفه نور - جلد 14 - ص 63.

[147] پیام امام خمینی به مناسبت دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی - صحیفه نور - جلد 14 - ص 63.

[148] بیانات امام خمینی در جمع اقشار مختلف مردم - صحیفه نور - جلد 15 - ص 115.

[149] سوره بقره / 156.

[150] اشاره به شهدای فاجعه انفجار نخست وزیری یعنی شهید رجایی و باهنر.

[151] بیانات امام خمینی در جمع اقشار مختلف مردم صحیفه نور - جلد 15 - ص 112.

[152] بیانات امام خمینی در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری حجت الاسلام والمسلمین سید علی خامنه ای - صحیفه نور - جلد 15 - ص 181.

[153] بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده های شهدای 7 تیر - صحیفه نور - جلد 270 - ص 15.

[154] بیانات امام خمینی در جمع رزمندگان ارتش جمهوری اسلامی - صحیفه نور - جلد 16 - ص 69.

[155] بیانات امام خمینی در جمع رزمندگان ارتش جمهوری اسلامی - صحیفه نور - جلد 16 - ص 69.

[156] بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دلاوران و رادمردان

[157] پیام امام خمینی به مناسبت روز ارتش - صحیفه نور - جلد 16 - ص 133.

[158] بیانات امام خمینی در جمع خطبا، گویندگان مذهبی، علما و روحانیون قم و تهران - صحیفه نور - جلد 17 - ص 61.

[159] بیانات امام خمینی در جمع خطبا، گویندگان مذهبی، علما و روحانیون قم و تهران - صحیفه نور - جلد 17 - ص 64.

[160] بیانات امام خمینی در جمع کلیه نمایندگان مجلس - صحیفه نور - جلد 17 - ص 165 - 166.

[161] بیانات امام خمینی در جمع میهمانان خارجی - صحیفه نور - جلد 17 - ص 194.

[162] بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر کشور و گروهی از مسئولین و اعضای کمیته های مرکزی سراسر کشور - صحیفه نور - جلد 17 - ص 231.

[163] پیام امام خمینی به مناسبت دستگیری سران حزب خائن توده - صحیفه نور - جلد 17 - ص 243.

[164] بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس جمهور، نخست وزیر و اعضای هیأت دولت - صحیفه نور - جلد 18 - ص 83.

[165] بیانات امام خمینی در جمع اعضای شوراهای محلی اسلامی توزیع کالا در سراسر تهران - صحیفه نور - جلد 18 - ص 216 - 217.

[166] بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان کل سپاه پاسداران و نیروی ارتش جمهوری اسلامی - صحیفه نور - جلد 19 - ص 2.

[167] بیانات امام خمینی در دیدار با سرپرست و اعضای ستاد تبلیغات جنگ - صحیفه نور - جلد 19 - ص 59.

[168] پیام امام خمینی به مناسبت سال نو - صحیفه نور

- جلد 19 - ص 126.

[169] اشاره به بمب گذاری منافقین در نماز جمعه تهران در تاریخ 1363 / 12 / 24 که منجر به شهادت جمعی از نمازگزاران شد.

[170] پیام امام خمینی به مناسبت سال نو - صحیفه نور - جلد 127 - 19.

[171] بیانات امام خمینی در جمع رئیس جمهور، رئیس دیوان عالی کشور، اعضای شورای نگهبان - صحیفه نور - جلد 19 - ص 174 - 175.

[172] پیام امام خمینی به حجاج بیت الله الحرام صحیفه نور - جلد 205 - 19.

[173] مکاره: رنجها، سختیها.

[174] محفوف: گرداگرد فراگرفته.

[175] پیام امام خمینی به مناسبت شهادت حجت الاسلام محلات - صحیفه نور - جلد 19 - ص 276.

[176] دیدار با رئیس جمهور، رئیس مجلس، رئیس دیوان عالی کشور، نخست وزیر، سفرای مقیم تهران صحیفه نور - جلد 20 - ص 4.

[177] پیام امام به زائران بیت الله الحرام - صحیفه نور - جلد 20 - ص 133.

[178] وصیت نامه سیاسی - الهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران - صحیفه نور - جلد 21 - ص 203.

[179] پیام امام خمینی به ملت ایران به مناسبت چهلم شهدای تبریز - صحیفه نور - جلد 2 - ص 39 - 40.

[180] پیام امام خمینی به ملت ایران به مناسبت چهارم آبان - صحیفه نور - جلد 2 - ص 210.

[181] پیام امام خمینی به ملت ایران به مناسبت چهارم آبان - صحیفه نور - جلد 2 - ص 212.

[182] اعلامیه امام خمینی در آستانه ترك تهران به قم - صحیفه نور - جلد 5 ص 119 - 120.

[183] بیانات امام خمینی در قبرستان بقیع قم - صحیفه نور - جلد 5 -

- [184] بیانات امام خمینی در جمع گروه فلسطینی و اسقف کاپوچی - صحیفه نور - جلد 5 ص 242.
- [185] بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اقشار مختلف مردم - صحیفه نور - جلد 5 ص 244.
- [186] بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مردم فلسطین صحیفه نور - جلد 5 - ص 262.
- [187] بیانات امام خمینی در جمع پرسنل پادگان فرح آباد و لشگرک - صحیفه نور - جلد 6 ص 17.
- [188] بیانات امام خمینی در جمع بانوان جنوب شهر تهران - صحیفه نور - جلد 6 - ص 120.
- [189] پاسخ امام خمینی به پیام سرهنگ قذافی رهبر انقلاب لیبی - صحیفه نور - جلد 6 - ص 122.
- [190] بیانات امام خمینی در جمع پاسداران کمیته انقلاب اسلامی حصارک کرج - صحیفه نور - جلد 8 - ص 58.
- [191] پیام امام خمینی به حجت الاسلام رضی شیرازی - صحیفه نور - جلد 8 - ص 131.
- [192] پیام امام خمینی به ملت ایران پیرامون همه پرسه قانون اساسی - صحیفه نور - جلد 10 - ص 242.
- [193] بیانات امام خمینی در جمع خواهران و برادران کفن پوش از بابلسر - صحیفه نور - جلد 10 - ص 271.
- [194] پیام امام خمینی به گردهمایی خانواده شهدای سراسر کشور - صحیفه نور - جلد 11 - ص 262.
- [195] پیام امام خمینی به مناسبت سالروز پیروزی انقلاب اسلامی - صحیفه نور - جلد 11 - ص 265.
- [196] پیام امام خمینی به مردم و نیروهای مسلح - صحیفه نور - جلد 14 - ص 10.
- [197] پیام امام خمینی به مناسبت دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی - صحیفه نور - جلد 14

- [198] پیام امام خمینی به خانواده شهدا و معلولین - صحیفه نور - جلد 14 - ص 64.
- [199] پیام امام خمینی به مناسبت شهادت 72 شهید بزرگ انقلاب اسلامی - صحیفه نور - جلد 15 - ص 51 - 52.
- [200] بیانات امام خمینی در جمع مردم سوگوار کشورمان - صحیفه نور - جلد 15 - ص 119.
- [201] بیانات امام در مراسم تفیذ حکم ریاست جمهوری حجت الاسلام و المسلمین سید علی خامنه ای صحیفه نور - جلد 15 - ص 180.
- [202] بیانات امام خمینی در دیدار با پاسداران کمیته های انقلاب اسلامی تهران - صحیفه نور - جلد 58 - 16.
- [203] بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان مجلس شورای اسلامی - صحیفه نور - جلد 17 - ص 51.
- [204] بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه مراکز استان های سراسر کشور - صحیفه نور - جلد 17 - ص 54.
- [205] بیانات امام خمینی در جمع خطباء، گویندگان مذهبی، علما و روحانیون قم و تهران - صحیفه نور - جلد 17 - ص 63.
- [206] بیانات امام خمینی در دیدار با رؤسای جمهوری و نمایندگان مجلس شورای اسلامی - صحیفه نور - جلد 17 - ص 143.
- [207] پیام امام خمینی به خانواده ی شهدا و جانبازان انقلاب اسلامی - صحیفه نور - جلد 17 - ص 189.
- [208] بیانات امام خمینی در جمع میهمانان خارجی - صحیفه نور - جلد 17 - ص 194.
- [209] بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی - صحیفه نور - جلد 278 - 17.
- [210] پیام امام خمینی به مناسبت شهادت شش تن از اعضای خانواده آیت الله العظمی حکیم - صحیفه نور -

[211] پیام امام خمینی به خانواده های معظم شهدا، اسرا، مفقودین و جانبازان انقلاب اسلامی - صحیفه نور - جلد 18 - ص 223.

[212] پیام امام خمینی در تجلیل از شهدا، اسرا، جانبازان، مفقودین - صحیفه نور - جلد 19 - ص 264.

[213] پیام امام خمینی در تجلیل از شهدای انقلاب اسلامی - صحیفه نور - جلد 19 - ص 97 - 98.

[214] پیام امام به زائران بیت الله الحرام - صحیفه نور - جلد 20 - ص 123.

[215] پیام امام به مناسبت روز انقلاب اسلامی - صحیفه نور - جلد 20 - ص 60 - 61.

[216] شهدا.

[217] سوره مائده / 20.

[218] پیام امام به مناسبت روز انقلاب اسلامی - صحیفه نور - جلد 20 - ص 59 - 60.

[219] پیام امام به مناسبت سالگرد کشتار خونین در مکه و قبول قطعنامه 598 - صحیفه نور - جلد 20 - ص 238 - 239.

[220] پیام امام خمینی به مراجع اسلام و روحانیون - صحیفه نور - جلد 21 - ص 94.

[221] بیانات امام خمینی در مورد مأموریت شاه - صحیفه نور - جلد 2 - ص 139 - 140.

[222] اعلامیه امام خمینی به مناسبت چهلمین روز شهادت شهدای تهران - صحیفه نور - جلد 2 - ص 142 - 143.

[223] بیانات امام خمینی در جمع پرسنل صنایع نظامی و اهالی قم - صحیفه نور - جلد 5 - ص 256 - 257.

[224] بیانات امام خمینی در جمع کارکنان مخابرات - صحیفه نور - جلد 5 - ص 272.

[225] بیانات امام خمینی در دیدار با سفیر تونس در ایران - صحیفه نور - جلد 6

[226] قل انما اعظكم بواحدة ان تقوموا لله... (سوره سباء / 46).

[227] سوره هود / 112.

[228] بيانات امام خميني در جمع گروهی از معلمان - صحیفه نور - جلد 6 - ص 276 - 277.

[229] بيانات امام خميني در جمع گروهی از پاسداران - صحیفه نور - جلد 7 - ص 143 - 144.

[230] بيانات امام خميني در جمع استادان دانشگاه - صحیفه نور - جلد 8 - ص 9.

[231] بيانات امام خميني در جمع خانواده های شهدای پایگاه هوایی بوشهر - صحیفه نور - جلد 9 - ص 15.

[232] بيانات امام خميني در جمع گروهی از اعضای جهاد سازندگی قزوین - صحیفه نور - جلد 9 - ص 98.

[233] بيانات امام خميني در جمع گروهی از پاسداران کمیته مرکزی - صحیفه نور - جلد 9 - ص 151.

[234] بيانات امام خميني در جمع ارتش جمهوری پاکستان در بازگشت از سفر حج - صحیفه نور - جلد 10 - ص 225.

[235] بيانات امام خميني در جمع دانش آموزان دبیرستان الفتح دماوند - صحیفه نور - جلد 11 - ص 61.

[236] مصاحبه خبرنگار مجله تایم با امام خمینی - صحیفه نور - جلد 11 - ص 201.

[237] بيانات امام خميني در دیدار با سرهنگ صدری - صحیفه نور - جلد 12 - ص 88.

[238] بيانات امام خميني در جمع اعضای شرکت کننده در کنفرانس بین المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران - صحیفه نور - جلد

12 - ص 138.

[239] پیام امام خمینی به مناسبت دومین سالگرد 17 شهریور صحیفه نور - جلد 13 - ص 65.

[240] بيانات امام خميني در جمع نخست وزیر و اعضای هیأت دولت -

- [241] بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان مسلمان پیرو خط امام صحیفه نور - جلد 13 - ص 144.
- [242] بیانات امام خمینی در جمع هیأت بررسی کننده جنگ تحمیلی عراق علیه ایران - صحیفه نور - جلد 14 - ص 117.
- [243] بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان نیروهای سه گانه ارتش - صحیفه نور - جلد 15 - ص 7.
- [244] منافقین و دشمنان خارجی.
- [245] پیام امام خمینی به مناسبت شهادت 72 شهید بزرگ انقلاب اسلامی - صحیفه نور - جلد 15 - ص 51.
- [246] بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه استان خوزستان - صحیفه نور - جلد 16 - ص 27.
- [247] شهادت شخصیت‌های بزرگ و متعهد.
- [248] پیام امام خمینی به مناسبت سومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی - صحیفه نور - جلد 16 - ص 48 - 49.
- [249] بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه استان مازندران صحیفه نور و دشت گردگان - صحیفه نور - جلد 16 - ص 71.
- [250] بیانات امام خمینی در دیدار با نخست وزیر و اعضای هیأت دولت - صحیفه نور - جلد 16 - ص 93.
- [251] اشخاص منحرف داخل و خارج کشور.
- [252] بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان عشایر کشور - صحیفه نور - جلد 16 ص 120.
- [253] بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه استان کرمان - صحیفه نور - جلد 16 - ص 156.
- [254] پیام امام خمینی به مناسبت سالروز 15 خرداد صحیفه نور - جلد 16 - ص 181.
- [255] به خدای کعبه رستگار شدم.
- [256] پیام امام خمینی به مناسبت روز جهانی قدس - صحیفه نور - جلد 16 - ص 228.
- [257]

- بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه - صحیفه نور - جلد 17 - ص 51.
- [258] بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه استان خراسان - صحیفه نور - جلد 17 - ص 83.
- [259] سوره بقره / 153.
- [260] بیانات امام خمینی در جمع گروهی از کارگران سراسر کشور صحیفه نور - جلد 17 - ص 240.
- [261] روز جمعه 24 اسفند 1363 که منافقین در محل برگزاری نماز جمعه تهران بمب گذاری کردند.
- [262] عقب نشینی کننده.
- [263] پیام امام خمینی به مناسبت سال نو - صحیفه نور - جلد 19 - ص 124 - 125.
- [264] بیانات امام خمینی در جمع ائمه جماعات قم - صحیفه نور - جلد 19 - ص 137 - 138.
- [265] پیام امام خمینی به مناسبت شهادت حجت الاسلام محلاتی - صحیفه نور - جلد 20 - ص 277.
- [266] پیام امام برائت به زائران بیت الله الحرام صحیفه نور - جلد 20 - ص 123.
- [267] بیانات امام خمینی در جمع مسئولان کشوری و لشکری - صحیفه نور - جلد 20 - ص 89 - 90.
- [268] پیام امام خمینی به ملت شریف ایران - صحیفه نور - جلد 4 - ص 279.
- [269] بیانات امام خمینی به مناسبت سالگرد 15 خرداد صحیفه نور - جلد 7 - ص 55.
- [270] بیانات امام خمینی در جمع روحانیون - صحیفه نور - جلد 9 - ص 238.
- [271] پیام امام خمینی به مناسبت حلول سال جدید صحیفه نور - جلد 12 - ص 24.
- [272] بیانات امام خمینی در دیدار با سرهنگ صدري - صحیفه نور - جلد 12 - ص 88 - 89.
- [273] پیام امام خمینی

در تجلیل از شهدای پاسدار کردستان - صحیفه نور - جلد 13 - ص 11.

[274] پیام امام خمینی به مناسبت عید قربان - صحیفه نور - جلد 13 - ص 122.

[275] مقدمه کتاب پیام خون به قلم امام خمینی - صحیفه نور - جلد 14 - ص 196.

[276] بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی - صحیفه نور - جلد 15 ص 138.

[277] پیام امام خمینی به مناسبت سالروز 15 خرداد - صحیفه نور - جلد 16 - ص 182.

[278] پیام امام خمینی به خانواده های شهدا و جانبازان - صحیفه نور - جلد 17 ص 190.

[279] پیام امام خمینی به مناسبت سالگرد 15 خرداد - صحیفه نور - جلد 13 - ص 18.

[280] پیام امام خمینی به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی - صحیفه نور - جلد 19 - ص 110.

[281] پیام امام خمینی (ره) به مناسبت شهادت حجة السلام محلاتی و همراهان در فاجعه سقوط هواپیمایی مسافربری توسط جنگنده های عراقی.

[282] پیام امام خمینی به مناسبت شهادت حجت الاسلام محلاتی - صحیفه نور - جلد 19 - ص 277.

[283] پیام امام به مناسبت روز انقلاب اسلامی در دهه مبارک فجر - صحیفه نور - جلد 20 - ص 62.

[284] پیام امام به زائران بیت الله الحرام صحیفه نور - جلد 20 ص 113.

[285] پیام امام به مناسبت سالگرد کشتار خونین مکه و قبول قطعنامه 598 - صحیفه نور - جلد 20 - ص 239.

[286] پیام امام به مناسبت سالگرد کشتار خونین مکه و قبول قطعنامه 598 - صحیفه نور - جلد 20 - ص 236.

[287] پاسخ امام به نامه حجت الاسلام مهدی کروی - صحیفه نور

- جلد 21 - ص 25 - 26.

- [288] پیام امام در آستانه سالگرد بسیج مستضعفین - صحیفه نور - جلد 21 - ص 53.
- [289] پیام امام خمینی خطاب به مراجع اسلام و روحانیون سراسر کشور - صحیفه نور - جلد 21 - ص 101.
- [290] اشاره به تحلیلهای ساده لوحانه بعضی افراد مبني بر عدم دسترسى به آرمانهای نهایی در جنگ تحمیلی.
- [291] پیام امام خطاب به مراجع اسلام و روحانیون سراسر کشور - صحیفه نور - جلد 21 - ص 95.
- [292] پیام امام به مناسبت روز ارتش - صحیفه نور - جلد 21 - ص 119.
- [293] بیانات امام در جمع اعضای هیأت کویتي - صحیفه نور - جلد 22 - ص 194.
- [294] بیانات امام در جمع اعضای هیأت کویتي - صحیفه نور جلد 22 - ص 193.
- [295] بیانات امام خمینی در روز ورود به قم - صحیفه نور - جلد 5 ص 129.
- [296] بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و طلاب - صحیفه نور - جلد 5 ص 151 - 152.
- [297] بیانات امام خمینی در جمع اقشار مختلف مردم صحیفه نور - جلد 6 - ص 189.
- [298] بیانات امام خمینی به مناسبت سالگرد 15 خرداد - صحیفه نور - جلد 7 - ص 53 - 54.
- [299] بیانات امام خمینی به مناسبت سالگرد 15 خرداد - صحیفه نور - جلد 7 ص 55.
- [300] بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اقشار مختلف مردم - صحیفه نور - جلد 14 - ص 164.
- [301] پیام امام خمینی در آستانه چهارمین سال پیروزی انقلاب اسلامی - صحیفه نور - جلد 16 - ص 43.
- [302] اشاره به بمب گذاری سازمان منافقین در

میدان امام خمینی تهران که منجر به شهادت عده کثیری از مردم بیگناه و مستضعف گردید.

[303] پیام امام خمینی به مناسبت فاجعه دلخراش بمب گذاری در خیابان ناصر خسرو - صحیفه نور - جلد 17 - ص 42.

[304] بیانات امام خمینی در جمع مسئولان کمیته های امداد صحیفه نور - جلد 17 - ص 246.

[305] پیام امام خمینی به مناسبت پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی - صحیفه نور - جلد 18 - ص 230.

[306] پیام امام خمینی به مناسبت گشایش دومین دوره مجلس شورای اسلامی - صحیفه نور - جلد 19 - ص 11.

[307] پیام امام به زائران بیت الله الحرام - صحیفه نور - جلد 20 - ص 124.

[308] پیام امام به زائران بیت الله الحرام - صحیفه نور - جلد 20 - ص 130.

[309] پیام امام به مناسبت سالگرد کشتار خونین مکه و قبول قطعنامه 598 - صحیفه نور - جلد 20 - ص 235.

[310] خانواده ی شهیدا.

[311] پاسخ امام به نامه ی رؤسای سه قوه در مورد کسب تکلیف برای بازسازی کشور صحیفه نور - جلد 21 - ص 38.

[312] پیام امام خمینی به ملت ایران در رابطه با کشتار وحشیانه رژیم در ماه محرم - صحیفه نور - جلد 2 - ص 12.

[313] اعلامیه امام خمینی به مناسبت چهلمین روز شهادت شهدای تهران - صحیفه نور - جلد 2 - ص 144.

[314] بیانات امام خمینی در مورد نیرنگهای شاه - صحیفه نور - جلد 2 - ص 294.

[315] مصاحبه امام خمینی با نماینده مجله عربی زبان «القومی العربی» صحیفه نور - جلد 3 - ص 102.

[316] سخنرانی امام خمینی در مورد ضرورت قیام - صحیفه نور -

[317] بیانات امام خمینی درباره دلائل اعتصابات سراسری - صحیفه نور - جلد 3 - ص 217.

[318] بیانات امام خمینی در بهشت زهرا - صحیفه نور - جلد 4 - ص 281.

[319] بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت دولت به مناسبت هجرت از نجف اشرف به پاریس - صحیفه نور - جلد 9 - ص 242.

[320] آیت الله دکتر محمد مفتاح که در تاریخ 1358/9/27 به دست عوامل گروهک منحرف فرقان به شهادت رسید.

[321] مصاحبه امام خمینی با حسنین هیکل - صحیفه نور - جلد 11 - ص 53.

[322] پیام امام خمینی در تجلیل از شهدای پاسدار کردستان - صحیفه نور - جلد 13 - ص 11.

[323] پیام امام خمینی در تجلیل از شهدای پاسدار کردستان - صحیفه نور - جلد 13 - ص 11.

[324] بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده های شهدای اصفهان - صحیفه نور - جلد 13 - ص 213.

[325] بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده های شهدای نیروی هوایی ارتش - صحیفه نور - جلد 13 - ص 239.

[326] پیام امام خمینی به مناسبت روز ارتش - صحیفه نور - جلد 14 - ص 192.

[327] بیانات امام خمینی در جمع خانواده های شهدا - صحیفه نور - جلد 15 - ص 194.

[328] پیام امام خمینی به مناسبت روز زن - صحیفه نور - جلد 16 - ص 126.

[329] پیام امام خمینی به مردم اصفهان - صحیفه نور - جلد 17 - ص 75.

[330] وصیت نامه سیاسی - الهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی - صحیفه نور - جلد 21 - ص 180-181.

[331] بیانات امام خمینی

در دیدار با وزیر امور خارجه و معاونین - صحیفه نور - جلد 18 - ص 63.

[332] پیام امام خمینی به مناسبت شهادت 10 تن از اعضای خانواده آیت الله العظمی حکیم - صحیفه نور - جلد 19 - ص 116.

[333] پیام امام خمینی به مناسبت حلول سال نو - صحیفه نور - جلد 19 - ص 284-285.

[334] پیام امام به مناسبت روز انقلاب اسلامی در دهه مبارک فجر - صحیفه نور - جلد 20 - ص 59-60.

[335] پیام امام به مناسبت روز انقلاب اسلامی در دهه مبارک فجر - صحیفه نور - جلد 20 - ص 61.

[336] پیام امام به زائران بیت الله الحرام - صحیفه نور - جلد 20 - ص 130.

[337] اشاره به غریبها.

[338] بیانات امام در دیدار با خانواده های شهدا، مفقودین، اسرا و جانبازان - صحیفه نور - جلد 20 - ص 186.

[339] پیام امام خمینی در تجلیل از خانواده های معظم شهدا و ایثارگران - صحیفه نور - جلد 21 - ص 32.

[340] اشاره به خانواده های شهدا.

[341] بیانات امام خمینی در جمع اعضای گروه فرهنگی و تربیتی انقلاب اسلامی - صحیفه نور - جلد 9 - ص 147.

[342] پیام امام خمینی به مناسبت روز زن - صحیفه نور - جلد 16 - ص 126.

[343] پیام امام خمینی به مناسبت آغاز هفته جنگ تحمیلی صحیفه نور - جلد 122 - 123 - 18.

[344] پیام امام خمینی به مناسبت حلول سال نو - صحیفه نور - جلد 18 - ص 260.

[345] پیام امام خمینی به مناسبت حلول سال نو - صحیفه نور - جلد 19 - ص 127.

[346] بهشت زیر قدمهای مادران است. کنز العمال، حدیث

- [347] پیام امام خمینی در پاسخ به پیام فرزندان شهدا، اسرا، مفقودین و جانبازان - صحیفه نور - جلد 19 - ص 296-297.
- [348] پیام امام به مناسبت سالگرد کشتار خونین مکه و قبول قطعنامه 598 - صحیفه نور - جلد 20 - ص 236-236.
- [349] پاسخ امام به نامه یکی از خواهران طلبه و مادر یک شهید - صحیفه نور - جلد 20 - ص 249.
- [350] پاسخ امام به حجت الاسلام مهدی کروی سرپرست بنیاد شهید - صحیفه نور - جلد 21 - ص 25 - 26.
- [351] استفتاء از محضر امام خمینی درباره کمک به خانواده زندانیان سیاسی - صحیفه نور - جلد 1 - ص 179.
- [352] دعوت امام خمینی برای کمک به بازماندگان فاجعه لبنان - صحیفه نور - جلد 1 - ص 225-226.
- [353] پیام امام خمینی به ملت ایران - صحیفه نور - جلد 2 - ص 83.
- [354] پیام امام خمینی به ملت غیور ایران - صحیفه نور - جلد 3 - ص 45.
- [355] اشاره به عذرخواهی فریبکارانه شاه در آخرین ماههای سلطنت خود.
- [356] بیانات امام خمینی در مورد توبه و تعهدات دروغین شاه - صحیفه نور - جلد 3 - ص 63.
- [357] پیام به علمای اعلام و حجج اسلام.
- [358] اشاره به رژیم پهلوی.
- [359] پیام امام خمینی به ملت ایران - صحیفه نور - جلد 3 - ص 93.
- [360] پیام امام خمینی به کارگران و کارکنان شرکت نفت - صحیفه نور - جلد 3 - ص 162.
- [361] پیام امام خمینی در مورد تأثیر سازنده «اعتقاد به خدا» - صحیفه نور - جلد 3 - ص 207.
- [362] بیانات امام خمینی در مورد توبه مفتضح شاه - صحیفه نور

- جلد 3 - ص 233.

[363] بیانات امام خمینی در مورد حقوق بشر ادعایی شاه و کارتر - صحیفه نور - جلد 4 - ص 78.

[364] سربازان فراری.

[365] بیانات امام خمینی در مورد تعالیم مترقی اسلام - صحیفه نور - جلد 4 - ص 83.

[366] بیانات امام خمینی در مورد تعالیم مترقی اسلام - صحیفه نور - جلد 83 - 4.

[367] پیام امام خمینی به ملت مسلمان ایران - صحیفه نور - جلد 4 - ص 101.

[368] تذکر چند مطلب مهم جهت سرنگونی شاه به ملت ایران - صحیفه نور - جلد 4 - ص 142.

[369] بیانات امام خمینی در قبرستان بقیع قم - صحیفه نور - جلد 5 - ص 186.

[370] پیام امام خمینی به مناسبت فراندوم جمهوری اسلامی - صحیفه نور - جلد 5 - ص 207.

[371] پیام امام خمینی به ملت ایران - صحیفه نور - جلد 9 - ص 57.

[372] اشاره به گروهکهای ضد انقلاب.

[373] بیانات امام خمینی در دیدار با کارکنان رادیو و تلویزیون - صحیفه نور - جلد 10 - ص 21.

[374] بیانات امام خمینی در جمع دانش آموزان و دانشجویان - صحیفه نور - جلد 10 - ص 128.

[375] پیام امام خمینی به ملت ایران - صحیفه نور - جلد 10 - ص 242.

[376] پیام امام خمینی به مناسبت ولادت و هجرت حضرت محمد (ص) صحیفه نور - جلد 11 - ص 259.

[377] ابوالحسن بنی صدر، اولین رئیس جمهور ایران که بعلت اندیشه و عملکرد انحرافی خود نهایتاً خرداد 1360 از طرف امت و امام و نمایندگان مجلس شورای اسلامی بعنوان عدم کفایت سیاسی معزول گردید.

[378] بیانات امام خمینی در

جمع اعضاي خانواده هاي شهدا - صحيفه نور - جلد 12 - ص 203 - 204.

[379] پيام امام خميني به مردم و نيروهاي مسلح - صحيفه نور - جلد 14 - ص 11.

[380] اشاره به کشمکشهاي مخربي که بني صدر رئيس جمهور و وقت با ديگر مسئولان کشور داشت.

[381] بيانات امام خميني در جمع کارگران معادن ذوب آهن - صحيفه نور - جلد 14 - ص 39.

[382] بيانات امام خميني در جمع اعضاي انجمن اسلامي وزارت دفاع - صحيفه نور - جلد 14 - ص 105-106.

[383] بيانات امام خميني در جمع اعضاي بسيج خميني شهر، دفتر تبليغات قم - صحيفه نور - جلد 15 - ص 32.

[384] بيانات امام خميني در جمع اعضاي خانواده هاي شهداي فاجعه 7 تير - صحيفه نور - جلد 15 - ص 66-67.

[385] بيانات امام خميني در جمع اعضاي خانواده هاي شهداي فاجعه 7 تير - صحيفه نور - جلد 15 - ص 63.

[386] بيانات امام خميني در جمع ميهمانان خارجي - صحيفه نور - جلد 16 - ص 37.

[387] پيام امام خميني به مناسبت سومين سالگرد پيروزي انقلاب اسلامي - صحيفه نور - جلد 26 - ص 46-47.

[388] بيانات امام خميني در جمع پرسنل هوانپروز - صحيفه نور - جلد 16 - ص 80.

[389] پيام امام خميني به مناسبت دومين سالگرد جنگ تحميلي - صحيفه نور - جلد 17 - ص 33-34.

[390] بيانات امام خميني در جمع گروهی از کارکنان ارتش - صحيفه نور - جلد 17 - ص 154-155.

[391] پيام امام خميني به مناسبت چهارمين سالگرد پيروزي انقلاب اسلامي ايران - صحيفه نور - جلد 17 - ص 203.

[392] بيانات امام خميني

در جمع اعضاي هیأت دولت - صحیفه نور - جلد 17 - ص 221.

[393] بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه و جماعات - صحیفه نور - جلد 18 - ص 21.

[394] بیانات امام خمینی در جمع استانداران، فرمانداران و بخشداران سراسر کشور - صحیفه نور - جلد 18 - ص 204.

[395] پیام امام خمینی به مناسبت پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی - صحیفه نور - جلد 18 - ص 238.

[396] پیام امام خمینی به مناسبت پنجمین سالگرد جنگ تحمیلی صحیفه نور - جلد 19 - ص 214.

[397] پیام امام به زائران بیت الله الحرام - صحیفه نور - جلد 20 - ص 23.

[398] پیام امام به مناسبت سالگرد کشتار خونین مکه و قبول قطعنامه 598 - صحیفه نور - جلد 20 - ص 240.

[399] پیام امام به مناسبت سالگرد کشتار خونین مکه و قبول قطعنامه 598 - صحیفه نور - جلد 20 - ص 241.

[400] پیام امام خمینی به مهندس بازرگان - صحیفه نور - جلد 8 - ص 275.

[401] لازم است اشاره شود تأکیدات و توجه حضرت امام به رسیدگی به خانواده شهدا و مبارزین، منحصر به تأسیس بنیاد شهید نیست و از نخستین سالهای آغاز مبارزه در دهه 1340 تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی در سال 57، توصیه ها و تأکیدهای مکرری داشته اند که برای اطلاع از آنها می توان به فصول گذشته همین مجموعه رجوع کرد.

[402] فرمان امام خمینی به حجت الاسلام کروی - صحیفه نور - جلد 12 - ص 8-9.

[403] پیام امام خمینی به مناسبت روز پاسدار (رسوم شعبان) صحیفه نور - جلد 12 - ص 183.

[404] فرمان امام خمینی به حجت الاسلام شیخ

مهدي کرويي - صحيفه نور - جلد 13 - ص 215.

[405] بيانات امام خميني در جمع گروهی از مسئولین بنياد شهيد - صحيفه نور - جلد 13 - ص 272.

[406] «قال رسول الله (ص): فوق كل ذي بر حتي يقتل الرجل في سبيل الله فليس فوقه بر» بحارالانوار، ج 71 ص 60، حديث 25.

[407] بيانات امام خميني در جمع گروهی از مسئولین بنياد شهيد - صحيفه نور - جلد 13 - ص 174 - 273.

[408] بيانات امام خميني در جمع اعضاي خانواده هاي شهدا - صحيفه نور - جلد 15 - ص 198.

[409] بيانات امام خميني در جمع گروهی از مسئولین شرکت کننده در سمینار بنياد شهيد - صحيفه نور - جلد 15 - ص 220.

[410] فاجعه دلخراش بمب گذاري در خیابان ناصر خسرو تهران.

[411] پیام امام خميني در به مناسبت فاجعه دلخراش بمب گذاري در خیابان ناصر خسرو - صحيفه نور - جلد 17 - ص 43.

[412] فرمان امام خميني به حجت الاسلام حسن صانعي - صحيفه نور - جلد 18 - ص 40.

[413] بيانات امام خميني در جمع اعضاي جامعه روحانيت مبارز تهران - صحيفه نور - جلد 18 - ص 141.

[414] فرمان امام خميني به آيت الله مهديوي کني - صحيفه نور - جلد 18 - ص 142.

[415] فرمان امام خميني به حجت الاسلام کرويي صحيفه نور - جلد 19 - ص 291.

[416] اشاره به فرزندان شهدا، جانبازان و مفقودان.

[417] پیام امام خميني در پاسخ به پیام فرزندان شهدا، اسرا، مفقودين و جانبازان - صحيفه نور - جلد 19 - ص 296-297.

[418] پیام امام به زائران بيت الله الحرام - صحيفه نور - جلد 20 - ص 123-124.

[419] فرزندان

- [420] پاسخ امام به نامه حجت الاسلام مهدي كرويي - صحيفه نور - جلد 21 - ص 26.
- [421] پاسخ امام به نامه رؤساي سه قوه - صحيفه نور - جلد 21 - ص 37-38.
- [422] پيام امام خميني در مورد وظائف حجاج - صحيفه نور - جلد 9 - ص 177.
- [423] اشاره به جمع معلولين انقلاب.
- [424] پيام امام خميني به مناسبت هفته مصدومين و معلولين - صحيفه نور - جلد 11 - ص 144.
- [425] بيانات امام خميني در جمع معلولين انقلاب اسلامي - صحيفه نور - جلد 11 - ص 212.
- [426] بيانات امام خميني در جمع گروهي از خانواده هاي شهدا - صحيفه نور - جلد 13 - ص 277.
- [427] بيانات امام خميني در جمع گروهي از مردم - صحيفه نور - جلد 14 - ص 46.
- [428] بيانات امام خميني در جمع اعضاي بسيج خميني شهر، دفتر تبليغات قم - صحيفه نور - جلد 15 - ص 32.
- [429] بيانات امام خميني در جمع گروهي از جانبازان انقلاب اسلامي - صحيفه نور - جلد 16 - ص 28-29.
- [430] موافقت امام با پيشنهاد حجت الاسلام حسن صانعي - صحيفه نور - جلد 20 - ص 44.
- [431] پيام امام در تجليل از خانواده هاي معظم شهدا و ايتارگران - صحيفه نور - جلد 21 - ص 32.
- [432] انتصاب آقاي ميرحسين موسوي به سمت مسئول ايجاد تشكيلات و رسيدگي به امور جانبازان - صحيفه نور - جلد 55 - ص 21.
- [433] بيانات امام خميني در جمع مديارن و كاركنان سازمان صدا و سيما - صحيفه نور - جلد 18 - ص 244.
- [434] پيام امام به مناسبت سال نو - صحيفه نور - جلد 20 -

- [435] پیام امام در تجلیل از خانواده های معظم شهدا و ایثارگران - صحیفه نور - جلد 21 - ص 32.
- [436] پیام امام در تجلیل از خانواده های معظم شهدا و ایثارگران - صحیفه نور - جلد 21 - ص 32.
- [437] پاسخ امام به نامه يك اسير در بند رژیم عراق - صحیفه نور - جلد 21 - ص 51.
- [438] بیانات امام خميني در جمع وعاظ و خطبای مذهبی - صحیفه نور - جلد 13 - ص 159.
- [439] بیانات امام خميني در جمع اهالی خرم آباد - صحیفه نور - جلد 13 - ص 234.
- [440] نمایندگان مجلس شورای اسلامی.
- [441] بیانات امام خميني در جمع رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی - صحیفه نور - جلد 14 - ص 133.
- [442] پیام امام خميني به ملت ایران در آستانه سال نو - صحیفه نور - جلد 14 - ص 144.
- [443] بیانات امام خميني در جمع اعضای انجمن های اسلامی معلمان استان مازندران - صحیفه نور - جلد 14 - ص 207.
- [444] بیانات امام خميني در جمع دانشجویان ایرانی در اروپا - صحیفه نور - جلد 15 - ص 91.
- [445] پیام امام خميني به مناسبت هفته بزرگداشت جنگ تحمیلی - صحیفه نور - جلد 15 - ص 159.
- [446] مهندس مصطفی میرسلیم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که در آن تاریخ مسئول بنیاد مهاجرین جنگ تحمیلی بودند.
- [447] بیانات امام خميني در جمع سرپرستان و مسئولین بنیاد مستضعفان - صحیفه نور - جلد 15 - ص 228-230.
- [448] بیانات امام خميني در جمع اعضای شورای اسلامی روستاهای سراسر کشور - صحیفه نور - جلد 17 - ص 70.
- [449] نه خبری آمده نه وحیی نازل

شده است، (يك مصراع از شعري كه يزيد «عليه اللعنه» پس از شهادت امام حسين «ع» خواند).

[450] پيام امام به مناسبت روز انقلاب اسلامي در دهه مبارك فجر - صحيفه نور - جلد 20 - ص 60.

[451] پيام امام به مهاجرين جنگ تحميلي - صحيفه نور - جلد 21 - ص 107-109.

[452] بيانات امام خميني در جمع وعاظ و روحانيون تهران - صحيفه نور - جلد 8 - ص 69.

[453] بيانات امام خميني در جمع كاروانهاي عازم بيت الله الحرام صحيفه نور - جلد 15 - ص 148 - 49.

[454] پيام امام خميني به زائران بيت الله الحرام - صحيفه نور - جلد 18 - ص 87.

[455] بيانات امام خميني در دیدار با رئیس جمهور و روسای مجلس و دیوانعالی کشور و ستاد مشترک ارتش - صحیفه نور - جلد 18 - ص 195.

[456] بيانات امام خميني در دیدار با رئیس جمهور و روسای مجلس و دیوانعالی کشور و ستاد مشترک ارتش - صحیفه نور - جلد 18 - ص 195-196.

[457] بيانات امام خميني در جمع رؤساي جمهوري، مجلس، ديوانعالی کشور و نخست وزير - صحيفه نور - جلد 19 - ص 54.

[458] وصيت نامه سيای - الهي رهبر کبير انقلاب اسلامي - صحيفه نور - جلد 21 - ص 176.

[459] بيانات امام خميني درباره جنايات شاه - صحيفه نور - جلد 2 - ص 59.

[460] نماز عيد فطر سال 1357 ه.ش كه به امامت شهيد دكتور مفتاح در تپه هاي قيظريه تهران اقامه شد و در پي آن راهپيمايي و تظاهرات عظيمي عليه رژيم شاه صورت گرفت.

[461] پيام امام خميني به ملت شريف ايران - صحيفه نور - جلد

- [462] مصاحبه امام خميني با بي.بي.سي صحيفه نور - جلد 4 - ص 22.
- [463] پيام امام خميني به مناسبت شهادت آيت الله مطهري - صحيفه نور - جلد 6 - ص 109.
- [464] بيانات امام خميني در جمع پاسداران انقلاب اسلامي قم - صحيفه نور - جلد 6 ص 155.
- [465] بيانات امام خميني در جمع جامعه ورزشكاران باستاني مشهد - صحيفه نور - جلد 7 - ص 255.
- [466] بيانات امام خميني در جمع كاركنان اداره بهداري - صحيفه نور - جلد 8 - ص 19.
- [467] بيانات امام خميني در جمع خانواده هاي شهيداي پاينگاه هوايي بوشهر - صحيفه نور - جلد 9 - ص 14.
- [468] بيانات امام خميني در ديدار با كميته هاي چهارگانه امداد امام - صحيفه نور - جلد 10 - ص 287.
- [469] بيانات امام خميني در جمع دانش آموزان دبيران الفتح نهاوند - صحيفه نور - جلد 11 - ص 62.
- [470] بيانات امام خميني در جمع كفن پوشان شهرکرد و بابل - صحيفه نور - جلد 11 - ص 163.
- [471] بيانات امام خميني در جمع اعضاي خانواده امام موسي صدر - صحيفه نور - جلد 13 - ص 49.
- [472] بيانات امام خميني در جمع گروهی از طلاب و روحانيون مبارز عراق - صحيفه نور - جلد 13 - ص 118.
- [473] بيانات امام خميني در جمع نخست وزير، اعضا هیأت دولت صحيفه نور - جلد 13 - ص 138.
- [474] بيانات امام خميني در جمع گروهی از دانشجويان مسلمان پيرو خط امام - صحيفه نور - جلد 13 - ص 144.
- [475] مصايب و مشكلات مقابله با دشمن.
- [476] بيانات امام خميني در جمع گروهی از اقشار مردم ميانه

- [477] بیانات امام خمینی در جمع روحانیون تهران - صحیفه نور - جلد 15 - ص 55.
- [478] پیام امام خمینی به مناسبت روز جهانی قدس - صحیفه نور - جلد 15 - ص 75.
- [479] بیانات امام خمینی در جمع اقشار مختلف مردم - صحیفه نور - جلد 15 - ص 114.
- [480] پیام امام خمینی به مناسبت شهادت آیت الله حاج سید عبدالحسین دستغیب - صحیفه نور - جلد 15 - ص 252.
- [481] بیانات امام خمینی در جمع میهمانان خارجی - صحیفه نور - جلد 16 - ص 40.
- [482] بیانات امام خمینی در جمع روحانیون قم و تهران صحیفه نور - جلد 17 - ص 61.
- [483] بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه استان خراسان صحیفه نور - جلد 17 - ص 82.
- [484] بیانات امام خمینی در جمع میهمانان خارجی - صحیفه نور - جلد 17 - ص 194 - 195.
- [485] بیانات امام خمینی در دیدار با سرپرست و اعضای شورای بسیج مستضعفین - صحیفه نور - جلد 19 - ص 139.
- [486] وصیت نامه سیاسی - الهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی - صحیفه نور - جلد 21 - ص 171.
- [487] بیانات امام خمینی در مورد عفو زندانیان سیاسی رژیم شاه - صحیفه نور - جلد 2 - ص 208.
- [488] بیانات امام خمینی در مورد تبلیغات اجانب علیه اسلام و روحانیت صحیفه نور - جلد 3 - ص 8.
- [489] بیانات امام خمینی در مورد اهمیت و نتایج قیام - صحیفه نور - جلد 4 - ص 15.
- [490] قال ابو مخنف عن عقبه بن أبي العيزار: ان الحسين خطب اصحابه و اصحاب الحر بالبيضة

فحمدالله و أثنى عليه. ثم قال: ايها الناس ان رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) قال: من رأي سلطانا جائرا مستحلا لحرم الله، ناكثا لعهدالله، مخالفا لسنة رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم)، يعمل في عبادالله بالاثم و العدوان؛ فلم يغير عليه بفعل و لا قول كان حقا علي الله أن يدخله مدخله. ابو مخنف از ابوالعيزار كرد كه حسين (ع) در منطقه «بيضه» براي همراهان خود و حر خطبه خواند. پس خداوند را شكر گزارد و او را ستود. سپس گفت: اي مردم همانا پيامبر خدا (ص) گفت هر كس سلطان ستمگري را ببيند كه حرامهاي خدا را حلال مي شمرد و پيمان خدا را مي شكند و با سنت پيامبر خدا (ص) مخالفت مي ورزد و با گناه و دشمني در ميان بندگان خدا حكم مي راند؛ پس او را با كردار و گفتار انكار نكند، بر خدا لازم است كه او را به جايي كه آن سلطان را برده است ببرد. تاريخ طبري: ج 4، ص 304.

[491] بيانات امام خميني در مورد تكليف شرعي مسلمين صحيفه نور - جلد 4 - ص 42.

[492] پيام امام خميني به ملت مسلمان ايران - صحيفه نور - جلد 4 - ص 100.

[493] بيانات امام خميني در جمع مردم كرج - صحيفه نور - جلد 7 - ص 31.

[494] بيانات امام خميني در جمع اعضاي هيأت قائميه تهران صحيفه نور - جلد 7 - ص 37.

[495] رضاخان پهلوي و پسرش محمدرضا.

[496] بيانات امام خميني در جمع روحانيون صحيفه نور - جلد 7 - ص 230.

[497] پيام امام خميني به مناسبت روز پاسدار - صحيفه نور -

[498] بیانات امام خمینی در جمع پاسداران و روحانیون تربت حیدریه - صحیفه نور - جلد 8 - ص 12.

[499] پاره ای است از این بیت شعر عبدالله بن زبیری

لعبت هاشم بالملك فلا

خبر جاء ولا وحي نزل

(قبیله ی بنی هاشم با سلطنت بازي کردند. پس نه خبری آمد و نه وحی ای نازل گشت). آمده است که یزید (لعنت خدا بر او باد) آنگاه که اهل بیت عصمت (ع) را در شام بر وی وارد کردند با چوب بر دندانهای سر مطهر اباعبدالله (ع) می زد و این شعر را بر زبان می راند. مع السجوم فی ترجمه نفس المهموم - علامه شعرانی: ص 252.

[500] پیام امام خمینی به مناسبت روز پاسدار - صحیفه نور - جلد 12 - ص 181.

[501] بیانات امام خمینی در جمع وعاظ و خطبای مذهبی - صحیفه نور - جلد 13 - ص 158.

[502] پیام امام خمینی به مناسبت روز پاسدار - صحیفه نور - جلد 16 - ص 175.

[503] بیانات امام در دیدار با پاسداران - صحیفه نور - جلد 17 - ص 255.

[504] ولایت فقیه - ص 11.

[505] بیانات امام خمینی به مناسبت جشن های 2500 ساله - صحیفه نور - جلد 1 - ص 174.

[506] بیانات امام خمینی در مورد عفو زندانیان سیاسی رژیم شاه - صحیفه نور - جلد 2 - ص 208.

[507] در روایات فراوانی ضمن اخبار خداوند به انبیا و نیز در فرمایشات پیامبر اکرم (ص) و ائمه ی اطهار (ع) به شهادت رسیدن امام حسین (ع) مورد اشاره واقع شده است. از جمله در نامه شخص امام حسین (ع) به بنی هاشم آمده است: بسم الله الرحمن الرحيم. من

الحسين بن علي بن أبي طالب الي بني هاشم، أما بعد فانه من لحق بي منكم استشهد و من تخلف لم يبلغ مبلغ الفتح. والسلام (به نام خداوند بخشنده مهربان. از حسين بن علي بن ابي طالب به بني هاشم. اما بعد، پس هر كس به من ملحق شود به شهادت مي رسد و هر كه روي گرداند به پيروزي نخواهد رسيد. والسلام)، اللهوف علي قتل الطفوف، ص 69.

[508] سخنراني امام خميني در مورد ضرورت قيام - صحيفه نور - جلد 3 - ص 182-183.

[509] بيانات امام خميني در مورد اهميت و نتايج قيام - صحيفه نور - جلد 4 - ص 15.

[510] بيانات امام خميني در مورد اهميت و نتايج قيام - صحيفه نور - جلد 4 - ص 19-20.

[511] بيانات امام خميني در جمع روحانيون - صحيفه نور - جلد 7 - ص 230.

[512] بيانات امام خميني در جمع روحانيون - صحيفه نور - جلد 8 ص 48.

[513] بيانات امام خميني در جمع وعاظ و روحانيون تهران - صحيفه نور - جلد 8 - ص 71.

[514] بيانات امام خميني در جمع فرماندهان سپاه پاسداران صحيفه نور - جلد 9 - ص 194.

[515] بيانات امام خميني در جمع علماي غرب تهران - صحيفه نور - جلد 10 - ص 30.

[516] اشاره است به آيه: لقد أرسلنا بالبينات و أنزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط و أنزلنا الحديد فيه بأس شديد و منافع للناس و ليعلم الله من ينصره و رسله بالغيب ان الله قوي عزيز».

ما به تحقيق فرستادگان خود را با نشانه هاي روشن فرستاديم و با آنان كتاب و ترازو فرود آورديم تا مردم داد را پيا

دارند و آهن را فرود آوردیم که در آن قوت کارزار و سودهایی برای مردم هست تا خداوند بداند که او را و فرستادگانش را با ایمان به غیب یاری می کند. به درستی که خداوند توانا و مقتدر است. سوره حدید: آیه 25.

[517] بیانات امام خمینی در جمع کاروانهای حج - صحیفه نور - جلد 15 - ص 148 - 149.

[518] بیانات امام دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت - صحیفه نور - جلد 20 - ص 145.

[519] پیام امام به مناسبت سال نو - صحیفه نور - جلد 20 - ص 191.

[520] قال عقبة بن ابي العيزار: قام حسين (عليه السلام) بذئ حسم فحمدالله و أثني عليه ثم قال: انه قد انزل من الامر ما قد ترون و ان الدنيا قد تغيرت و تنكرت و أدبر معروفها و استمرت حذاء فلم يبق منها الاصابة كصابة الاناء و خسيس عيش كالمرعي الوييل. ألا ترون أن الحق لا يعمل به و أن الباطل لا يتناهي عنه ليرغب المؤمن في لقاء الله محققا فاني لا أري الموت الا سعادة و لا الحياة مع الظالمين الا برما.

عقبة بن ابي العيزار گفت: حسین (ع) در منطقه «ذی حسم» برپای خاست پس خدا را شکر گزارد و او را ستود. سپس گفت: چیزی پیش آمد که می بینید و به درستی که دنیا دگرگون و عوض شده است و نیکیهای آن پشت کرده اند و با شتاب در حال گذر است. پس، از آن جز اندکی آب چو ته مانده ای در ظرفی، و زندگی پستی چون چراگاهی بسیار بد، بجای نمانده است. آیا نمی بینید که حق به کار بسته نمی شود و از باطل بازداري

نمی شود. حقا که مؤمن باید ملاقات با خدا را (به عوض این زندگی) بخواهد. پس برآستی که من مرگ را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز رنجش و انزجار نمی بینم.

تحف العقول، ص 249.

[521] پیام امام به مناسبت سال نو - صحیفه نور - جلد 20 - ص 189.

[522] پیام امام به مناسبت سال نو - صحیفه نور - جلد 20 - ص 190.

[523] ولایت فقیه - ص 161.

[524] تاریخ طبری: ج 4، ص 308.

[525] بیانات امام خمینی در جمع اعضای ستاد مرکزی جهاد سازندگی - صحیفه نور - جلد 9 - ص 24.

[526] ابو ثمامه صائدی چون دید اصحاب امام حسین (ع) یکی پس از دیگری به شهادت می رسند به ایشان گفت: ای اباعبدالله، جانم به فدایت، می بینم که اینان به شما نزدیک شده اند و به خداوند سوگند / نه، کشته نخواهی شد مگر آنکه پیش از تو کشته شوم (ان شاء الله). و دوست دارم در حالی پروردگارم را ببینم که این نمازی را که هنگامش رسیده است خوانده باشم. راوی می گوید: پس حسین (ع) سربلند نمود و فرمود: ذکر الصلاة جعلك الله من المصلين الذاکرين. نعم هذا اول وقتيها. ثم قال: سلهم أن يكفوا عنا حتي نصلي.

(نماز را به یادآوری؛ خداوند تو را از جمله نمازگزاران ذاکر قرار دهد. آری این اول وقت نماز است. سپس فرمود: از آن لشکریان بخواهید دست نگه دارند تا نماز بخوانیم.) تاریخ طبری، ج 4، ص 334.

[527] بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان و اساتید - صحیفه نور - جلد 12 - ص 148.

[528] بیانات امام خمینی در جمع روحانیون تهران - صحیفه نور - جلد

[529] پیام امام خمینی به مناسبت شهادت جمعی از فرماندهان نظامی - صحیفه نور - جلد 15 - ص 171.

[530] قال علي بن الحسين (ع) ولما اشتد الامر بالحسين علي بن ابي طالب نظر اليه من كان معه فاذا هو بخلافهم لانهم كلما اشتد الامر ألوانهم وارتعدت فرائصهم ووجلت قلوبهم وكان الحسين (عليه السلام) وبعض من معه من خصائصه تشرق ألوانهم و تهدي جوارحهم و تسكن نفوسهم.

(حضرت سجاد (ع) فرمود: چون کار بر حسین بن علی بن ابی طالب دشوار شد، همراهانش به او نگرستند و ناگاه دریافتند که او بر حالی دیگر است. زیرا هرچه کار دشوارتر می شد و رنگ آنان دگرگون می گشت و اندامشان می لرزید و ترس دلهاشان را فرامی گرفت. در حالی که روی حسین (علیه السلام) و برخی نزدیکانش می درخشید و اندامشان آرام می گشت و دلهاشان قرار می گرفت.) بحارالانوار: ج 44، ص 297.

[531] بیانات امام خمینی در جمع گروهی از کارگران سراسر کشور - صحیفه نور - جلد 17 - ص 239.

[532] بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی - صحیفه نور - جلد 19 - ص 13.

[533] فجاءه النبي و هو في منامه فأخذ الحسين و ضمه الي صدره و جعل يقبل بين عينيه و يقول: بأبي أنت كأني أراك مرملاً بدمك بين عصابة من هذه الامة يرجون شفاعتي مالهم عندالله من خلاق. يا بني انك قادم علي أبيك و امك و أخيك و هم مشتاقون إليك و أن في الجنة درجات لا تتأهلها الا بالشهادة:

... پس پیامبر نزد وی آمد - و او در خواب بود - حسین را گرفت و بر

سینه خود نهاد و میان دو چشم او بوسه داد و فرمود: پدرم فدای تو باد. چنان است که می بینم گروهی از این امت که به شفاعت من امید بسته اند در خونت بغلطانند. گروهی که نزد خدا بهره ای از شفاعت ندارند فرزندانم تو بر پدر و مادر و برادرت وارد گردی در حالی که آنها مشتاق اند به دیدار تو. به تحقیق تو را در بهشت درجاتی است که بدان نرسی مگر به شهادت. (امام این رؤیا را هنگام خروج از مدینه در کنار قبر پیامبر مشاهده فرموده بود) بحار الانوار، ج 44، ص 313 / باب 37.

[534] چهل حدیث - ص 210.

[535] پیام امام خمینی به ملت مسلمان ایران - صحیفه نور - جلد 4 - ص 100.

[536] بیانات امام خمینی در جمع گروهی از معلمان کشور - صحیفه نور - جلد 5 - ص 61.

[537] بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت قائمیه تهران - صحیفه نور - جلد 7 - ص 36.

[538] بیانات امام خمینی در جمع پزشکان - صحیفه نور - جلد 7 - ص 109.

[539] بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و طلاب حوزه علمیه قم - صحیفه نور - جلد 7 - ص 230.

[540] پیام امام خمینی به مناسبت روز پاسدار صحیفه نور - جلد 7 - ص 236.

[541] بیانات امام خمینی در دیدار با اعضای هیأت‌های بحرینی - صحیفه نور - جلد 251 - 7.

[542] بیانات امام خمینی در جمع پاسداران و روحانیون تربت حیدریه - صحیفه نور - جلد 8 - ص 12.

[543] بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و پاسداران انقلاب اسلامی ارومیه - صحیفه نور - جلد

[544] بیانات امام خمینی در جمع وعاظ و روحانیون تهران صحیفه نور - جلد 8 - ص 70.

[545] بیانات امام خمینی در جمع اعضای ستاد مرکزی جهاد سازندگی و نماینده امام در این نهاد - صحیفه نور - جلد 9 - ص 22.

[546] بیانات امام خمینی در جمع علمای غرب تهران - صحیفه نور - جلد 10 - ص 30.

[547] بیانات امام خمینی در دیدار با جمعی از روحانیون - صحیفه نور - جلد 10 - ص 216.

[548] بیانات امام خمینی در دیدار با پرسنل نیروی هوایی - صحیفه نور - جلد 11 - ص 150.

[549] بیانات امام خمینی در جمع روحانیون ارومیه - صحیفه نور - جلد 11 - ص 153.

[550] بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان دانشکده افسری - صحیفه نور - جلد 12 - ص 161.

[551] روی سعید بن راشد عن یعلی بن مرة قال و سمعت رسول الله (صلي الله عليه و اله) يقول: حسين مني و أنا من حسين. أحب الله من أحب حسيناً. حسين سبط من الأسباط.

سعید بن راشد از یعلی بن مرة روایت کرد که گفت: از پیامبر خدا (ص) شنیدیم که می فرمود: حسین از من است و من از حسین. خداوند دوست دارد هر آنکه حسین را دوست داشته است. حسین یکی از اسباط است.

ارشاد - شیخ مفید: ص 233.

[552] پاره ای است از این بیت شعر عبدالله بن زبیری

لعبت هاشم بالملك فلا

خبر جاء و لا وحي نزل

(قبیله بنی هاشم با سلطنت بازی کردند. پس نه خبری آمد و نه وحی ای نازل گشت). آمده است که یزید (لعنت خدا بر او باد) آنگاه که اهل بیت عصمت

(ع) را در شام بر وی وارد کردند با چوب بر دندانهای سر مطهر اباعبدالله (ع) می زد و این شعر را بر زبان می راند. مع السجوم في ترجمة نفس المهموم - علامه شعرانی: ص 252.

- [553] بیانات امام خمینی در جمع وعاظ و خطبای مذهبی - صحیفه نور - جلد 13 - ص 158.
- [554] پیام امام خمینی به مناسبت سالروز قیام پانزده خرداد صحیفه نور - جلد 14 - ص 263.
- [555] پیام امام خمینی به مناسبت روز پاسدار - صحیفه نور - جلد 14 - ص 265.
- [556] بیانات امام خمینی در جمع اقشار مختلف مردم - صحیفه نور - جلد 15 - ص 114.
- [557] بیانات امام خمینی در جمع رزمندگان ارتش - صحیفه نور - جلد 16 - ص 68.
- [558] پیام امام خمینی به مناسبت سالروز 15 خرداد صحیفه نور - جلد 16 - ص 179.
- [559] بیانات امام خمینی در جمع روحانیون قم و تهران - صحیفه نور - جلد 17 - ص 58.
- [560] بیانات امام خمینی در جمع روحانیون قم و تهران - صحیفه نور - جلد 17 - ص 60.
- [561] بیانات امام خمینی در جمع اعضای جامعه روحانیت مبارز تهران - صحیفه نور - جلد 18 - ص 140.
- [562] بیانات امام خمینی در مورد وظایف عموم مسلمین - صحیفه نور - جلد 1 - ص 38.
- [563] پیام امام خمینی به ملت ایران - صحیفه نور - جلد 2 - ص 11.
- [564] بیانات امام خمینی در مورد چهارم آبان - صحیفه نور - جلد 2 - ص 218.
- [565] پیام امام خمینی به ملت شجاع ایران - صحیفه نور - جلد 3 - ص 225.
- [566] بیانات

امام خميني در ميان جمعي از روحانيون - صحيفه نور - جلد 5 - ص 16.

[567] بيانات امام خميني در ديدار با اعضا كميته هاي چهارده گانه انقلاب اسلامي - صحيفه نور - جلد 6 - ص 36.

[568] پيام امام خميني به ملت ايران صحيفه نور - جلد 9 - ص 57.

[569] بيانات امام خميني در جمع اعضاي هيأت فاطميون تهران صحيفه نور - جلد 9 - ص 202.

[570] بيانات امام خميني در جمع علماي غرب تهران صحيفه نور - جلد 10 - ص 31.

[571] پاسخ امام خميني به پيام فرماندهان نظامي - صحيفه نور - جلد 16 - ص 99.

[572] منظور فاجعه شوم عاشورا است.

[573] پيام امام خميني به مناسبت سالرزو 15 خرداد صحيفه نور - جلد 16 - ص 179.

[574] بيانات امام خميني در جمع ائمه جمعه - صحيفه نور - جلد 17 - ص 54.

[575] بيانات امام خميني در جمع روحانيون قم و تهران صحيفه نور - جلد 17 - ص 58.

[576] ر.ك. اللهوف علي قتل الطفوف - سيد بن طاوس: ص 181 همچنين با اندكي تفاوت در احتجاج - ابومنصور طبرسي؛ ج 2، ص 36 - 34.

[577] ر.ك. كامل بهايي - عمادالدين طبري: 300 و 301.

[578] مصيبتهاي ديگر در کنار آن كوچك اند.

[579] بيانات امام خميني در جمع روحانيون قم و تهران صحيفه نور - جلد 17 - ص 59-60.

[580] بيانات امام خميني در جمع روحانيون قم و تهران - صحيفه نور - جلد 17 - ص 62.

[581] بيانات امام خميني در ديدار با وزير، فرماندهان و اعضاي شوراي عالي سپاه - صحيفه نور - جلد 17 - ص 255.

[582] بيانات امام خميني در ديدار با

وزیر صنایع سنگین و کارکنان آن وزارتخانه صحیفه نور - جلد 18 - ص 148.

[583] بیستم فروردین سال 1343.

[584] بیانات امام خمینی در مورد لزوم اهتمام به امر تبلیغات و حفظ وحدت صحیفه نور - جلد 1 - ص 66.

[585] بیانات امام خمینی پس از آزادی از زندان صحیفه نور - جلد 1 - ص 67.

[586] بیانات امام خمینی پس از آزادی از زندان صحیفه نور - جلد 1 - ص 69.

[587] اعلامیه مشترک حضرات آیات عظام امام خمینی، میلانی، نجفی مرعشی و طباطبائی قمی صحیفه نور - جلد 1 - ص 83.

[588] اعلامیه مشترک حضرات آیات عظام امام خمینی، میلانی، مرعشی نجفی و طباطبائی قمی صحیفه نور - جلد 1 - ص 84.

[589] اعلامیه مشترک حضرات آیات عظام امام خمینی، میلانی، مرعشی نجفی و طباطبائی قمی - صحیفه نور - جلد 1 - ص 84.

[590] پیام امام خمینی به ملت ایران صحیفه نور - جلد 11-12 - 2.

[591] بیانات امام خمینی به مناسبت سالروز 15 خرداد صحیفه نور - جلد 66-67 - 2.

[592] بیانات امام خمینی به مناسبت سالروز 15 خرداد - صحیفه نور - جلد 2 - ص 70.

[593] مدرسه فیضیه قم.

[594] بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای سپاه پاسداران - صحیفه نور - جلد 5 - ص 140.

[595] بیانات امام خمینی در قبرستان بقیع قم - صحیفه نور - جلد 5 - ص 184.

[596] بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت بازرگانان ایرانی صحیفه نور - جلد 6 - ص 172.

[597] پیام امام خمینی به مناسبت سالگرد 15 خرداد - صحیفه نور - جلد 7 - ص 50.

[598] بیانات امام

خميني به مناسبت سالگرد 15 خرداد - صحيفه نور - جلد 7 - ص 53.

- [599] بيانات امام خميني در جمع شوراي صدا و سيما - صحيفه نور - جلد 16 - ص 10.
- [600] بيانات امام خميني به مناسبت رسيدن 15 خرداد - صحيفه نور - جلد 12 - ص 153.
- [601] بيانات امام خميني در جمع دانشجويان مراكز تربيت معلم - صحيفه نور - جلد 13 - ص 263.
- [602] بيانات امام خميني در جمع اعضاي شوراي مركزي حزب جمهوري اسلامي - صحيفه نور - جلد 15 - ص 138.
- [603] عصر عاشوراي سال 1383 ه.ق.
- [604] پيام امام خميني به مناسبت سالروز 15 خرداد - صحيفه نور - جلد 16 - ص 179.
- [605] پيام امام خميني به مناسبت سالروز 15 خرداد صحيفه نور - جلد 181-182-16.
- [606] بيانات امام خميني در جمع گروهی از روحانيون صحيفه نور - جلد 209 - ص 16.
- [607] بيانات امام خميني در دیدار با نمايندگان مجلس - صحيفه نور - جلد 17 - ص 272.
- [608] سوره النازعات / 24.
- [609] پيام امام خميني به مناسبت سالگرد قيام 15 خرداد صحيفه نور - جلد 18 - ص 11-12.
- [610] پيام امام به مناسبت سالگرد قيام 15 خرداد صحيفه نور - جلد 19 - ص 165.
- [611] پيام امام به زائران بيت الله الحرام - صحيفه نور - جلد 20 - ص 116.
- [612] پيام امام خطاب به مراجع اسلام و روحانيون سراسر کشور - صحيفه نور - جلد 21 - ص 89.
- [613] پيام امام خطاب به مراجع اسلام و روحانيون سراسر کشور - صحيفه نور - جلد 21 - ص 92.
- [614] اشاره به وقایع 17 شهريور.
- [615] پيام امام خميني

به ملت شریف ایران - صحیفه نور - جلد 2 - ص 100.

[616] سوره بقره / 158.

[617] اشاره به مروح آیت الله مصطفی خمینی فرزند ارشد امام که در تاریخ 1 / 8 / 1356 با مرگ مشکوک از دنیا رفت و فوت ایشان مبدأ جدیدی در نهضت اسلامی ایران گشود.

[618] پیام امام خمینی به ملت ایران - صحیفه نور - جلد 2 - ص 102.

[619] پیام امام خمینی به ملت ایران - صحیفه نور - جلد 9 - ص 57.

[620] بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت دولت و نخست وزیر - صحیفه نور - جلد 15 - ص 128.

[621] پیام امام خمینی به مناسبت سومین سالروز یوم الله 17 شهریور - صحیفه نور - جلد 15 - ص 135.

[622] پیام امام خمینی به مناسبت سومین سالروز یوم الله 17 شهریور - صحیفه نور - جلد 15 - ص 135.

[623] پیام امام خمینی به مناسبت سالگرد 17 شهریور - صحیفه نور - جلد 17 - ص 11.

[624] پیام امام خمینی به مناسبت سالگرد 17 شهریور - صحیفه نور - جلد 17 - ص 12.

[625] اشاره به شهید مظلوم مرحوم آیه الله دکتر بهشتی.

[626] بیانات امام خمینی در جمع اقشار مختلف مردم - صحیفه نور - جلد 15 - ص 48.

[627] زیارت اهل قبور، مفاتیح الجنان.

[628] بیانات امام خمینی در جمع اقشار مختلف مردم صحیفه نور - جلد 15 - ص 44.

[629] اشاره به روز وقوع حادثه هفتم تیر.

[630] تلگرام امام خمینی به آیت الله منتظری - صحیفه نور - جلد 42 - ص 15.

[631] غذا می خورند مانند غذا خوردن چهارپایان. محمد / 12.

[632] سوره فتح / 12.

[633] پیام امام خمینی

به مناسبت شهادت 72 شهید بزرگ انقلاب اسلامی - صحیفه نور - جلد 15 - ص 51-52.

[634] بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی - صحیفه نور - جلد 15 - ص 138.

[635] حزب جمهوری اسلامی.

[636] بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی - صحیفه نور - جلد 15 - ص 139.

[637] پیام امام خمینی به مناسبت سالروز فاجعه 7 تیر - صحیفه نور - جلد 16 - ص 217.

[638] اشاره به گروهک منافقین.

[639] پیام امام خمینی به مناسبت سالروز فاجعه 7 تیر - صحیفه نور - جلد 16 - ص 216 - 217.

[640] محمد علی رجایی.

[641] بیانات امام در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری حجت الاسلام و المسلمین سید علی خامنه ای صحیفه نور - جلد 15 - ص 179.

[642] بیانات امام خمینی در دیدار با نخست وزیر و اعضای هیأت دولت جمهوری اسلامی - صحیفه نور - جلد 16 - ص 265.

[643] بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس جمهور، نخست وزیر و اعضای هیأت دولت - صحیفه نور - جلد 18 - ص 82.

[644] سوره بقره / 156.

[645] منظور از حکومت کردن، حکم دادن و قضاوت کردن است.

[646] «عباس آقا صراف» تفنگ ساز تبریزی از میلیون ایرانی که در تاریخ 21 رجب سال 1325 ه. ق میرزا علی اصغر خان امین السلطان، صدر اعظم محمد علی شاه قاجار را در حالی که از مجلس شورای ملی خارج می شد به قتل رسانید و سپس خود را کشت.

[647] بیانات امام خمینی در جمع اقشار مختلف مردم - صحیفه نور - جلد 15 - ص 112-116.

[648] شهید مهدی عراقی عضو هیأت‌های مؤتلفه اسلامی که

پس از ترور حسنعلی منصور نخست وزیر شاه در سال 1343 دستگیر شد. وی پس از سالها مبارزه و تلاش در راه برقراری حکومت اسلامی در حالیکه چند ماهی بیشتر از پیروزی انقلاب و تحقق جمهوری اسلامی ایران نگذاشته بود در شهریور ماه 1358 توسط گروهک فرقان ترور شد.

[649] (یوسف / 53).

[650] بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس جمهور نخست وزیر و هیأت دولت - صحیفه نور - جلد 20 - ص 35 - 36.

[651] (حج / 58).

[652] (آل عمران / 86).

[653] پیام امام به حجت الاسلام کروی دربارہ ی فاجعه خونین مکه - صحیفه نور - جلد 20 - ص 134 - 137.

[654] (فتح / 27).

[655] (حج / 27).

[656] پیام امام به مناسبت سالگرد کشتار خونین مکه و قبول قطعنامه 598 - صحیفه نور - جلد 20 - ص 227-228.

[657] پیام امام به مناسبت سالگرد کشتار خونین مکه و قبول قطعنامه 598 - صحیفه نور - جلد 20 - ص 231.

[658] پیام امام به مناسبت سالگرد کشتار خونین مکه و قبول قطعنامه 598 - صحیفه نور - جلد 20 ص 233-34.

[659] بیانات امام خمینی در مورد طرح اسارت بار احیای کاپیتولاسیون - صحیفه نور - جلد 1 - ص 106-107.

[660] محمدتقی بهار، ملقب به ملک الشعراء (1330 - 1266 ه.ق) شاعر بزرگ ایرانی که از یاران سید حسن مدرس بود. وی چندین دوره به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد.

[661] بیانات امام خمینی پس از فاجعه کشتار نوزدهم دی - صحیفه نور - جلد 1 - ص 268.

[662] سخنرانی امام خمینی در غفلت ها و اشتباهات علماء و رجال سیاسی در طول سلطنت پهلوی - صحیفه نور - جلد 3

[663] بیانات امام خمینی پیرامون افشای جنایات شاه صحیفه نور - جلد 4 - ص 255.

[664] اشاره به تمثال مرحوم مدرس.

[665] بیانات امام خمینی در جمع کارگران صحیفه نور - جلد 6 - ص 171.

[666] بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان دانشکده حقوق - صحیفه نور - جلد 6 - ص 231.

[667] بیانات امام خمینی در جمع گروه دانشجویان - صحیفه نور - جلد 7 - ص 63.

[668] بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان - صحیفه نور - جلد 7 - ص 104.

[669] بیانات امام خمینی در جمع اعضای سمینار آموزشی انجمن اسلامی معلمان - صحیفه نور - جلد 8 - ص 241.

[670] بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان و اساتید - صحیفه نور - جلد 12 - ص 145-146.

[671] کیخسرو شاهرخ از زرتشتی های کرمان که یازده دوره متوالی نماینده اقلیت زرتشتی در مجلس شورای ملی بود او مردی مدیر، مجرب، متین و فاضل بود که تألیفاتی هم دارد. وی در سال 1319 ه ش. توسط ایادی رضاشاه به قتل رسید.

[672] بیانات امام خمینی در جمع اعضای دفتر تحکیم وحدت حوزه - دانشگاه - صحیفه نور - جلد 13 - ص 209.

[673] بیانات امام خمینی در دیدار با نخست وزیر و اعضای هیأت دولت - صحیفه نور - جلد 16 - ص 268 - 269.

[674] پیام امام خمینی به مناسبت پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی - صحیفه نور - جلد 18 - ص 231.

[675] حکم امام خمینی به حجت الاسلام حاج شیخ عباس طبرسی - صحیفه نور - جلد 19 - ص 66.

[676] تأیید امام خمینی در مورد چاپ عکس آیت الله مدرس

روي اسكناس يكصدر يالي - صحيفه نور - جلد 19 - ص 246.

[677] تلگراف امام خميني در پاسخ به تسليت نامه فضلا در مورد شهادت حجت الاسلام سعیدی - صحيفه نور - جلد 1 - ص 154.

[678] سوره نساء 75.

[679] پیام امام خميني به مناسبت شهادت آیت الله مطهري - صحيفه نور - جلد 6 - ص 109-110.

[680] اشاره به گروهك فرقان.

[681] اشاره به استاد شهيد مطهري.

[682] بیانات امام خميني در مراسم بزرگداشت مقام استاد شهيد مرتضی مطهري - صحيفه نور - جلد 6 - ص 111-112.

[683] بیانات امام خميني در جمع پاسداران انقلاب اسلامي صحيفه نور - جلد 6 ص 113.

[684] ص 59، پاورقي 1.

[685] بیانات امام خميني در جمع اعضاي بازرگانان ايراني - صحيفه نور - جلد 6 - ص 176.

[686] پیام امام خمين به مناسبت سالگرد شهادت استاد مطهري - صحيفه نور - جلد 12 - ص 51.

[687] بیانات امام خميني در جمع اعضاي انجمن هاي اسلامي معلمان صحيفه نور - جلد 14 - ص 208.

[688] ص 270، پاورقي 1.

[689] بیانات امام خميني در جمع اعضاي خانواده شهيد عراقي - صحيفه نور - جلد 8 - ص 279.

[690] بیانات امام خميني در دیدار با رئيس جمهور، نخست وزير و اعضاي هیأت دولت - صحيفه نور - جلد 18 - ص 82.

[691] دیدار با رئيس نخست وزير و هیأت دولت - صحيفه نور - جلد 20 - ص 36.

[692] بیانات امام خميني به مناسبت شهادت آیت الله قاضي طباطبائي صحيفه نور - جلد 10 - ص 110.

[693] بیانات امام خميني در جمع گروهی از زندانيان سياسي رژيم گذشته - صحيفه نور - جلد 10 - ص 111.

[694] اشاره به اقدامات گروهکها

[695] بیانات امام خمینی در جمع ورزشکاران - صحیفه نور - جلد 10 - ص 119.

[696] (بقره / 171).

[697] پیام امام خمینی به مناسبت شهادت دکتر مفتاح - صحیفه نور - جلد 11 - ص 39.

[698] بیانات امام خمینی در جمع فارغ التحصیلان و فرمانده آموزشگاه افسری ژاندارمری - صحیفه نور - جلد 15 - ص 266.

[699] پیام امام خمینی به مناسبت شهادت آیت الله سید محمدباقر صدر - صحیفه نور - جلد 12 - ص 56-57.

[700] بیانات امام خمینی در جمع گروهی از برادران و خواهران معاود عراقی - صحیفه نور - جلد 14 - ص 174 و 177.

[701] اشاره است به شهید محمد حسین فهمیده جوان سیزده ساله ای که از همان روزهای آغاز حمله صدام به ایران اسلامی ندای امام خمینی را لبیک گفت و علی رغم سن کم با اصرار و شگردهای متعهدانه اش در دفاع از خرمشهر شرکت نمود و در شرایطی که دشمن سرمست پیشرویهایی اولیه، برای تصرف خرمشهر با تانکها هجوم آورده بود، وی با شهادت اعجاب انگیز خود نارنجک به کمر بست و خود را زیر چرخهای تانک دشمن انداخت. این حادثه که در مهرماه 1359 اتفاق افتاد به عنوان سمبل ایمان، رشادت و روحیه شهادت طلبی سپاهیان اسلام در برابر کافران بعثی در تاریخ جنگ تحمیلی ثبت گردید. اضافه می شود که خانواده این شهید که اهل قریه سراجیه قم می باشند در زمان شروع جنگ تحمیلی در شهرستان کرج ساکن بودند و این شهید عزیز به سرعت خود را از کرج به خطوط جبهه در حوالی خرمشهر رساند. این خانواده متدین توفیق آن را داشت که پس از شهادت حسین، فرزند دیگرشان داود را نیز

روانه جبهه نمایند و افتخار تقدیم دو شهید را نصیب خود فرمایند.

[702] پیام امام خمینی به مناسبت دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی - صحیفه نور - جلد 14 - ص 60.

[703] دکتر مصطفی چمران، معاون نخست وزیر و وزیر دفاع دولت موقت و نماینده ی امام در شورای عالی دفاع بود که در تاریخ 31 خرداد 1360 در منطقه جنوب (دهکده دهلاویه) توسط نیروهای بعثی به شهادت رسید.

[704] پیام امام خمینی به مناسبت شهادت دکتر چمران صحیفه نور - جلد 15 - ص 26.

[705] خطاب به بعضی مسلمانان کج اندیش.

[706] بیانات امام خمینی در جمع اعضای بسیج - صحیفه نور - جلد 15 - ص 32.

[707] پیام امام خمینی به مناسبت شهادت حجت الاسلام قدوسی و سرهنگ وحید دستگردی - صحیفه نور - جلد 15 - ص 122.

[708] اشاره به گروهک منافقین.

[709] بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی - صحیفه نور - جلد 15 - ص 139.

[710] بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده شهید قدوسی - صحیفه نور - جلد 18 - ص 96.

[711] پیام امام خمینی به مناسبت شهادت آیت الله مدنی صحیفه نور - جلد 15 - ص 153-54.

[712] بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان شورای اسلامی روستایی - صحیفه نور - جلد 15 - ص 167-168.

[713] در تاریخ 60/7/7 یک فروند هواپیمای C-031 ارتش جمهوری اسلامی ایران که حامل عده ای از فرماندهان، مجروحان و شهدای جنگ تحمیلی بود دچار سانحه شد و در منطقه کهریزک سقوط نمود.

[714] پیام امام خمینی به مناسبت شهادت جمعی از فرماندهان نظامی در سانحه هوایی - صحیفه نور

- جلد 15 ص 171-172.

[715] پیام امام خمینی به مناسبت شهادت آیت الله دستغیب - صحیفه نور - جلد 15 - ص 252-253.

[716] بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه استان سمنان صحیفه نور - جلد 15 - ص 255-256.

[717] پیام امام خمینی به مناسبت شهادت آیت الله صدوقی صحیفه نور - جلد 16 - ص 219-220.

[718] بیانات امام خمینی در دیدار با آیت الله زاده صدوقی و مسئولان نهادها صحیفه نور - جلد 17 - ص 38.

[719] (احزاب / 23).

[720] پیام امام خمینی به مناسبت چهارمین شهید محراب «آیت الله اشرفی اصفهانی» صحیفه نور - جلد 17 - ص 56-57.

[721] حضرت آیت الله العظمی آقاي مرعشی نجفی.

[722] و بدون وقفه تأیید می شود این دین به وسیله ی مردی فاسق و نابکار.

[723] پیام امام خمینی به مناسبت مرعشی نجفی - صحیفه نور - جلد 17 ص 66.

[724] پیام امام خمینی به مناسبت شهادت شش تن از اعضای خانواده آیت الله العظمی حکیم صحیفه نور - جلد 18 - ص 23-24.

[725] پیام امام خمینی به مناسبت شهادت 10 تن از بیت آیت الله حکیم - صحیفه نور - جلد 19 - ص 115-116.

[726] پیام امام خمینی به مناسبت شهادت حجت الاسلام مهدی شاه آبادی - صحیفه نور - جلد 18 - ص 267.

[727] پیام امام خمینی به مناسبت شهادت حجت الاسلام محلاتی - صحیفه نور - جلد 19 - ص 277.

[728] حکم امام به حجت الاسلام والمسلمین عبدالله نوری - صحیفه نور - جلد 21 - ص 104.

[729] (سوره فجر / 28).

[730] پیام امام خمینی خطاب به علما و مردم پاکستان صحیفه نور - جلد 21 - ص 7-9.

[731] ترجمه تحریرالوسیله - جلد 1 ص 111.

[732] ترجمه تحریرالوسیله -

جلد 1 - ص 117.

[733] استفتائات جلد 1 ص 50.

[734] استفتائات جلد 1 ص 83.

[735] استفتائات جلد 1 ص 82.

[736] استفتائات جلد 1 ص 80.

[737] استفتائات جلد 1 ص 80.

[738] استفتائات جلد 1 ص 81.

[739] استفتائات جلد 1 ص 505.

[740] استفتائات جلد 1 ص 78-79.

[741] استفتائات جلد 1 ص 79.

[742] استفتائات جلد 1 ص 79-80.

[743] استفتائات جلد 1 ص 83.

[744] استفتائات جلد 1 ص 505.

[745] استفتائات جلد 1 ص 83.

[746] استفتائات جلد 1 ص 82.

[747] استفتائات جلد 1 ص 82.

[748] استفتائات جلد 1 ص 519.

[749] ترجمه تحریر الوسیله جلد 1 - ص 167.

[750] ترجمه تحریر الوسیله جلد 1 - ص 169.

[751] استفتائات جلد 1 ص 83.

[752] استفتائات جلد 1 ص 87.

[753] استفتائات جلد 1 ص 410-411.

[754] استفتائات جلد 1 ص 518.

[755] استفتائات جلد 1 ص 506.

[756] استفتائات جلد 1 ص 506.

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

